



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تفسیر قرآن مہر

ڈاکٹر طارق محمد علی رحمانی، اصفہانی، جامعہ اسلامیہ، لاہور

ویسٹہ جوانان



جلد ۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم
۸	مشخصات کتاب
۸	یادآوری
۹	درآمد
۹	بخش اول: سوره‌ی مؤمنون
۹	اشاره
۹	اول: سیمای سوره‌ی مؤمنون
۱۰	اشاره
۱۰	شمارگان
۱۰	نزول
۱۰	نام‌ها
۱۰	فضایل
۱۰	اهداف
۱۰	مطالب
۱۱	دوم: محتوای سوره‌ی مؤمنون
۱۱	ویژگی‌های برجسته مومنان
۱۳	مراحل آفرینش جنینی و اعجاز علمی قرآن
۱۶	سرگذشت نوح (ع) و فراخوان توحیدی او
۲۴	مسابقه در نیکی‌ها
۳۲	برزخ چیست؟
۳۶	بخش دوم: سوره‌ی نور
۳۶	اشاره

۳۶	اول: سیمای سوره‌ی نور
۳۶	اشاره
۳۶	شمارگان
۳۶	نزول
۳۷	نام‌ها
۳۷	فضایل
۳۷	اهداف
۳۷	مطالب
۳۷	دوم: محتوای سوره‌ی نور
۳۷	اشاره
۳۸	مجازات‌های اسلامی
۴۲	ماجرای تهمت بزرگ
۵۰	بهداشت جنسی و مقررات آن
۵۵	آیه نور
۵۷	مثال‌های زیبا
۵۹	نشانه‌های خدا
۶۳	پیروزی نهایی شایستگان
۶۸	مومنان و رهبر اسلام
۷۱	بخش سوم: سوره‌ی فرقان
۷۱	اشاره
۷۱	اول: سیمای سوره‌ی فرقان
۷۱	اشاره
۷۱	شمارگان
۷۱	نزول

۷۱	فضایل
۷۲	اهداف
۷۲	مطالب
۷۲	دوم: محتوای سوره‌ی فرقان
۷۲	قرآن جداکننده حق از باطل
۷۳	دلایل بطلان شرک
۷۷	مقایسه با دوزخ با بهشت
۸۳	شکوه پیامبر (ص) از امت خویش در مورد قرآن
۸۵	سرگذشت‌های عبرت آموز
۸۹	نشانه‌های خدا
۹۳	اهداف رسالت پیامبر (ص)
۹۵	(جدید ۸)
۱۰۱	منابع
۱۰۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی اصفهانی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: ریال ج ۱۴ یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس جلد هجدهم □ ۱۳۸۸. یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: *The mehr commentary on the holy Quran*. یادداشت: ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷ □ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت: عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۱۴: سوره‌های مؤمنون و نور و فرقان. عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP۹۸/۶۶ ۱۳۰۰ ای رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق کنندگان و حامیان: حجج اسلام قمی، دکتر کلانتری، دکتر علی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن - روانی - عقلی - اجتهادی - علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷ بسم الله الرحمن الرحيم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين «۱» وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲»؛ و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجة ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن پژوه و مفسر سترگ حضرت آیه الله محمد هادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظر علمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلالی محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰ بخشی از این اثر را آور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجة الاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصرالله سلیمانی، نعمت الله صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی و یدالله رضائزاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین قم - ۱۳۸۷ / ۷ / ۲۱ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱

بخش اول: سوره‌ی مؤمنون

اشاره

آیات آفاقی و انفسی خدا هشدار در مورد معاد سرگذشت عبرت‌آموز مردان الهی صفات برجسته‌ی مؤمنان تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳

اول: سیمای سوره‌ی مؤمنون

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی مؤمنون دارای ۱۱۸ آیه، ۱۸۴۰ کلمه و ۴۸۰۲ حرف است.

نزول

این سوره در مکه، پس از سوره‌ی انبیاء و قبل از سوره‌ی فُصِّلَتْ، بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و هفتاد و سومین سوره در ترتیب نزول و بیست و سومین سوره در چینش کنونی قرآن کریم است.

نام‌ها

تنها نام این سوره «مؤمنون» است. سبب نام‌گذاری آن یازده آیه‌ی ابتدای این سوره است که اوصاف و آثار و نشانه‌های مؤمنان را بیان کرده است.

فضایل

فضایل: در مورد فضیلت این سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی مؤمنون را بخواند و در هر جمعه آن را ادامه دهد، خدا پایان زندگی او را سعادت و جایگاه او را بهشت برین، و وی را همراه پیامبران و فرستادگان قرار می‌دهد. «۱» تذکر: روشن است که این ثواب‌ها و جایگاه برای کسی است که این سوره را بخواند و شرایط لازم دیگر، مثل پیروی آیات و عمل به دستوراتش را فراهم کند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴

اهداف

اهداف: ۱. جلب توجه به مبدأ هستی؛ ۲. جلب توجه به معاد؛ ۳. بیان صفات مؤمنان.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. بیان نشانه‌های خدانشناسی در آیات آفاقی و انفسی (جهان بیرون و درون انسان) (در آیات ۱۲-۲۳ و ۷۷ به بعد)؛ ۲. حاکمیت خدا بر جهان هستی و نفوذ فرمانش در همه‌ی جهان؛ ۳. هشدارهای کوبنده در مورد بازگشت به سوی خدا و معاد؛ ۴. مطالبی فشرده در مورد حساب و پاداش و کیفر (در آیات ۶۰ به بعد). ب) اخلاق: ۱. بیان صفات مؤمنان در یازده آیه‌ی اول این سوره، برای خواننده‌ی آن سازندگی اخلاقی عجیبی دارد. ۲. تذکر خشوع در نماز؛ ۳. دوری از بیهودگی (در آیه‌ی ۳)؛ ۴. حفظ عفت برای زنان و مردان مؤمن (در آیه‌ی ۵)؛ ۵. تشویق امانت‌داری و وفای به عهد (در آیه‌ی ۸)؛ ۶. اشاره‌ای به زکات (مستحب یا انفاق‌های مالی) (در آیه‌ی ۴). ج) احکام: اشاره‌ای به نماز (در آیه‌ی ۹). د) داستان‌ها: ۱. بیان سرگذشت عبرت‌انگیز نوح علیه السلام (در آیات ۲۳-۲۹)؛ ۲. اشاره‌ای به داستان هود علیه السلام؛ ۳. اشاره‌ای به داستان موسی علیه السلام (در آیات ۴۵-۴۹)؛ ۴. اشاره‌ای به داستان عیسی علیه السلام (در آیه‌ی ۵۰). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵ ه) مطالب فرعی: ۱. بیان

عکس العمل مردم در برابر دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله؛ ۲. بیان هدف آفرینش انسان (در آیه ۱۱۵)؛ ۳. بیان اعجاز آمیز مراحل خلقت انسان از خاک تا قیامت در نه مرحله (در آیات ۱۲-۱۶)؛ ۴. بیان آرزوهای افراد مرده برای برگشت به دنیا (در آیات ۹۸-۱۰۰)؛ ۵. سخنی در باب نفخ صور (در آیه ۱۰۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷

دوم: محتوای سوره‌ی مؤمنون

ویژگی‌های برجسته مؤمنان

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی مؤمنون ویژگی‌ها و صفات مؤمنان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱-۴. قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ*
الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خِشْعُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ* برآستی که مؤمنان رستگار شدند؛* (همان) کسانی که آنان در نمازشان فروتنند؛* و کسانی که آنان از (کار و سخن) بیهوده روی گردانند؛* و کسانی که آنان [بخشش زکات را] پرداخت کننده‌اند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «أَفْلَحَ» در اصل به معنای «شکافتن و بریدن» است، سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوش‌بختی گفته شده است. آری؛ مؤمنان همه‌ی موانع خوش‌بختی را از سر راه بر می‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافند و به سوی پیروزی پیش می‌روند. ۲. مؤمنان در دنیا و آخرت پیروز و رستگارند و رستگاری مادی و معنوی در انتظار آنان است و اصولاً رستگاری و پیروزی واقعی جز در سایه‌ی ایمان تحقق نمی‌یابد؛ چراکه پیروزی دنیوی در آزادی، سربلندی، عزت و بی‌نیازی است و سعادت اخروی در جوار رحمت پروردگار و بهشت برین و باعزت و در کنار دوستان شایسته است که این امور جز با ایمان امکان‌پذیر نیست. ۳. «خِشْعُونَ» در اصل به معنای حالت فروتنی و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود، به طوری که آثار آن در بدن ظاهر می‌گردد. ۴. این آیه برپا داشتن نماز را نشانه‌ی مؤمنان ندانسته، بلکه خشوع و تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸ فروتنی در نماز را از ویژگی‌های مؤمنان بر می‌شمارد؛ یعنی نماز مؤمنان الفاظ و حرکاتی بی‌روح نیست بلکه آنان در حال نماز از غیر خدا جدا می‌شوند و غرق در حال حضور، تفکر و راز و نیاز با خدا می‌گردند. ۵. در حدیثی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کند، حضرت فرمود: اگر قلب او خاشع و فروتن بود، اعضای بدنش نیز فروتن می‌شد. «۱» و در حدیث دیگری روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام نماز گاهی به آسمان نگاه می‌کرد اما پس از نزول این آیه همواره به زمین نگاه می‌کرد. «۲» ۶. خشوع در برابر خدا و حضور قلب در نماز، همان روح نماز است. برخی از مفسران برای رسیدن به این مرحله از نماز، راه حل‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند که عبارت‌اند از: الف) شناخت بیش‌تر خدا و بزرگی او که دنیا را در نظر انسان کوچک می‌کند؛ ب) شناخت بیش‌تر نماز و فلسفه‌ی افعال و اذکار آن؛ ج) توجه نکردن به کارهای پراکنده و مختلف که مانع تمرکز حواس است؛ د) انتخاب محل و زمان مناسب برای نماز، به طوری که مانع تمرکز و حضور قلب نباشد؛ ه) پرهیز از گناه که مانع نزدیکی قلب به خدا می‌شود؛ و) انجام مستحبات و آداب مخصوص نماز؛ ز) مراقبت مستمر و تمرین برای حضور قلب و تمرکز در نماز. «۳» ۷. «لَغْوٌ» شامل هر گفتار، عمل و فکری می‌شود که فایده‌ی قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد؛ یعنی مؤمنان در تمام اعمال و گفتار و افکار خود تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹ هدفی را دنبال می‌کنند و کارها و سخنان آنها سازنده و مفید است و از کارها و سخنان غیر مفید و اندیشه‌های باطل و گناهان دوری می‌کنند. ۸. مؤمنان نه تنها کارها، سخنان و افکار لغو ندارند بلکه از آن روی گردانند و بدان توجه نمی‌کنند. ۹. در این آیات پرداخت «زکات» یکی از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است، در حالی که سوره‌ی مؤمنون در مکه نازل شده است و در مکه زکات واجب نشده بود. از این رو برخی مفسران برآن‌اند که مقصود این آیه پرداخت زکات مستحب است که شامل انفاق مالی می‌شود. «۱» «۱۰». در این آیات رستگاری مؤمنان با فعل ماضی و «قَدْ» بیان شده

است؛ یعنی این پیروزی و رستگاری حتماً تحقق خواهد یافت. و نیز صفات مؤمنان به صورت اسمی (نه فعلی) بیان شده، تا نشان دهد که این ویژگی‌های مؤمنان موقتی نیست، بلکه برنامه‌ی مستمر آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید به رستگاری و خوش‌بختی نایل شوید، مؤمن باشید و صفات عالی آنها را کسب کنید. ۲. مؤمنان، نمازی همراه با خشوع و زندگی هدفمند و دستی‌بخشش‌گر دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰ قرآن کریم در آیات پنجم تا هفتم سوره‌ی مؤمنون به پاک‌دامنی مؤمنان و قانون روابط جنسی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵-۷. وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ* فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند؛* مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند؛ که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی‌شوند؛* و کسانی که فراتر از این جویند، پس تنها آنان تجاوزگرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «فُرُوج» در اصل به معنای شکاف بین دو پای انسان است که در قرآن کنایه از آلت تناسلی مرد و زن است، «۱» ولی در زبان فارسی در مورد زنان به کار می‌رود. این تعبیر کنایه‌ای دور و مؤدبانه است، ولی در اثر مرور زمان از الفاظ صریح شده است و معادل مناسب آن در عصر ما، همان «دامن» در واژه‌ی «پاک‌دامنی» است. ۲. این آیه یکی از ویژگی‌های مؤمنان را محافظت بر پاک‌دامنی خویش معرفی کرده است؛ یعنی مردان و زنان مؤمن با مراقبت مستمر، خود را از آلودگی‌ها حفظ می‌کنند. «۲» ۳. در این آیه همسران استثنا شده‌اند؛ یعنی مانعی نیست که انسان از همسر دایم یا موقت خویش کام‌جویی کند. یعنی اسلام نه شهوت‌رانی را مطلقاً آزاد گذاشته و نه این غریزه‌ی انسانی را سرکوب کرده، بلکه راه میانه‌ای پیموده است؛ یعنی راه‌های قانونی برای تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱ ارضای غریزه‌ی جنسی انسان قرار داده و غیر از آن را ممنوع کرده است. ۴. در این آیه به حلال بودن کنیزان برای صاحبان آنها اشاره شده است. البته این مطلب دارای شرایط ویژه است که در بسیاری از موارد، مشابه شرایط همسر انسان است. «۱» ذکر این نکته در این آیه نشان می‌دهد که خدای متعال، به غرایز جنسی کنیزان نیز توجه نموده و آنها را محروم و سرکوب نکرده است. ۵. از این که در آیات فوق راه غیر از ازدواج و کنیزان ممنوع شده است، می‌توان استفاده کرد که راه‌های نامشروع دیگر هم چون زنا و خودارضایی ممنوع است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاک‌دامنی از نشانه‌های مؤمنان است. ۲. غریزه‌ی جنسی خود را قانونمند کنید. ۳. از نظر قرآن، ازدواج و ارضای صحیح غریزه‌ی جنسی ناپسند نیست. *** قرآن کریم در آیات هشتم تا یازدهم سوره‌ی مؤمنون به سه ویژگی دیگر مؤمنان و بهشت برین آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸-۱۱. وَالَّذِينَ هُمْ لِأُمَّتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رِعُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَفِظُونَ* أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ* الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفُؤَادَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و کسانی که آنان امانت‌هایشان و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند؛* و کسانی که آنان بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.* تنها آنان وارثانند.* (همان) کسانی که فردوس را به ارث می‌برند، در حالی که آنان در آن جا ماندگارند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. امانت‌داری و پای‌بندی به تعهدات از مهم‌ترین پایه‌های نظام اجتماعی بشر است که بدون رعایت آنها، جامعه‌ی بشری گرفتار هرج و مرج می‌شود. مقصود از امانت‌داری و رعایت پیمان در این آیه، معنای گسترده‌ی آن است که شامل امانت‌ها و پیمان‌های مردم و خدا می‌شود؛ یعنی نعمت‌های خدا، آیین حق، کتاب‌های الهی، دستورات رهبران الهی و نیز فرزندان، اموال و مقام‌های دنیوی همه امانت‌های خدا هستند که مؤمنان در حفظ آنان و ادای حق آنها می‌کوشند، و در هنگام مرگ آنها را به نسل‌های آینده می‌سپارند. «۱» همان‌طور که در حفظ امانت‌های مردم و بازپس دادن آنها و نیز در رعایت پیمان‌ها و تعهدات خود پای‌بند هستند. «۲» ۲. مقصود از رعایت امانت و پیمان آن است که مؤمنان هم مراقب امانت‌ها و پیمان‌های خود هستند و در حفظ و ادای آنها تلاش می‌کنند و هم در اصلاح آنها می‌کوشند؛ بنابراین در امانت و عهد سه چیز لازم است: ادا، حفظ و اصلاح. ۳. این آیات یکی از ویژگی‌های مؤمنان را محافظت بر نمازها معرفی می‌کند، یعنی مؤمنان زمان و مکان و تعداد نمازهای واجب «۳» را با دقت زیر نظر دارند و مراقب آداب و شرایط نمازهای خویش هستند، تا مراحل تکامل تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳ و سعادت را هر روز در پنج نوبت طی کنند و به مراحل

عالی کمال برسند. ۴. مقصود از ارث بردن بهشت توسط مؤمنان، یا فرجام نیک آنان است و یا آن که مؤمنان بدون زحمت زیاد به آن دست می‌یابند؛ یعنی اعمال مؤمنان در برابر پاداش‌های بهشتی بسیار ناچیز است. و یا آن است که هر مؤمنی در بهشت منزل افرادی را که به جهنم رفته‌اند به ارث می‌برند، همان‌طور که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر یک از شما دارای دو منزل است، منزلی در بهشت و منزلی در دوزخ، اگر کسی بمیرد و وارد دوزخ شود، اهل بهشت منزلگاه او را به ارث می‌برند. «۱» ۵. واژه‌ی «فردوس» در اصل لغتی غیر عربی «۲» و به معنای باغ یا بوستان مخصوصی است که تمام نعمت‌ها در آن گرد آمده است. برخی مفسران بر آن‌اند که فردوس یکی از نام‌های بهشت است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امانت‌داری و پای‌بندی به پیمان‌ها و مراقبت بر نمازها، از نشانه‌های مؤمنان است. ۲. آموزه‌ی آیات آن است که اگر می‌خواهید بهشت برین فرجام نیک شما باشد، مؤمن حقیقی شوید و صفات آنان را کسب کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۴

مراحل آفرینش جنینی و اعجاز علمی قرآن

قرآن کریم در آیات دوازدهم تا چهاردهم سوره‌ی مؤمنون به هفت مرحله از آفرینش انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲-۱۴. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَبِيقِينِ انْشَاءً مِنْ رِجَالٍ آفْرِيدِيمٍ * * * سِيسِ او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [رحم قرار دادیم] * * * سِيسِ آب اندک سیال را بصورت [خون بسته آویزان آفریدیم، و [خون بسته آویزان را بصورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم، و گوشت جویده شده را بصورت استخوان‌هایی آفریدیم؛ و بر استخوان‌ها گوشتی پوشاندیم؛ سپس آن را بصورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیات اول سوره‌ی مؤمنون با بیان ویژگی‌های مؤمنان، شوق ایمان را در دل‌ها شعله‌ور ساخت و اینک در این آیات راه تحصیل ایمان را نشان می‌دهد؛ یعنی به وسیله‌ی بیان اسرار آفرینش انسان و مراحل خلقت او، راه ایمان و معرفت را می‌گشاید. ۲. قرآن کریم در سوره‌های حج، مؤمنون و غافر مراحل آفرینش انسان تا مرگ را بیان کرده است «۱» که به طور کلی می‌توان گفت پانزده مرحله است. این مراحل عبارت‌اند از: خاک، آب، منی، نطفه، علقه، مُضْغَةٌ، تنظیم و شکل‌گیری (یا تسویه و تصویر)، شکل‌گیری استخوان‌ها، پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها، مرحله‌ی تعیین جنس جنین، آفرینش روح و دمیدن جان در انسان، تولد، بلوغ، کهن سالی و در نهایت مرحله‌ی مرگ. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۵ برخی از صاحب‌نظران بیان این مراحل در قرآن را نشانه‌ای از اعجاز علمی این کتاب الهی دانسته‌اند؛ چرا که وجود این مراحل و نظم آن در علوم پزشکی جدید مطرح شده است، در حالی که قرآن قرن‌ها قبل از آن خبر داده است. «۱» ۳. «سُلَالَةٌ» به معنای چیزی است که از چیز دیگری گرفته شود و خلاصه و عصاره و برگزیده‌ی آن است و «طین» به معنای خاکی است که با آب مخلوط شده است. «۲» ۴. در مورد مراد از آفرینش انسان از خاک و معنای «نطفه» و «علقه» و «مُضْغَةٌ» ذیل آیه‌ی پنجم سوره‌ی حج توضیح لازم داده شد. ۵. «قَرَارٍ مَكِينٍ» به معنای قرارگاه امن و امان است. این آیه به موقعیت خاص رحم در بدن انسان اشاره دارد، که یکی از محفوظ‌ترین مکان‌های بدن رحم است؛ چراکه از هر طرف تحت حفاظت قرار گرفته است. یعنی رحم از طرفی به وسیله‌ی ستون فقرات و دنده‌ها و از طرف دیگر توسط استخوان نیرومند لگن و نیز توسط لایه‌های متعدد شکم، پاس‌داری می‌شود. ۶. در این آیه به شکل‌گیری و تکوین استخوان پیش از گوشت و عضلات اشاره شده است؛ یعنی به مرحله‌ی تمایز لایه‌های جنین و شکل‌گیری و ایجاد دستگاه استخوان‌بندی انسان اشاره کرده است. این یکی از مطالبی است که در علم جنین‌شناسی مورد تأیید قرار گرفته است. «۳» البته با توجه به آیه‌ی پنجم سوره‌ی حج، جنین انسان در مرحله‌ی مُضْغَةٌ به دو بخش: تمایز یافته و غیر متمایز تقسیم می‌شود، که آن بخش تمایز تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۶ یافته، قسمت استخوانی جنین را تشکیل می‌دهد. پس مقصود آیه آن نیست که تمام

سلول‌های جنین تبدیل به استخوان می‌شود. «۱» ۷. تعبیر قرآن در این آیه در مورد گوشت و استخوان بسیار زیبا و جالب است. گوشت را به لباس تشبیه کرده و می‌فرماید: «ما بر استخوان گوشتی پوشانیدیم». آری؛ گوشت‌ها و عضلات هم چون لباسی بر اندام انسان حافظ استخوان‌ها در برابر ضربه‌ها و سرما و گرما هستند و اگر این لباس گوشتی نبود، اسکلت استخوانی انسان بسیار زشت می‌نمود. «۲» بر آن نقاش قدرت آفرین باد که گرد مه کشد ماه هلالی (حافظ) ۸. در این آیه مرحله‌ی هفتم آفرینش انسان را «خلق دیگر» معرفی کرده و خدا بر این آفرینش خود آفرین گفته است. در این مرحله از خلقت جنین انسان از حیات حیوانی وارد حیات انسانی می‌شود و روح در او دمیده می‌شود و شایسته‌ی آن می‌شود که جانشین خدا در زمین و امانت‌دار او گردد و بار مسئولیت و دین را به عهده گیرد. «۳» ۹. «خَلَقَ» به معنای ایجاد همراه با کیفیت مخصوص یا به معنای اندازه‌گیری است. «۴» این آیه خدا را «بهترین خالق‌ها» معرفی کرده است. پس روشن می‌شود که غیر خدا هم خالق‌هایی وجود دارند، ولی او بهترین آفریننده است؛ یعنی خدا خالقی است که صورت و ماده‌ی هر چیزی را تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۷ می‌آفریند در حالی که انسان فقط صورت آفریده‌ها (یک اتومبیل و یا هواپیما) را خلق می‌کند اما ماده‌ی اولیه‌ی آن را از طبیعت می‌گیرد. و نیز خلقت الهی نامحدود است، ولی انسان قدرت محدودی برای خلقت دارد و در این قلمرو هم نیازمند رخصت و اجازه‌ی الهی است، همان‌طور که عیسی علیه السلام با رخصت الهی صورتی هم‌چون پرنده خلق می‌کرد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به مراحل آفرینش خود بنگرید و در آنها تفکر نمایید، تا بهترین آفریننده را بشناسید. ۲. با مطالعات رویان‌شناسی، خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی مؤمنون به مرحله‌ی مرگ و انگیزش انسان در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵ و ۱۶. ثُمَّ إِنَّكُمْ بِعِيدِ ذَلِكَ لَمِئْتُونَ* ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ سپس شما بعد از این (مراحل) قطعاً می‌میرید؛* سپس شما در روز رستاخیز حتماً برانگیخته می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل هفت مرحله از زندگی انسان بیان شد و اینک در این آیه به مرحله‌ی هشتم سرنوشت انسان اشاره کرده که مرگ است، تا انسان‌ها گمان نکنند که زندگی دنیا برای همیشه ادامه دارد؛ سپس به مرحله‌ی نهم سرنوشت انسان، یعنی انگیزش در رستاخیز اشاره کرده تا انسان‌ها بدانند که با مردن همه چیز پایان نمی‌پذیرد و آفرینش با این همه شکوه و عظمت برای تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۸ این چند روز زندگی دنیا نیست و هدفی برتر را دنبال می‌کند. ۲. در آیه‌ی پنجم سوره‌ی حج مراحل خلقت انسان به عنوان دلیل معاد بیان شد و اینک در این آیات مراحل خلقت انسان به عنوان دلیل خداشناسی و شناخت بهتر خالق مطرح شده است. البته در این دو آیه، باز هم مسئله‌ی مراحل خلقت با مسئله‌ی معاد پیوند داده شد. آری؛ آفرینش عجیب انسان در رحم مادر و مراحل خلقت و نقش و نگارهای تازه‌ی آن نشان دهنده‌ی آن است که دست بهترین آفرینندگان در پس این پرده است، همان‌طور که نشان دهنده‌ی قدرت او بر انگیزشی دیگر در رستاخیز است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد مرگ و رستاخیز باشید. ۲. مراحل زیبای خلقت شما در دنیا تمام نشده و در جهانی دیگر ادامه خواهد یافت. *** قرآن کریم در آیات هفدهم و هیجدهم سوره‌ی مؤمنون به نشانه‌های خدا در آسمان‌ها و نزول باران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَفْلِينَ* وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَدَرُونَ و بیقین بر فراز شما هفت راه (آسمانی) آفریدیم؛ و از آفرینش غافل نبوده‌ایم.* و از آسمان، آبی به اندازه فرو فرستادیم؛ و آن را در زمین جایگزین کردیم، و ما مسلماً بر [از بین بردن آن تواناییم. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «طَرَائِقَ» جمع طریقه و به معنای راه یا طبقه است «۱» و «سَبْعَ» به معنای عدد هفت است که گاهی به عنوان عدد واقعی به کار می‌رود و گاهی کنایه از کثرت است. «۲» بنابراین ممکن است این آیه تفسیرها و معانی مختلفی پیدا کند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: الف) در بالای سر شما هفت راه رفت و آمد برای فرشتگان آفریدیم. ب) بر فراز شما مسیرها و مدارهای زیادی برای گردش ستارگان آفریدیم. ج) بر فراز شما هفت طبقه (یا آسمان‌های زیادی) آفریدیم؛ یعنی بر فراز شما جهان‌ها و کهکشان‌های دیگری وجود دارد که در فاصله‌های مختلف از شما قرار گرفته و هر کدام فوق دیگری و دورتر از هم‌دیگر قرار دارند. «۳» ۲. در این آیات تأکید شده

که تعداد مسیرها و طبقات و جهان مانع توجه خدا به همه‌ی آنها نیست و خدا از آنها آگاه است؛ چراکه همه مخلوق اویند و آفریننده از آفریده‌ی خود غافل نمی‌شود. همان‌طور که فرشتگان الهی نیز با رفت و آمدهای مکرر و از راه‌های مختلف ناظر بر مخلوقات خدا هستند. «۴» ۳. در این آیات اشاره شده که خدا آب را به اندازه‌ی معین فرود می‌آورد، به طوری که نه کمبود آب به وجود آید و نه زیادی آب سبب غرق مردم و زمین‌ها شود. البته روشن است که کنترل آب‌های سطحی زمین، کوشش انسان‌ها را تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۰ می‌طلبد تا با سدسازی و استفاده‌ی صحیح و مناسب از آب، از سیلاب‌های فصلی جلوگیری کنند. ۴. در این آیات به ذخیره سازی آب در زیر زمین به عنوان یکی از نشانه‌های قدرت الهی و نعمت‌های خدا اشاره شده است که اگر او می‌خواست می‌توانست این آب‌ها را از میان ببرد. اوست که برخی از قسمت‌ها و طبقات زمین را نفوذ ناپذیر و برخی قسمت‌ها را نفوذپذیر آفریده است، به طوری که همه‌ی آب‌ها در سطح زمین نمی‌مانند بلکه به درون لایه‌های زمین می‌روند و به صورت آب گوارا توسط قنات‌ها، چاه‌ها و چشمه‌ها خارج می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش آسمان و گردش آب در طبیعت نظر کنید و درس خداشناسی و ایمان بگیرید. ۲. خدا از حال شما غافل نیست. ۳. همان‌قدری که نعمت داده، می‌تواند نعمت‌ها را از شما بگیرد (پس مراقب اعمال و افکار خود و سپاس گزار او باشید). *** قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی مؤمنون به نشانه‌ها و نعمت‌های خدا در رویش گیاهان و میوه‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورٍ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصَيْبِغٍ لِللَّاكِلِينَ پس به وسیله آن بوستان‌هایی از درختان خرما و انگورها برای شما پدید آوردیم، که در آنها میوه‌های فراوان برای شماست؛ و از آنها می‌خورید. * و (نیز) درخت (زیتون) ی که از کوه پربرکت (: طُور سَيْنَاءَ) بیرون می‌آید که با روغن و «نان خورشی» برای خوردن‌گان می‌روید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از میان نعمت‌های الهی به سه میوه‌ی پرارزش خرما، انگور و زیتون اشاره شده است. این مطلب نشان دهنده‌ی اهمیت این میوه‌هاست. تحقیقات غذا شناسان نیز همین مطلب را تایید می‌کند؛ چراکه روغن زیتون برای سوخت و ساز بدن انسان ارزش فراوان دارد و اکسیر سلامتی نامیده می‌شود و خرما نیز با قند فراوان و مواد حیاتی متنوع خود یک منبع ارزشمند غذایی است و انگور نیز هم‌چون شیر مادر نیروبخش است. ۲. عبارت «از میوه‌های باغ‌ها می‌خورید.» به دو صورت تفسیر شده است: الف) مقصود آن است که شما استفاده‌های متنوعی از باغ‌ها می‌کنید که یکی از آنها خوردن میوه‌هاست، ولی از درختان باغ‌ها برای خانه‌سازی، داروسازی، تهیه‌ی لباس، فرش و علوفه برای دام‌ها و گاهی به عنوان سوخت استفاده می‌کنید. ب) مقصود آیه آن است که زندگی روزمره‌ی شما از این باغ‌ها اداره می‌شود و در تمام ابعاد زندگی از باغ‌ها استفاده می‌کنید و می‌خورید. «۱» ۳. «طُور سَيْنَاءَ» در لغت به معنای کوه پربرکت یا کوه پردرخت یا کوه زیباست؛ بنابراین ممکن است مقصود همه‌ی کوه‌هایی باشد که درخت زیتون بر آنها می‌روید و یا همان کوه طور معروف در صحرای سینا باشد که درخت‌های زیتون بر آن می‌روید و عرب‌های حجاز در هنگام مسافرت به شمال، نخست به این منطقه برمی‌خورند. «۲» ۴. «صَيْبِغٍ» به معنای «رنگ» است و از آن جا که انسان در هنگام غذا تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۲ خوردن، نان خود را با خورش رنگین می‌کند، به همه‌ی خورش‌ها گفته شده است. در این جا مقصود روغن زیتون یا همه‌ی خورش‌هایی است که از درختان به دست می‌آید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به رویش درختان و میوه‌ها بنگرید و درس خداشناسی و ایمان بگیرید. ۲. در میان میوه‌ها خرما، انگور و زیتون از اهمیت بیش‌تری برخوردارند (پس در برنامه‌ی غذایی خود به آنها توجه بیش‌تری بنمایید). *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی مؤمنون به نشانه‌ها و نعمت‌های الهی در دام‌ها و کشتی‌ها اشاره می‌کند و با دعوت به عبرت آموزی از دام‌ها می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُنذِرُوا مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنفَعٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ وَ قَطْعًا در (وجود) دام‌ها، برای شما عبرتی است؛ از آنچه در شکم آنهاست به شما (شیر) می‌نوشانیم. و برای شما در آنها سودهای فراوان است؛ و از (گوشت) آنها می‌خورید؛ * و بر آنها و بر کشتی‌ها حمل

می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به منافع فراوان دام‌ها اشاره شده است، این حیوانات پر سود غذا، لباس، کفش و بعضی دیگر از نیازهای انسان‌ها را تامین می‌کنند و حتی از مدفوع آنها به عنوان کود تقویت‌کننده‌ی درختان و مزارع استفاده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۳. ۲. در این آیات به سه فایده‌ی اساسی چهار پایان یعنی شیر، گوشت و مرکب سواری اشاره شده است. شیر گوارا و نیروبخش دام‌ها از درون شکم آنها و از لابه‌لای خون بیرون می‌آید، تا نشانه‌ای از قدرت الهی و عبرتی برای انسان‌ها باشد و گوشت این حیوانات منبع غذایی مفیدی است که معمولاً جزئی از غذاهای روزانه‌ی انسان‌هاست و یادآوری آن حس سپاس‌گزاری ما را برمی‌انگیزد. ۳. در این آیات به یک فایده‌ی مشترک چهارپایان و کشتی‌ها اشاره شده است که همان حمل انسان‌ها و بار آنان به طرف مقصد است؛ یعنی چهارپایان مرکب‌های سواری خشکی‌ها و کشتی‌ها مرکب‌های سواری دریاها هستند. هر چند با اختراع وسایل نقلیه‌ی جدید هم چون اتومبیل و هواپیما از اهمیت چهارپایان و کشتی‌ها در زمینه‌ی حمل و نقل انسان‌ها کاسته شده است، اما هنوز هم در مناطق روستایی و سواحل دریاها مهم‌ترین وسیله‌ی حمل و نقل، کشتی‌ها و چهارپایان هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد چهارپایان درس خداشناسی و سپاس‌گزاری بیاموزید. ۲. شیر و گوشت دام‌ها از اهمیت غذایی برخوردار است (پس به آنها توجه کنید). ۳. با مطالعه در حرکت و بارکشی حیوانات و کشتی‌ها درس خداشناسی و ایمان بگیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۴

سرگذشت نوح (ع) و فراخوان توحیدی او

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی مؤمنون به رسالت توحیدی نوح علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ وَبِيقِينِ نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ و گفت: «ای قوم! من! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نوح یکی از پیامبران بزرگ الهی است که سال‌ها در میان قوم خود، منادی ایمان و توحید بود. زندگی عبرت‌آموز این پیامبر الهی در سوره‌های متعددی از قرآن کریم بازگو شده است «۱» تا به همه‌ی بت‌پرستان و مشرکان و مخالفان پیامبر اسلام گوش‌زد کند که اگر به لجباجت خود در برابر اسلام ادامه دهید، به سرنوشتی هم‌چون قوم نوح گرفتار می‌شوید. ۲. در این آیه بیان شده که پیام اساسی و رسالت اصلی نوح علیه السلام همان رسالت و پیام همه‌ی پیامبران بود؛ یعنی پیام او دعوت به توحید و نفی شرک بود و این همان چیزی است که قرآن و اسلام بر آن پافشاری می‌کنند. ۳. این آیه همراه دعوت به پرستش خدا و نفی شرک، دلیلی هم برای اثبات توحید عبادی آورده، می‌فرماید: هیچ معبودی برای شما نیست؛ یعنی اگر بت‌ها و معبودهای ساختگی وجود دارد که شما می‌پرستید، در حقیقت، همه‌ی این‌ها دروغین و توهم شماس، و گرنه تنها یک معبود تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۵ راستین وجود دارد که شایسته‌ی پرستش است و آن الله است؛ از این رو هشدار می‌دهد که خودنگهدار باشید و تنها او را پرستش کنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت قوم نوح عبرت بگیرید و به پیامبر اسلام ایمان بیاورید. «۱» ۲. توحید و نفی شرک، پیام نوح پیامبر علیه السلام نیز بوده است (پس چیز جدیدی نیست). ۳. خودنگهدار باشید و به دنبال پرستش معبودهای دروغین نروید. *** قرآن کریم در آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی مؤمنون به واکنش منفی مخالفان نوح و بهانه‌جویی‌ها و تهمت‌های آنها نسبت به این پیامبر الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴ و ۲۵. فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ * إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبُّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ و اشراف قومش که کفر ورزیدند، گفتند: «این (نوح) جز بشری مثل شما نیست، که می‌خواهد بر شما برتری جوید؛ اگر (بر فرض) خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد)، حتماً فرشتگانی فرود می‌آورد؛ (ما) در نیاکان نخستین خود این را نشنیده‌ایم!» او نیست جز مردی که در وی (حالت) جنون است؛ پس تا مدتی برای (مرگ یا بهبودی) او انتظار بکشید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان نوح از اشراف ثروتمند و

مغرور بودند که جمال و ثروت آنها چشم‌ها را پر می‌کرد (هر چند از درون و معنویات تهی بودند). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۶. در این آیات بیان شده که مخالفان نوح چند تهمت به او زدند: نخست او را متهم به قدرت‌طلبی کردند. دوم به او تهمت جنون زدند. این دو تهمت با هم دیگر متضاد است؛ چون کسی که قدرت‌طلب است باید فردی باهوش و با درایت باشد و کسی که مجنون است از هوش و درایت بهره‌ای ندارد. وقتی زندگی پیامبران الهی به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که همین تهمت جنون را به دیگران نیز زدند و از این جا روشن می‌شود که روش تهمت زدن در برابر مردان حق، یک روش مستمر کافران در طول تاریخ بوده است. اما این تهمت‌ها آن قدر بی‌اساس بود که قرآن حتی پاسخ کافران قوم نوح را نداد؛ چراکه مطالعه‌ی زندگی پیامبران به ما نشان می‌دهد که آنان افرادی فهیم، عاقل و حکیم بوده و به دنبال قدرت و سلطه‌جویی نبوده‌اند. ۳. مخالفان نوح علیه السلام در برابر او بهانه‌جویی کردند و گفتند: اولاً، این نوح یک بشر است و ما تاکنون نشنیده‌ایم که بشری به پیامبری برانگیخته شده باشد. ثانیاً، اگر خدا می‌خواست پیامبری بفرستد، فرشته‌ای را مأمور این کار می‌کرد. اما این سخنان کافران آن قدر بی‌اساس بود که قرآن حتی پاسخ آنها را نداد؛ زیرا روشن است که هر پیامبری باید از میان مردم باشد تا بتواند الگوی آنان باشد. و در ضمن، تاریخ بشریت نشان می‌دهد که در هر عصری پیامبر یا پیامبرانی بوده‌اند که سرسلسله‌ی آنها آدم علیه السلام بود؛ پس ادعای کافران در مورد این که تاکنون نشنیده‌اند که پیامبری از جنس بشر بیاید، بی‌اساس بود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۷. در این آیه مخالفان نوح به هم‌دیگر توصیه می‌کنند که صبر کنید تا نوح از بیماری جنون نجات یابد، یا صبر کنید که مرگ او فرا رسد، در آن صورت دیگر این دعوت به توحید تمام خواهد شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان پیامبران الهی منطقی نیستند و در برابر دعوت حق پیامبران، به تهمت و بهانه‌جویی پناه می‌برند (پس آماده باشید). ۲. بطلان تهمت‌های مخالفان را از تهمت‌های متضاد آنان به پیامبران بشناسید. ۳. جنون، قدرت‌طلبی و نوآوری، از تهمت‌هایی است که مخالفان به رهبران الهی نسبت می‌دهند (پس رهبران حق برای پاسخ‌گویی به این مطالب آماده باشند). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی مؤمنون به امدادخواهی نوح علیه السلام (و نفرین او) اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبُونَ (نوح) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیب‌های آنان یاری کن.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیات قرآن و احادیث اسلامی استفاده می‌شود که نوح سال‌های زیادی میان قوم سرکش خود مقاومت کرد و آنها را به توحید فراخواند، ولی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۸ جز گروه اندکی ایمان نیاوردند و اکثریت آنان او را آزرندند و تکذیب کردند، که گوشه‌ای از بهانه‌جویی‌ها و تکذیب‌های آنان در آیات پیشین بیان شد. پس از این مراحل بود که نوح علیه السلام از هدایت قوم خود ناامید شد و دست به دعا برداشت و از خدا یاری خواست؛ سپس عذاب الهی به صورت سیلابی بزرگ فرود آمد و کافران لجوج را به هلاکت رسانید. ۲. در این آیه نوح علیه السلام از خدا می‌خواهد که در برابر تکذیب‌ها و به خاطر دروغ‌انگاری و ایمان نیاوردن قوم سرکش، خدا او را یاری رساند. «۱» یعنی پیامبران نخست به دنبال هدایت مردم هستند و اگر لجاجت و تکذیب کردند، از خدا کمک می‌خواهند تا موانع هدایت بشریت را بردارد و کافران سرکش را که در برابر حقایق و دلایل روشن لجاجت می‌کنند، از سر راه تکامل بشریت بردارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی (اول دعوت و مقاومت کنید و) اگر مخالفان لجاجت کردند از خدا یاری بجوید (تا کار را یک‌سره کند). ۲. مخالفان رهبران الهی لجاجت را از حد نگذرانند که اگر مردان الهی از هدایت آنان ناامید شوند نفرین می‌کنند (و آنان هلاک خواهند شد). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۹ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی مؤمنون به مقدمات عذاب قوم نوح و غرق شدن آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اضْمَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْمُكُ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَمَّا تُخْطِبْنِي فِي الدِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ و به سوی او وحی کردیم که: «زیر نظر ما، و (بر اساس) وحی ما با زیرکی کشتی را بساز. و هنگامی که فرمان (عذاب) ما فرا رسد، و تنور فوران کند، پس از هر [حیوانی، یک جفت دوتایی و خانواده‌ات را در آن وارد کن؛ مگر کسی از آنان که قبلاً در باره او سخن

رفته است؛ و در باره کسانی که ستم کردند با من سخن مگوی، [چرا] که آنان غرق شدنی هستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عذابی که بر قوم نوح فرود آمد سیلاب فراگیر و عظیمی بود که همه‌ی انسان‌ها و حیوانات را نابود می‌ساخت؛ از این رو به نوح علیه السلام فرمان داده شد که کشتی بزرگی بسازد تا خود و خاندان و مؤمنان بر آن سوار شوند و از هر نوع حیوانی، یک جفت در آن جای گیرد، تا پس از هلاکت کافران سرکش، نسل مؤمنان و حیوانات محفوظ بماند و ادامه یابد. ۲. کشتی‌سازی نوح علیه السلام در حضور پروردگار بود؛ یعنی این تلاش نوح تحت نظارت و حمایت الهی بود؛ بنابراین نوح می‌توانست با خیال آسوده به کار خود ادامه دهد و از چیزی نهراسد. ۳. کشتی نوح علیه السلام، طبق احادیث، بسیار بزرگ بود و طول آن را ۶۰۰ متر و عرض آن را ۴۰۰ متر و ارتفاع آن را ۴۰ متر حکایت کرده‌اند (۱)؛ بنابراین این تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۰ کشتی می‌توانست افراد و حیوانات زیادی را در خود جای دهد. ۴. کشتی‌سازی نوح طبق برنامه‌ای به او وحی می‌شد. شاید این بدان سبب بود که قوم نوح در کنار دریا زندگی نمی‌کردند و صنعت کشتی‌سازی را نمی‌دانستند و یا ساختن چنین کشتی بزرگی تا آن زمان سابقه نداشته است؛ بنابراین لازم بود که نقشه و برنامه‌ی کشتی‌سازی به نوح آموزش داده شود. ۵. «تَنُور» همان تنور فارسی است؛ یعنی محلی که در آن به وسیله‌ی آتش نان پخته می‌شود و مقصود از آن در آیه‌ی فوق یا آن است که: سطح آب زمین بالا آمد به طوری که آب از درون تنوره‌های مردم جوشیدن گرفت و این یک نشانه‌ی عذاب بود تا نوح و یارانش آماده‌ی سوار شدن بر کشتی شوند؛ همان‌طور که در برخی احادیث آمده است. (۱) و یا این که مقصود یک معنای کنایی و مجازی است؛ یعنی تنور خشم پروردگار فوران پیدا کرد و شعله‌ور شد. (۲) البته هر دو معنا در آیه قابل جمع است؛ یعنی ممکن است هر دو معنا مقصود باشد. ۶. از آیات قرآن و احادیث استفاده می‌شود که در خانواده‌ی نوح دو نفر بودند که لجاجت کردند و ایمان نیاوردند؛ یکی همسر او و یکی فرزندش؛ از این رو آن دو اجازه نیافتند در کشتی سوار شوند و هلاک گشتند. (۳) ۷. از آن‌جا که ممکن بود در لحظات شروع عذاب عواطف نوح تحریک شود و خواستار نجات قوم خود یا فرزند و همسرش شود، به او هشدار داده تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۱ شد که در مورد ستمکاران شفاعت نکند و در باره‌ی آنان با خدا سخن نگوید؛ چون عذاب آنان حتمی شده بود و پس از شروع عذاب دیگر راه بازگشتی وجود ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان دین اگر به سرکشی خود ادامه دهند هم‌چون قوم نوح گرفتار عذاب خواهند شد. ۲. خدا مؤمنان و رهبران الهی را یاری می‌کند و نجات می‌دهد. ۳. به فکر حفظ نسل حیوانات باشید و در نگهداری محیط زیست طبیعی حیوانات بکوشید. ۴. صنعت کشتی‌سازی، ریشه‌ای الهی دارد. ۵. اگر عذاب الهی فرا رسید، راه نجاتی برای افراد سرکش وجود نخواهد داشت. * * * خدای متعال در آیات بیست و هشتم و بیست و نهم سوره‌ی مؤمنون به نوح، روش سپاس‌گزاری و دعا‌های راهبردی را آموزش می‌دهد و می‌فرماید: ۲۸ و ۲۹. فَإِذَا اسْتَيْوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَقُلْ رَبِّ أُنزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا، وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ و هنگامی که تو و کسانی که به همراهی توانی بر کشتی قرار گرفتید، پس بگو: ستایش مخصوص خدایی است که ما را از گروه ستمکاران نجات بخشید! * و بگو: «پروردگارا! مرا در منزلگاهی خجسته فرود آر، در حالی که تو بهترین فرود آورندگانی.» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات خدای متعال به نوح پیامبر علیه السلام آموزش می‌دهد که چگونه شکر پروردگار را به جا آورد و به درگاه او دعا کند و از او درخواست برکت نماید. آری؛ سپاس و دعا کردن آداب خاصی دارد که لازم است خطوط اصلی آن از طریق وحی برای انسان بیان شود. این نهایت لطف خداست که حتی راه دعا و محتوای آن را به انسان آموزش می‌دهد تا رحمت و برکات خود را بر او فرود آورد. ۲. واژه‌ی «مُنْزَل» یا به معنای مکان فرود کشتی و یا به معنای کیفیت فرود آن است؛ یعنی نوح از خدا می‌خواهد که کشتی او را پس از سیلاب در سرزمینی پربرکت و آباد فرود آورد؛ و یا از خدا می‌خواهد که کشتی او را به طور شایسته فرود آورد، به طوری که خطری سرنشینان کشتی را تهدید نکند. البته در نهایت کشتی نوح بر کوه جودی فرو نشست که ذیل آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی هود در این مورد سخن گفتیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پس از پیروزی و نجات، به فکر سپاس‌گزاری از خدا

باشید. ۲. پس از تلاش شخصی، نیازهای مادی زندگی خود و برکت را از خدا بخواهید. ۳. راه و رسم شکرگزاری و دعا را از وحی پیامبر (هر چند راه شکر و دعا، به هر زبانی و به روی هر کسی باز است). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۳

قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی مؤمنون از ماجرای نوح و قومش نتیجه‌گیری می‌کند و با یادآوری امتحان الهی و نشانه‌های خدا در این ماجرا می‌فرماید: ۳۰. *إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ* مسلماً در این (ماجرا) نشانه‌هایی است، و حتماً [ما] آزمایش‌کننده بودیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که ماجرای نوح آیه‌ها و نشانه‌هایی برای خردمندان جهان در بردارد: الف) نشانه‌ی پیروزی نهایی و نجات مؤمنان است. ب) نشانه‌ی شکست نهایی و نابودی کافران است. ج) نشان می‌دهد که صبر و مقاومت و ایمان، ثمره‌ی شیرین به دنبال خواهد داشت. د) نشان می‌دهد که مخالفت‌های مذبحخانه در برابر رهبران الهی ره به جایی نمی‌برد و پیروزی نهایی از آن‌ها باقی‌مانده است. ۲. این آیه به آزمایش‌های مکرر الهی در مورد قوم نوح و سرکشی آنان اشاره می‌کند، و یا اشاره به آزمایش همه‌ی انسان‌ها در طول اعصار دارد، یعنی این آزمایش‌ها مخصوص قوم نوح نبود و خدا آزمایشگری است که همه‌ی انسان‌ها را در هر زمان امتحان می‌کند تا بشریت راه تکامل خویش را بییابد و انسان‌های خوب و بد از هم‌دیگر جدا شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به سرگذشت نوح بنگرید و نشانه‌های قدرت الهی را تماشا کنید و عبرت بگیرید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۴. ۲. زندگی صحنه‌ی آزمایش است و خدا آزمایشگر است (پس مراقب باشید که از آزمایش‌های الهی سربلند بیرون بیایید). *** قرآن کریم در آیات سی و یکم و سی و دوم سوره‌ی مؤمنون به سرگذشت پیامبری دیگر و پیام توحیدی او برای قومش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. *ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءآخَرِينَ * فَآرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ* سپس گروه‌های دیگری را بعد از آنان پدید آوردیم؛* و در میان آنان فرستاده‌ای از [خود] شان فرستادیم که: «خدا را پرستش کنید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قرن» در اصل به معنای نزدیکی است و از این رو به جمعیتی که در یک عصر نزدیک به هم زندگی می‌کنند قرن گفته می‌شود؛ و گاهی به زمان معین (سی یا صد سال) نیز قرن گفته می‌شود که در میان ملت‌های مختلف جنبه‌ی قراردادی دارد. «۱» در این جا مقصود از قرن، جمعیت و ملت است. ۲. مفسران قرآن در مورد ملتی که سرگذشت آنان در این آیات بیان شده است دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود «قوم ثمود» باشد که پیامبر آنان «صالح» بود و بر اثر سرکشی سرانجام به وسیله‌ی صاعقه و صیحه‌ای مرگبار نابود شدند. «۲» ب) مقصود «قوم عاد» باشد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۵ ولی از آن جا که قوم عاد به وسیله‌ی تندباد نابود شدند، تفسیر اول با ظاهر این آیات سازگارتر است. «۱» ۳. پیامبران الهی از خود مردم بودند و رسالت خویش را به انجام رساندند و در موارد لزوم هشدارهای لازم را دادند؛ بنابراین حجت بر مردم تمام شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسالت اصلی پیامبران الهی، بیان توحید و نفی شرک بوده است. «۲» ۲. پیام توحیدی رهبران الهی را پی بگیرید و پارسا باشید. *** قرآن کریم در آیات سی و سوم و سی و چهارم سوره‌ی مؤمنون به ویژگی‌های اشراف قوم ثمود و بهانه‌جویی آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳ و ۳۴. *وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ* وَلَئِنِ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلُكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ* و اشراف قومش که کفر ورزیدند، و ملاقات (جهان) آخرت را دروغ انگاشتند، و در زندگی پست (دنیا) آنان را کامروا ساختیم، گفتند: «این جز بشری مثل شما نیست، می‌خورد از آنچه [شما] از آن می‌خورید؛ و می‌نوشد از آنچه می‌نوشید!» و اگر از بشری مثل خودتان اطاعت کنید مسلماً شما در این هنگام زیانکارید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به دعوت توحیدی صالح پیامبر علیه السلام اشاره شد و اینک در این آیات پاسخ منفی قوم ثمود به این پیامبر الهی بیان شده است. اولین گروهی که در برابر این پیامبر موضع‌گیری کردند، ثروتمندان بی‌دردی بودند که در ناز و نعمت زندگی می‌کردند و تعالیم پیامبران را مخالف هوس‌ها و منافع نامشروع خود می‌دیدند و از آن جا که ظاهری آراسته و باطنی تهی داشتند به آنان «ملاً» گفته می‌شد. ۲. بین زندگی اشرافی و کفر و تکذیب ملاقات

پروردگار رابطه‌ای وجود دارد؛ چراکه معمولاً اشراف بی‌درد به شهوت‌رانی و زندگی بی‌قید و شرط و استثمار دیگران تمایل دارند، ولی اعتقاد به معاد و دین با این‌گونه مسائل سازگار نیست و از این روست که به طرف انکار معاد و کفر می‌روند. ۳. از مقایسه‌ی بهانه‌جویی‌های قوم نوح با قوم ثمود استفاده می‌شود که بهانه‌ی آنها مشابه یک‌دیگر بود و هر دو، بشر بودن پیامبران الهی را بهانه می‌کردند و آن را دلیل پیروی نکردن از آنان معرفی می‌کردند. در حالی که پیامبران الهی باید از جنس بشر باشند تا دردها و نیازهای مردم را به خوبی درک کنند و بتوانند الگوی مناسبی برای انسان‌ها باشند. ۴. از سخنان اشراف که می‌گفتند: او مثل شما می‌خورد و می‌آشامد، استفاده می‌شود که آنان انسانیت را در کمال حیوانی خلاصه می‌کردند و بیش از آن نمی‌دانستند. «۱» ۵. اشراف قوم ثمود، مردم را از پیروی پیامبران الهی منع می‌کردند، چراکه آنان انسان‌هایی مثل خودشان بودند، ولی در همان حال مردم را به پیروی از خودشان فرا می‌خواندند و انتظار داشتند مردم در مخالفت با پیامبران با آنان همراه و هم‌صدا شوند؛ یعنی درست همان چیزی را که منع تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۷ می‌کردند از مردم می‌خواستند. قرآن این تناقض‌گویی‌های آنان را به تصویر کشیده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اشراف کافرکیش و خوش‌گذران، از نخستین مخالفان رهبران الهی بوده‌اند (و خواهند بود). ۲. مخالفان پیامبران را از بهانه‌جویی و تناقض‌گویی آنان بشناسید. *** قرآن کریم در آیات سی و پنجم تا سی و هشتم سوره‌ی مؤمنون به دور شمردن رستاخیز قوم ثمود را و تهمت‌های آنان به پیامبران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵-۳۸. *أَيَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ * هَيَّاتِ هَيَّاتِ لِمَا تُوَعَّدُونَ * إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ * إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ* آيا [او] به شما وعده می‌دهد که هنگامی که شما مُردید و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، (باز) شما (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! * دور است دور است، آنچه وعده داده می‌شوید! * این جز زندگی پست (دنیايي) ما نیست، (برخی) می‌میریم و (برخی) زندگی می‌کنیم، و ما برانگیخته نخواهیم شد! * او جز مردی که بر خدا دروغ بسته، نیست؛ و ما تصدیق‌کننده او نیستیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اشراف مخالف صالح پیامبر، منکر اصل معاد نبودند و دلیلی منطقی برای انکار آن نداشتند، بلکه صرفاً استبعاد می‌کردند و می‌گفتند: بعید است تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۸ که انسان پس از آن که مرد و خاک و استخوان پوسیده شد، بازهم زنده شود. البته اگر این کافران به علم گسترده‌ی خدا نسبت به ذرات وجودی افراد و قدرت بی‌انتهای او برای جمع‌آوری این ذرات توجه می‌کردند، وعده‌ی معاد را بعید نمی‌شمردند. ۲. این که اشراف می‌گفتند: ما می‌میریم و زنده می‌شویم، ممکن است اشاره به آن بوده باشد که نسلی در پی نسلی دیگر می‌آید. و یا اشاره به تناسخ بوده باشد؛ یعنی روح مردگان در زندگان بعدی حلول می‌کند. این دیدگاه در میان بت‌پرستان شایع بوده است. البته برخی مفسران معتقدند که تناسخ با آیات فوق سازگاری ندارد. «۱» ۳. در این آیات بیان شده که مخالفان بدون دلیل می‌گفتند که پیامبران به خدا تهمت می‌زنند و دروغ می‌بندند (و گرنه وحی و خبر رستاخیز و برنامه‌ی دیگری از طرف خدا نیامده است). در حالی که این سخن اشراف کافرکیش، خود تهمتی به صالح پیامبر بود؛ چرا که او به عنوان گواه صدق خود، معجزه‌ی ناچه از طرف خدا آورده بود، ولی کافران بدان توجه نکرده بودند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان پیامبران در مورد معاد شبهه‌پراکنی می‌کنند، ولی دلیلی برای انکار آن ندارند و فقط تحقق معاد را بعید می‌شمارند. ۲. رهبران الهی در انتظار تهمت‌های مخالفان باشند (و خود را برای استقامت و مقابله آماده سازند). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۵۹ قرآن کریم در آیات سی و نهم تا چهل و یکم سوره‌ی مؤمنون به نفرین پیامبر قوم ثمود و عذاب آن ستمکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹-۴۱. *قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبُونَ * قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصِيبَنَّ نَدِمِينَ * فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَهُمْ غَنَاءً فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* (پیامبرشان) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیب‌های آنان یاری کن.» * (خدا) فرمود: «پس از اندکی حتماً پشیمان خواهند گشت.» * پس بانگ (مرگبار) آنان را به حق فرو گرفت؛ و آنان را (همچون) خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ و قوم ستمکار (از رحمت خدا) دور باد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به دعوت توحیدی صالح پیامبر علیه السلام و کفر و انکار لجاجت‌آمیز قوم ثمود، همراه با تهمت‌ها و بهانه‌جویی‌های

آنها اشاره شد. هنگامی که سرکشی این قوم از حد گذشت و حجت بر آنان تمام شد، صالح پیامبر دست به دعا برداشت و از خدا خواست که این قوم سرکش را به خاطر تکذیب‌هایشان، مجازات کند. ۲. وقتی عذاب الهی بر قوم ثمود حتمی شد، قبل از نابودی از کردار خود پشیمان شدند، ولی این پشیمانی به حال آنان سودی نداشت و سرانجام به وسیله بانگ مرگباری نابود شدند. آری؛ پشیمانی و توبه قبل از حتمی شدن عذاب مفید است اما بعد از آن سودی ندارد. ۳. «غناء» در اصل یا به معنای گیاه خشکیده‌ای است که به صورت درهم ریخته بر روی سیلاب قرار می‌گیرد و یا به معنای کف‌های روی دیگ است که در حال جوشیدن است. آری؛ اجساد بی‌جان قوم ثمود، هم‌چون خاشاک درهم ریخته بر روی سیلاب بود؛ یعنی آنان در برابر عذاب الهی کاملاً ناتوان، ذلیل و بی‌ارزش تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۰ بودند، به طوری که وقتی صیحه‌ی مرگبار فرود آمد و خانه‌های آنان را درهم کوبید، حتی قدرت فرار پیدا نکردند و در درون خانه‌هایشان نابود شدند. ۱) «آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر کافران کفر و لجاجت را از حد بگذرانند و رهبر الهی از خدا تقاضای عذاب کند، دیگر پشیمانی سودی ندارد (پس تا دیر نشده توبه کنند و دست از لجاجت و تکذیب بردارند). ۲. مخالفان اسلام از سرنوشت مرگبار قوم ثمود عبرت بگیرند، و دست از ستمکاری و تکذیب بردارند. ***

قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و چهارم سوره‌ی مؤمنون به سرنوشت پیامبران اقوام دیگر و اجل حتمی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲-۴۴. ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ * مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْجِرُونَ * ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَأَيُّمُونَ * سپس گروه‌های دیگری را بعد از آنان پدید آوردیم. * هیچ ملتی از سرآمد (عمر) ش پیشی نمی‌گیرند و تأخیر نمی‌کنند. * سپس فرستادگانمان را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر گاه برای (راهنمایی) امتی فرستاده‌اش می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند؛ پس برخی از آن (سرکش) ان را بدنبال برخی [دیگر] آوردیم. و آنان را (هلاک کردیم) و خبرهای (عبرت‌آموز) گردانیدیم؛ و قومی که ایمان نمی‌آوردند (از رحمت خدا) دور باد! تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به سرنوشت اقوامی هم‌چون قوم لوط و شعیب اشاره می‌کند که بعد از قوم نوح و قبل از قوم موسی بر سرکار آمدند. آنان بر اساس قانون فیض الهی ادامه دهنده‌ی قافله‌ی تکامل بشری شدند و در هنگامی که مشخص شده بود، اجل آنان فرا رسید. ۲. «اجل» به معنای عمر و مدت چیزی است و گاهی به نقطه‌ی پایان نیز اجل گفته می‌شود، البته اجل بر دو گونه است: الف) اجل حتمی که نقطه‌ی پایان قطعی عمر شخص یا یک ملت است که تغییرناپذیر است. ب) اجل مُعَلَّق یا مشروط که تابع شرایط و موانع است و ممکن است زمان آن تغییر کند. در این جا مقصود از اجل ملت‌ها، همان اجل حتمی است. ۱) «۳. واژه‌ی «تترا» از ماده‌ی «وتر» به معنای «پی‌درپی آمدن» است؛ یعنی معلمان الهی و پیام‌آوران وحی یکی پس از دیگری می‌آمدند و این ملت‌ها را ارشاد می‌کردند، ولی این اقوام سرکش بر لجاجت و انکار خود می‌افزودند و پیامبران را تکذیب می‌کردند. ۲) «۴. خدا این اقوام سرکش را چنان نابود کرد که جز گفته‌ای و حدیثی از آنان بر صفحه‌ی تاریخ باقی نماند و عبرت روزگار شدند؛ یعنی حتی آثار باستانی و بقایای شهرهای آنها نیز بر جای نماند. ۳) «۵. سرنوشت این اقوام نتیجه‌ی بی‌ایمانی آنها بود که دوری از رحمت الهی را در پی داشت. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت عذاب‌آلود اقوام بی‌ایمان پیشین عبرت بگیرید (و ایمان بیاورید). ۲. هر ملتی، عمر مشخصی دارد که تغییرناپذیر است. ۳. سلسله‌ی پیامبران الهی در طول تاریخ پیوسته بود، ولی ملت‌ها قدر آنان را نمی‌شناختند (شما این گونه نباشید). *** قرآن کریم در آیات چهل و پنجم تا چهل و نهم سوره‌ی مؤمنون به رسالت موسی و هارون و واکنش منفی فرعونیان و نابودی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵-۴۹. ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسَيِّدًا مَبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ * فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عِبَدُونَ * فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ * وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ * موسی و برادرش هارون را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان و دلیلی آشکار، به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ * و [لی تکبر ورزیدند، و گروهی برتری‌جو بودند. * و گفتند: «آیا به دو بشری که مثل ما هستند، ایمان آوریم، در حالی که قوم آن دو پرستندگان ما

هستند؟!)* پس آن دو را تکذیب کردند؛ و از هلاک شدگان شدند.* و یقیناً به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ باشد که آنان راهنمایی شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در سوره‌ی مؤمنون، به صورت اجمالی، به سرنوشت اقوام سرکش تاریخ اشاره می‌کند، تا درس‌های عبرت‌آموزی برای مشرکان و مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد و آنان را از خواب غفلت بیدار سازد و تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۳ از این رو در این بخش از سوره به سرنوشت پندآموز موسی و فرعونیان اشاره کرده است. «۱» ۲. مفسران قرآن در مورد «آیات و سلطان مبین» که به موسی و هارون داده شد، چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور از آیات، معجزات نه‌گانه‌ای است که به موسی داده شد و مقصود از سلطان مبین، منطق نیرومند و دلایل روشنگر آنان است. ب) مقصود از آیات همه‌ی معجزات موسی و منظور از سلطان مبین معجزات مهم هم‌چون عصای اوست. ج) مقصود از آیات همان تورات و احکام الهی است، ولی منظور از سلطان مبین معجزات موسی است. البته تفسیر اول با ظاهر آیات قرآن سازگارتر است. «۲» ۳. موسی و هارون نخست به سراغ فرعون و اشراف و درباریان او رفتند؛ چرا که آنان ریشه‌ی فساد و انحراف در جامعه‌ی مصر بودند و اگر این سردمداران حکومت اصلاح نمی‌شدند، کل کشور مصر اصلاح نمی‌شد. ۴. فرعونیان نیز همان بهانه‌ی همیشگی کافران اقوام گذشته را در برابر موسی و هارون بیان کردند و گفتند: ما چگونه به کسی ایمان بیاوریم که بشری هم‌چون خود ماست. در حالی که پیامبران الهی باید از جنس بشر باشند تا بتوانند دردهای بشریت را درک کنند و برای آنها درمان بیابند و الگوی انسان‌های دیگر باشند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۴ ۵. فرعونیان خود را پروردگار و بنی اسرائیل را بندگان پرستشگر خود می‌پنداشتند؛ از این رو حاضر نبودند به موسی و هارون ایمان بیاورند و این نهایت تکبر و خودبرتربینی آنان بود. ۶. وقتی خدا ملتی را هلاک می‌کند که پیامبران الهی را تکذیب کنند و سدّ راه برنامه‌های سعادت‌آفرین الهی شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت عذاب‌آلود فرعونیان عبرت بگیرید (و دست از مخالفت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بردارید). ۲. مخالفان پیامبران، گروهی مستکبر، بهانه‌جو و تکذیب‌گر حقایق بودند. ۳. پیامبران الهی، به همراه معجزات و دلایل روشنگر و کتاب آسمانی برای هدایت مردم آمده بودند (ولی گروهی از مردم خودشان هدایت‌پذیر نیستند). ۴. کتاب الهی عامل هدایت بشر است (از آن استفاده کنید). ۵. تکذیب رهبران الهی، عامل هلاکت و عذاب الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی مؤمنون به سرگذشت اعجاز‌آمیز عیسی علیه السلام و مادرش و نعمت‌های الهی به آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۰. وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ وَ پسر مریم [عیسی و مادرش را نشانه‌ای (معجزه‌آسا) قرار دادیم؛ و آن دو را در سرزمین بلندی که دارای قرارگاه و [آب روانی بود، جای دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به جای نام عیسی علیه السلام از تعبیر «پسر مریم» استفاده شده است تا اولاً گوشزد کند که او فرزند خدا نیست و ثانیاً یادآور شود که او از مریم بدون دخالت مردی دیگر و به طور اعجاز‌آمیز متولد شده است و این از نشانه‌های قدرت خداست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۵ ۲. تولد اعجاز‌آمیز عیسی علیه السلام از طرفی مربوط به شخص عیسی بود که بدون پدر متولد شد و از طرفی مربوط به مادرش بود که بدون شوهر فرزندی به دنیا آورد؛ یعنی یک واقعه‌ی اعجاز‌آمیز مربوط به دو شخص بود؛ از این رو در این آیه هر دو رایک نشانه معرفی کرد. ۳. «رَبْوَةٌ» در اصل به معنای زیادی و در این جا مقصود سرزمین بلند است و «مَعِينٍ» به معنای جریان آب یا آب محسوس است. «۱» مقصود از این سرزمین بلند و پر آب که پناهگاه عیسی و مادرش بود، احتمالاً یکی از سرزمین‌های دمشق، مصر، سرزمین رمله و یا شهر ناصره (محل تولد مسیح علیه السلام در اطراف بیت المقدس) است که عیسی و مادرش در هر یک از این مناطق بخشی از عمر خود را گذرانده و از دست دشمنان در امان مانده بودند. البته مانعی ندارد که مقصود آیه کل منطقه‌ی فلسطین و اطراف آن باشد که شامل تمام سرزمین‌های فوق می‌شود؛ هر چند محل تولد عیسی علیه السلام با ظاهر آیه سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تولد عیسی از مریم، از نشانه‌های اعجاز‌آمیز الهی است (از آن عبرت بگیرید). ۲. خدا از پیامبران و اولیای خود حمایت می‌کند و امنیت و نعمت به آنان عطا می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۶ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی مؤمنون

دستورات سازنده‌ای در مورد غذا و کردار شایسته می‌دهد و می‌فرماید: ۵۱. *يَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ* ای فرستادگان! از [خوراکی‌های پاکیزه بخورید، و [کار] شایسته انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید دانایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به پیامبران الهی دستور می‌دهد که از غذاهای طیب بخورند. مقصود از «طیبات» هر امر لذت بخشی است که روح یا جسم انسان از آن لذت ببرد «۱» و غذاهای طیب آن است که دو ویژگی داشته باشد: الف) پاکیزه و تمیز هستند، یعنی نجس و آلوده نیستند و از نظر بهداشتی مشکل ندارند. ب) پاک هستند، یعنی حلال هستند و از نظر قانونی مشکلی ندارند. ۲. این آیه به پیامبران الهی دستور می‌دهد که از غذاهای پاکیزه و پاک بخورید تا اولاً، به مردم گوشزد کند که رسولان الهی نیز هم‌چون شما انسان هستند و صفات بشری دارند. ثانیاً، شما هم به پیامبران الهی اقتدا کنید و غذاهای پاک و پاکیزه بخورید. ۳. این آیه پس از سفارش به غذای پاک و پاکیزه، پیامبران الهی را به کردار شایسته فرامی‌خواند. برخی از مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که رابطه‌ای بین غذای طیب و عمل صالح وجود دارد. یعنی نوع تغذیه‌ی انسان در روحيات، اخلاق و کردار او موثر است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۶۷. خدا ناظر اعمال انسان است و حساب کارهای او را دارد لذا انسان باید در اصلاح عمل و انجام کارهای شایسته کوشش بیش‌تری بکند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی (و همه‌ی مسلمانان) به غذا و کردار خود توجه کنند و مراقب باشند که پاک و شایسته باشد. ۲. به دستورات الهی عمل کنید که شما تحت نظر او هستید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی مؤمنون با دعوت به توحید و پارسایی، می‌فرماید: ۵۲. *وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ* و براستی که این (روش پیامبران) آیین شماست، در حالی که آیین یگانه‌ای است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس (خودتان را از عذاب من) حفظ کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه خطاب به بشریت می‌فرماید: «امت شما امت واحدی است.» مقصود از این «امت» یا همه‌ی مردم جهان هستند که جامعه‌ی واحد بشری را تشکیل می‌دهند و خدای واحدی دارند و از این رو این آیه جامعه‌ی انسانی را به یگانگی و رفع اختلافات و تبعیض‌ها فرا می‌خواند. و یا مقصود از «امت» آیین و دین است؛ یعنی اصول اساسی دین همه‌ی پیامبران یکی است هر چند در احکام و فروع بر اساس مقتضیات زمان متفاوت بودند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۴۶۸. ۲. اگر کسی پروردگار خویش را شناخت که خدای یگانه است، پس دستورات غیر او را اطاعت نمی‌کند بلکه خود نگهداری پیشه می‌سازد و فقط سر بر آستان دوست می‌ساید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصول اساسی ادیان الهی همگون و پروردگار آنها یکی است. ۲. پروردگار خود را بشناسید و پارسا و خود نگه‌دار باشید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم تا پنجاه و ششم سوره‌ی مؤمنون به احزاب از خود راضی و سرگردانی و مجازات‌های آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۳-۵۶. *فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ* فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ* أَيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُنَادُهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَينَ* نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَل لَّيْسَ عَزُورٌ و (گروهی) کار (دین) شان را در میان خود گسستند، دسته دسته (بدنبال کتابی رفتند؛ و) هر حزبی به آنچه نزدشان است شادمانند.* پس آنان را تا مدتی در گرداب جهلشان واگذار.* آیا می‌پندارند آنچه از مال و پسران، که آنان را بدان امداد می‌رسانیم،* (برای این است که) به سودشان در نیکی‌ها شتاب می‌ورزیم؟ (نه) بلکه (با درک حسی این مطلب را) متوجه نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «زُبُرًا» به معنای گروه‌های جدا شده‌ی انسان‌ها از هم‌دیگر است و یا به معنای کتاب‌هاست؛ یعنی هر گروهی از انسان‌ها پیرو کتابی از کتاب‌های آسمانی شدند و بقیه را نفی کردند، در حالی که مبدأ همه‌ی کتاب‌های تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۶۹ آسمانی و اصول اساسی ادیان الهی واحد است. «۱» ۲. در این آیه به این حقیقت روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اشاره شده است که احزاب و گروه‌های غیر الهی گرفتار خودپسندی و خود برترینی می‌شوند، به طوری که هر کدام راهی و عقیده‌ای را برای خود برمی‌گزینند و جاهلانه بر آن تعصب می‌ورزند و از آن شادمان‌اند و همین مطلب مانع فهم حقایق و عامل گسترش اختلاف در جامعه می‌شود در حالی که اگر محور احزاب و گروه‌های اجتماعی، خدا و دین باشد، تقوا و وحدت آنان بیش‌تر می‌شود و هم‌دیگر را در فهم و عمل به حقایق کمک می‌کنند و از سرگردانی و گمراهی نجات می‌دهند و از این جهت*

شادمان‌اند. ۳. در این آیات بیان شده که خدا احزاب از خود راضی و اختلاف‌انگیز را مجازات خواهد کرد و کیفر آنها این است که خدا آنها را رها می‌کند تا در غفلت و سرگردانی خود غوطه‌ور شوند. آری؛ رها کردن افراد نادان و سرگردان، عذابی بزرگ برای آنان است؛ چون هر چه در این حالت بمانند بر گرفتاری و گمراهی آنان افزوده می‌شود و سرانجام مرگ یا عذاب الهی فرا می‌رسد و آنان را راهی دوزخ می‌سازد. «۲» ۴. در این آیات به عذاب استدراج اشاره شده است؛ یعنی گاهی خدا به خاطر کردار ناپسند کافران، به آنها مهلت و نعمت می‌دهد تا بیش‌تر در غفلت و غرور فرو روند و راه بازگشت را بر خود ببندند و وقتی گرفتار عذاب دوزخ می‌شوند جدایی از نعمت‌ها و اموال و فرزندان برای آنان سخت‌تر و عذاب الهی برایشان دردناک‌تر باشد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. احزاب غیرالهی از خود راضی، سرگردان و غافل هستند. ۲. کیفر افراد از خود راضی و تفرقه افکن، سرگردانی بیش‌تر است. ۳. همیشه اموال و فرزندان را نعمت الهی ندانید، چون گاهی وسیله‌ی عذاب انسان هستند (پس مراقب باشید). ۴. احزاب از خود راضی تصور درستی از نیکی و سود خویش ندارند. ***

مسابقه در نیکی‌ها

قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم تا شصت و یکم سوره‌ی مؤمنون چهار ویژگی نیک‌اندیشان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۵۷- ۶۱. **إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَئِشْرِكُونَ* وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَاءً تَوْأَمًا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَجِيعُونَ* أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ** مسلماً کسانی که آنان از هراس پروردگارشان بیمناکند،* و کسانی که آنان به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند،* و کسانی که آنان به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند،* و کسانی که انجام می‌دهند آنچه را (باید در راه خدا) انجام می‌دادند، و با این حال، دل‌هایشان هراسناک است [چرا] که آنان به سوی پروردگارشان باز می‌گردند،* آنان در (انجام) نیکی‌ها بر همدیگر پیشی می‌گیرند، و آنان برای آن (نیکی) ها پیشگامند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حَشْيَت» به معنای ترسی است که همراه با احترام و تعظیم باشد و بیش‌تر جنبه‌ی قلبی دارد، ولی «مُشْفِق» «۱» در اصل به معنای ترسی است که تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۱ آمیخته با احترام و محبت باشد و بیش‌تر جنبه‌ی عملی دارد. یعنی کسانی که ترس آمیخته با احترام و عظمت الهی در قلبشان جای گرفته است، ترسی محبت‌آمیز در کردارشان نمایان می‌شود که آنها را به انجام مسئولیت‌های خویش وا می‌دارد. ۲. اهل خیر مؤمن هستند و شرک نمی‌ورزند. آری؛ ایمان به خدا علت نفی شرک است و در حقیقت ایمان از صفات ثبوتی و نفی شرک از صفات سلبی است. ۳. اهل خیر کسانی هستند که اگر تمام مسئولیت‌های خویش را انجام دهند، باز هم گرفتار خود برتر بینی نمی‌شوند و علی وار از کمی توشه و طولانی بودن سفر آخرت می‌نالند. «۱» آری؛ یاد معاد و هراس از آن، مؤمنان اهل خیر را کنترل می‌کند و آنها را به طرف اعمال نیک بیش‌تری می‌کشاند. ۴. اهل خیر کسانی هستند که در انجام نیکی‌ها از هم‌دیگر به سرعت پیشی می‌گیرند و در این راه مسابقه می‌گذارند «۲» و رقابت سازنده دارند. ۵. در این آیات به چهار ویژگی و یک نتیجه در کارهای مؤمنان اهل خیر اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: الف) ترس همراه با احترام از مقام خدای متعال؛ ب) حق‌باوری و ایمان؛ ج) شرک‌گریزی؛ د) انجام مسئولیت‌ها همراه با هراس نسبت به معاد؛ ه) سرعت و مسابقه در انجام نیکی‌ها (که نتیجه‌ی چهار ویژگی پیشین است). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان خدا ترس اهل عمل به نیکی‌ها و شتاب در آنها هستند. ۲. مؤمنان نیک‌اندیش نسبت به خدا، ترس همراه با احترام و محبت دارند. ۳. مؤمنان نیک‌اندیش مسئولیت‌های خویش را کاملاً انجام می‌دهند و از رستخیز هراسان‌اند. ۴. صفات مؤمنان نیک‌اندیش را بشناسید (و همانند آنان باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی مؤمنون به قانون توازن تکلیف و توانایی، و کتاب ثبت اعمال اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. **وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا** وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ و هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی‌کنیم؛ و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید؛ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند.

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در حقیقت به دو پرسش مقدر پاسخ می‌دهد: نخست آن که اگر این صفات برجسته‌ی مؤمنان نیک اندیش سرچشمه‌ی اعمال نیک است، دست‌رسی به آن بسیار مشکل است، پس مؤمنان عادی باید چه کار کنند؟ پاسخ آن است که خدا از هر کس به اندازه‌ی توانایی او تکلیف می‌خواهد. آری: بار هر کس در خور یاری اوست (پروین) دومین پرسش آن است که خدا چگونه به حساب همه‌ی بندگان خوب و بد و حتی به نیت‌های درون آنها رسیدگی می‌کند؟ پاسخ آن است که نزد خدا کتابی است که تمام اعمال بندگان را ثبت و ضبط می‌کند و به حق بازگو می‌کند، به طوری که جایی برای ستم باقی نمی‌ماند.

تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۳. مقصود از «نامه‌ای» که در این آیه بدان اشاره شده است، یا همان نامه‌ی اعمال بندگان است که نزد خدا محفوظ است. و یا لوح محفوظ و صفحه‌ی علم الهی است که تمام واقعیات در آن جا ثبت است و در هنگام لزوم بازگو خواهد شد. «۱» ۳. مقصود از سخن گفتن نامه‌ی اعمال، یا آن است که این نامه هم‌چون فیلم همه‌ی کارها را بازگو و منعکس می‌کند و یا کنایه از آن است که این نامه به قدری گویاست که نیاز به شرح ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون توازن تکلیف و توان انسان، بر همه‌ی احکام دینی حاکم است. ۲. ثبت گویای اعمال انسان‌ها، راه هر گونه سستی را در هنگام حساب‌رسی می‌بندد. ۳. وظایف افراد را به اندازه‌ی توانایی آنان مشخص سازید. *** قرآن کریم در آیات شصت و سوم و شصت و چهارم سوره‌ی مؤمنون به غفلت کافران مخالف اسلام و فریادهای آنان در برابر عذاب الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳ و ۶۴. *يَلُ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ* * *حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْزُونَ* بلکه دل‌هایشان از این (حقیقت) در گرداب جهل (فرو رفته) است؛ و کارهای (زشتی) جز این دارند در حالی که آنان آن (کار) ها را انجام می‌دهند. * تا هنگامی که ثروتمندان آنها را به عذاب گرفتار ساختیم؛ بناگاه، آنان ناله و زاری سر می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران و مخالفان اسلام، در غفلت و بی‌خبری نسبت به نامه‌ی اعمال و رستاخیز و برنامه‌ی نیک اندیشان به سر می‌برند و تذکرات قرآن در این موارد نیز سودی به آنان نمی‌بخشد «۱» و حقایق را درک نمی‌کنند. ۲. کافران به خاطر جهل و غفلت خویش به اعمال زشت خود ادامه می‌دهند و از نظر عمل آلوده‌اند و خط خود را از خط مؤمنان جدا ساخته‌اند. ۳. در هنگام عذاب، خوش‌گذرانان کافر گرفتار می‌شوند و نعره می‌کشند؛ البته گرفتاری در عذاب مخصوص آنان نیست و اشاره به خوش‌گذرانان در این جا یا به خاطر آن است که آنان سردم‌داران کفر و گمراهی هستند و یا به خاطر آن که مجازات در مورد آنان دردناک‌تر خواهد بود. ۴. مقصود از عذاب در این آیات، یا عذاب دنیا، یا عذاب آخرت و یا هر دو است که کافران در برابر آن عذاب نعره می‌کشند و کمک می‌طلبند اما کسی به فریاد آنان نمی‌رسد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام اگر به غفلت و کارهای خود ادامه دهند در هنگام عذاب، فریاد کشان از خواب بیدار خواهند شد. ۲. ریشه‌ی بدکاری افراد را در غفلت دل‌های آنان بجوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۵ قرآن کریم در آیات شصت و پنجم تا شصت و هفتم سوره‌ی مؤمنون واکنش منفی کافران نسبت به آیات الهی و جلسات شبانه‌ی آنها را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۶۵-۶۷. *لَاتَجْزُوا أَلْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَأَنْتَصِرُونَ* * *قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقِبِكُمْ تَنْكِبُونَ* * *مُسْتَكْبِرِينَ بِسَمِرًا تَهْجُرُونَ* (به آنان گفته می‌شود: امروز ناله و زاری سر مدهید، [چرا] که شما از طرف ما یاری نخواهید شد. * (زیرا) در حقیقت، آیات من همواره بر شما خوانده می‌شد؛ و [لی شما همواره به پشت (سر) تان باز می‌گشتید! * مستکبران نسبت به آن (قرآن و پیامبر) شبانه بدگویی می‌کردید.

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به عذاب کافران خوش‌گذران و فریادهای آنان اشاره شد و اینکه در این آیات به کافران هشدار می‌دهد که در هنگام نزول عذاب کسی به فریاد آنان نمی‌رسد؛ چراکه دیگر دیر شده است. ۲. کافران خوش‌گذران سه ویژگی داشتند که مانع فریادرسی و یاری آنان می‌شد: الف) در برابر تلاوت آیات الهی، نگران می‌شدند و به قهقری بازمی‌گشتند و گرفتار ارتجاع می‌شدند. «۱» ب) در برابر آیات قرآن تکبر می‌ورزیدند. ج) جلسات شب‌نشینی تشکیل می‌دادند و بر ضد قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان بدگویی می‌کردند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۶. ۳. برخی مفسران حکایت

کرده‌اند که مشرکان عرب در شب‌های مهتابی اطراف کعبه گرد می‌آمدند و بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گفتند. قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و آن را عامل استمرار عذاب مشرکان شمرده است. آری؛ این راه و رسم افراد بی‌منطق و زیون و بی‌شهامت است که در شب‌های تاریک و به دور از چشم مردم، لب به ناسزا می‌گشایند و عقده‌گشایی می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران خوش‌گذران در رستاخیز، فریادرسی و یاری‌گری ندارند. ۲. از آیات الهی روی برنتابید و در برابر آنها تکبر نورزید و در جلسات ناسزا پراکنی شبانه شرکت نکنید که از عوامل استمرار عذاب است. *** قرآن کریم در آیات شصت و هشتم تا هفتادم سوره‌ی مؤنون با طرح چهار پرسش به بهانه‌های مخالفان پاسخ داده و با اشاره به حق‌گریزی آنان می‌فرماید: ۶۸-۷۰. أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آيَاتَهُمُ الْأُولَىٰ * أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ * أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كِرْهُونَ و آیا در گفتار (قرآن) تدبّر نکردند، یا چیزی برای آنان آمده که برای نیاکان نخستین آنان نیامده است؟! * یا فرستاده‌شان را نشناختند، و [از این رو] آنان او را انکار می‌کنند؟! * یا می‌گویند: «در او (حالت) جنون است؟!»، (نه)، بلکه (او) حق را برای آنان آورد؛ در حالی که بیشترشان از حق ناخشنودند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به واکنش منفی و روی‌گردانی مخالفان از آیات الهی اشاره شده و اینک در این آیات با طرح چهار پرسش به بهانه‌های آنان اشاره کرده است که گاهی می‌گفتند: ما مطالب قرآن را نمی‌فهمیم و گاهی می‌گفتند: این مطالب بدعت و جدید است و پدران ما چنین چیزی برای ما حکایت نکرده‌اند. و گاهی به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت جنون می‌زدند و رسالت او را انکار می‌کردند. در حالی که همه‌ی این‌ها بهانه و نکته‌ی اصلی حق‌گریزی کافران بود که عامل اصلی مخالفت آنها با اسلام گردید. ۲. مخالفان کافرکیش، راه تدبّر و تفکر را به روی خود بسته‌اند، و گرنه مطالب قرآن واضح و قابل فهم است. ۳. خطوط اساسی قرآن در ملت‌های پیشین نیز سابقه داشته است؛ یعنی پیامبران الهی معلمان کلاس‌های مختلف بشری بوده‌اند که اصول اساسی درس‌های آنها توحید، نبوت و معاد بوده است. آنها در طول تاریخ، بشریت را به نیکی‌ها و پاکی‌هایی فرا می‌خواندند که مطابق فطرت انسان بود. پس بهانه‌جویی مشرکان در مورد بی‌سابقه بودن مطالب قرآن بی‌مورد است. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فردی ناشناخته نبود. او قبل از آغاز نبوتش، به محمد امین مشهور بود و اصل و نسب روشن و مشهوری داشت؛ پس فردی مرموز و مشکوک نبود که در سخنانش تردید کنند و بهانه‌ی مشرکان در این مورد نیز بی‌اساس است. ۵. در این آیات اشاره شده که بهانه‌جویی مشرکان در مورد جنون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بی‌مورد است؛ چراکه عقل و تدبیر و حکمت پیامبر صلی الله علیه و آله از کردار و گفتار او آشکار شده است. ۶. ریشه‌ی بهانه‌جویی‌ها و مخالفت‌های مشرکان با پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن، همان حق‌گریزی آنهاست. از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن کریم مطالب حقی آورده‌اند که با هوس‌های آلوده‌ی مشرکان سازگار نیست، با آنها مخالفت تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۸ می‌کنند و تهمت جنون و بدعت به آنان می‌زنند. ۷. قرآن کریم در آیه‌ی فوق و در موارد متعددی اکثریت را سرزنش می‌کند که ناسپاس، ناآگاه، غیرمؤمن، گمراه‌کننده و حق‌گریز هستند. «۱» اما در برخی از موارد نیز اکثریت مؤمن همراه پیامبر صلی الله علیه و آله را معیار معرفی می‌کند «۲» و حتی در احادیث اسلامی سفارش شده که همراه جماعت و مشهور باشید و از تک‌روی پرهیزید. «۳» چنانچه با دقت در این آیات و احادیث نظر کنیم، متوجه می‌شویم که قرآن کریم معمولاً اکثریت کافر، مشرک و جاهل را که پیرو هوای نفس خویش هستند سرزنش می‌کند که معمولاً نظرهای آنان جنبه‌ی انحرافی دارد و پیروی آنها جامعه را به طرف سقوط و گمراهی می‌کشاند. اما اگر اکثریت مؤمن، آگاه و در مسیر حق باشند، نظریات آنها محترم و قابل پیروی است؛ البته در صورتی که نظر اکثریت بر خلاف فرمان الهی در قرآن و سنت نباشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهانه‌های مخالفان اسلام در مورد قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌اساس است؛ زیرا مطالب قرآن غیر قابل فهم و بی‌سابقه و پیامبر اسلام فردی ناشناخته و دیوانه نیست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۷۹. ۲. ریشه‌ی مخالفت کافران با اسلام در حق‌گریزی اکثریت آنهاست. ۳. معیار شما حقانیت افراد باشد، نه کثرت افراد. *** قرآن کریم

در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی مؤمنون به پیامد دهشتناک تبعیت حق از هوای نفس اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۱. وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ و اگر (بر فرض)، حق از هوس‌های آنان پیروی می‌کرد، حتماً آسمان‌ها و زمین و هر کس که در آنهاست تباه می‌شدند. بلکه یادمانشان (: قرآن) را برای آنان آوردیم، و [لی] آنان از یادمانشان روی گردانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به اصل اساسی حق‌محوری در اسلام اشاره شده است. هوس‌ها و هوای نفس باید تابع حق باشد؛ چراکه اگر حق تابع هوس‌ها شد، جهان را به تباهی می‌کشاند. ۲. هوس‌ها و هواهای نفسانی مردم چند ویژگی دارد که محور شدن آنها عامل نابودی و فساد جهان می‌شود: الف) همیشه یک بُعدی است و انسان را از جنبه‌های دیگر غافل می‌کند. ب) غالباً متوجه مسائل مفسده‌انگیز است. ج) این تمایلات یکسان نیستند و معمولاً با هم‌دیگر در تضادند. د) ضابطه‌ای ندارد. پس اگر حق تابع این هوس‌ها و تمایلات شود، جهان گرفتار هرج و مرج و تباهی می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۸۰. حق یکتاست و انسان را به واقعیات صحیح، ضابطه‌دار، وحدت و توحید رهنمون می‌شود و از کشمکش‌ها و فساد و هرج و مرج رهایی می‌بخشد. ۴. تعبیر «ذکر» در این آیه یا به معنای یادآوری و بیداری است که مقصود قرآن است و یا به معنای یاد انسان در جامعه و عزت و شرف او؛ البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۵. هواپرستی، بزرگ‌ترین بت و عامل انحراف: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: تمام فسادهایی که در عالم پیدا می‌شود، از خودخواهی پیدا می‌شود، از حب جاه، از حب قدرت، از حب مال، از امثال این‌هاست و هم‌ا‌ش برمی‌گردد به حب نفس و این «بیت» از همه بزرگ‌تر است و شکستش هم از همه مشکل‌تر است. تعقیب کنید که اگر نمی‌توانید به تمام معنا بشکنید - که می‌توانید ان شاء الله - مشغول باشید به شکستن دست و پای یک هم‌چون بتی؛ که اگر رهایش کنید شما را به هلاکت می‌کشاند «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حق‌محور باشید، نه هوس‌محور. ۲. هوس‌محوری، جهان را به تباهی می‌کشاند. ۳. اسلام و قرآن یادمان عزت شماس است؛ از آن روی بر نتابید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۱ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی مؤمنون به مجانی بودن هدایت پیامبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲. أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ یا از ایشان هزینه (زندگی) می‌خواهی؟ با اینکه هزینه (و پاداش) پروردگارت بهتر است، و او بهترین روزی دهندگان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در برابر هدایت و دعوت مردم مزدی طلب نمی‌کرد تا بهانه‌ای برای مخالفان باشد که بگویند ما امکانات مالی نداشتیم تا پیرو او شویم و یا پیامبر را متهم به دنیا طلبی کنند. ۲. اگر رهبران روحانی و معنوی، در برابر دعوت و هدایت خویش از مردم تقاضای پاداش مادی کنند، از طرفی کم کم به افراد ثروتمند یا گروه‌ها و احزاب وابستگی مادی پیدا می‌کنند و نمی‌توانند مطالب حق خویش را آزادانه بازگو کنند و از طرف دیگر در معرض تهمت‌ها و بهانه‌جویی‌ها قرار می‌گیرند. ۳. در این مجموعه آیات به چند صفت و ویژگی رهبران الهی اشاره شد: الف) شناخته بودن آنان در بین مردم؛ ب) حق‌محوری آنها؛ ج) طلب نکردن پاداش مادی در برابر هدایت و دعوت خویش. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی از مردم پاداش مادی درخواست نکنند که خدای رزاق، آنان را تأمین خواهد کرد. ۲. رهبران الهی سودجو نیستند (پس از آنان پیروی کنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۲ قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی مؤمنون به رابطه‌ی ایمان به آخرت با صراط مستقیم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۳ و ۷۴. وَإِنَّكَ لَتِدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَرِبُونَ و قطعاً تو آنان را به راه راست فرا می‌خوانی. * و مسلماً کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، از راه (راست) منحرفند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. راه راست نزدیک‌ترین فاصله میان دو نقطه است؛ از این رو همیشه، یک راه راست بیش‌تر نیست، هر چند راه‌های انحرافی در اطراف آن زیاد است. پیامبران الهی مردم را با دعوت به راه راست به طرف حق، حقیقت و قرب الهی رهنمون می‌شوند. ۲. در احادیث اسلامی «راه مستقیم» به ولایت امام علی علیه السلام تفسیر شده است. «۱» البته این گونه احادیث مصداق روشن راه مستقیم را بیان می‌کند. ۳. رابطه‌ی مستقیم بین ایمان به آخرت با راه راست برقرار است؛ تا انسان به آخرت ایمان نداشته

باشد، احساس مسئولیت نمی‌کند و از راه راست منحرف می‌شود. اگر کسی در این جهان از راه راست منحرف شود در جهان دیگر نیز از راه راست بهشت منحرف می‌شود و در دوزخ فرو می‌غلظد. ۴. در برخی احادیث از امام علی علیه السلام حکایت شده که اگر کسی از ولایت ما منحرف شود یا غیر ما را بر ما برگزیند، از صراط حق منحرف شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه راست، راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. ۲. باقی ماندن بر راه مستقیم بدون ایمان به معاد، ممکن نیست. ۳. اگر راه راست را می‌جوید به معاد ایمان بیاورید و از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنید. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و پنجم تا هفتاد و هفتم سوره‌ی مؤمنون به لجاجت افراد بی‌ایمان و فرجام عذاب آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵-۷۷. *وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّجُؤًا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ * وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَبَدُّوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ * حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ* و اگر (بر فرض) به آنان رحم کنیم و آنچه از (رنج و) زیان به آنان (رسیده) برطرف سازیم، حتماً در طغیانشان لجاجت می‌ورزند درحالی که سرگردانند. * و یقیناً آنان را به عذاب گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)! و [لی آنان در برابر پروردگارشان تسلیم نگردیدند، و فروتن نشدند. * تا هنگامی که بر آنان دری با عذاب شدید گشودیم، بناگاه آنان در آن (حال) مأیوس شدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال دو نوع مجازات دارد: الف) مجازات‌های تربیتی؛ یعنی عذاب‌ها و مشکلاتی که بر انسان‌ها فرود می‌آید تا آنها را تنبیه کند و بیدار سازد و از کارهای ناپسند و غرور و سرکشی باز دارد و به راه توبه، تضرع و رشد و کمال سوق دهد. ب) مجازات‌های پاک‌سازی یا عذاب استیصال؛ این نوع عذاب در مورد افرادی فرود می‌آید که قابل اصلاح نیستند بلکه مانعی در راه رشد و کمال تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۴ انسان‌های دیگر هستند و هم‌چون خارهایی از گلستان بشریت ریشه کن می‌شوند تا انسان‌های دیگر به راه تکاملی خویش ادامه دهند. ۲. در این آیات اشاره شده که افراد بی‌ایمان و مخالفان پیامبران الهی گاهی چنان لجوج بودند که پس از نزول عذاب‌های تربیتی بیدار نمی‌شدند و دست از سرکشی و گناه برنمی‌داشتند و در نهایت گرفتار عذاب شدید الهی شده، به کلی مأیوس و نابود می‌شدند. و بدین وسیله به کافران و مخالفان اسلام هشدار می‌دهد که چنین سرنوشت عذاب آلودی در انتظار شما نیز هست؛ بلکه شما کافران چنان لجوج هستید که اگر عذاب را از شما برداریم و مورد لطف قرار گیرید، باز هم در سرکشی و سرگردانی خود اصرار می‌ورزید. آری: چو با سفله‌گویی به لطف و خوشی فزون گرددش کبر و گردن‌کشی (سعدی) ۳. «تضرع» در اصل به معنای پستان و دوشیدن شیر است. سپس به معنای تسلیم همراه با فروتنی آمده و «استکائوا» به معنای خشوع و خضوع است. «۱» یعنی کافران چنان لجوج هستند که پس از گرفتاری در عذاب هم دست از سرکشی و غرور برنمی‌دارند و در برابر پروردگار تسلیم و خاضع نمی‌شوند. ۴. مفسران قرآن تعبیر «عذاب شدید» در این آیه را به معنای «مرگ» یا «کیفر قیامت» و مجازات نابود کننده تفسیر کرده‌اند؛ «۲» یعنی این آیه یک قانون کلی در مورد کیفرهای الهی کافران بیان می‌کند که از مجازات‌های تربیتی آغاز و سپس به مجازات‌های نابود کننده منتهی می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران مخالف اسلام، لجوج نیز هستند (و تا خود را به عذاب نابود کننده‌ی الهی گرفتار نسازند، دست برنمی‌دارند). ۲. ترحم بر کافران لجوج، سبب سرکشی بیش‌تر آنان می‌شود. ۳. اگر عذاب نهایی فرا رسد، دیگر امیدی برای افراد بی‌ایمان نخواهد بود (پس تا دیر نشده به فکر چاره باشید). ۴. گاهی عذاب‌های الهی برای بیدار کردن و تضرع مردم است (پس از این فرصت‌ها برای توبه و تضرع استفاده کنید). *** قرآن کریم در آیات هفتاد و هشتم تا هشتادم سوره‌ی مؤمنون با بیان نشانه‌های خدا به تحریک حسّ سپاس‌گزاری و تعقل کافران می‌پردازد و می‌فرماید: ۷۸-۸۰. *وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ * وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ * وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ* و او کسی است که برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌های [سوزان پدید آورد، چه اندک سپاس‌گزاری می‌کنید. * و او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و فقط به سوی او گردآوری می‌شوید. * و او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و پی در پی آمدن شب و روز، تنها از آن اوست؛ پس آیا خردورزی

نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین از کافرانی یاد شد که از راه مستقیم منحرف شدند و در برابر دعوت پیامبر اسلام به تکبر و لجاجت پرداختند. اینک این آیات با بیان نشانه‌های خدا آنها را به یاد پروردگار و نعمت‌های تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۶ او می‌اندازد، تا تفکر کنند و سپاس گزار شوند و ایمان آورند. «۱» ۲. در این آیات به سه نعمت وجود انسان یعنی گوش، چشم و دل (و عقل) اشاره شده است؛ چراکه راه‌های اصلی شناخت و آگاهی انسان همین سه طریق است؛ یعنی بینایی و شنوایی، کلید درک محسوسات هستند و دل و عقل، کلید درک معقولات و مسائل ماورای طبیعی. ۳. برخی مفسران بر آن اند که علت مقدم شدن گوش بر چشم در این آیه آن است که کودک انسان نخست می‌شود، سپس پس از چند روز می‌بیند. «۲» ۴. تفکر در آفرینش انسان از خاک، برای شناختن خدای هستی‌بخش و درک امکان معاد کافی است. خدا همان گونه که خاک مرده را زنده کرد و انسانی را به وجود آورد، می‌تواند بار دیگر انسان مرده را زنده کند. ۵. تعبیر اختلاف شب و روز، یا به معنای جان‌شین شدن آن دو به جای هم‌دیگر است و یا به معنای تفاوت‌های تدریجی شب و روز در طول چهار فصل، که در هر دو صورت، راه‌نمایی برای شناخت نظم و ناظم جهان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در نعمت‌های وجود خویش دقت کنید و خدا را بشناسید و سپاس گزار او باشید. ۲. در آفرینش خودتان از زمین دقت کنید و درس معادشناسی بگیرید. ۳. در نظام مرگ و زندگی و گردش شب و روز تفکر کنید و درس خداشناسی بگیرید. ۴. خداشناس تر شوید تا معادشناس و سپاس گزار گردید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۷ قرآن کریم در آیات هشتاد و یکم تا هشتاد و سوم سوره‌ی مؤمنون به شبهه‌انگیزی و بهانه‌جویی کافران در مورد معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۱-۸۳. بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ * قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ * لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (نه)، بلکه (آنان نیز) مثل آنچه پیشینیان گفته بودند، گفتند. * گفتند: «آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدیم، آیا حتماً ما برانگیخته می‌شویم؟! * بیقین این (رستاخیز) از پیش به ما و نیاکانمان وعده داده شد؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران دلیلی برای محال بودن معاد و انکار آن نداشتند، بلکه فقط زنده شدن بدن‌های خاک شده را بعید می‌شمردند و آن را اسطوره و افسانه می‌پنداشتند و بیش‌ترین اشکال آنان در مورد معاد جسمانی بود. ۲. «اساطیر» در اصل به معنای صفت است و به کلماتی که در یک ردیف قرار می‌گیرند سطر می‌گویند و اسطوره به معنای نوشته‌ها و سطور است که از دیگران به یادگار مانده است. از آن جا که در نوشته‌های پیشینیان افسانه‌ها و خرافات وجود داشته است این کلمه معمولاً به داستان‌های خرافی و دروغین گفته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان پیامبران در طول تاریخ شبهات تکراری در مورد معاد مطرح می‌کرده‌اند (پس جواب‌های آنان را آماده سازید). ۲. مخالفان معاد دلیلی برای رد معاد ندارند و فقط استبعاد می‌کنند و تهمت می‌زنند (پس برای پاسخ‌گویی به آنان آماده باشید). ۳. هم‌چون خرافه‌پرستان مشرک، حقایق الهی را افسانه‌ها نامید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۸ قرآن کریم در آیات هشتاد و چهارم تا نودم سوره‌ی مؤمنون با اشاره به اعترافات مشرکان نسبت به مالکیت و ربوبیت و قدرت خدا، به اثبات حقایق معاد می‌پردازد و می‌فرماید: ۸۴-۹۰. قُلْ لِّمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَلَمْ تَذَكَّرُونَ * قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَلَمْ تَتَّقُونَ * قُلْ مَنْ يَدِينُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيزُ وَلَمْ يَجِزْ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ * بَلْ أَنْتُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ بگُو: «اگر بدانید، زمین و کسانی که در آن هستند از آن چه کسی است؟! * بزودی خواهند گفت: «فقط از آن خداست.» بگو: «آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟! * بگو: «چه کسی پروردگار آسمان‌های هفتگانه، و پروردگار تخت بزرگ (جهانداری و تدبیر هستی) است؟! * بزودی خواهند گفت: «فقط از آن خداست!» بگو: «پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! * بگو: «اگر می‌دانید، چه کسی فرمانروایی مطلق هر چیزی به دست اوست، و او پناه می‌دهد، و به او پناه داده نمی‌شود؟! * بزودی خواهند گفت: «فقط از آن خداست!» بگو: «پس چگونه سحر می‌شوید؟! * بلکه حق را برای آنان آوردیم؛ و قطعاً آنان دروغ گویند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مهم‌ترین شبهه‌ی کافران در مورد معاد جسمانی این بود که

چگونه ذرات خاک شده‌ی انسان‌ها جمع‌آوری می‌شود. در این آیات از سه راه منطقی بر قدرت خدا تأکید شده تا نشان دهد که خدا قادر است که ذرات پراکنده‌ی انسان را بار دیگر جمع‌آوری و رستاخیزی به پا کند. ۲. این آیات بر مالکیت خدا و ربوبیت او و حاکمیتش بر جهان هستی تأکید کرده و از کافران در این موارد سه گانه اعتراف گرفته است، تا نشان دهد که خدا بر سراسر هستی حاکم است و قدرت بر جمع‌آوری انسان‌ها در قیامت تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۸۹ را دارد. در پایان نتیجه می‌گیرد که مسئله‌ی معاد حق است و کافرانی که آن را اسطوره می‌خوانند دروغ‌گو هستند. ۳. برخی مفسران احتمال داده‌اند که این سه پرسش و پاسخ ناظر به سه اشکال کافران است؛ یعنی می‌فرماید: الف) اگر انکار معاد به خاطر آن است که می‌پندارند انسان‌های پوسیده از قلمرو مالکیت خدا بیرون‌اند، باید گفت که خدا مالک همه‌ی هستی است. ب) اگر انکار معاد به خاطر آن است که زنده شدن مردگان نیاز به پروردگار دارد، باید گفت که خدا پروردگار همه‌ی جهان است. ج) اگر انکار معاد به خاطر آن است که می‌پندارند رستاخیز از حاکمیت خدا بیرون است، باید گفت که خدا حاکم به ملک و ملکوت است. «۱» ۴. «رب» به معنای مالک مُصلِح است و واژه‌ی «ملکوت» به معنای حکومت و مالکیت است و «عرش» در اصل به معنای تخت پایه‌بلند است، اما در این جا به معنای مجموعه‌ی عالم هستی است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حقایق الهی روشن و فطری است و حتی مخالفان دین به آنها اعتراف می‌کنند. ۲. از مخالفان اسلام در مورد حقایق هستی اعتراف بگیرید تا دروغ‌گویی و حق‌ستیزی آنان روشن شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۰ قرآن کریم در آیات نود و یکم و نود و دوم سوره‌ی مؤمنون به نفی فرزند و شریک برای خدا می‌پردازد و با بیان پیامدهای شریک داشتن خدا، برخی صفات او را بیان کرده، می‌فرماید: ۹۱ و ۹۲. مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ* عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ خدا هیچ فرزندی نگزیده است و هیچ معبودی با او نیست؛ (و گرنه) در آن صورت حتماً هر معبودی آنچه را آفریده بود، می‌برد، و مسلماً برخی آنان بر برخی [دیگر] برتری می‌جستند؛ منزّه است خدا از آنچه (او را) وصف می‌کنند!*(همان خدایی که) دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به عقیده‌ی انحرافی فرزند داشتن خدا اشاره شده است. این عقیده در میان مسیحیان و مشرکان وجود داشته است؛ «۱» یعنی مسیحیان، عیسی علیه السلام را فرزند خدا می‌دانند و مشرکان فرشتگان را فرزند خدا می‌پنداشتند و برای آنها سهمی از الوهیت قایل بودند که از مظاهر شرک به شمار می‌آمد. در این آیه این عقیده‌ی شرک‌آمیز نفی شده است؛ چراکه فرزند داشتن نشانه‌ی نیازمندی است و خدا غنی و بی‌نیاز است. ۲. در این آیه دو دلیل برای نفی شریک داشتن خدا بیان شده است: الف) نظام واحدی بر جهان حاکم است و قوانین هماهنگی دارد؛ پس خدای واحدی دارد و اگر دو یا چند خدا وجود داشت، دوگانگی در نظام تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۱ هستی پیدا می‌شد و هر خدایی به دنبال تدبیر و اداره‌ی مخلوقات خویش به صورت خاصی می‌رفت و نظام جهان فرو می‌پاشید. ب) اگر دو یا چند خدا وجود داشت، هر کدام از آنها ناقص بود و به دنبال کمال خویش و تکمیل قلمرو خود می‌رفت که لازمه‌ی این مطلب برتری‌جویی آنها بر هم‌دیگر و فروپاشی نظام هستی بود. «۱» ۳. در این آیات با اشاره به پاک بودن خدا از تهمت شرک، اشاره شده که او از پنهان و آشکار جهان آگاه است؛ پس اگر خدایی غیر از خودش وجود داشت، حتماً از وجود او اطلاع می‌یافت؛ چگونه مشرکان ادعایی می‌کنند که خدای آگاه به جهان نیز از آن اطلاعی ندارد! پس خدا از شرک به دور است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از همه‌ی اسرار باخبر است، پس با شرک‌ورزی به او تهمت نزنید. ۲. اگر خدا شریکی داشت، نظام جهان فرو می‌پاشید. ۳. خدا هیچ فرزند و شریکی ندارد و از این تهمت‌ها به دور است. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۲ قرآن کریم در آیات نود و سوم تا نود و پنجم سوره‌ی مؤمنون با هشدار به مشرکان به قدرت خدا بر انجام وعده‌ی عذاب تأکید می‌کند و می‌فرماید: ۹۳-۹۵. قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئُنِي مِآ يُوعَدُونَ* رَبِّ فَلِمَا تَجْعَلُنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مِآ نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ (ای پیامبر) بگو: «پروردگارا! اگر آنچه را (از عذاب) به آنان وعده داده می‌شود به من بنمایانی،* پس پروردگارا، مرا در

میان گروه ستمکاران قرار مده.»* و ما قطعاً تواناییم بر اینکه آنچه را به آنان وعده می‌دهیم، به تو بنمایانیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از وعده‌ی عذاب در این آیات، یا همان عذاب دنیوی مشرکان، هم‌چون شکست در جنگ بدر است و یا عذاب دنیا و آخرت. «۱» ۲. این آیات که در مکه نازل شده، نوعی دل‌داری و تسلی خاطر به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان می‌دهد که در مکه شدیداً تحت فشار مشرکان بودند و به آنان گوش‌زد می‌کند که خدا بر انجام وعده‌های خود تواناست و ممکن است به زودی مشرکان را مجازات کند. ۳. این آیات هشدار می‌دهد که به ستمکاری خود مغرور نشوند، که ممکن است به زودی طعم تلخ مجازات الهی را بچشند. ۴. روی سخن در این آیات با پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت مقصود آموزش مؤمنان و تهدید کافران است؛ یعنی هر چند پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا می‌خواهد که در هنگام مجازات در میان ستمکاران باقی نماند، ولی مسلماً پیامبر صلی الله علیه و آله مشمول مجازات الهی نبود و در هنگام عذاب در میان ستمکاران باقی نمی‌ماند. این مطلب را برای آموزش به مؤمنان و تهدید کافران فرموده تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۳ است که بدانند مسئله جدی است؛ حتی مثل پیامبر صلی الله علیه و آله نیز باید خود را به خدا بسپارد تا نجات یابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام وعده‌های الهی را جدی بگیرند. ۲. از عذاب الهی به خدا پناه ببرید و از او یاری بطلبید که او کاملاً تواناست. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی مؤمنون به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور مدارا می‌دهد و این که بدی‌ها را با نیکی پاسخ دهند و می‌فرماید: ۹۶. اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ بدی را بدان (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است، دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از مؤثرترین روش‌ها برای مبارزه با دشمنان و بیدار کردن غافلان و فریب خوردگان آن است که انسان برای دفع بدی آنان، روش نیکی را انتخاب کند و حتی به آنان نیکی کند. این جاست که در وجدان آنها غوغایی به پا می‌شود و شخص بدکار تحت ضربات سرزنش وجدان خویش قرار می‌گیرد و در بسیاری از موارد در برنامه‌ی خویش تجدید نظر می‌کند. بدی را با بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسا «۱» (سعدی) ۲. در مورد قانون «پاسخ دادن بدی به بهترین روش» چند نکته قابل ذکر است: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۴ اولاً، این قانون مخصوص مواردی است که دشمن از آن سوء استفاده نکند و این کار را دلیل ضعف مسلمانان به شمار نیاورد و بر جرأت و جسارتش افزوده نشود. ثانیاً، این قانون به معنای سازشکاری با دشمن و تسلیم در برابر ستم نیست، «۱» بلکه مظلوم باید در برابر ستمکار بایستد و انظلام (قبول ظلم) در اسلام پذیرفته شده نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدی‌ها را با نیکوترین صورت دفع کنید (و در برابر بدکاران بدکاری نکنید). ۲. خدا از رفتار و گفتار مخالفان آگاه است (پس ناراحت مباشید). *** قرآن کریم در آیات نود و هفتم و نود و هشتم سوره‌ی مؤمنون دستور پناه بردن به خدا از وسوسه‌ها و حضور شیطان‌ها را صادر می‌کند و می‌فرماید: ۹۷ و ۹۸. وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ * وَاعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ و بگو: «پروردگارا! از اشارات وسوسه‌آمیز شیطان‌ها به تو پناه می‌برم؛* و پروردگارا! از حضور آنان (نزد خود)، به تو پناه می‌برم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خطاب این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت روش برخورد با وسوسه‌های شیطان را به مسلمانان آموزش می‌دهد؛ یعنی وقتی که خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که باید به خدا پناه ببرد، تکلیف دیگران روشن است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۵. ۲. «همزات» به معنای دفع و تحریک با شدت است و در این جا مقصود وسوسه‌هایی است که از طرف شیطان در دل انسان افکنده می‌شود. «۱» ۳. «شیطان» در این آیه شامل همه‌ی شیطان‌های جن و شیطان‌صفتان از جنس انسان می‌شود که آشکار یا پنهان هستند. ۴. حضور شیطان‌ها در مجلس آن قدر خطرناک است که پیامبر صلی الله علیه و آله از این مطلب به خدا پناه می‌برد. بنابراین حضور انسان در مجلس شیطان‌صفتان خطرناک‌تر خواهد بود؛ چراکه ممکن است تحت تأثیر وسوسه‌های آنان قرار گیرد. ۵. دام‌های شیطانی که مانع کمال است چیست؟ امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: آنچه تو را از حق باز دارد و از جمال جمیل محبوب جلّ جلاله محبوب کند شیطان تو است؛ چه در صورت انسان باشد یا جن؛ و آنچه که به آن وسیله تو را از این مقصد و مقصود باز دارند دام‌های شیطانی است؛

چه از سنخ مقامات و مدارج باشد یا علوم و کمالات و حرف و صنایع یا عیش و راحت یا رنج و ذلت یا غیر این‌ها و این‌ها عبارت از دنیای مذمومه (: سرزنش شده) است و به عبارت دیگر، تعلق قلب به غیر حق، دنیای اوست و آن مذموم است و دام شیطان است و استعاذه (: پناه بردن به خدا) از آن باید کرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی (و مؤمنان) از القائنات شیطانی به خدا پناه ببرند. ۲. نه تنها شیطان و شیطان‌صفتان را در مجلس خود راه ندهید بلکه از حضور آنان به خدا پناه ببرید. ***

برزخ چیست؟

قرآن کریم در آیات نود و نهم و صدم سوره مؤمنون به فرجام ندامت آمیز مشرکان و آرزوی بازگشت آنان به دنیا و مرحله‌ی برزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۹ و ۱۰۰. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ تا هنگامی که مرگ، یکی از آنان را فرا رسد، می‌گوید: «پروردگارا! مرا باز گردانید!» باشد که من در آنچه ترک کرده‌ام، [کار] شایسته‌ای انجام دهم. «(در پاسخ او گفته می‌شود): هرگز چنین نیست! این سخنی است که او (فقط) گوینده آن است؛ و فرا روی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در هنگام مرگ، که پرده‌های غرور و غفلت از مقابل دیدگان‌شان کنار می‌رود و گویی سرنوشت دردناک خود را در دوزخ می‌بینند، به خود می‌آیند و از کوتاهی‌ها و گناهان خود پشیمان می‌شوند و درخواست می‌کنند که آنان را به دنیا باز گردانند تا کارهای شایسته انجام دهند. ۲. «کَلَّا» (۱) یا اشاره به آن است که به مشرکان اجازه‌ی بازگشت به دنیا داده تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۷ نمی‌شود، راه بازگشت آنان بسته شده است و یا اشاره به نفی ادعای مشرکان است که می‌گفتند: «ما به دنیا باز گردیم تا گذشته خویش را جبران کنیم.» چرا که اگر آنان به دنیا باز گردند، باز هم به همان برنامه‌های پیشین خود ادامه می‌دهند، «۱» به طوری که خودشان هم به این ادعا اطمینان ندارند؛ از این رو گفتند: «باشد که کار شایسته کنیم.» و قرآن پاسخ داد که این سخن را به زبان می‌گویند. البته مانعی ندارد که این آیه اشاره به هر دو مطلب باشد. «۲» (۳). در این آیات نخست مشرکان نام پروردگار را بردند، سپس از یک گروهی تقاضای بازگشت کردند. این خطاب به جمع یا به عنوان احترام به خداست و یا این که مشرکان از خدا فریادرسی کردند و بعد از فرشتگان مرگ خواستند که آنان را به دنیا باز گردانند. «۳» ولی مانعی ندارد که مشرکان هم از خدا و هم از فرشتگان، تقاضای بازگشت به دنیا کرده باشند. ۴. مقصود از «چیزهایی که در دنیا ترک گفته‌اند» و برای جبران آنها خواستار بازگشت به دنیا شدند، اموالی است که نپرداخته‌اند و اعمال شایسته‌ای است که انجام نداده‌اند و فرصت‌هایی است که از دست داده‌اند. «۴» (۵). «بَرْزَخٌ» در اصل به معنای چیزی است که میان دو چیز قرار می‌گیرد و تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۸ حایل می‌شود و به جهانی که بین دنیا و قیامت است برزخ گفته می‌شود که گاهی به آن عالم ارواح یا عالم قبر نیز گفته می‌شود و در این آیه نیز بدان اشاره شده است. ۶. جهان برزخ، همان عالمی است که در آن جا شهیدان در نعمت‌اند «۱» و کافرانی هم چون فرعون در عذاب «۲» و منتظر فرا رسیدن رستاخیز عمومی هستند. در احادیث متعدد شیعه و سنی به این عالم اشاره شده است. «۳» (۷). الهی خواب و بیداری ام «رَبِّ ارْجِعُونِ» «۴» گفتن بود و از جناب شما پذیرفتن؛ دیگر به چه رو «رَبِّ ارْجِعُونِ» گویم که «أَنَا إِلَهِ رَاجِعُونَ» «۵» گویم. «۶» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان در آستانه‌ی مرگ از کردار و گفتار خویش پشیمان می‌شوند ولی دیگر سودی نخواهد داشت (پس تا دیر نشده به فکر چاره باشند). ۲. حتی پشیمانی مشرکان در هنگام مرگ هم، جدی نیست. ۳. تا فرصت دنیا از دست نرفته است کارهای شایسته انجام دهید و گذشته را جبران نمایید، که پس از مرگ تقاضای بازگشت سودی ندارد. ۴. بین دنیا و قیامت، مرحله و جهانی به نام برزخ وجود دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۹۹ قرآن کریم در آیه‌ی صد و یکم سوره مؤمنون به ندای آغاز رستاخیز و ویژگی‌های آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۱. فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا

أَنْسِيَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَمَّا يَتَسَاءَلُونَ وَهنگامی که در شیپور دمیده شود، پس در آن روز هیچ خویشاوندی بین آنان نیست، و از یکدیگر پرسش (و درخواست) نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «صُور» به معنای شیپور است و در این جا مقصود اعلام عمومی آغاز رستاخیز است که به وسیله‌ای خاص صورت می‌گیرد و از آن پس همه‌ی مردم برانگیخته می‌شوند. ۲. در قرآن کریم به دو «نَفْخِ صُور» اشاره شده است: یکی برای اعلان مرگ عمومی موجودات و دوم برای آغاز رستاخیز و خیزش عمومی موجودات؛ که آیه‌ی فوق به مرحله‌ی دوم اشاره کرده است. «۱» ۳. یکی از ویژگی‌های رستاخیز آن است که نظام زندگی دگرگون می‌شود و روابط خویشاوندی حاکم بر زندگی مردم از بین می‌رود و هیچ خویشاوندی نمی‌تواند از دیگری دفاع کند و در برابر عذاب به او یاری رساند. «۲» ۴. ویژگی دوم رستاخیز آن است که مردم چنان از صحنه‌ی رستاخیز در وحشت فرو می‌روند که از حال هم‌دیگر پرسش نمی‌کنند و حتی از کودکان تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۰ خود غافل می‌شوند و یا از حال خویشاوندان نمی‌پرسند و یا آن روزی است که از هم‌دیگر تقاضای کمک نمی‌کنند. «۱» البته این عدم پرسش در رستاخیز مربوط به مراحل اولیه‌ی آن است، و گرنه در آستانه‌ی دوزخ و بهشت یا داخل آنها، مردم از هم‌دیگر پرسش می‌کنند و در آیات قرآن به این مطلب تصریح شده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگامه‌ی رستاخیز خویشاوندی سودی ندارد. ۲. صحنه‌ی رستاخیز آن قدر هولناک است که انسان را از پرسش و امدادخواهی هم باز می‌دارد. ۳. رستاخیز برای امدادخواهی دیر است (پس در دنیا به فکر چاره و امداد باشید). *** قرآن کریم در آیات صد و دوم تا صد و چهارم سوره‌ی مؤمنون به فرجام مؤمنان گران‌بار و زیانکاران سبک‌بار در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۲-۱۰۴. فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ * تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سنگین است، پس تنها آنان رستگارانند. * و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سبک است، پس آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند (و) در جهنم ماندگارند؛ * در حالی که [شعله‌های آتش به چهره‌هایشان نواخته می‌شود؛ و آنان در آن (آتش) عبوس و زشت منظرند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیات از روش مقایسه استفاده کرده است؛ یعنی سرنوشت مؤمنان گران‌بار را با سرنوشت زیانکاران سبک‌بار به تصویر کشیده و روبه‌روی هم قرار داده تا مردم بتوانند راه خود را انتخاب کنند. ۲. «مَوَازِين» جمع میزان، به معنای وسیله‌ی سنجش وزن است و در این جا مقصود ترازوی ظاهری دنیوی نیست بلکه مقصود وسیله‌ی متناسب با سنجش اعمال انسان‌هاست که گاهی یک انسان کامل است که اعمال انسان‌های دیگر را نسبت به او می‌سنجند. ۳. در احادیث اسلامی حکایت شده که امام علی علیه السلام و امامان بعدی همان میزان‌های سنجش هستند؛ «۱» یعنی اعمال انسان‌ها را نسبت به الگویی هم‌چون علی علیه السلام می‌سنجند و هر اندازه به اعمال آنها شباهت بیش‌تری داشته باشد، ارزش بیش‌تری دارد. ۴. با توجه به جمع بودن واژه‌ی «مَوَازِين» این احتمال نیز وجود دارد که هر کدام از پیامبران، امامان و اولیای الهی در جهتی که درخشش بیش‌تری دارند، الگوی آن قسمت خواهند بود؛ برای مثال، امام حسن علیه السلام الگوی اخلاق نیکو و امام حسین علیه السلام الگوی شجاعت و استقامت در راه خدا هستند. ۵. غیر مؤمنانی که ارزش اعمالشان کم است، در واقع «جانشان زیان کرده است»؛ یعنی بزرگ‌ترین سرمایه‌ی وجودی انسان همان هستی اوست که این افراد در بازار تجارت دنیا آن را از دست داده‌اند و در برابر چیز ارزشمندی به دست نیاورده‌اند. ۶. غیر مؤمنان زیانکار و سبک‌بار، در روز رستاخیز ناراحت هستند و چهره درهم می‌کشند؛ یعنی در اثر شعله‌های آتش که هم‌چون ضربات شمشیر به صورت آنها نواخته می‌شود، پوست صورت آنها درهم کشیده تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۲ می‌شود، به طوری که لب‌های آنان از هم باز می‌ماند. «۱» ۷. مجازات‌های قیامت با گناهان دنیوی تناسب دارند؛ یعنی کسانی که در دنیا غالباً در برابر آیات الهی چهره درهم می‌کشند و لبخند تمسخرآمیز می‌زنند، در رستاخیز چهره‌ای درهم کشیده و لبانی باز دارند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان گران‌بار پیروز و رستگارانند. ۲. اعمال سبک و کم‌ارزش، نشانه‌ی زیانکاری و از دست دادن سرمایه‌ی وجودی انسان است. ۳. زیانکاران، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ۴. با مقایسه‌ی

سرنوشت دو گروه مؤمنان گرانبار و غیر مؤمنان زیانکار سبک بار راه خود را انتخاب کنید.*** قرآن کریم در آیات صد و پنجم و صد و ششم سوره مؤمنون به گفتمان خدا با دوزخیان و بهانه تراشی آنان اشاره می کند و می فرماید: ۱۰۵ و ۱۰۶. أَلَمْ تَكُنْ ءآيَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ* قَالُوا رَبَّنَا عَلَبْنَا عَٰلِيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (و به آنان گفته می شود): آیا آیات من پیوسته بر شما خوانده نمی شد، و همواره آنها را دروغ می انگاشتید؟!* می گویند: «ای پروردگار ما! بدبختی ما بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در روز رستاخیز خدا از دوزخیان پرسش می کند و آنان را سرزنش می کند که چرا در برابر آیات و دلایل الهی که پیوسته بر شما خوانده می شد ایستادگی کردید و آنها را تکذیب نمودید. هر چند روز رستاخیز هنوز برپا نشده، اما خدا حالات آن روز را برای ما بیان می کند تا عبرت بیاموزیم. ۲. دوزخیان به گمراهی خود اعتراف می کنند، اما بهانه می آورند که شقاوت و بدبختی بر ما غلبه کرد؛ یعنی آنان می خواهند انحراف و لجاجت خود را در برابر آیات الهی به سرنوشت بد و شقاوت خویش نسبت دهند. ۳. «شقاوت» که ضد سعادت است به معنای فراهم بودن اسباب گرفتاری و مجازات و بلاست؛ یعنی شری که دامن انسان را می گیرد؛ البته شقاوت و سعادت انسان چیزی جز نتیجه‌ی اعمال او نیست و کسانی که سعادت و شقاوت را ذاتی می دانند، می خواهند به نوعی جبر پناه ببرند و با فرار از زیر بار مسئولیت‌های خود اعمال خلافشان را توجیه کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا در رستاخیز از خلافکاران بازخواست می کند. ۲. دوزخیان در رستاخیز هم بهانه تراشی می کنند. ۳. از سرنوشت دوزخیان عبرت بگیرید (و راه درست را انتخاب کنید).*** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۴ قرآن کریم در آیات صد و هفتم تا صد و دهم سوره مؤمنون به درخواست نجات دوزخیان و پاسخ منفی خدا و علل آن اشاره می کند و می فرماید: ۱۰۷-۱۱۰. رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِن عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ* قَالَ أَحْسَبُهُمْ أَلَمُوا بِإِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمِنَّا فَمَا غَفِرْنَا لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ* فَاتَّخَذُوا لَهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوُكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ [ای پروردگار ما! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، و اگر (به بدی) باز گشتیم پس در حقیقت ما ستمکاریم.]* (خدا به آنان) می فرماید: «در آن (دوزخ) گم شوید، و [با من سخن مگویید!]* [چرا] که دسته‌ای از بندگان من همواره می گفتند: «[ای پروردگار ما! ایمان آوردیم؛ پس ما را بیمارز و بر ما رحم کن؛ در حالی که تو بهترین رحم کننده گانی؛]»* و [لی آنان را به ریشخند گرفتید، تا (با این کار) یاد مرا از خاطر شما زدودند؛ و شما همواره به آنان می خندیدید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بیان شد که دوزخیان تقاضای بازگشت به دنیا را دارند، ولی از این حقیقت غافل اند که سرای آخرت روز حساب و جزاست و بازگشت از آن به دنیا ممکن نیست. ۲. تعبیر «أَحْسَبُهُمْ أَلَمُوا» (دور شو) معمولاً برای دور کردن سگ به کار می رود و اگر در مورد انسانی گفته شود، به معنای پستی او و مستحق بودن او برای مجازات است؛ یعنی این انسان از سگ هم پست تر است. خدای متعال در قرآن تنها در همین آیه از این تعبیر تند استفاده کرد و آن را در مورد کسانی که بندگان مؤمن و مناجات پیشه‌اش را مسخره می کنند به کار برد. این نشان دهنده‌ی اهمیت استهزای مؤمنان در پیشگاه خداست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۵. ۳. مسخره کردن بندگان مناجات پیشه، عامل فراموشی یاد خداست؛ چون ریشخند به مؤمنان مناجات پیشه سبب دوری انسان از آنان و عامل دوری و غفلت از مناجات و یاد خدا می شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا برای بندگان مناجات پیشه‌ی خویش اهمیت ویژه‌ای قایل است و با مخالفانشان به شدت برخورد می کند. ۲. مسخره کردن مؤمنان مناجات پیشه عامل ماندگاری در آتش دوزخ است. ۳. مؤمنان دعاگو را ریشخند نکنید که عامل فراموشی یاد خداست.*** قرآن کریم در آیه‌ی صد و یازدهم سوره مؤمنون به استقامت بندگان خدا و نقش آن در رستگاری آنان اشاره می کند و می فرماید: ۱۱۱. إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ براستی من امروز آنان را بخاطر شکیبایی‌شان، پاداش دادم؛ به اینکه تنها آنان رستگار شدند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. صبر و استقامت در برابر ریشخند کافران، پاداشی الهی دارد و انسان را به رستگاری و پیروزی رهنمون می کند. ۲. خدا خود به شکیبایان پاداش می دهد و این نشان دهنده‌ی لطف خاص خدا نسبت به آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بندگان مناجات گر و شکیبایان منتظر رستگاری و پاداش الهی باشند. ۲. استقامت

در برابر ریشخند مخالفان اسلام، از عوامل رستگاری است و پاداش الهی دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۶ قرآن کریم در آیات صد و دوازدهم تا صد و چهاردهم سوره‌ی مؤمنون به گفتمان دیگر خدا با دوزخیان و کوتاهی عمر دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۲-۱۱۴. قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ * قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَأَلَ الْعَادِينَ * قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (خدا) می‌گوید: «چقدر است تعداد سال‌هایی که در زمین درنگ کردید؟» (دوزخیان) گویند: «یک روز، یا بخشی از یک روز درنگ کردیم، پس از شمارندگان بپرس.» * (خدا) می‌گوید: «اگر (بر فرض) شما می‌دانستید (متوجه می‌شدید که) جز (زمان) اندکی درنگ نکرده‌اید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پرسش و پاسخ‌های خدا با دوزخیان نوعی مجازات روانی آنهاست؛ زیرا آنان را با این پرسش‌ها سرزنش می‌کند. ۲. در این آیات از عمر دنیا پرسش شده که در مقایسه با عمر طولانی آخرت، بسیار اندک است؛ «۱» زیرا نعمت‌ها و عذاب‌های رستاخیز نامحدود و جاویدان اما نعمت‌ها و فرصت‌های دنیایی کوتاه و زودگذر است. ۳. دوزخیان خود متوجه شده‌اند که برآورد صحیحی از عمر دنیا و آخرت ندارند؛ از این رو از خدا می‌خواهند که از شمارش گران پرسش کند که عمر دنیا چه اندازه بوده است. ۴. مقصود از شمارش گران در این آیات ممکن است فرشتگانی باشند که حساب عمر انسان‌ها را دقیقاً نگاه می‌دارند. «۲» ۵. در این آیات خدای متعال به دوزخیان اشاره کرده که اگر در دنیا پرده‌های غرور و غفلت را از قلب و فکر خویش کنار می‌زدید، متوجه می‌شدید که دنیا جاودانی نیست و برای آخرت تلاش می‌کردید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عمر جهان کوتاه است (پس هشیارانه به فکر جهان ابدی باشید). ۲. حساب‌رسان شمارشگر، گذر سریع زمان را بیش‌تر درک می‌کنند. ۳. در مورد گذر زمان و مقدار آن دقت کنید (تا دنیای شما به غفلت نگذرد). *** قرآن کریم در آیات صد و پانزدهم و صد و شانزدهم سوره‌ی مؤمنون به هدف‌داری آفرینش و ارتباط آن با صفات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۵ و ۱۱۶. أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ * فَتَعَلَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ و آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم، و اینکه شما به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟! * پس والاتر است خدایی که سلطان حق است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پروردگار تخت ارجمند (جهان‌داری و تدبیر هستی) است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به دو مطلب اساسی اشاره دارد: الف) جهان هدف‌دار است و بیهوده آفریده نشده است. ب) جهان دیگری در پس این دنیا وجود دارد و همه به سوی خدا بازمی‌گردند و رستاخیزی در پیش است. ۲. اگر جهان با این عظمت و مقدمات و برنامه‌هایی که دارد، صرفاً برای همین چند روز دنیا باشد، زندگی پوچ و بی‌معنا می‌شود. پس آفرینش جهان هدفی بزرگ دارد که همان بازگشت به سوی خدا و رستاخیز است و هر کس نتیجه‌ی اعمال خود را در آن جا خواهد دید و کمال نهایی جهان تحقق خواهد یافت. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۸. ۳. در این آیات به چهار صفت خدا اشاره شده که همه‌ی آنها با هدف‌داری جهان ارتباط دارند. این صفات عبارت‌اند از: مالکیت و حاکمیت خدا، حقایقیت وجود خدا، شریک نداشتن خدا و مقام ربوبیت و پروردگاری او. یعنی اگر خدا باطل باشد ممکن است آفرینش باطل و بیهوده‌ای داشته باشد، اما خدایی که خود حق است، جز حق از او صادر نمی‌شود. و نیز اگر خدا ناتوان یا دارای شریک باشد، ممکن است کسی او را از هدفش باز دارد، اما اگر خدایی یکتا، مالک و حاکم بر جهان باشد، می‌تواند هدفی والا و جهانی دیگر در پس دنیا قرار دهد؛ چون کسی نمی‌تواند مانع در برابر او ایجاد کند. و نیز خدایی که رب و تربیت‌کننده است و جهان تحت زمام‌داری اوست، حتماً هدفی در پرورش و اصلاح جهان دارد. ۴. «رب» به معنای پرورش دهنده و مالک اصلاح‌گر، «عرش» به معنای تخت و در این جا کنایه از قلمرو حکومت خداست «۱» و «کریم» به معنای شریف، پرفایده و نیکوست و از آن جا که عرش الهی دارای این صفات است، با صفت کریم، وصف شده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان مجموعه‌ای هدف‌دار است؛ آن را بی‌هدف و بیهوده نپندارید. ۲. آفرینش جهانی بی‌هدف با صفات الهی ناسازگار است. ۳. هدف آفرینش انسان‌ها، بازگشت به سوی خدا و کمال نهایی و رستاخیز الهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۰۹ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفدهم سوره‌ی مؤمنون به دلیل نداشتن شرک و کافران

نارستگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۷. وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكٰفِرُونَ و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند (و بپرستد)، که برایش هیچ دلیل روشنی بدان نیست، پس حساب او تنها نزد پروردگارش خواهد بود؛ بیقین کافران رستگار نخواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان فقط ادعا می‌کنند و هیچ دلیلی برای اثبات شرک ندارند. آنان کورکورانه از پدرانشان تقلید می‌کنند و به دنبال خرافاتی هم‌چون بت‌پرستی و شرک می‌روند، در حالی که توحید دارای دلایلی روشن و متعدد است. ۲. سوره مؤمنون با بیان رستگاری مؤمنان شروع شد و اینک در آیات پایانی سوره به نارستگاری کافران اشاره می‌کند؛ یعنی این سوره درونمایی از زندگی و فرجام مؤمنان و کافران ارائه می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک عامل نارستگاری است و حساب‌رسی فقط با خداست. ۲. به دنبال چیزی بروید که دلیل و برهان دارد. *** قرآن کریم در آخرین آیهی سوره مؤمنون روش دعا را آموزش می‌دهد و با یاد رحمت الهی می‌فرماید: ۱۱۸. وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِمِينَ و بگو: «پروردگارا! بیامرز و رحم کن؛ در حالی که تو بهترین رحم‌کنندگانی!» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در سوره مؤمنون مطالب زیادی در مورد کافران و مشرکان بیان شد و اینک در آخرین آیه به عنوان نتیجه‌گیری، به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که اکنون که گروهی در بیراهه‌های کفر و ستم سرگردانند و لجاجت می‌کنند، تو خود را به خدا بسپار و از او آمرزش و رحمت بخواه. ۲. این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله روش دعا و محتوای آن را می‌آموزد، ولی در حقیقت این آموزشی برای تمام مؤمنان راستین است؛ زیرا اگر پیامبر نیازمند آمرزش و رحمت الهی است ما بیش‌تر بدان نیازمندیم. ۳. نخست از خدا آمرزش بخواهید، تا از گناهان پاک شوید و زمینه‌ی نزول رحمت الهی فراهم گردد، سپس از او تقاضای رحمت کنید. ۴. در برخی احادیث روایت شده که آغاز سوره مؤمنون و پایانش از گنجینه‌های عرش خداست و هر کس به سه آیهی آغاز آن عمل کند و از چهار آیهی پایانی آن اندرز بگیرد، اهل نجات و رستگاری است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هم‌چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدا آمرزش و رحمت بخواهید که بهترین رحم‌کننده خداست. ۲. روش و محتوای دعا را از قرآن فراگیرید. «۲» *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۱

بخش دوم: سوره نور

اشاره

تربیت اجتماعی و اخلاقی مسلمانان عفت‌ورزی و مبارزه با آلودگی‌ها بهداشت جنسی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۳

اول: سیمای سوره نور

اشاره

سیمای سوره نور بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره مبارک نور، دارای ۶۴ آیه، ۱۳۱۶ کلمه و ۵۶۸۰ حرف است.

نزول

این سوره در مدینه (قبل از سورهی «حج» و پس از سورهی «نصر») بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و صد و دومین

سوره‌ی قرآن در ترتیب نزول است و در چینش کنونی قرآن بیست و چهارمین سوره به شمار می‌آید.

نام‌ها

تنها نام این سوره «نور» است، و سبب نام‌گذاری آن است که هفت بار واژه‌ی نور در آن تکرار شده است.

فضایل

در مورد فضیلت سوره‌ی نور از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس این سوره را در هر شبانه روز قرائت کند، کسی از خانواده‌اش تا پایان عمر، گرفتار عمل منافی عفت (زنا) نخواهد شد. «۱» تذکر: قبلاً بیان شد که این گونه آثار سوره‌ها، در حقیقت برای تلاوت و عمل به آیات آن است. آری؛ چنانچه انسان سوره‌ی نور را بخواند و در مضامین آن در مورد اعمال منافی عفت دقت و به هشدارهای آن توجه کند، دامنش از این آلودگی‌ها پاک خواهد ماند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۴ ویژگی‌ها: این سوره تنها سوره‌ی قرآن است که با واژه‌ی «سوره» آغاز می‌شود و آیه‌ی ۳۵ این سوره که با جمله‌ی «اللَّهُ نور السموات والارض» آغاز می‌شود آیه‌ی نور نام دارد.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. تربیت اجتماعی و اخلاقی مسلمانان؛ ۲. بیان آداب و اخلاق و احکام اسلامی؛ ۳. حفظ پاک‌دامنی و عفت مردم و مبارزه با آلودگی‌های جنسی.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. اشاراتی به مبدأ و توحید و بیان نشانه‌های خدا (در آیات ۴۱ به بعد)؛ ۲. اشاراتی به معاد. ب) اخلاق: ۱. بیان آداب معاشرت (در آیات ۶۰-۶۱)؛ ۲. بیان اصول تربیت فرزندان (در آیات ۵۸-۵۹)؛ ۳. بیان آداب زندگی خانوادگی و ورود به خانه‌ها (در آیات ۲۷-۲۹)؛ ۴. لزوم تسلیم بودن در برابر خدا که پشتوانه‌ی اجرای همه‌ی دستورات الهی است (در آیه‌ی ۵۴)؛ ۵. تشویق انفاق به خویشان و بینوایان (در آیه‌ی ۲۲)؛ ۶. رعایت ادب در سخن گفتن با پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۶۲). ج) احکام: ۱. قوانین شدید مجازات زن و مرد زناکار (در آیات ۲-۳)؛ ۲. دستور به کنترل چشم و نگاه نکردن به نامحرم (در آیات ۳۰-۳۱)؛ ۳. دستور حجاب برای زنان مسلمان و نکوهش بی‌حجابی (در آیه‌ی ۳۱)؛ ۴. دستور ازدواج برای جلوگیری از انحرافات (در آیات ۳۲-۳۳)؛ ۵. دستور مجازات کردن کسی که به دیگران تهمت می‌زند (در آیه‌ی ۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۵. ۶. دستور لعان برای کسی که به همسرش تهمت زند (در آیات ۶-۹)؛ ۷. اشاره‌ای به لزوم نماز و زکات (در آیه‌ی ۵۶). د) داستان: ۱. داستان تهمتی که به یکی از همسران پیامبر زدند (جریان افک) (در آیات ۱۱-۲۱)؛ ۲. یادآوری داستان موسی علیه السلام (در آیات ۳۵-۳۶). ه) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به حکومت جهانی مؤمنان شایسته در زمان امام عصر (عج) (در آیه‌ی ۵۵)؛ ۲. لزوم دوری از گام‌های شیطانی (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۳. نور الهی که در آسمان‌ها و زمین جلوه گر است (در آیه‌ی ۳۵)؛ ۴. خلقت جان‌داران از آب (در آیه‌ی ۴۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۶

دوم: محتوای سوره‌ی نور

اشاره

قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی نور به عظمت این سوره و محتوای آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. سُوْرَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [این سوره‌ای است که آن را فرو فرستادیم، و (قوانین) آن را واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی فرو فرستادیم، تا شاید شما متذکر شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سوره» در اصل به معنای ارتفاع و بلندی بناست و به دیوارهای بلند اطراف شهرها نیز گفته می‌شود؛ سپس به هر بخش از چیزی که از بخش دیگر آن جدا شده سور گفته شده است و از این رو به سوره‌های قرآن که بخش‌های قرآن را از هم‌دیگر جدا می‌سازد نیز سوره می‌گویند. «۱» ۲. منظور از «آیات باینات» (آیات روشن و روشنگر) در این جا عقاید قرآنی هم‌چون توحید و یا دلایل احکام و قوانین است که در این سوره آمده است. «۲» ۳. همه‌ی سوره‌های قرآن از طرف خدا فرود آمده است؛ پس تأکید بر نزول سوره‌ی نور از طرف خدا و احکام و قوانین و آیاتی که در آن فرود آمده است، نشان دهنده‌ی اهمیت این سوره است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۷. ۴. بیان قوانین الهی «۱» و آیات این سوره برای یادآوری و متذکر شدن انسان‌هاست. شاید این مطلب اشاره به آن است که ریشه‌ی اعتقادات و برنامه‌های عملی اسلام در درون فطرت انسان‌هاست و آیات قرآن آنها را یادآوری می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. احکام و آیات سوره‌ی نور از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (پس بدانها توجه بیش‌تری بنمایید). ۲. به قوانین سوره‌ی نور و آیات روشنگر آن دل بسپارید، تا بیدار دل شوید. ***

مجازات های اسلامی

قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی نور به کیفر زناکاران و لزوم سخت‌گیری در این مورد و آداب مجازات آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲. الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ زن زناکار و مرد زناکار، هر یک از آن دو را صد ضربه تازیانه بزنید؛ و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، نسبت به آن دو، در (کار) دین خدا هیچ دلسوزی شما را گرفتار نکند؛ و باید دسته‌ای از مؤمنان مجازات آن دو را مشاهده کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۸. ۱. عمل منافی عفت (زنا) به معنای آمیزش جنسی مرد و زنی است که همسر قانونی هم‌دیگر نیستند. اسلام با این عمل زشت به شدت برخورد کرده است؛ زیرا: الف) عمل منافی عفت (زنا) نظام خانواده را فرو می‌پاشد. ب) عامل پیدایش فرزندان نامشروع می‌شود که معمولاً این افراد تبدیل به جنایتکاران خطرناکی می‌شوند. ج) رابطه‌ی فرزندان را با پدر واقعی مبهم و تاریک می‌کند و گاهی سبب سقط جنین و جنایاتی مانند آن می‌شود. د) عامل برخوردها و کشمکش‌های اجتماعی بین هوس‌بازان می‌شود. ه) عامل بیماری‌های مختلف آمیزشی و روانی می‌شود. و) رواج این عمل زشت در اجتماع، زنان را به کالایی جنسی تبدیل می‌کند، همان‌طور که این کار در عصر ما به برده‌داری نوین شهرت یافته و هر ساله میلیون‌ها زن در سراسر جهان برای این کار خرید و فروش می‌شوند. «۱» ۲. در اسلام با عمل زشت (زنا) به شدت برخورد شده است، به طوری که طبق آیه‌ی فوق صد تازیانه به مرد و زن زده می‌شود و اگر این دو نفر دارای همسر قانونی باشند، یا زنا با محارم و یا به صورت اجبار صورت گیرد، حکم آن اعدام است. «۲» ۳. در این آیه تأکید شده که مجازات زناکار در حضور مردم صورت گیرد و گروهی از مؤمنان (یعنی حد اقل سه نفر) شاهد اجرای حکم باشند. «۳» فلسفه‌ی این حکم آن است که: الف) کیفر زناکار درس عبرتی برای دیگران شود و از گسترش این پدیده در اجتماع جلوگیری شود؛ زیرا بسیاری از مردم از ترس آبروی خویش اقدام تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱۹ به گناه نمی‌کنند. ب) شرم‌ساری مجرم مانع ارتکاب مجدد او در آینده شود. ج) اجرای مجازات در حضور مردم مانع از خودکامگی افراد و افراط و تفریط در آن می‌شود. د) اجرای حکم در حضور مردم، مانع تهمت زدن افراد به قاضی و مجریان می‌شود و از شایعات جلوگیری می‌کند. ۴. در این آیه «زن بدکار» قبل از «مرد بدکار» ذکر شده است؛ شاید به خاطر آن که عمل منافی عفت (زنا) برای همه زشت است اما از زنان قبیح‌تر

است و عواقب شوم آن نیز برای زنان بیش تر است. «۱» ۵. در هنگام اجرای قانون الهی در مورد زناکار، گرفتار احساسات کاذب نشوید؛ زیرا ترخم بر این افراد عامل گسترش فساد و آلودگی در اجتماع می‌شود. ۶. ایمان به خدا و قیامت عامل و ضامن اجرای دقیق احکام الهی است؛ زیرا هر کس ایمان به مبدأ و معاد دارد، در برابر فرمان خدا به صورت مطلق تسلیم است. ایمان به خدای عالم و حکیم باعث می‌شود که بداند که خدا هر حکمی را طبق فلسفه و مصلحتی قرار داده است و ایمان به قیامت باعث می‌شود که از تخلف در برابر فرمان خدا هراسان باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حرمت قوانین الهی را نگاه دارید و قانون‌شکنان را به سختی مجازات کنید. ۲. با عمل منافی عفت (زنا) در جامعه‌ی خویش مبارزه کنید. ۳. عفت‌شکنان جامعه را رسوا سازید و به صورت علنی آنان را مجازات کنید (تا دیگران عبرت بیاموزند). ۴. ایمان به خدا و رستاخیز با ترخم و تساهل در برابر قانون‌شکنان ناسازگار است. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۰ قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی نور به جریان ازدواج زناکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳. «الزَّانِي لَآيِنِكُحِّ إِلَّا زَانِيَةٌ أَوْ مُشْرِكَةٌ وَالزَّانِيَةُ لَآيِنِكُحَّ إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مَرْدٌ زَانَاكَرٌ جَزَا زَنَّاكَرًا يَأْزُوجَ الْمُشْرِكِينَ» (ازدواج) جز با زن زناکار یا زن مشرک ازدواج نمی‌کند؛ و زن زناکار، جز مرد زناکار یا مرد مشرک، با او ازدواج نمی‌کند؛ و این (ازدواج) بر مؤمنان حرام شده است. شأن نزول: روایت شده که برخی از زنان در مکه مشهور به آلودگی بودند و مردی از مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست که با یکی از آنان ازدواج کند. آیه‌ی فوق فرود آمد و مؤمنان را از این کار منع کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این آیه چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) برخی معتقدند که این آیه بیان یک واقعیت عینی است که معمولاً آلودگان به دنبال آلودگان می‌روند و هم‌جنس با هم‌جنس پرواز می‌کند، اما افراد پاک و باایمان هرگز به دنبال افراد آلوده نمی‌روند. در این صورت می‌تواند آیه مربوط به «ازدواج» نباشد و مقصود از «نکاح» همان هم‌بستری نامشروع با افراد آلوده یا مشرک باشد که مورد نکوهش قرآن قرار گرفته و انسان‌های مؤمن به طور تکوینی و فطری به دنبال این کار نمی‌روند و آن را بر تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۱ خود ممنوع می‌سازند. «۱» ب) تفسیر دوم آن است که این آیه این حکم شرعی را بیان می‌کند که مؤمنان حق ندارند با افرادی که مشهور به زناکاری هستند، قبل از توبه، ازدواج کنند و این کار بر مؤمنان حرام است. این تفسیر موافق برخی احادیث و شأن نزول‌هاست که در مورد آیه روایت شده است. «۲» ۲. در برخی از احادیث از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که این آیه در مورد مردان و زنانی است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله آلوده بودند و خدا مسلمانان را از ازدواج با آنان منع کرد و هم اکنون نیز هر کس مشهور به عمل منافی عفت شود و حد زنا بر او جاری گردد سزاوار نیست کسی با او ازدواج تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۲ کند تا توبه‌اش ثابت گردد. «۱» ۳. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: این آیه در مدینه نازل شد، ولی زن و مرد زناکار را مؤمن ننامید؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شخص زناکار به هنگامی که مرتکب این عمل می‌شود، مؤمن نیست و نیز شخص سارق به هنگامی که مشغول دزدی است، مؤمن نیست، چراکه به هنگام انجام این عمل ایمان را از او بیرون می‌آورند، همان‌گونه که پیراهن را از تن بیرون می‌آورند. «۲» برخی مفسران از این آیه و این روایت استفاده کرده‌اند که عطف مشرکان بر زناکاران در این آیه برای بیان اهمیت مطلب است، یعنی زنا هم‌تراز شرک است «۳» (که ایمان را از انسان می‌زداید). ۴. این آیه در مورد ازدواج زنان و مردان آلوده سخت‌گیری کرده است و آنان را از ازدواج با مؤمنان پاک‌دامن ممنوع ساخته است. شاید فلسفه‌ی این حکم چند چیز باشد: الف) معمولاً افراد آلوده به عمل نامشروع (زنا) گرفتار بیماری‌های آمیزشی می‌شوند که ازدواج آنان با مؤمنان پاک‌دامن عامل انتقال بیماری و شیوع آن می‌شود و ممنوعیت ازدواج با آنان از این کار جلوگیری می‌کند. ب) ممنوعیت ازدواج مؤمنان پاک‌دامن با زناکاران سبب می‌شود که افراد ناپاک تحریم اجتماعی شوند و این عامل روانی موجب دوری افراد از عمل منافی عفت می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در کار ازدواج زنان و مردان آلوده، سخت‌گیری کنید. ۲. زنان و مردان آلوده لیاقت ازدواج با مؤمنان پاک‌دامن را ندارند (مگر آن که توبه کنند). *** قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی نور به مجازات‌های سنگین

تهمت زدن به زنان اشاره می‌کند و با گشودن راه توبه می‌فرماید: ۴ و ۵. وَالَّذِينَ يَزُمُونَ الْمُدْحِجَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِالْبَيِّنَاتِ فَخَلِدُوا فِي أَرْبَابِهِمْ شُهَدَاءَ فَاذِلُّوهُمْ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِالْبَيِّنَاتِ فَخَلِدُوا فِي أَرْبَابِهِمْ شُهَدَاءَ وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ* إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ و کسانی که زنان پاکدامن را (به زنا) نسبت می‌دهند، سپس چهار گواه (بر مدعی خود) نیاورند، پس آنان را هشتاد تازیانه بزیند، و هیچ گواهی را هرگز از آنان نپذیرید؛ و تنها آنان نافرمان‌دارند.* مگر کسانی که پس از آن توبه کنند و اصلاح نمایند، پس (توبه) آنان پذیرفته می‌شود چرا) که خدا بسیار آمرزنده (و) مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین مجازات شدیدی برای زناکاران بیان شد و از آن جا که ممکن است این موضوع دست‌آویزی برای افراد مغرض برای تهمت زدن به افراد پاک شود بلا فاصله در این آیه مجازات شدید تهمت زندگان را بیان کرده است تا جلوی سوء استفاده از احکام الهی را بگیرد و کسی جرأت نکند به آبروی مردم تعرض کند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۴. ۲. در این آیه سه مجازات شدید برای تهمت زنا بیان شده است: الف) هشتاد ضربه تازیانه که به تهمت زنده می‌زنند؛ ب) بی‌اعتبار بودن گواهی تهمت زنده در محاکم قضایی؛ ج) تهمت زنده فاسق شمرده می‌شود و در جامعه رسوا می‌گردد. ۳. در اصطلاح فقهی به تهمت ناموسی «قذف» می‌گویند و آن عبارت است از متهم کردن کسی به عمل منافی عفت یا فحش دادن به او. اگر این سخنان به طور صریح گفته شود، هشتاد تازیانه مجازات دارد و اگر فحش به طور صریح نباشد، مقدار مجازات آن به دست حاکم شرع است که بر اساس کیفیت جرم و شرایط آن تصمیم می‌گیرد و فرد خطاکار را تعزیر می‌کند. «۱» ۴. این سخت‌گیری‌ها در مورد تهمت زنا، اولاً سبب می‌شود که آبروی افراد پاک‌دامن محفوظ بماند. ثانیاً، این حکم الهی از مفاسد فراوان اجتماعی و اخلاقی جلوگیری می‌کند؛ با تهمت زدن به مردم، محیط سوء ظن و بدبینی حاکم می‌شود و بازار شایعه رواج می‌یابد و موجودیت خانواده‌ها به خطر می‌افتد. ۵. «یَرْمُونَ» در اصل به معنای سنگ یا تیر انداختن و در این جا کنایه از تهمت زنا زدن است؛ چرا که گویی این سخنان هم چون تیری بر پیکر فرد می‌نشیند و او را مجروح می‌سازد. ۶. شخص تهمت زنده باید چهار شاهد بیاورد و اگر نتوانست چهار شاهد بیاورد، مجازات می‌شود، در حالی که در اسلام برای گناهان بزرگ هم چون کشتن افراد، دو شاهد کافی است. این سخت‌گیری در چهار شاهد شاید به منظور حفظ آبروی مردم باشد و دیگر این که در مسئله‌ی قتل، در صورت اثبات، فقط قاتل مجازات می‌شود، اما در مسئله‌ی زنا، در صورت اثبات، غالباً مرد و زن خطاکار هر دو مجازات تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۵ می‌شوند؛ از این رو چهار شاهد لازم دارد. «۱» ۷. در این آیات بیان شده که اگر شخص تهمت زنده توبه کند و گذشته را اصلاح نماید، خدا توبه‌اش را می‌پذیرد. یعنی این شخص دیگر فاسق نخواهد بود و در صورت عادل شدن، به طور طبیعی، گواهی او قبول خواهد شد. «۲» ۸. این آیه پس از ذکر توبه، به شرط قبولی توبه اشاره کرده است؛ توبه‌ی کسی پذیرفته می‌شود که اصلاح و جبران کند؛ یعنی اگر کسی به دیگری تهمت زد و آبروی او را لکه‌دار ساخت، باید در برابر کسانی که تهمت زده برود و گفته‌ی خود را تکذیب کند و اعاده‌ی حیثیت از متهم به عمل آید؛ به عبارت دیگر، تهمت شامل حق الهی و حق الناس است. حق الهی با توبه بخشیده می‌شود، اما حق مردم با اصلاح و بخشش آنان جبران می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مواظب سخنان خود باشید! متهم ساختن کسی به عمل منافی عفت کیفر شدیدی دارد. ۲. در اسلام آبروی مردم بسیار محترم است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۶. ۳. هر کس آبروی مردم را می‌برد، او را مجازات قضایی، اجتماعی و تنبیه بدنی کنید. ۴. راه توبه و بازگشت به سوی خدای مهربان باز است. ۵. تهمت زندگان، توبه کنند و کار خویش را اصلاح و جبران نمایند. *** قرآن کریم در آیات ششم تا نهم سوره‌ی نور به «لعان» یا راه حل اختلافات ناموسی درون خانواده اشاره کرده، می‌فرماید: ۶- ۹. وَالَّذِينَ يَزُمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدُوا أَحْدَهُمْ أَنْزِعْ شَهَادَتِ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ* وَالْخَمْسَةَ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ* وَيَذَرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعٌ شَهِدَتْ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ* وَالْخَمْسَةَ أَنْ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ و کسانی که به همسران خود نسبت (زنا) می‌دهند، در حالی که گواهانی جز خودشان برای آنان نبوده، پس گواهی یکی از آنان، چهار (بار) گواهی دادن به (نام) خداست، که قطعاً او از

راستگویان است؛* و (گواهی) پنجم این است که (بگوید): لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد.* و از آن (زن) مجازات (زنا) را دور می‌کند اینکه، گواهی دهد چهار (بار) گواهی دادن به (نام) خدا، که قطعاً آن (شوهر) از دروغگویان است.* و (بار) پنجم (گواهی دهد) که خشم خدا بر او باد اگر (شوهرش) از راستگویان باشد. شأن نزول: حکایت شده که پس از نزول آیات قبل در مورد مجازات تهمت ناموسی، یکی از انصار به نام سعید بن عباد این پرسش را مطرح کرد که حکم این مطلب در مورد همسر انسان چیست؟ با توجه به این که نه می‌توان چهار شاهد آورد و نه می‌توان خلافکار را به قتل رساند و نه می‌توان آن مطلب را تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۷ گفت؛ زیرا قذف است و هشتاد تازیانه دارد. و پس از مدت کوتاهی همین اتفاق در مورد هلال بن امیه و همسرش افتاد. او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد و قرار شد که حدّ قذف در مورد هلال اجرا شود، ولی وحی الهی فرود آمد و راه حلی در این مورد به مسلمانان ارائه کرد، که آن را «لعان» نامند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین حکم قذف (تهمت ناموسی به زنان مؤمن) بیان شد که هشتاد تازیانه بود و این آیات نوعی استثنا و تبصره به آن حکم است؛ یعنی اگر شوهری همسر خویش را به عمل منافی عفت متهم سازد، ولی چهار شاهد بر این مطلب نداشته باشد و همسرش نیز منکر آن باشد، حدّ قذف و زنا بر آن دو جاری نمی‌شود؛ زیرا ممکن است مرد یا زن راست گو باشند. از این رو در این موارد «لعان» صورت می‌گیرد که آداب آن در این آیات بیان شده است. ۲. در برنامه‌ی «لعان» شوهر به پنج جمله‌ی اساسی اقرار می‌کند تا سخن او اثبات شود و از مجازات قذف نجات یابد؛ یعنی چهار بار اقرار می‌کند و خدا را گواه می‌گیرد که خودش راست گوست و عمل منافی عفت همسرش را دیده است. و در مرتبه‌ی پنجم بگوید: اگر دروغ می‌گوید، لعنت خدا بر خودش باشد. ۳. در برنامه‌ی «لعان» زنی که مورد تهمت قرار گرفته است، بر سر دو راهی قرار می‌گیرد؛ یعنی اگر سکوت کند، تهمت شوهرش به او ثابت و حدّ زنا بر او تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۸ جاری می‌شود، اما اگر به سخن آید و پنج مطلب اساسی را اقرار کند، از مجازات نجات می‌یابد؛ یعنی چهار مرتبه اقرار کند و خدا را گواه بگیرد که شوهرش دروغ می‌گوید. و در مرتبه‌ی پنجم بگوید: اگر شوهر من راست گوست، خشم خدا بر من باد. ۴. «لعان» راه حل عادلانه‌ای برای نجات مرد و زن از این بن بست است؛ یعنی اجرای این برنامه چند حکم قطعی دارد: الف) مرد را از دست همسر خلافکار نجات می‌دهد و او را مجبور به سکوت یا آوردن چهار شاهد و آبرو ریزی نمی‌سازد، بلکه شکایت خود را مطرح می‌کند. ب) این مرد و زن از مجازات حدّ زنا نجات می‌یابند. ج) به زندگی زناشویی آنان خاتمه می‌دهد و آنان را بدون طلاق از هم‌دیگر جدا می‌سازد؛ چرا که ادامه‌ی این زندگی برای هر دو طرف بسیار دشوار است. د) این مرد و زن برای همیشه بر هم‌دیگر حرام می‌شوند و امکان ازدواج مجدد نخواهند داشت. ه) تکلیف فرزندی که در این ماجرا متولد می‌شود روشن می‌گردد؛ یعنی آن فرزند نسبتی با شوهر نخواهد داشت، ولی نسبتش با مادر برقرار است. «۱» ۵. مرد و زن مسلمان در محیط اسلامی و همراه با تعهدات مذهبی، در برابر حاکم اسلامی، خدا را بر خود گواه می‌گیرند و در صورت دروغ گفتن، لعنت و خشم او را بر خویشتن روا می‌دارند؛ البته برای یک مسلمان بسیار سخت است که این گونه دروغ بگوید و خود را از رحمت الهی دور و مشمول خشم او کند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۲۹ ۶. در مورد قذف و تهمت ناموسی زدن افراد به بیگانگان چهار شاهد لازم است، اما در مورد همسر چهار بار اقرار و گواه گرفتن خدا کافی است. شاید این تفاوت به خاطر آن باشد که معمولاً افراد به بیگانگان زود تهمت می‌زنند، ولی به همسر خویش به زودی راضی نمی‌شوند که تهمت بزنند و اگر هم چنین چیزی واقع شده باشد چهار شاهد آوردن مستلزم آبرو ریزی است؛ از این رو به چهار بار گواه گرفتن خدا اکتفا شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مبارزه با مفاسد اجتماعی و قانون‌گذاری در این مورد، حرمت خانواده‌ها را حفظ کنید. ۲. تهمت زدن به همسر، شوهر را از رحمت الهی دور می‌سازد. ۳. اگر تهمت ناموسی در خانواده پیش آمد، آن را نزد حاکم اسلامی با لعان حل و فصل کنید (و به سطح جامعه نکشید). ۴. اصل بر راست‌گویی زن و شوهر نسبت به هم‌دیگر است و سخن آنان را به صورت لعان پذیرید (و نیاز به شاهد آوردن و آبرو ریزی نیست). * * * قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی نور به بخشش و رحمت الهی در قانون

لعان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. وَلَوْ لَفَضَّلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود و اینکه خدا بسیار توبه‌پذیر [و] فرزانه است، (حتماً عذابی بزرگ به شما می‌رسید). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برنامه‌ی «لعان» فضل و رحمت الهی برای مسلمانان است؛ یعنی قانون اصلی در مورد تهمت ناموسی، همان حدّ قذف است. کسی که به دیگری تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۰ تهمت (زنا) بزند و چهار شاهد نداشته باشد، باید هشتاد تازیانه بخورد، اما خدا به خاطر رحمت و موهبتش نسبت به همسران لطف کرد و تبصره‌ای برای این قانون بیان کرد که هر گاه تهمت ناموسی در درون خانواده پیدا شد، مسئله با لعان حل و فصل شود و نیاز به چهار شاهد و آبروریزی نباشد. ۲. مضمون آیه‌ی فوق در آیات ۱۴ و ۲۰ سوره‌ی نور تکرار شده است، اما در این جا به صورت جمله‌ی شرطیه بیان شده و پاسخ آن حذف گردیده است تا اهمیت مطلب را نشان دهد و احتمالات متعددی در ذهن انسان برانگیزد که با هر کدام مفهوم تازه‌ای پیدا می‌شود. یعنی اگر فضل و رحمت الهی نبود، قوانینی برای تربیت شما قرار نمی‌داد و نظام زندگی خانوادگی شما فرو می‌پاشید و شما را گرفتار و مجازات می‌کرد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون لعان جلوه‌ای از رحمت، فضل و توبه‌پذیری خداست. ۲. خدا به خاطر فضل و رحمت خویش نمی‌خواهد که بر شما سخت‌گیری کند و نظام خانواده فرو ریزد. ۳. با توبه و عمل به دستورات خدا (در مورد لعان) مهر و بخشش الهی را به دست آورید (و از عذاب او رها شوید). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۱

ماجرای تهمت بزرگ

قرآن کریم در آیات یازدهم تا سیزدهم سوره‌ی نور به ماجرای تهمت بزرگ می‌پردازد و با اشاره به گناهکاری تهمت‌زندگان و پیامد قضایی آن، به انتقاد و سرزنش مؤمنان می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۱-۱۳. إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكِ عَصَبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ * لَوْ لَمَّا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ * لَوْ لَجَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَرَدَّتْ كَفَرًا فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ در واقع کسانی که آن دروغ بزرگ را (به میان) آوردند، گروهی پیوسته از شما هستند؛ میندازید که آن (ما جرا) برای شما بد است، بلکه آن برای شما نیکوست؛ برای هر انسانی از آنان، آن گناهی است که بدست آورده است؛ و کسی از آنان که عمده آن (دروغ) را سرپرستی کرد، عذاب بزرگی برای اوست! * چرا هنگامی که آن (دروغ بزرگ) را شنیدید، مردان مؤمن و زنان مؤمن به خودشان گمان نیک نبردند و نگفتند این دروغ بزرگ آشکاری است؟! * چرا چهار گواه بر آن نیاوردند؟! و اکنون که این گواهان را نیاوردند، پس تنها آنان در نزد خدا دروغگویانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از ظاهر این آیات و قراین و شواهد استفاده می‌شود که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت ناروایی (در مورد عمل منافی عفت) به شخصی زده شده بود که در جامعه‌ی آن روز مدینه آبروی او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. به طوری که گروهی از منافقان تلاش کردند به این تهمت و شایعه دامن بزنند و به نفع خویش و به زیان جامعه‌ی اسلامی از آن بهره ببرند. برخی از مفسران قرآن در مورد این آیات شأن نزول‌هایی حکایت کرده و گفته‌اند این تهمت به یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده بود، اما این حکایت‌ها تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۲ خالی از اشکال نیست. «۱» ۲. «افک» در اصل به معنای چیزی است که از حالت طبیعی دگرگون شود و از این رو به دروغ نیز افک می‌گویند. البته دروغ بزرگی که مسئله را از صورت اصلی دگرگون سازد؛ «۲» بنابراین روشن می‌شود که تهمت‌زندگان، تهمتی بزرگ در جامعه‌ی اسلامی مطرح کرده بودند. ۳. «عصبة» در اصل به معنای رشته‌های سلسله اعصاب است و به هر گروه متحدی که با هم پیوند و ارتباط و هم‌فکری دارند نیز گفته می‌شود. این تعبیر نشان می‌دهد که تهمت‌زندگان گروهی از منافقان توطئه‌گر و متحد بودند که شبکه‌ای نیرومند و منسجم برای شایعه‌پراکنی ایجاد کرده بودند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۳ ۴. تهمت زدن منافقان به زنان مسلمان را شرّ نپندارید، بلکه آن برای شما خیر است؛ چراکه: اولاً، منافقان

را در جامعه رسوا کرد که چه نیت پلیدی دارند. ثانیاً، این ماجرا به مسلمانان آموخت که به دنبال شایعات نروند. ۵. در این آیات برای تهمت زندگان دو مجازات بیان شده است: الف) تهمت زندگان گرفتار غذایی بزرگ خواهند شد که این مجازات اخروی آنان است. ب) تهمت زندگان نمی‌توانند چهار شاهد بیاورند؛ بنابراین دروغ‌گو و مستحق مجازات قضایی در دنیا هستند، یعنی باید حدّ قذف بر آنان جاری گردد. آری: نگفتی ندارد کسی با تو کار و لیکن چو گفתי دلیلش بیار (سعدی) ۶. همه‌ی تهمت زندگان و شایعه‌پراکنان سهمی از گناه دارند، ولی سردم‌داران و بنیان‌گذاران این جریان مسئولیت بزرگ‌تری دارند و عذابی بزرگ در انتظار آنان است. ۷. در این آیات از مؤمنان انتقاد شده است که چرا در هنگام شنیدن شایعه‌ی تهمت، واکنش منفی نشان ندادید و آن را رد نکردید؟! شما که سابقه‌ی بد منافقان را می‌دانستید و از پاکی مسلمانان نیز آگاه بودید. ۸. وظیفه‌ی مؤمن در برابر شنیدن تهمت به دیگران دو چیز است: الف) گرفتار بدبینی نشود، بلکه با خوش‌بینی به مسلمانانی که مورد تهمت واقع شده‌اند بنگرد. ب) در برابر شایعات و تهمت‌ها موضع‌گیری کند و بگوید: این‌ها دروغ آشکار است. ۹. در این آیات به جای آن که به مؤمنان بگوید: شما به «کسانی که مورد تهمت واقع شدند» خوش‌بین باشید، می‌فرماید: شما به «خودتان» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۴ خوش‌بین باشید. یعنی، جان مؤمنان از هم‌دیگر جدا نیست و هم‌چون پیکر واحدی هستند که هر کس به یکی تهمت بزند، به همه‌ی آنان تهمت زده است و خوش‌بینی هر کس نسبت به دیگران خوش‌بینی به خود اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان شایعه‌ساز، در انتظار عذاب دنیا و آخرت باشند. ۲. بنیان‌گذاران تهمت و شایعه، مسئولیت و مجازات بیش‌تری خواهند داشت. ۳. جامعه‌ی اسلامی در برابر تهمت ناموسی به مؤمنان ساکت نماند، بلکه با شایعات مقابله کند. ۴. گاهی تلاش مذبحخانه‌ی دشمنان منافق‌صفت، مایه‌ی خیر جامعه می‌شود؛ (چرا که این کارها عامل بیداری جامعه و رسوایی آنان می‌گردد). ۵. مؤمنان نیک‌اندیش، خوش‌بین و مدافع هم‌دیگر باشند. ۶. از شایعه‌سازان تهمت‌زن، دلیل و شاهد بخواهید و دروغ‌گویی آنان را اثبات کنید. ۷. هر مؤمنی که با شایعات مقابله نکرد، مستحق توبیخ و سرزنش است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی نور به بخشش و رحمت الهی در مورد جریان تهمت بزرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴. وَلَوْ لَأَفْضَلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ و اگر بخشش خدا و رحمتش در دنیا و آخرت بر شما نبود، حتماً به خاطر آنچه در آن وارد شدید، عذاب بزرگی به شما می‌رسید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون آیه‌ی فوق در آیه‌ی دهم، چهاردهم و بیستم این سوره تکرار شده است. تکرار این مطلب نشان‌دهنده‌ی آن است که خدا در موارد متعددی بر اساس رحمت و بخشش خود با مسلمانان برخورد کرده و از خطاهای آنان در گذشته و کار را بر آنان آسان‌تر کرده است. ۲. تعبیر «أَفَضْتُمْ» به معنی خروج از آب و فرو رفتن در آن است؛ یعنی شایعات مربوط به تهمت بزرگ، چنان گسترده شد که مؤمنان را نیز در خود فرو برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه تهمت زدن و شایعه‌پراکنی در مورد زنان مسلمان، بسیار عظیم است و مجازات بزرگی در دنیا و آخرت در پی دارد. ۲. با فضل و رحمت الهی جلوی عذاب را بگیرید. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی نور بار دیگر به بزرگی گناه تهمت اشاره می‌کند و با انتقاد از مسلمانان در مورد سهل‌انگاری در شایعات می‌فرماید: ۱۵ و ۱۶. إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْبِيبِكُمْ وَتَقُولُونَ يَا أَهْلَهُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ* وَلَوْ لَأِذٍ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَنٌ عَظِيمٌ (یاد کن) هنگامی را که آن (دروغ بزرگ) را از زبان‌های یکدیگر دریافت می‌کردید، و با دهان‌هایتان چیزی را می‌گفتید که هیچ علمی بدان نداشتید؛ و آن را آسان می‌پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است!* و چرا هنگامی که آن (دروغ بزرگ) را شنیدید نگفتید: «برای ما شایسته نیست که درباره این (مطلب) سخن گوئیم؛ (خدایا) متره‌ی تو، این تهمت بزرگی است؟!» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین ماجرای «افک» یا تهمت بزرگ بیان شد. در مدینه برخی منافقان نسبت به برخی زنان مسلمان تهمت ناموسی زدند و شایعاتی در جامعه پراکندند و قرآن با این مطلب به شدت برخورد کرد. اکنون در این آیات با پی‌گیری همان مطلب مسلمانان را در مورد کوتاهی در برخورد با شایعات، سرزنش

می‌کند. ۲. در این آیات در چند مورد از مسلمانان انتقاد شده است: الف) چرا افراد جامعه به استقبال این شایعه رفتند و مطلب از زبان یک‌دیگر گرفتند و پخش کردند که این کار خود گناه است. «۱» ب) در مورد مطلبی گفت‌وگو کردند که هیچ علم و یقینی به آن نداشتند؛ یعنی تهمت و شایعه‌ای بدون دلیل و مدرک را گسترش دادند که این خود گناهی دیگر بود. ج) این تهمت بزرگ را مطلب ساده و کوچکی شمردند، در حالی که حیثیت برخی زنان مسلمان را خدشه‌دار می‌کرد و آبروی مسلمان بردن گناه بزرگی است. د) در برخورد با تهمت و شایعه کوتاهی کردند و سخن گفتن در مورد آن را ممنوع نساختند و بزرگی گناه را یادآوری نکردند. ۳. در این آیات گاهی تعبیر «با زبانتان» و گاهی تعبیر «با دهانتان» آمده است، با این که همه‌ی سخنان از طریق زبان و دهان انجام می‌گیرد. این نکته اشاره به آن دارد که شما نه در پذیرش شایعه دلیل داشتید و نه در پخش آن، بلکه سخنانی بی‌اساس و باد هوا بود که در زبان و دهان شما گردش می‌کرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۷. ۴. گناه تهمت را کوچک و سبک نشمرید؛ اگر گناه در نظر انسان بزرگ باشد، کم‌تر مرتکب آن می‌شود و اگر خطا کرد ناراحت می‌شود و توبه می‌کند، اما اگر گناه در نظر انسان کوچک و ساده باشد، اهمیتی برای آن قایل نمی‌شود و در مسیر خطرناک سقوط قرار می‌گیرد. ۵. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که شدیدترین گناهان آن است که صاحب گناه آن را سبک و آسان شمارد. «۱» ۶. این آیات با شایعه‌سازی به شدت برخورد کرده و در حقیقت از مسلمانان خواسته است که در برابر شایعات بایستند؛ زیرا شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی یکی از شاخه‌های جنگ روانی است که در جهان امروز از این روش در سطح بین‌المللی و در محافل سیاسی-اجتماعی استفاده می‌شود. وقتی دشمن نمی‌تواند در میدان جنگ به مسلمانان صدمه‌ای وارد کند، با شایعه پراکنی، افکار عمومی را نگران و مشغول و از مسائل ضروری منحرف می‌سازد. در جوامع اسلامی نیز گاهی منافقان برای لکه‌دار کردن شخصیت‌ها یا انحراف افکار عمومی و گاهی با انگیزه‌ی انتقام‌جویی و تصفیه حساب شخصی شایعه می‌کنند. اسلام از مردم می‌خواهد که به شایعه‌پراکنی کمک نکنند، بلکه هر شایعه را در همان‌جا که شنیدند دفن کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تهمت‌ها و شایعات بدون دلیل را نپذیرید و نقل نکنید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۸. ۲. با شایعاتی که به گوشتان می‌خورد، برخورد کنید و آن‌ها را دفن کنید. ۳. شایعات ناموسی کوچک و ساده نیست، بلکه بهتانی بزرگ است. *** قرآن کریم در آیات هفدهم و هیجدهم سوره‌ی نور به مسلمانان در مورد عدم تکرار شایعه‌ی تهمت بزرگ سفارش می‌کند و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. *يَعْظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ* خدا شما را پند می‌دهد، که اگر مؤمن هستید، مبادا هرگز به مثل این (سخن) باز گردید. * و خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانای فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که مسئله‌ی تهمت ناموسی و شایعه‌پراکنی در مورد آن بسیار مهم است و امنیت اجتماعی مردم را به خطر می‌اندازد، بار دیگر در این آیات تأکید شده که چنین صحنه‌ای در جامعه‌ی اسلامی تکرار نشود. ۲. بین ایمان و بازنگشتن به گناه تهمت رابطه است؛ یعنی اگر کسی مؤمن باشد، سراغ تهمت زدن و شایعه‌پراکنی نمی‌رود و اگر کسی مرتکب این اعمال شد نشانه‌ی بی‌ایمانی یا ضعف ایمان اوست. ۳. در این آیات اشاره شده که خدا از کارهای شما آگاه است و به مقتضای حکمتش دستورات لازم را صادر می‌کند. این مطلب در حقیقت هشدار به مؤمنان است که خدا می‌داند که شما به دستورات و آیات او عمل می‌کنید یا خیر و طبق حکمتش با شما رفتار می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرگز حریم آبروی مردم را با شایعه‌ی تهمت در هم نشکنید. ۲. ایمان داشتن مستلزم دوری از شایعات تهمت‌آمیز است. ۳. با بیان این آیات، حجّت خدا بر شما تمام شد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۳۹. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی نور به قانون اشاعه‌ی فحشا یا مجازات سخت گسترش زشتی‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. *إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَمَّا تَعْلَمُونَ* در حقیقت کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان کسانی که ایمان آوردند، گسترشی آشکار یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین ماجرای تهمت بزرگ بیش‌تر جلوه‌ی

شخصی داشت، اما در این آیه یک قانون کلی بیان شده است که شامل همه‌ی موارد گسترش فحشا و زشتی‌ها و گناهان می‌شود. ۲. این آیه نمی‌گوید: «کسانی که اعمال زشت را گسترش دهند عذاب دردناکی دارند»، بلکه می‌فرماید: «کسانی که دوست دارند اعمال زشت گسترش یابد عذاب دردناکی دارند»؛ یعنی دوستی اشاعه‌ی فحشا هم گناه است و این نهایت تأکید بر این مطلب است. ۳. «فحشاء» در اصل در معنای عام به هر گونه رفتار و گفتاری که زشتی آن بزرگ باشد گفته می‌شود (۱) و در قرآن غالباً در مورد انحرافات جنسی و آلودگی‌های ناموسی به کار رفته است. ۲. در این جا مقصود از گسترش فحشا، هر گونه نشر فساد و کارهای زشت در جامعه است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۰. ۴. گسترش فحشا در جامعه اشکال مختلفی دارد؛ از جمله تهمت ناموسی، بازگو کردن و شایعه پراکنی در مورد تهمت‌ها و دروغ‌ها، ایجاد مراکز فحشا و فساد، در اختیار گذاشتن وسایل گناه، تشویق به گناه و یا پرده دری کردن و ارتکاب گناه علنی. ۵. اسلام جامعه‌ی انسانی را هم چون خانه و خانواده‌ای به هم پیوسته می‌داند که پاکی و آلودگی آن در تمام افراد اثر می‌کند؛ از این رو در مورد آلودگی‌های اجتماعی و گسترش آن حساس است و با اشاعه‌ی فحشا مبارزه می‌کند. آری؛ گناه هم چون آتشی است که اگر روشن شود و مهار نگردد، به نقاط مختلف جامعه منتقل می‌شود و حریق همه جا را فرا می‌گیرد و دیگر قابل کنترل نخواهد بود. ۶. اسلام همان طور که با آشکار کردن و گسترش فحشا و زشتی‌ها مقابله می‌کند، بر عیب‌پوشی و مخفی کردن گناهان نیز تأکید می‌کند. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کسی کار زشتی را منتشر کند، همانند کسی است که آن را آغاز کرده است. (۱) و در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: آن کس که گناه را منتشر کند، خوار می‌گردد و آن کس که گناه را پنهان کند مشمول آمرزش الهی می‌گردد. (۲) ۷. در این آیه برای گسترش زشتی‌ها، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت وعده داده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۱ عذاب اخروی اشاعه‌ی فحشا، همان دوری از رحمت الهی و خشم او و آتش دوزخ است و عذاب دنیوی آن آثار شوم فردی و اجتماعی، رسوایی، محرومیت از حق گواهی دادن و مجازات شرعی آن است. ۸. خدا از آثار مرگبار گسترش فحشا در دنیا و آخرت آگاه است، ولی شما از ابعاد این مسئله آگاهی ندارید و هر گاه بیماری هم چون سوزاک، سفلیس وایدز به سراغ شما بیاید، متوجه برخی خطرهای گسترش فحشا می‌شوید. و نیز خدا راه‌های جلوگیری از فحشا و قوانین آن را می‌داند و نازل می‌کند ولی شما نمی‌دانید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نه تنها گسترش زشتی‌ها گناه است، بلکه دوستی گسترش فحشا هم گناه است. ۲. از گسترش فحشا جلوگیری کنید که آثار شوم آن منحصر به کیفر اخروی نیست، بلکه در دنیا نیز گسترش دهندگان را گرفتار می‌سازد. ۳. هنوز مردم بسیاری از آثار شوم فحشا را نمی‌دانند (و گرنه از آن پرهیز می‌کردند). *** قرآن کریم در آیه بیستم سوره‌ی نور بار دیگر به رحمت و فضل الهی بر مسلمانان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. وَلَوْ لَأَفْضَلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود، و اینکه خدا مهربانی مهرورز است، (حتماً عذاب بزرگ بر شما می‌رسید). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: مضمون آیه‌ی فوق در آیات دهم و چهاردهم همین سوره تکرار شد تا به مسلمانان گوش زد کند که خدا بر اساس رحمت و فضل خود شما را از عذاب بزرگی رها کند، و گرنه هم چون جامعه‌هایی که گرفتار فحشا و آثار شوم آن شده‌اند، شما نیز گرفتار می‌شدید. ولی خدای مهربان و رحمتگر، قانون منع گسترش فحشا را به شما ابلاغ کرد تا جامعه‌ی مسلمانان از آلودگی و کارهای زشت نجات یابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون ممنوعیت گسترش فحشا جلوه‌ای از رحمت و فضل خدا بر شماست (پس قدر این قانون را بدانید و بدان عمل کنید تا جامعه‌ای سالم داشته باشید). ۲. به رحمت و بخشش الهی روی آورید (تا از عذاب او در امان باشید). *** قرآن کریم در آیه بیست و یکم سوره‌ی نور به نقش شیطان در گسترش اعمال زشت و ناپسند و نقش فضل و رحمت الهی در پاکی انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعِ خُطُوبَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَأَفْضَلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ای کسانی که ایمان آوردید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید. و هر کس از گام‌های

شیطان پیروی کند، (گمراهش می‌سازد)، چراکه او به [کارهای زشت و ناپسند فرمان می‌دهد. و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود، هیچ یک از شما هرگز [پاک نمی‌شد و] رشد نمی‌یافت؛ ولیکن خدا هر کس را بخواهد [و شایسته بداند، رشد می‌دهد و] پاک می‌کند؛ و خدا شنوای داناست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «شیطان» معنای گسترده‌ای دارد که شامل «هر موجود شرور و ویرانگر»؛ یعنی ابلیس و انسان‌های شیطان صفت می‌شود؛ بنابراین آیه‌ی فوق معنای گسترده‌ای دارد و نقش شیطان‌صفتان را در تمام ابعاد زندگی انسان روشن می‌سازد. «۱» ۲. در این آیه به مؤمنان هشدار می‌دهد که از گام‌های شیطانی پیروی نکنید؛ یعنی انسان‌های مؤمن یک مرتبه در آغوش فساد نمی‌افتند، بلکه شیطان و شیطان‌صفتان، با سیاست گام به گام آنان را به طرف تباهی و فساد می‌کشند؛ یعنی در گام اول گفت‌وگو و دوستی با افراد آلوده آغاز می‌شود؛ گام دوم هم‌نشینی و شب‌نشینی با فسادگران است؛ در گام سوم فکر گناه می‌آید؛ در گام چهارم کارهای مشکوک و شبهه‌ناک انجام می‌شود؛ در گام پنجم انجام گناهان کوچک آغاز می‌شود؛ و در گام‌های بعدی گناهان بزرگ انجام می‌شود و این پیروی تا آن جا ادامه می‌یابد که انسان زمام امور خود را به دست شیطان‌صفتان می‌دهد و در دام آنان سقوط می‌کند و تباه می‌شود. «منشین با همه کس کز بی بدکاری آدمی روی توانند شدن دیوان گشت ابلیس چو غواص به بحر دل ماند بر جا شبه و رفت در غلطان (پروین) تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۴ ۳. پیوند این آیه با آیات قبل آن است که آیات پیشین در مورد گسترش فحشا هشدار داد و اینک این آیه روشن می‌سازد که سرچشمه‌ی گسترش فحشا در جامعه، شیطان و شیطان‌صفتان هستند و هر کس که به دنبال شایعه‌پراکنی و گسترش فحشاست در حقیقت از شیطان پیروی می‌کند. ۴. فضل و رحمت الهی گاهی در بعد قانون‌گذاری و تشریح است؛ یعنی از طریق فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی و بیان قوانین و مژده و هشدار، انسان‌ها را به سوی پاکی و رشد هدایت می‌کند. و گاهی با امدادهای وجودی و تکوینی است؛ یعنی خدا از طریق امدادهای معنوی، انسان‌ها را به سوی پاکی و رشد ره‌نمون می‌شود. برخی مفسران قرآن بر آن‌اند که مقصود این آیه فضل و رحمت تکوینی است. «۱» ۵. عبارت «خدا هر کس را بخواهد پاک می‌کند و رشد می‌دهد.» به این معنا نیست که اراده‌ی الهی بدون دلیل است، بلکه اراده و کارهای خدا بر اساس علم و حکمت اوست؛ بنابراین این هر کس شایسته باشد و در راه خدا گام نهد و تلاش کند، خدا نیز دستش را می‌گیرد و او را هدایت می‌نماید. ۶. «زکی» در اصل به معنای «رشد و نمو» است و گاهی نیز به معنای «پاک شدن» آمده است؛ زیرا تا پاکی از آلودگی‌ها و موانع و مفسد نباشد، رشد و نمو امکان‌پذیر نخواهد بود. دامن آلوده مکن، چون که ز پاکانی بنده‌ی نفس مشو، چون که ز احراری (پروین) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در اردوگاه شیطان‌صفتان، انسان را به طرف زشتی‌ها و منکرات می‌برند (پس مواظب باشید). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۵ ۲. از شیطان پیروی نکنید که برای ایجاد انحراف، از سیاست گام به گام استفاده می‌کند. ۳. پاکی و رشد خود را در سایه‌ی رحمت و فضل الهی بجوید. ۴. شما زمینه‌ی پاکی و ناپاکی را با دست خودتان فراهم می‌آورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی نور به ثروتمندان فرمان می‌دهد که در مورد کمک به دیگران کوتاهی نکنند و با تشویق به عفو می‌فرماید: ۲۲. وَلَمَّا يَأْتِلِ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعْيَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلِيَ الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ و از میان شما صاحبان (ثروت) افزون، و وسعت (در زندگی)، نباید در مورد (کمک مالی) دادن به نزدیکان و بینوایان و مهاجران در راه خدا کوتاهی کنند. (و در مورد یاری نکردن سوگند نخورند) و باید ببخشند و درگذرند؛ آیا دوست نمی‌دارید که خدا شما را بیامرزد؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پس از ماجرای تهمت بزرگ، گروهی از یاران ثروتمند پیامبر صلی الله علیه و آله سوگند یاد کردند که به هیچ یک از کسانی که در این ماجرا و گسترش شایعات تهمت‌آمیز دخالت داشته‌اند، کمک مالی نکنند و در هیچ موردی به آنان یاری نرسانند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و مردم را از افراط و شدت عمل منع تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۶ کرد و دستور یاری و عفو داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در جریان تهمت بزرگ (افک) گروهی از مسلمان نمایان منافق‌صفت دخالت داشتند. از این آیه

استفاده می‌شود که گروهی از مسلمانان ساده‌لوح نیز فریب آنان را خوردند و به گسترش شایعه‌ی تهمت بزرگ کمک کردند و پس از هشدار قرآن، مسلمانان ثروتمند تصمیم گرفتند که کمک‌های مالی خود را به شایعه‌پراکنان قطع کنند. اما قرآن کریم به آنان هشدار داد که کمک‌های مالی خود را از گروه دوم قطع نکنند؛ زیرا اینان مسلمانانی مستمند یا مهاجران در راه خدا و خویشاوندان شما هستند که فریب منافقان را خورده‌اند. ۲. این آیه مانع افراط برخی افراد در برخورد با خطاکاران ماجرای تهمت بزرگ می‌شود؛ یعنی از طرفی به ثروتمندان مسلمان دستور می‌دهد که در کمک کردن به مسلمانان مهاجر و فقیر کوتاهی نکنند و با سوگند خویش این کمک‌ها را ترک نکنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۷ و از طرف دیگر به تشویق آنان می‌پردازد که برادران خطاکار خود را ببخشند تا خدا نیز آنان را بیامزد. ۳. این آیه آموزه‌ای بزرگ برای مسلمانان در همه‌ی اعصار است که در هنگام لغزش برخی مسلمانان، اولاً حساب منافقان و توطئه‌گران را از ساده‌لوحان فریب‌خورده جدا کنند. و ثانیاً، در برخورد با خطاکاران زیاده روی نکنند و کمک‌های خود را یک‌باره از آنان قطع نکنند تا مبادا طرد شوند و به دامان دشمنان سقوط کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برخورد با خطاکاران اجتماع افراط نکنید. ۲. در برخورد با خطاکاران (دفاعه و) جاذبه داشته باشید و در بخشش را نبندید. ۳. در هر حال به فکر بینوایان، مهاجران و خویشاوندان باشید و به آنان امداد برسانید. ۴. وظیفه‌ی امداد رسانی به نیازمندان، در درجه‌ی اول، متوجه ثروتمندان جامعه است. ۵. شما ببخشید تا خدا شما را بیامزد. *** قرآن کریم در آیات بیست و سوم تا بیست و پنجم سوره‌ی نور بار دیگر در مورد تهمت ناموسی هشدار می‌دهد و با اشاره به برخی حالات و عذاب‌های تهمت زندگان در رستاخیز می‌فرماید: ۲۳-۲۵. إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغُفْلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * يَوْمَئِذٍ يُؤْفِقُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۸ در حقیقت کسانی که زنان پاکدامن غافل مؤمن را (به زنا) نسبت می‌دهند، در دنیا و آخرت (از رحمت) دور شده‌اند، و عذاب بزرگی برای آنان است! * در روزی که زبان‌هایشان و دستانشان و پاهایشان بر ضد آنان به آنچه همواره انجام می‌دادند، گواهی می‌دهند. * در آن روز، خدا جزای حقیقی آنان را به طور کامل به ایشان خواهد داد؛ و می‌دانند که تنها خدا حقی آشکار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی چهارم سوره‌ی نور مجازات‌های تهمت‌زندگان به زنان پاک‌دامن بیان شد. در آن جا فقط بر پاک‌دامنی زنان تأکید شده بود، ولی در این آیه بر مؤمن بودن و غافل‌گیر شدن زنان پاک‌دامن، تأکید، و برای تهمت به این‌گونه زنان کیفری شدیدتر بیان کرده است؛ یعنی تهمت زدن به زنان پاک‌دامن مجازات سنگینی دارد اما اگر آن زن پاک‌دامن مؤمن بی‌خبری باشد، تهمت به او کیفر سنگین‌تری خواهد داشت. ۲. «غافل‌ت» به معنای بی‌خبری و غافل بودن است. مفسران در مورد این واژه دو احتمال داده‌اند: نخست آن که زنان از آلودگی‌های ناموسی بی‌اعتنا و بی‌خبر هستند و این نهایت پاکی آنان را نشان می‌دهد که حتی از تصور گناه و تهمت به دور هستند. و یا آن که زنان مؤمن از تهمت‌هایی که به آنان می‌زنند بی‌اطلاع می‌مانند و در نتیجه از خود دفاع نمی‌کنند و تهمت‌زندگان شایعه‌پراکن را به دادگاه و محاکمه نمی‌کشند و به مجازات دنیوی نمی‌رسانند. و آیه به این‌گونه شایعه‌سازان هشدار می‌دهد که تصور نکنید از عذاب الهی رهایی یافتید، بلکه شما از رحمت خدا دور می‌مانید و عذابی بزرگ در تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۴۹ آخرت خواهید داشت. «۱» البته ممکن است مقصود آیه هر دو معنا باشد. ۳. در این آیات بیان شده که در روز رستاخیز دست و پا و زبان تهمت‌زندگان علیه آنان گواهی می‌دهند. گویا این‌ها هم‌چون نوارهای ضبط صوت و تصویر، همه چیز را ضبط کرده، اکنون آنها را فاش می‌کنند. زبان از سخنان تهمت‌آمیز می‌گوید و دست و پا به اشارات تهمت‌آمیز و گام‌هایی که در راه نشر شایعات برداشته‌اند گواهی می‌دهند. ۴. در برخی آیات قرآن آمده است که در روز رستاخیز بر دهان گناهکاران مهر زده می‌شود «۲» ولی در این آیه می‌فرماید: زبانشان گواهی می‌دهد. این آیات با هم دیگر منافات ندارد؛ چرا که در یک جا سخن از دهان و یک جا سخن از زبان است. انسان از دهانش به نفع خود سخن می‌گوید و جلوی او را می‌گیرند اما زبان علیه انسان گواهی می‌دهد. و یا این که این دو

آیه در دو محل و دو زمان رستاخیز است. ۵. در این آیات واژه «دین» به معنای جزای گناهکاران است؛ کیفری حقیقی که حق آنهاست. ۶. گناهکاران در رستاخیز به حقایق خدا پی می‌برند؛ زیرا در آن روز پرده‌ها کنار می‌رود و نشانه‌های عظمت، قدرت و حقایق خدا آشکار می‌گردد و همه را به اعتراف و اقرار می‌دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۰. ۱. حرمت زنان پاک‌دامن، مؤمن و بی‌خبر را بیش‌تر پاس دارید. ۲. از غفلت دیگران سوء استفاده نکنید و به آنان تهمت ناموسی نزنید، که این کار شما را از رحمت خدا دور می‌سازد و عذابی بزرگ در پی دارد. «۱» ۳. تهمت زندگان مخفی کار روز رستاخیز رسوا می‌شوند. ۴. از روزی به‌راسید که حتی اعضای بدن‌تان به کمک شما نمی‌آیند و علیه شما گواهی می‌دهند. ۵. رستاخیز، روز حق است. در آن روز حقایق خدا آشکار می‌شود و جزای حق داده می‌شود. ۶. کیفر کامل تهمت زندگان در رستاخیز داده خواهد شد. *** قرآن کریم در آیه بیست و هشتم سوره‌ی نور به هم‌خوانی ناپاکان و هم‌دلی پاکان و پاداش‌های آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. *الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ* زنان پلید از آن مردان پلیدند، و مردان پلید از آن زنان پلیدند؛ و زنان پاک (نیکو)، از آن مردان پاک (نیکوی) ند، و مردان پاک (نیکو) از آن زنان پاک (نیکوی) ند! آنان از آنچه می‌گویند، بر کنارند؛ و برای آنان آمرزش و روزی ارجمندی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از پاکان در این آیه، مردان و زنان پاک‌دامنی هستند که خود را آلوده‌ی مسائل انحرافی جنسی و کارهای زشت نمی‌کنند. و مقصود از ناپاکان، افرادی هستند که به اعمال منافی عفت و زشت تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۱ آلوده شده‌اند. «۱» البته روشن است که پاکی و ناپاکی در این آیه (با توجه به آیات قبل) همان پاکی از آلودگی‌های جنسی است، اما ممکن است آیه شامل مطلق پاکی‌ها و ناپاکی‌های اخلاقی باشد. «۲» ۲. در این آیه به یک سنت طبیعی (و تکوینی) و نیز قانون شرعی اشاره شده است؛ یعنی از طرفی این یک سنت الهی است که افراد پاک به سوی پاکان گرایش می‌یابند و افراد ناپاک به سوی ناپاکان می‌روند. ذره ذره کاندرا این ارض و سماست جنس خود را هر یکی چون کهرباست (مولوی) و از طرف دیگر، آیه اشاره به آن دارد که ازدواج با زنان و مردان آلوده (حد اقل در موردی که مشهور به عمل منافی عفت هستند) ممنوع است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نوریان مرنوریان را طالب‌اند، ناریان مرناریان را جذب‌اند. ۲. دامن پاکان به وسیله‌ی گفتار ناپاکان آلوده نمی‌شود. ۳. خدا پاداش ارجمندی به پاکان می‌دهد. ۴. اگر پاکان را طالبید، خود را پاک سازید، تا به دنبال شما بیایند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۲. ۵. بهداشت جنسی در ازدواج رعایت شود. *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم سوره‌ی نور به آداب پاک معاشرت و شرایط ورود به منزل‌های مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷ و ۲۸. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ* * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِعُوا فَازْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ای کسانی که ایمان آوردید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌هایتان، وارد نشوید تا اینکه با دوستی رخصت طلبید و بر اهل آن (خانه) سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ باشد که شما متذکر شوید. * و اگر هیچ کس را در آن (خانه) نیافتید، پس در آن وارد نشوید تا اینکه به شما رخصت داده شود؛ و اگر به شما گفته شود: «باز گردید!» پس باز گردید؛ این برای شما [پاک کننده‌تر و] رشد آورتر است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است، دارای دو محیط زندگی خصوصی و عمومی است، که هر کدام ویژگی‌های خاصی دارند. انسان در زندگی اجتماعی با لباس رسمی حضور می‌یابد و زندگی عمومی او آشکار و تحت نظر مردم است. اما در زندگی فردی و خانوادگی در محیط در بسته‌ی خانه است و در این محیط قید و بندهای اجتماعی را کنار می‌گذارد و با خانواده‌اش زندگی آرامی را می‌گذرانند. آیات فوق در صدد تأمین آرامش و امنیت در زندگی خصوصی انسان است. ۲. در این آیات بر چند مطلب اساسی تأکید شده است: الف) اصل بر آن است که انسان حق ندارد داخل خانه‌های مردم شود. ب) برای ورود به منزل مردم نیاز به اجازه‌ی دوستانه‌ی قبلی است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۳ ج) اگر کسی در

خانه نبود، باز هم حق ورود به منزل مردم را ندارید. د) اگر صاحب خانه آمادگی پذیرایی از شما را نداشت یا به هر دلیل نخواست شما را به داخل خانه راه دهد، شما بازگردید و ناراحت نشوید. این چهار مطلب اساسی، آرامش و امنیت زندگی خصوصی انسان‌ها را تأمین می‌سازد. ۳. واژه‌ی «تَسْتَأْنِسُوا» از ماده‌ی انس و به معنای اجازه گرفتن همراه با دوستی و آشنایی است؛ یعنی کسی که می‌خواهد داخل منزل کسی شود، باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و دور از خشونت از او اجازه بگیرد؛ یعنی از کارهای ناهنجار هم چون فریاد زدن، در را محکم کوبیدن و به کار بردن عبارات‌های خشک و زننده دوری کند. «۱» ۴. در این آیه برخی احکام و قوانین الزامی ورود به منزل مردم هم چون لزوم اجازه گرفتن و نیز برخی آداب دیگر بیان شده است، که واجب نیست اما نشان دهنده‌ی ادب اجتماعی افراد است؛ هم چون سلام کردن بر اهل خانه که نشانه‌ی صلح و صفا و پیام آور محبت و دوستی است. ۵. برای داخل شدن در خانه‌ی خویش اجازه لازم نیست؛ چون مانعی وجود ندارد. ۶. اگر به هنگام مراجعه‌ی شما، کسی که بتواند به شما اجازه‌ی ورود بدهد در خانه نبود و یا اصلاً کسی در خانه نبود، حق ندارید داخل منزل مردم شوید. ۷. اگر صاحب خانه به شما جواب رد داد، ناراحت نشوید و بازگردید. چه بسا صاحب خانه آمادگی پذیرایی از شما را نداشته، یا لباس مناسب بر تن نداشته باشد یا در حالتی باشد که نمی‌خواهد شما را ببیند. پس در این حالات اصرار نکنید و در مورد وضعیت داخلی خانه تجسس ننمایید که خدا ناظر کارهای شماست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۴. ۸. در این آیات دو تعبیر به کار رفته است: یکی این که این برنامه‌ها برای شما بهتر است و مایه‌ی بیداری و پاکی و رشد شماست؛ یعنی رعایت آداب معاشرت اجتماعی و شرایط مهمان شدن، سبب خیر و نیکی و رشد و پاکی اجتماع است. ۹. در حدیثی روایت شده که ابو سعید که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در حالی که روبه‌روی منزل پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده بود، اجازه‌ی ورود به منزل را گرفت. حضرت فرمودند: به هنگام اجازه گرفتن روبه‌روی در نایستید. «۱» و در احادیث دیگری آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام گرفتن برای ورود به منزل‌ها، در طرف راست یا چپ در قرار می‌گرفت و بر اهل خانه سلام می‌کرد و حتی در هنگام ورود به خانه‌ی فاطمه علیها السلام اجازه می‌گرفت و سلام می‌کرد (تا الگوی برای تمام مسلمانان باشد). «۲» و در احادیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که در هنگام ورود به خانه‌ی مادر نیز اجازه گرفتن لازم است. «۳» ۱۰. در برخی احادیث آمده است که به هنگام ورود به خانه‌ی دیگران سه بار اجازه بگیرید؛ بار اول برای آن که بشنوند، بار دوم برای آن که صاحب خانه خودش را آماده سازد و بار سوم برای آن که اگر نخواستند اجازه ندهند. «۴» البته در زندگی امروز ما عمل به این دستورات اسلامی آسان‌تر شده است؛ چون این اجازه و اطلاع قبلی می‌تواند توسط تلفن، زنگ منزل و مانند آن صورت گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۵

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حریم شخصی منزل افراد را محترم بشمارید. ۲. آداب مهمان شدن را رعایت کنید و دوستانه اجازه بگیرید و با سلام وارد شوید. ۳. از جواب منفی صاحب خانه ناراحت نشوید و به خواست او احترام بگذارید. ۴. رعایت آداب و شرایط مهمان شدن، عامل پاکی، رشد، نیکی و بیداری شماست. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی نور به آزادی رفت و آمد به مکان‌های غیرمسکونی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ هیچ گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی شوید که در آنها کالا (و بهره‌ای) برای شماست؛ و خدا آنچه را آشکار می‌نماید، و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین ورود به خانه‌های مردم، بدون اجازه قبلی، ممنوع اعلام شد و اینک در این آیه به یک مورد استثنا اشاره شده است و آن ورود به خانه‌های غیرمسکونی است. ۲. مقصود از خانه‌های غیرمسکونی، خانه‌های خراب یا منزل‌های غیر مسکونی است، یا مکان‌های عمومی هم چون کاروان‌سراها و حمام‌ها که ساکنان ثابت ندارد و یا مغازه‌ها و انبارهای تجاری است که اموال مردم در آن تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۶ جا به امان گذاشته می‌شود. «۱» البته مانعی نیز ندارد که آیه‌ی فوق به هر چهار معنا اشاره داشته باشد، ولی معنای سوم و چهارم نزدیک‌تر به نظر می‌رسد، چرا که معمولاً کسی اموالش را در خانه‌های خراب و بدون نگهبان نمی‌گذارد.

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. احکام اسلامی زندگی را فلج نمی‌سازد، بلکه موارد ضرورت و استثنا را در نظر می‌گیرد. ۲. در صورت نیاز به مکان‌های غیر مسکونی رفت و آمد آزادانه داشته باشید. ***

بهداشت جنسی و مقررات آن

قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی نور به ممنوعیت چشم‌چرانی مردان و لزوم حجاب مردان و تأثیر آن در پاکی و رشد آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم‌هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.» که این برای آنان [پاک‌کننده‌تر و] رشد‌آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می‌دهند آگاه است. شأن نزول: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۷ حکایت شده که جوانی از مسلمانان انصار مدینه، با زنی روبه‌رو شد (و زنان در آن زمان مقنعه‌ی خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبعاً صورت و گردن و مقداری از سینه‌ی آنان نمایان می‌شد). آن جوان در حال راه رفتن به زن چشم‌دوخت تا این که صورتش به دیوار خورد و در اثر چیز تیزی که در دیوار بود، صورتش شکافت و خون بر لباس و سینه‌اش ریخت. او ناراحت شد و به همان صورت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ماجرا را نقل کرد. در این هنگام پیک وحی فرود آمد و آیه‌ی فوق را نازل کرد و به مردان مؤمن دستور داد که از چشم‌چرانی دوری کنند (۱) (و در آیه‌ی بعد به زنان دستور حجاب داد). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی نور خط عفت و پاکی مؤمنان را دنبال می‌کند و در راستای دور کردن جامعه از اعمال منافی عفت و سوق دادن مردم به سوی پاکی است؛ از این رو در این آیات با چشم‌چرانی و ترک حجاب مبارزه می‌کند تا مقدمات پاکی جامعه فراهم گردد و زمینه‌ی آلودگی برطرف شود. ۲. واژه‌ی «يَعْضُوا» در اصل به معنای کم کردن و کوتاه کردن است؛ یعنی این آیه به مردان مؤمن دستور می‌دهد که نگاه خود را کوتاه و کم کنند اما دستور نمی‌دهد که چشمان خود را فرو بندند تا در راه رفتن دچار مشکل شوند. «۲» ۳. کم کردن و کوتاه نمودن نگاه در برابر نامحرمان آن است که قلمرو نگاه کم شود؛ یعنی اگر انسان در حالت عادی به منطقه‌ی گسترده‌ای نگاه می‌کند، در هنگام روبه‌رو شدن با زنان نامحرم، قلمرو دید خود را کم کند تا گرفتار نگاه حرام نشود؛ به عبارت دیگر از اندام و اعضای که دیدن آنها حرام است، نگاه خویش را برگیرد و از نگاه خود فرو کاهد و خیره نظر نکند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۸ ۴. در این آیه متعلق نگاه حذف شده است؛ یعنی نمی‌گوید نگاه خود را از چه چیزی فرو گیرید. این مطلب دلیل بر عمومیت است؛ یعنی نگاه خود را از مشاهده‌ی هر چه حرام است برگیرید که شامل فرو گرفتن نگاه از زنان نامحرم و هر صحنه‌ی حرام است، اما با توجه به آیات قبل و بعد، روشن می‌شود که مقصود نگاه به زنان نامحرم است که زمینه‌ساز انحرافات جنسی می‌شود. این دیده شوخ می‌کشد دل به کمند خواهی که به کس دل ندهی دیده بیند (سعدی) ۵. «فَرَج» در اصل به معنای شکاف و در این جا کنایه از مواضع جنسی است؛ یعنی مردان باید مواضع جنسی بدن خود را از نگاه دیگران بپوشانند تا سبب تحریک افراد و زمینه‌ی آلودگی و انحراف جامعه نشود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. چشم‌چرانی ممنوع است. ۲. مردان نیز حجاب خویش را رعایت کنند و مواضع جنسی خود را بپوشانند. ۳. فروکاهش نگاهتان، عامل پاکی و رشد شماست. ۴. با پوشاندن مواضع جنسی خود، به پاکی و رشد جامعه کمک کنید. ۵. با زیرکی سعی نکنید از این دستورات فرار کنید که خدا از حال شما آگاه است. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۵۹ قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی نور به ممنوعیت چشم‌چرانی زنان و حدود حجاب آنان و موارد دوازده‌گانه‌ی استثنای آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۱. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضَيْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّبَعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَابِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ

جَمِيعاً اَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و به زنان مؤمن بگو: «چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند؛ و دامان (عفت) شان را حفظ کنند؛ و زیورشان را آشکار نمایند، جز آنچه را که از آنها ظاهر است؛ و باید روسری‌هایشان را بر گریبان‌هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار نمایند جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم کیش) شان، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، یا مردان (خدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی نیازند، یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند؛ و پاهایشان را (به زمین) نزنند تا آنچه از زیورشان پنهان می‌دارند، معلوم گردد؛ و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه دو دستور اساسی به زنان می‌دهد که عبارت‌اند از: پرهیز از چشم‌چرانی و لزوم پوشاندن مواضع جنسی از نگاه دیگران. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۰ این دو قانون عمومی شامل مردان و زنان مؤمن می‌شود؛ البته در آیه‌ی قبل این دو دستور را برای مردان واجب کرد و در این آیه برای زنان. بیان جداگانه‌ی حکم مردان و زنان در این دو آیه برای تأکید و نشان دادن اهمیت آن است، تا روشن شود که این قوانین مخصوص قشری خاص نیست. ۲. در این آیه فرمان حجاب خاص زنان را صادر کرده است که شامل دو دستور اساسی است. الف) زنان باید زیورهای مخفی خود را برای نامحرم آشکار ن سازند. ب) پوشش‌های خود را بر گریبان خویش بیفکنند. ۳. مفسران قرآن در مورد زیورهای مخفی زنان اختلاف نظر دارند: برخی این زیورها را به معنای زینت طبیعی زنان یعنی اندام‌های آنان دانسته‌اند. برخی دیگر به معنی محل زیورآلات زنان هم چون گوش و دست دانسته‌اند. و برخی دیگر از مفسران زینت را به معنای زیورآلات زنان دانسته‌اند، البته در حالی که بر بدن قرار گرفته‌اند و به طور طبیعی، آشکار کردن چنین زینتی همراه با آشکار ساختن اندامی است که زیور بر آن قرار گرفته است. البته ظاهر آیه با تفسیر سوم سازگارتر است. «۱» ۴. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از زینت مخفی زنان در این آیه، همان گردن‌بند، بازوبند و پای‌بند است. «۲» البته این گونه احادیث مصادیق این زیورها را بیان می‌کند، ولی آیه شامل هرگونه زیور مخفی زنان، هم چون لباس‌های زینتی می‌شود (که زیر چادر یا زیر لباس عادی قرار می‌گیرد). ۵. در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از زیورهای آشکار تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۱ زنان که پوشاندن آنها لازم نیست، همان دست‌بند، انگشتر و سرمه و مانند آن است «۱» و در احادیث دیگر آمده است که مقصود صورت و دو دست زن است «۲» (که لازم نیست پوشانده شود). البته فقهای شیعه در مورد استثنای این امور اختلاف نظر دارند و لازم است هر زن مکلف در این موارد به فتوای مرجع تقلید خویش مراجعه کند. «۳» ۶. «حُمُر» به معنای پوشش است و معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان سرخود را با آن می‌پوشانند (مثل مقنعه یا روسری). و «جُيُوب» به معنای یقه‌ی پیراهن است که به آن گریبان گویند و گاهی به معنای قسمت بالای سینه نیز که مجاور آن است، گفته می‌شود. «۴» یعنی این آیه دستور می‌دهد که زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا گردن و قسمتی از سینه که معمولاً باز می‌ماند، پوشیده شود. ۷. فلسفه‌ی حجاب در اسلام آن است که الف) حجاب وقار و شخصیت زن را افزایش می‌دهد و اسلام می‌خواهد که زنان این گونه باشند. ب) محیط جامعه، محیطی پاک باشد و زمینه‌های فساد و انحراف برچیده شود. ج) محیط جامعه برای مردان جوان تحریک‌آمیز نباشد و آنان را به تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۲ فشارهای روانی و بیماری‌های عصبی گرفتار نسازد. د) یکی از پیامدهای بی‌حجابی و بدحجابی، افزایش فحشا و اعمال منافی عفت و پیدایش فرزندان نامشروع است؛ همان طور که در عصر ما در جوامع غیر مذهبی مشاهده می‌شود و حجاب یکی از موانع این فسادهاست. یادآوری این نکته لازم است که حجاب به معنای محرومیت زنان در انجام وظایف فردی و اجتماعی نیست و زنان مسلمان می‌توانند با حفظ حجاب خود تا مراتب عالی علمی، فرهنگی و اجرایی پیشرفت کنند. ۸. در این آیه دوازده مورد استثنا شده‌اند و زنان حق دارند در برابر آنان حجاب خود را رعایت نکنند. این دوازده مورد عبارت‌اند از: شوهر، پدر، پدر شوهر، پسر، پسر شوهر، برادر، پسر برادر، پسر خواهر، زنان (هم کیش)، بردگان (کنیز)، مردان کم خرد که دنباله‌رو افراد هستند و طالب

مسائل شهوانی نیستند و کودکان ناتوان که از امور جنسی زنان آگاهی ندارند. ۹. «نِسَائُهُنَّ» زنان غیر مسلمان هستند؛ یعنی زنان مسلمان در برابر زنان مسلمان دیگر حق دارند که حجاب خود را برگیرند، اما در برابر زنان غیرمسلمان نباید بی حجاب شوند؛ چرا که آنان با وصف زنان مسلمان برای دیگران موجب فساد می‌شوند. به این مطلب در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره شده است «۱». ۱۰. مقصود از بردگانی که زنان مسلمان حق دارند حجاب خود را در برابر آنان برگیرند، همان کنیزان است «۲» که در اعصار پیشین در جوامع وجود داشته‌اند و اسلام با برنامه‌ای جالب، ریشه‌ی برده‌داری را از جامعه‌ی اسلامی برکند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۱ ۱۶۳. مقصود از مردان دنباله رو خانواده که میل شهوانی ندارند و زنان می‌توانند در برابر آنان حجاب خود را برگیرند، همان مردان کم‌خرد و سفیه هستند که احساس جنسی ندارند و معمولاً خدمتکار دیگران هستند. «۱» و یا پیر مردان و افراد خنثی و خواجه که میل شهوانی ندارند. «۲» ۱۲. در این آیه از عمو و دایی به عنوان محرم زنان یاد نشده است، شاید این به خاطر آن است که از پسر برادر و پسر خواهر یاد شد و با توجه به محرمیت دو جانبه‌ی آنان روشن می‌شود که عمو و دایی نیز محرم هستند. ۱۳. در این آیه بیان شده بود که زنان با زدن پا به زمین باعث نشوند که زینت‌های آنان آشکار شود و صدای پابند (و خلخال‌ها) به گوش مردان برسد و شهوت آنان تحریک شود. این نکته نهایت باریک بینی و دقت اسلام را نشان می‌دهد. هر چند این مطلب یک مصداق تحریک شهوانی است، اما با الغای خصوصیت می‌توان گفت که زنان لازم است از هر گونه کار تحریک‌آمیز در برابر مردان نامحرم خود داری کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زنان مؤمن با دوری از چشم چرانی و حفظ حجاب، محیط جامعه را پاک نگاه دارند. ۲. زنان با آشکار کردن زیورهای مخفی، عامل تحریک (و فساد) جامعه نشوند. ۳. زنان در برابر دوازده گروه اجتماعی آزادند که حجاب خویش را فروگذارند. ۴. راه توبه، بازگشت و رستگاری برای خطاکاران باز است. ***

تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۴ قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی نور به مردم در مورد ازدواج سفارش می‌کند و با اشاره به فضل الهی در تأمین نیازهای مادی آنان می‌فرماید: ۳۲. وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ و افراد بی‌همسران، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد؛ و خدا گشایشگری داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ازدواج یکی از راه‌هایی است که پاکی و سلامت جامعه را تأمین می‌کند و مانع آلودگی‌های جنسی می‌شود؛ از این رو در این سوره‌ی که سوره‌ی پاکی‌هاست بر این مطلب تأکید شده است. یعنی اسلام نه راه رهبانیت و ترک ازدواج را پیشنهاد می‌کند و نه منتظر می‌شود تا جوانان در اثر فشارهای جنسی به انحراف بیفتند و سزاوار مجازات شوند، بلکه پیشنهاد می‌کند که آنان ازدواج کنند تا پاک بمانند. ۲. ازدواج کاری اختیاری است، اما در این آیه دستور می‌دهد که زن و مرد بی‌همسر را ازدواج دهید؛ «۱» یعنی مقدمات ازدواج جوانان را فراهم سازید و با کمک‌های مالی، پیدا کردن همسران مناسب و وساطت، در کار ازدواج آنان اقدام کنید. ۳. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر گام یا سخن انسان در راه ازدواج (دیگران) ثواب یک سال عبادت دارد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۵ در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: بهترین شفاعت آن است که انسان میان دو نفر برای کار ازدواج، واسطه شود تا به سامان برسند. «۱» ۴. در این آیه اشاره شده که هر کس به خاطر ترس از فقر ازدواج نمی‌کند، بداند که خدا او را توانگر می‌سازد؛ آری عنایت الهی جلوه‌های گوناگون دارد و توانگری مردان پس از ازدواج از راه‌های گوناگون حاصل می‌شود؛ از جمله این که: انسان مجرد معمولاً در مسائل اقتصادی احساس مسئولیت کم‌تری می‌کند و از تمام نیرو و استعداد خود برای کار استفاده نمی‌کند، اما کسی که مسئولیت خانواده را به دوش می‌گیرد خدا به او عشقی می‌دهد که تمام نیروی خود را بسیج کند و درآمد بیش‌تری کسب نماید. انسان ازدواج کرده دارای شخصیت اجتماعی و مسئول حفظ آبروی خانواده‌ی خویش و تأمین آینده‌ی فرزندان می‌شود؛ از این رو با صرفه‌جویی، ابتکار و تلاش بیش‌تر در مدت کوتاهی بر فقر غلبه می‌کند. «۲» مردم به انسان ازدواج کرده، اعتماد بیش‌تری می‌کنند و او را در مورد کارهای حساس استخدام

می‌کنند و همه‌ی خویشان و دوستان به او کمک می‌کنند تا بتواند هزینه‌ی زندگی خود را تأمین کند و همه‌ی این‌ها با لطف و عنایت الهی است. ۵. در احادیث روایت شده که شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از تهی دستی شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ازواج کن.» و او ازدواج کرد و گشایشی در کارش پیدا شد. و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۶ روزی به همراه زن و فرزند است. «۱» و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند، گمان بد به خدا برده است؛ زیرا خدای متعال می‌فرماید: اگر آنان فقیر باشند خدا از فضل خود بی‌نیازشان می‌سازد. «۲» البته باید توجه داشت که گاهی تشریفات بی‌مورد و خرافات اجتماعی با تحمیل هزینه‌های سنگین در کار ازدواج مانع پیشرفت افراد می‌شود. این ربطی به دین ندارد و مانعی است که باید خردمندان و رهبران جامعه آن را از پیش پای جوانان بردارند. ۶. مقصود از صالح بودن غلامان و کنیزان، یا صلاحیت آنان برای ازدواج است و یا صلاحیت اخلاقی و اعتقادی و یا مسئولیت‌پذیری آنها در مورد همسر خویش؛ «۳» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ازدواج، مطلوب خدا و زمینه‌ساز توانگری است. ۲. در مورد ازدواج اطرافیان خود تلاش کنید (تا جامعه‌ای پاک داشته باشید). ۳. جوانان از ترس فقر ازدواج را به تأخیر نیندازند. ۴. جوانان به فضل و بخشش الهی امیدوار باشند (و ازدواج کنند) که خدا آنان را توانگر می‌سازد. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۷

ازدواج الف) فواید ازدواج: ۱. ازدواج و همسر مایه‌ی آرامش زندگی است (روم، ۲۱). ۲. دوستی و محبت زن و شوهر، هدیه‌ای الهی است (روم، ۲۱). ۳. ازدواج زمینه‌ساز فقرزدایی است (نور، ۳۲). ۴. «هر کس برای خدا ازدواج کند و یا برای خدا زمینه‌ی ازدواج دیگران را فراهم کند، سزاوار ولایت (و سرپرستی و دوستی) خداست (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۵. «هر گاه بنده‌ای ازدواج کند نصف دین او کامل شده، پس در مورد نصف دیگر پارسایی پیشه سازد و خود را از (عذاب) خدا حفظ کند.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ب) ترک ازدواج: ۱. «هر کس از ترس عیال واری (و فقر) ازدواج نکند از ما نیست.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۳» ۲. «بدترین شما افراد مجرد هستند، دو رکعت نماز از افراد متأهل از هفتاد رکعت نماز غیرمتأهل بهتر است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۴» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۸ ج) با چه کسانی ازدواج کنیم: ۱. «هر کس با زنی فقط برای زیبایی‌اش ازدواج کند، آنچه را می‌خواهد در او نمی‌یابد و هر کس با زنی برای ثروتش ازدواج کند، خدا او را به وی واگذار می‌کند، پس بر شما باد که با زن دین‌دار (ازدواج کنید).» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۲. «زیبایی زن را بر دین‌داری او ترجیح نده.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۳. «هنگامی که خواستگاری دین‌دار و امانت‌دار آمد، به او زن بدهید.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۳» ۴. «اگر خواستگاری آمد که دین و اخلاق پسندیده دارد به او زن بدهید و فقر او مانع نشود.» (امام رضا علیه السلام). «۴» ۵. «دختر خود را به ازدواج فرد پارسا و با تقوا درآورید که اگر او را دوست دارد اکرامش می‌کند و اگر دوستش ندارد، به او ستم نمی‌کند.» (امام حسین علیه السلام). «۵» نتیجه‌گیری: در مجموع، مهم‌ترین صفات خواستگار مرد: دین‌داری، امانت‌داری، اخلاق نیکو و تقواست و مهم‌ترین صفت زن، دین‌داری است. د) با چه کسانی ازدواج نکنیم: ۱. «با شرابخوار ازدواج نکنید.» (امام رضا علیه السلام). «۶» ۲. با افراد بد اخلاق ازدواج نکنید (امام رضا علیه السلام). «۷».

تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۶۹ ۳. با زنان زیبایی که در خانواده‌ی بدی رشد کرده‌اند ازدواج نکنید (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۴. «با افراد احمق ازدواج نکنید.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ه) چگونه ازدواج کنیم: ۱. «ازدواج را علنی و (مجلس را) در مساجد برگزار کنید.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۳» ۲. «ازدواج را اعلام کنید و ظاهر نمایید ولی خطبه‌ی عقد را مخفی برگزار کنید.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۴» تذکر: شاید مخفی بودن عقد به خاطر آن باشد که از دخالت اطرافیان و بیگانگان در امان بماند و به خوبی انجام شود، ولی اعلام ازدواج به خاطر دوری از تهمت و شادی‌آفرینی آن است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۰ قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی نور خواستار عفت افراد مجرد و کمک به آزادی

منظم بردگان و جلوگیری از بهره‌کشی جنسی از کنیزان می‌شود و می‌فرماید: ۳۳. **وَلَيْسَتَغْفِبِ الدِّينَ لَایَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَمَا تُكْرَهُوا فَسَيِّئُكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَبْتُغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرِهِنَّ عُفُوٌّ رَحِيمٌ** و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی‌یابند، باید خویشنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده‌اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی): **مُکاتبه** هستند، پس با آنان (قرارداد) **مُکاتبه** ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می‌دانید؛ و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می‌خواهند، بر تجاوزکاری (و زنا) به اکراه و **امدارید**، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجویید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه وادار کند (و پشیمان شود)، پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. شأن نزول: حکایت شده که عبد الله بن ابی که از منافقان سرشناس مدینه بود، شش کنیز داشت و از طریق خودفروشی آنان کسب در آمد می‌کرد. هنگامی که آیات (سوره‌ی نور) در مورد مبارزه با اعمال منافی عفت نازل شد، کنیزان او خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و شکایت کردند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و بهره‌کشی جنسی از کنیزان را ممنوع ساخت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به جوانان و افراد بدون همسر سفارش شده که اگر مجبور شدند مدتی را بدون همسر بگذارند، پاک‌دامنی پیشه کنند و این دوران بحرانی و آزمایش الهی را با پاک‌پشت سر بگذارند و خود را آلوده ن سازند و معذور نیندارند. ۲. در این آیه تعبیر «لَایَجِدُونَ» به کار رفته است؛ یعنی جوانان و افراد بدون همسر نخست به دنبال وسایل ازدواج و همسر بروند و اگر نیافتند، صبر و عفت پیشه سازند؛ پس اول جست و جو و تلاش لازم است، سپس صبر و عفت تا فضل و بخشش الهی فرا رسد. ۳. در این آیه بار دیگر اسلام راه **مُکاتبه** را برای آزادی بردگان پیشنهاد می‌کند. آری؛ اسلام طی یک برنامه‌ی منظم و از راه‌های مختلف برده داری را در کشورهای اسلامی ریشه کن ساخت، در حالی که قانون ممنوعیت برده‌داری در غرب پس از جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها و مبارزات فراوان تصویب شد. ۴. «مُکاتبه» نوعی قرارداد است که میان عبد و مولی نوشته می‌شود و بر اساس آن بردگان موظف می‌شوند که از طریق کسب و کار، هزینه‌ی آزادی خود را تهیه کنند و به صورت اقساط به مالک خویش بپردازند، به شرط آن که مجموع اقساط از قیمت عبد زیادتر نباشد. و اگر به عللی آن برده نتوانست اقساط خود را بپردازد، اقساط او از بیت المال و سهم زکات پرداخت می‌شود. «۱» این قرارداد عقد لازم است و هیچ یک از طرفین حق فسخ آن را ندارند. ۵. قرآن کریم دستور می‌دهد که با «مُکاتبه» بردگان آزاد شوند، تا این آزادی مرحله به مرحله حاصل شود و مالک زیان نبیند و بردگان نیز به تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۲ نیروهای کار آمد اجتماع تبدیل شوند، تا در آینده بتوانند زندگی شخصی خویش را اداره کنند. ۶. هنگامی عقد **مُکاتبه** با بردگان ببندید که متوجه شوید آنان رشد و صلاحیت کافی برای انجام آن را دارند و می‌توانند زندگی مستقل و آبرومندانه‌ای در اجتماع داشته باشند و اگر سربرار جامعه می‌شوند، آزادی آنان را به وقت دیگری موکول کنید. ۷. به بردگان آزاد شده کمک مالی کنید؛ یعنی سهمی از زکات را به آنان بدهید یا مالک بخشی از اقساط او را ببخشد و یا در آغاز سرمایه‌ای مختصر به او بدهید تا بتواند کار کند و اقساط خود را بپردازد. ۸. در این آیه بهره‌کشی جنسی از کنیزان ممنوع شده است و این نشان می‌دهد که جامعه‌ی جاهلی عرب تا چه اندازه گرفتار انحطاط اخلاقی و فساد شده بود. ولی عجیب‌تر آن است که در قرن حاضر نیز میلیون‌ها زن در دنیا مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند و تجارت زنان بدکار یکی از پرسودترین تجارت‌های جهان به شمار می‌آید؛ یعنی بردگی نوینی جانشین بردگی قدیم شده است. آری؛ قرآن کریم با بهره‌کشی جنسی از زنان مخالفت می‌کند و حتی این کار را در مورد کنیزان مجاز نمی‌شمرد. ۹. در این آیه بیان شده که: «اگر کنیزان می‌خواهند پاک باشند، آنان را به کارهای منافی عفت و امدارید.» مفهوم این جمله آن نیست که اگر کنیزان مایل به این کار بودند، مانعی ندارد، بلکه این جمله برای تحریک غیرت صاحبان کنیزان است که اگر کنیزان مایل به آلودگی نیستند شما چگونه میل به آن دارید. و گرنه اکراه در صورت

تمایل یا عدم تمایل کنیزان صادق است و در هر تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۳ حال خودفروشی و اکراه بر آن گناه بزرگی است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جوانان و افراد بی‌همسر تلاش، عفت و صبر پیشه کنند تا خدا برایشان وسیله‌ی ازدواج فراهم سازد. ۲. اسلام خواهان آزادی منظم بردگان بوده و برای این کار برنامه داشته است. ۳. بهره‌کشی جنسی از کنیزان ممنوع است. ۴. اسلام حامی بردگان است و به مسلمانان دستور می‌دهد که قرارداد آزادی آنان را ببندید، وسایل ازدواجشان را فراهم سازید و آنان را به خود فروشی وامدارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی نور به محتوای غنی قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ وَبِيقِينِ بِهِ سَوَىٰ شِمَا آيَاتِي رُشَنُكِرْ، وَدَاِسْتَانِ كَسَانِي كِه پيش از شما در گذشتند، و پندی برای پارسایان (خود نگهدار)، فرو فرستادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به محتوای قرآن اشاره کرده و سه دسته از مطالب آن را تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۴ گوش زد نموده است: الف) بیان آیات روشنگر که حقایق هستی و راه هدایت را روشن می‌کند. ب) اخبار و سرگذشت اقوام پیشین، که درس‌های آموزنده‌ای در پیروزی‌ها و شکست‌های آنان وجود دارد. ج) موعظه، پند و اندرزهای قرآن برای پارسایان، که برای همه‌ی بشریت مفید است، اما انسان‌های با تقوا بهره‌ی بیش‌تری از آنها می‌برند و هدایت می‌شوند. ۲. این آیه نوعی جمع‌بندی نسبت به مطالب سوره‌ی نور تا آیه‌ی سی و سوم نیز به شمار می‌آید؛ چرا که قوانین پاکی جامعه که در آیات پیشین بیان شد، آیاتی روشنگر بود و مطالعه‌ی ماجرای افک و دروغ بزرگ، می‌تواند برای هر نسل و عصری پندآموز باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیات قرآن روشنگر و داستان‌های آن آموزنده و دارای اندرزهای مفید است (پس در زندگی خویش از آنها استفاده کنید). ۲. پارسا شوید تا از پندهای قرآن (بهتر) استفاده کنید. ***

آیه نور

قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی نور با مثالی زیبا، نور خدا را توضیح می‌دهد و می‌فرماید: ۳۵. اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خدا نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن چراغ در بلوری است] - [آن بلور چنانکه گویی سیاره‌ای درخشان است] - (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می‌شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می‌کند؛ و خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند و خدا به هر چیزی داناست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نور را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «چیزی که در ذات خود آشکار است و ظاهر کننده‌ی دیگر چیزهاست». ۲. نور دارای ویژگی‌های خاصی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: نور زیبا و سرچشمه‌ی زیبایی‌هاست، بالاترین سرعت حرکت از آن نور است، «۱» وسیله‌ی مشاهده‌ی موجودات است، پرورش دهنده‌ی گیاهان و گل‌هاست، پیدایش رنگ نتیجه‌ی تابش نور است، انرژی‌های موجود در محیط زمین غالباً از نور سرچشمه می‌گیرند، نابود کننده‌ی میکروب‌هاست، هدایتگر مسافران و گم‌شدگان است و ... ۳. در قرآن کریم به چند چیز نور گفته شده است که عبارت‌اند از: الف) خدا نور است همان‌طور که در آیه‌ی فوق آمده است. ب) ایمان به خدا نور است. «۲» ج) خود قرآن نوری از جانب خداست «۳». د) هدایت الهی نور است «۴». ه) آیین اسلام نور است «۵». و) شخص پیامبر صلی الله علیه و آله چراغی نور بخش است «۶». از احادیث نیز استفاده می‌شود که امامان معصوم علیهم السلام و علم نور هستند. «۷» ۴. مقصود از نور بودن خدا هدایتگری یا روشنگری یا زینت‌بخشی خدا به تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۶ جهان است؛ یعنی خدا نور است و هر موجودی به هر اندازه که با او ارتباط دارد

از نورانیت برخوردار می‌شود و از این روست که ایمان، قرآن، اسلام، پیامبر، امامان و علم نور هستند؛ چون همه در ارتباط با او و سبب آشنایی مردم با نور خدا می‌شوند. آری؛ این ویژگی نور است که به همه چیز جان تازه و حرکت و پرورش می‌دهد و به سر منزل مقصود هدایت می‌کند و موانع را از سرراهشان برمی‌دارد. ۵. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که مقصود از نور بودن خدا، هدایتگری او برای اهل آسمان‌ها و اهل زمین است. «۱» البته هدایتگری یکی از خواص نور الهی است، اما منحصر در آن نیست و هر کدام از تفسیرهای نور خدا، به یکی از ابعاد این نور اشاره دارد. ۶. «مشکاة» به معنای محفظه‌ای برای چراغ است که آن را در برابر باد و طوفان حفظ می‌کند و غالباً در دیوار ایجاد می‌شده تا نور چراغ را متمرکز ساخته، منعکس نماید. و «زُجَاجِيَّة» در اصل به معنای سنگ شفاف است و از آن جا که شیشه از سنگ ساخته می‌شود و شفاف است به آن نیز گفته می‌شود. در این جا مقصود حبابی است که بر روی چراغ می‌گذارند تا شعله را محافظت و گردش هوا را تنظیم نماید و بر نور چراغ بیفزاید و «مصباح» به معنای خود چراغ است. ۷. درخت زیتون درختی پربرت است که روغن آن یکی از بهترین روغن‌ها برای اشتعال است؛ به ویژه که اگر درخت وسط باغ باشد و در طرف شرق و غرب باغ و کنار دیوارها نباشد و نور آفتاب به همه جای درخت بتابد و برخی قسمت‌های آن نارس نگردد و روغنش ناصاف نشود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۷. ۸. نور خدا که به صورت شعله‌های ایمان در مصباح قلب مؤمن آشکار می‌شود و حباب قلب او ایمان را در درون خود تنظیم می‌کند و مشکاة سینه‌ی او، که همان مجموعه‌ی شخصیت مؤمن است، ایمانش را از گزند حوادث حفظ می‌کند. درخت مبارک وحی الهی که عصاره‌ی آن قرآن است، ایمان مؤمنان را شعله‌ور و پر بار می‌سازد و وجود مؤمنان را روشن می‌نماید و هنگامی که با دلایل عقلی همراه می‌شود نور علی نور می‌شود. «۱» البته وقتی این نور الهی در قلب روشن می‌شود که قلب انسان با خودسازی و اخلاق آماده شود و نور وحی از آلودگی گرایش‌های انحرافی شرقی و غربی بر کنار بماند. ۹. در احادیث اهل بیت علیهم السلام مشکاة را به نور علم پیامبر صلی الله علیه و آله و زُجَاجِه را به سینه علی و نور علی نور را به امام معصوم که با نور علم تأیید می‌شود و درخت مبارک را به ابراهیم خلیل که ریشه است و لا- شرقیه و لا- غربیه را به نفی گرایش‌های یهود و مسیحیت تفسیر کرده‌اند. در این احادیث مصداق‌های کامل این آیه بیان شده است اما این بدان معنا نیست که آیه منحصر به این موارد است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان از خدا روشن است. ۲. نور الهی چند لایه است. ۳. به دنبال نور الهی باشید که هدایت به سوی نور الهی، به دست خداست. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۸ قرآن کریم در آیات سی و ششم تا سی و هشتم سوره‌ی نور به خانه‌های نور و ویژگی‌های آنها و مردان الهی که در آن جا هستند و پاداش‌های آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶-۳۸. فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَاتُلهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ * لِيُجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مِمَّا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (این چراغ) در خانه‌هایی است که خدا رخصت داده که برافراشته شود، و نامش در آن جا یاد شود؛ و او را در آنجا با مدادان و عصرگاهان [و شب هنگام تسبیح می‌گویند،* مردانی که هیچ داد و ستد و هیچ معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت [مالیات زکات (غافل و) سرگرمشان نمی‌سازد؛ (و) از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می‌شود.* تا خدا آنان را بر طبق بهترین چیزی که انجام دادند، پاداش دهد، و از بخشش خود بر آنان بیفزاید؛ و خدا به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) بی شمار] و بدون محاسبه روزی می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به خانه‌های نور اشاره شده است که چراغ نور الهی در آن جا روشن گردیده و مردانی الهی به پاس‌داری آن مشغول‌اند و گم‌شدگان، راه خویش را در پرتو نور این خانه‌ها می‌یابند و هدایت می‌شوند. ۲. مقصود از خانه‌های نور در این آیات، همان مساجد، خانه‌های پیامبران، امامان و اولیای الهی است که به فرمان خدا استحکام یافته و مرکز یاد خدا و بیان حقایق دینی است و در آن جا مردانی الهی صبحگاهان و عصرگاهان به یاد خدا هستند. ۳. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۷۹

از این خانه‌ها، همان منزل‌های پیامبران و خانه‌ی علی علیه السلام است.» البته این گونه احادیث مصداق‌های روشن و کامل خانه‌های نور را بیان می‌کنند، ولی منحصر به آنها نیست. ۴. در این آیات اشاره شده که مردان الهی به تجارت و معامله می‌پردازند، اما این امور مادی آنان را از معنویت و یاد خدا و انجام وظایف دینی هم‌چون نماز و زکات بازنمی‌دارد. یعنی لازم نیست انسان به کلی از تجارت و مادیات دور شود بلکه نباید مادیات هدف شود و او را از یاد خدا دور سازد. ۵. شاید مقصود از تجارت همان داد و ستدهای مستمر است و مقصود از «بیع» همان معامله‌های گذرا. «۲» ۶. در احادیث روایت شده که مقصود این آیه تاجرانی هستند که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا غافل نمی‌سازد و هنگامی که وقت نماز می‌شود، حق آن را ادا می‌کنند. «۳» هر که آمد بر خدای قبول نکند هیچش از خدا مشغول یونس اندر دهان ماهی شد هم‌چنان مونس الهی شد (سعدی) ۷. در این آیه با به کار بردن فعل مضارع «يَخَافُونَ» اشاره شده که مردان الهی همواره از روز رستاخیز و دادگاه عدل بیمناک‌اند و همین سبب می‌شود که مسئولیت‌های خویش را در دنیا به خوبی انجام دهند. ۸. راه و رسم بندگان عاشق خدا را شروع کنید: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۰ امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسد: حبیباً! لختی از خواب گران برخیز و راه و رسم عاشقان درگاه را برگیر و دست و رویی از این عالم ظلمت و کدورت و شیطانت شستشو کن و پا به کوی دوستان نه بلکه به سوی کوی دوست حرکتی کن. «۱» ۹. خدا اعمال نیک مردان الهی و یا هر کار آنان را بر اساس معیار بهترین عملشان و یا تا ده‌ها برابر پاداش می‌دهد. «۲» آری؛ این امور از فضل و بخشش الهی دور نیست. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در زمین، خانه‌های نور وجود دارد (پس برای بهره‌مندی از نور الهی بدانجا بروید). ۲. بازی تجارت، مردان الهی را سرگرم نمی‌سازد و از یاد حق باز نمی‌دارد. ۳. خانه‌های نور، مورد عنایت الهی و محل یاد خدا و جایگاه مردان الهی است. ۴. اگر مردی الهی باشید و به وظایف خود عمل کنید، بهترین پاداش‌ها را نزد خدا دارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۱

مثال‌های زیبا

قرآن کریم در آیات سی و نهم و چهلم سوره‌ی نور با مثال‌های جالب، وضعیت کافران تاریک‌دل و اعمال سراب گونه‌ی آنان را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۳۹ و ۴۰. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابًا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ * أَوْ كَظُلُمٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظَلَمَتْ بَعْضُهُمَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان همچون سرابی در زمین‌های صاف (و گسترده) است، که [انسان تشنه آن را آب می‌پندارد؛ تا هنگامی که به سراغ آن می‌آید آن را چیزی نمی‌یابد، و خدا را نزد آن می‌یابد و حساب او را به طور کامل می‌دهد؛ و خدا حسابرسی سریع است. * یا (کارهای کافران) همچون تاریکی‌هایی در دریای ژرف پهناوری است، که موج آن را می‌پوشاند، [و] بر فراز آن موج [دیگری است] [و] بر فراز آن ابرهایی است؛ (اینها) تاریکی‌هایی است که برخی آنها بر فراز برخی [دیگر] است، هرگاه دستش را خارج کند نزدیک است که آن را نبیند! و کسی که خدا نوری برایش قرار نداده، هیچ نوری برای او نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات حالات کافر به تصویر کشیده شده است. نخست اعمال آنان به نور کاذبی تشبیه شده که هم‌چون سرابی در بیابان خشک و سوزان است. سرابی که عطش تشنه‌کامان را فرو نمی‌نشاند، بلکه هرگاه به سراغ آن روند گرفتار حساب و دادگاه عدل الهی می‌شوند. باطن اعمال این کافران نیز تاریک و هراس‌انگیز است به طوری که در آن تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۲ ظلمت‌ها حتی خودش را نمی‌تواند ببیند. او در تاریکی مطلق جهل تنها است؛ چرا که از منبع نور یعنی «اللَّهُ» دور افتاده و در حجاب جهل و خودخواهی گرفتار شده است. ۲. «سراب» در اصل به معنای سراشیبی یا راه رفتن در سراشیبی است و از این رو به درخشش کاذبی که از دور در بیابان‌ها و سراشیبی‌ها نمایان می‌شود سراب گفته می‌شود. در آن جا از دور به نظر می‌رسد که آبی وجود دارد، در حالی که جز انعکاس نور

خورشید چیزی نیست. «۱» ۳. «قِيعَةُ» به معنای زمین گسترده‌ای است که آب و گیاه ندارد «۲» و کویرمانند است و غالباً سراب در آن جا به چشم می‌خورد؛ یعنی کافران در کویر بی آب و علف قرار دارند اما می‌پندارند که در آن جا آبی وجود دارد. ۴. در این آیات تاریکی زندگی و اعمال کافران به خوبی به تصویر کشیده شده است. دریای خروشان تاریک با امواجی ظلمت‌زا، همراه با ابری تیره که بر آن سایه افکنده باشد، سه تاریکی ایجاد می‌کند که هیچ چیز و هیچ کس در آن دیده نمی‌شود و حتی انسان دست خود را نمی‌تواند ببیند. آری؛ کافران در این تاریکی‌ها گرفتار شده‌اند، چرا که از نور ایمان بی‌بهره‌اند، در حالی که مؤمنان در نور علی نور هستند چرا که از نور خدا بهره می‌برند. ۵. مفسران بر آن‌اند که ظلمت‌های سه گانه‌ای که کافران در آن گرفتار شده عبارت‌اند از: ظلمت اعتقادات غلط و ظلمت گفتار و کردار نادرست، یا ظلمت سه لایه‌ی جهل که به صورت مضاعف و مرکب در آمده است و یا ظلمت حاکم بر چشم و گوش و دل آنهاست که حقایق را درک نمی‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۳ البته این تفسیرهای سه گانه با هم منافاتی ندارند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر از نور خدا بی‌بهره شوید، زندگی تاریکی خواهید داشت. ۲. افراد بی‌ایمان به دنبال سراب هستند. ۳. افراد بی‌ایمان در ظلمت‌های چند لایه گرفتار می‌شوند، که حتی خود را گم می‌کنند. *** قرآن کریم در آیات چهل و یکم و چهل و دوم سوره‌ی نور به نشانه‌های خدا در تسبیح و دعای ساکنان جهان پرندگان در حال پرواز و مقصد نهایی موجودات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱ و ۴۲. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْخِرُ لِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَفَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صِلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ* وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ آیا نظر نکرده‌ای که هر کس در آسمان‌ها و زمین است، و پرندگان بال گشاده تسبیح خدا می‌گویند؟! یقین همه نماز خود و تسبیح خویش را می‌دانند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهند داناست.* و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست؛ و فرجام (تمامی موجودات) فقط به سوی خداست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دلایل و شواهد خداشناسی اشاره شده است، تا انسان‌ها را با نور الهی و نشانه‌های او در پهنه‌ی آسمان و زمین و در پرواز پرندگان آشنا سازد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۴ ۲. مفسران در مورد تعبیر «الْم تَرَ» (آیا ندیدی و یا آیا اطلاع نیافتی) دو تفسیر دارند: الف) منظور آیه آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله در مرحله‌ی مشاهده‌ی عینی تسبیح موجودات قرار دارد؛ از این رو به او خطاب می‌شود که آیا تسبیح موجودات را ندیدی. ب) بگوئیم، هر چند مخاطب آیه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است اما مقصود آیه عموم مردم هستند و از آن جا که عموم مردم به وسیله‌ی شهود عقلی و علمی تسبیح موجودات را درک می‌کنند نه با شهود عینی، این جمله به معنای آن است که آیا از تسبیح موجودات اطلاع نیافتید. «۱» ۳. مفسران دو معنا برای تسبیح و دعای عمومی موجودات آسمان و زمین و پرندگان بیان کرده‌اند: الف) تمام ذرات جهان دارای نوعی درک و شعور هستند و در عالم خود تسبیح و دعای حق می‌گویند. ب) مقصود زبان حال موجودات جهان است که با زبان بی‌زبانی، بر قدرت، عظمت، علم و حکمت موجودات شهادت می‌دهند؛ «۲» یعنی با وجود شگفت‌انگیز خود، از طرفی صفات برجسته‌ی خدا را به نمایش می‌گذارند و از طرف دیگر با نقص و نیاز خود از او درخواست و دعا می‌کنند. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۴. در این آیه از میان موجودات زمین، به تسبیح و دعای پرندگان اشاره شده است؛ چرا که پرندگان در حالتی که بال‌های خود را در پهنه‌ی آسمان گسترده‌اند و سبک‌بال بر امواج هوا می‌لغزند و به هر سو می‌روند، شگفت‌انگیزترین آیات الهی را به نمایش می‌گذارند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۵ ۵. موجودات و پرندگان از تسبیح و دعای خود آگاه‌اند؛ یعنی هر کدام نظام ویژه‌ای دارند که به نوعی گویای عظمت پروردگار است. «۱» ۶. «صلوة» در اصل به معنای دعاست، سپس به معنای نماز به کار رفته است؛ چرا که نماز هم مشتمل بر دعا بلکه نوعی دعا و درخواست نیاز از خداست. جمعی از مفسران قرآن بر آن‌اند که مقصود از صلوة در این آیه، همان معنای لغوی آن، یعنی دعاست؛ «۲» بدین معنا که موجودات و پرندگان با زبان حال یا با زبان قال از خدا درخواست فیض می‌کنند. ۷. خالقیت خدا دلیل بر مالکیت او بر جهان هستی است و مالکیت او دلیل بر آن است که همه چیز به سوی او برمی‌گردد و حساب همه‌ی افراد با اوست. آموزه‌ها و

پیام‌ها: ۱. از راه مطالعه در حالات موجودات آسمان و زمین و پرندگان خداشناس شوید. ۲. از راه دقت در مالکیت هدف و مقصد جهان، خداشناس شوید. ۳. با دقت به موجودات بنگرید تا ستایش و نیایش آنان را ببینید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص:

۱۸۶

نشانه‌های خدا

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و سوم سوره‌ی نور به نشانه‌های خدا در ترکیب ابرها، پیدایش کوه‌های یخی و باران و تگرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳. *أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُرْجِي سَاحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِزَّاجًا فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيَقْصِفُ بِهِ مَنِ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَرِ* آیا نظر نکرده‌ای که خدا ابرهایی را به حرکت در می‌آورد، سپس میان آن (ها) پیوند می‌دهد، آنگاه آن را متراکم می‌سازد؟! و باران را می‌بینی که از میان آن (ها) خارج می‌شود؛ و از آسمان، از کوه‌های (ابر) که در آن است تگرگی فرو می‌فرستد، و هر کس را بخواهد بدان [زیان می‌رساند، و از هر کس بخواهد آن [زیان را بر می‌گرداند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها)، چشم‌ها را (از بین) ببرد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی دیگر از نشانه‌های توحید، قدرت و حکمت الهی است. این آیات انسان را به مطالعه‌ی طبیعت فرا می‌خواند که ببیند چگونه ابرها شکل می‌گیرند و باران و تگرگ نازل می‌شوند و حکمت‌های الهی در این رابطه چیست، که همه‌ی این‌ها نشانه‌های پندآموز الهی است. ۲. خدا ابرها را به آرامی می‌راند. قطعه‌های ابر که از هر گوشه‌ی دریا بر می‌خیزد، آرام آرام به سوی هم رانده می‌شوند، با دست قدرت الهی به هم پیوند می‌خورند و متراکم می‌گردند و منشأ باران می‌شوند. «۱» ۳. گاهی باران به صورت تگرگ فرود می‌آید. گاهی تگرگ برای برخی افراد و مناطق، زیانبار و حتی کشنده است، ولی لطف خدا این خطرها را از برخی افراد و مناطق دفع می‌کند. آری؛ این نیز یکی از نشانه‌های حکمت اوست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۷. ۴. ابرهای حامل ذرات آب، گاهی عامل مولد نیروی برق می‌شوند و آتشی از آن بیرون می‌جهد که برقش چشم‌ها را خیره می‌سازد. آری؛ این نیز یکی از نشانه‌های قدرت اوست. ۵. «جبال» در اصل به معنای «کوه‌ها» است، ولی در این جا مقصود یا توده‌های عظیم ابر است که هم چون کوهی بزرگ است و یا معنای کنایی آن؛ یعنی همان طور که می‌گوییم فلان شخص کوهی از علم است در این جا هم می‌گوییم کوهی از ابر آمد. و یا مقصود ابرهای حامل تگرگ است که دانه‌های یخ در میان آنها به وجود می‌آید و توده‌های ابر هم چون کوه‌های مرتفع یخی می‌شود. سپس تگرگ‌ها فرود می‌آیند «۱» که این مطلب از نظر علوم هواشناسی قابل توجه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه درباره تشکیل ابرها و نزول باران و تگرگ، خدا را بشناسید. ۲. در محل نزول تگرگ‌ها دقت کنید و حکمت خدا را دریابید. ۳. در مورد کوه‌های یخی و برق ابرها مطالعه کنید تا خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی نور به یکی دیگر از نشانه‌های عبرت‌آموز خدا در طبیعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴. *يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَرِ* خدا شب و روز را دگرگون می‌سازد؛ یقیناً در این (دگرگونی) برای صاحبان بینش عبرتی است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از دگرگونی شب و روز، یا رفت و آمد شب و روز، یا کوتاه و بلند شدن تدریجی آنها که موجب پیدایش فصول می‌شود و یا دگرگونی‌هایی از قبیل گرما، سرما و حوادث دیگر است. «۱» البته این معانی با هم دیگر منافاتی ندارند و ممکن است همه‌ی این معانی مقصود آیه باشند. ۲. دگرگونی و تغییرات شبانه روز، برای انسان‌ها و موجودات زنده، جنبه‌ی حیاتی دارد و خستگی اعصاب انسان را بر طرف می‌سازد و عامل رشد موجودات زنده می‌شود. ۳. نشانه‌های خدا برای انسان‌های صاحب بصیرت، عبرت‌آموز است؛ یعنی ممکن است برخی افراد نشانه‌های الهی را در صحنه‌ی طبیعت ببینند، اما درس عبرت نگیرند، چرا که چشم بصیر برای درک حقایق ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد تغییرات شبانه روز مطالعه کنید و عبرت بیاموزید. ۲. با دقت در دگرگونی‌های شبانه روز خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و

پنجم سوره‌ی نور به پیدایش جانداران از آب و انواع آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۵. وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و خدا هر جنبه‌ای را از آبی آفرید؛ پس برخی از آنها کسانی هستند که بر شکم خود راه می‌روند، و برخی از آنها کسانی هستند که بر دو پای خود راه می‌روند، و برخی از آنها کسانی هستند که بر چهار (پا) راه می‌روند؛ خدا آنچه را بخواهد می‌آفریند، [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۸۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جانداران از آب آفریده شده‌اند. مفسران در مورد این مطلب سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود از آب نطفه باشد؛ یعنی خدا هر موجود زنده‌ای را از نطفه‌ی نر و ماده‌ی آن نوع آفرید. «۱» ب) مقصود پیدایش نخستین موجود از آب باشد؛ همان طور که در احادیث اسلامی و فرضیه‌های علمی بدین مطلب اشاره شده است. «۲» ج) مقصود آن است که ماده‌ی اصلی بدن موجودات از آب تشکیل شده است. البته این سه تفسیر با هم دیگر منافاتی ندارد و ممکن است هر سه معنا مقصود آیه باشد، هر چند ظاهر این آیه معنای اول یا دوم است. «۳» ۲. در این آیه به سه گروه از جانداران، یعنی خزندگان، دو پایان و چهارپایان اشاره شده است. این مطلب به خاطر آن است که انسان معمولاً با این سه گروه از جانداران سروکار دارد؛ و از بقیه‌ی جانداران به صورت سربسته یاد کرده و فرموده است: «خدا هر چه را بخواهد می‌آفریند.» «۴»

تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در زیست‌شناسی، درس خداشناسی بگیرد. ۲. جلوه‌های مختلف حیات، مظاهر قدرت خداوند. *** خدای متعال در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی نور به آیات روشنگر قرآن و هدایت الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ بیقین آیاتی روشنگر فرو فرستادیم؛ و خدا هر که را بخواهد (و شایسته ببیند) به راهی راست راهنمایی می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات روشنگر الهی نور ایمان را در دل‌ها روشن می‌کند و افکار انسان را صفا و روشنایی می‌بخشد و نقش اصلی را در هدایت انسان به راه راست دارد. ۲. خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. البته اراده‌ی خدا بر اساس حکمت و علم است و هر کس را شایسته ببیند بر اساس حکمت و علم خود، زمینه‌های راهبردی را برای او فراهم می‌سازد. ۳. هدایت بر دو نوع است: هدایت عمومی که از طریق دعوت پیامبران به همه‌ی انسان‌ها ابلاغ می‌شود و هدایت خاص و راهبردی که مخصوص افرادی است که اهل تلاش، نیکوکاری و پارسایی‌اند. ظاهراً منظور این آیه هدایت نوع دوم است؛ یعنی خدا مراتب عالی هدایتش را بر دل کسانی می‌تاباند و دست کسانی را می‌گیرد و به طرف مقصد می‌برد که گامی به سوی او برداشته باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیات قرآن روشن و روشنگر است (پس از آنها بهره‌برید). ۲. هدایت و راه راست، به اراده‌ی الهی (و حکمت او و تلاش شما) بستگی دارد. ۳. روشنگری، هدایت و راه راست را از خدا بخواهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۱ قرآن کریم در آیات چهل و هفتم تا پنجاهم سوره‌ی نور به تناقض رفتار و گفتار منافقان، سود محوری، بیمار دلی و ستمکاری آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷-۵۰. وَيَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعِيدٍ ذٰلِكَ وَمَا أَوْلٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ * وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ * وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُدْعِينَ * أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ و (منافقان) می‌گویند: «به خدا و به فرستاده (او) ایمان آوردیم و اطاعت کردیم.» آنگاه بعد از آن، دسته‌ای از آنان روی بر می‌تابند، و آنان (در حقیقت) مؤمن نیستند. * و هنگامی که به سوی خدا و فرستاده‌اش فرا خوانده می‌شوند تا در میانشان داوری کند، ناگهان دسته‌ای از آنان رویگردان می‌شوند. * و اگر (حکم) حق به نفع آنان باشد با سرعت و تسلیم به سوی او می‌آیند. * آیا در دل‌های آنان [نوعی بیماری است، یا شک دارند، یا می‌ترسند که خدا و فرستاده‌اش بر آنان ستم کنند؟! [نه بلکه تنها آنان ستمکارند. شأن نزول: حکایت شده که یک یهودی با فردی مسلمان منافق اختلاف داشتند. آن یهودی داوری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را پذیرفت، اما آن مرد منافق داوری یکی از بزرگان یهود «۱» را پذیرفت. و یا این که آیه‌ی فوق در مورد اختلاف امام علی علیه السلام با فردی مسلمان «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۲ بود که امام علی علیه السلام داوری پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت اما

یکی از منافقان سر رسید «۱» و داوری پیامبر صلی الله علیه و آله را زیر سؤال برد. آیه‌ی فوق بدین مناسبت (یا مناسبت‌ها) فرود آمد و منافقان را سرزنش کرد. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال در این آیات حالات و صفات منافقان را افشا می‌کند و هشت ویژگی برای آنان برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: الف) گفتار و رفتارشان تناقض دارد؛ یعنی می‌گویند ما ایمان به خدا و پیامبر آوردیم و از آنان اطاعت می‌کنیم، ولی در عمل گروهی از آنها روی برمی‌تابند؛ ب) بی‌ایمان هستند؛ ج) داوری خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌پذیرند؛ د) سودمحور هستند و هر کجا پیامبر صلی الله علیه و آله به نفع آنان حکم کند، به سوی او می‌آیند؛ ه) بیمار دل‌اند؛ و) (نسبت به نبوت و داوری پیامبر صلی الله علیه و آله) تردید دارند؛ ز) می‌ترسند که خدا و پیامبرش به آنان ستم روا دارد؛ ح) به خود و دیگران ستم می‌کنند (چون به حق خود قانع نیستند و حق مردم را می‌خواهند). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۳. ۲. در این آیات از داوری خدا و پیامبر یاد شده، اما به صورت مفرد به داوری اشاره کرده است، تا نشان دهد که داوری خدا از داوری پیامبر جدا نیست و در حقیقت امری واحد است. «۱» ۳. این آیات تخلف و اعراض منافقان را به گروهی از آنان نسبت داده است، نه همه‌ی آنها. این تعبیر اولاً، نشان می‌دهد که همه‌ی منافقان تا این حد بی‌حیا و جسور نبوده‌اند که داوری پیامبر صلی الله علیه و آله را رد کنند. «۲» ثانیاً، در صفوف منافقان شکاف ایجاد می‌کند و راه بازگشت و توبه را به سوی برخی از آنان می‌گشاید، تا از گروه منافقان بیزاری جویند و به سوی اسلام بازگردند. ثالثاً، ادب قرآن را نشان می‌دهد که تخلف را به همه نسبت نمی‌دهد. ۴. در این آیات پرسش با حالت تعجب است «آیا منافقان می‌ترسند که خدا و پیامبرش بر آنان ستم روا دارند؟!» یعنی این ادعای منافقان تناقضی دیگر است که هم می‌گویند به خدا و پیامبرش ایمان دارند و هم آنان را ستمکار می‌دانند. چرا که خدا ستمکار نیست؛ چون کسی ستم می‌کند که جاهل و نیازمند باشد ولی ساحت الهی به دور از این نقص‌هاست. ۵. نفاق در حقیقت نوعی بیماری است؛ زیرا انسان سالم یک‌چهره دارد و گفتار و کردارش بر هم دیگر منطبق است، اما انسان منافق دو چهره است و روح و جسم و گفتار و کردارش با هم دیگر هماهنگ نیست. او در ظاهر ادعای ایمان می‌کند، اما در رفتار و باطنش کافر است. این نفاق دوام ندارد و به زودی اسرار باطن منافقان ظاهر می‌شود. همان‌طور که در مورد مخالفت آنان با داوری پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه شد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۴. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را از ویژگی‌های هشت‌گانه‌ی آنها بشناسید (و مراقب خطر آنها در جامعه باشید). ۲. تناقض در گفتار و رفتار، داورگریزی، سودمحوری، بیماردلی، شکاک بودن و عدم اعتماد به خدا و پیامبر از نشانه‌های منافقان است. ۳. نفاق نوعی بیماری و ظلم (به خویشتن) است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی نور به تسلیم مؤمنان در برابر داوری خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و رستگاری آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و فرستاده‌اش فرا خوانده می‌شوند، تا در میان آنان داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و تنها آنان رستگار (و پیروز) ند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «انما» برای انحصار به کار می‌رود، یعنی مؤمنان فقط یک سخن دارند و سراسر وجودشان در برابر حق تسلیم است. ۲. «مفْلِحُونَ» در اصل به معنای «شکافتن» است و از آن جا که افراد پیروزمند موانع راه خویش را برطرف می‌سازند و مسیر را می‌شکافند و به پیش می‌روند، واژه‌ی «فلاح» به معنای پیروزی و رسیدن به مقصد هم به کار رفته است؛ «۱» یعنی مؤمنان این‌گونه‌اند. ۳. حقیقت ایمان تسلیم محض در برابر خدا و رسول است؛ زیرا کسی خدا تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۵ را آگاه، بی‌نیاز، مهربان و حکیم می‌داند که داوری او را بهترین داوری‌ها دانسته و در برابر آن تسلیم است. ۴. مؤمنان هم می‌گویند شنیدیم و هم می‌گویند اطاعت کردیم؛ زیرا شنیدن مقدمه‌ی اطاعت است؛ یعنی مؤمنان در مرحله‌ی گرفتن پیام الهی کوتاهی نمی‌کنند و بهانه نمی‌آورند و در مرحله‌ی عمل هم مطیع هستند. ۵. هر کس تسلیم محض خدا و رسولش باشد و او را حاکم و داور خود قرار دهد، در زندگی مادی و معنوی پیروز و رستگار است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان را از تسلیم آنها در برابر داوری خدا و رسول او بشناسید. ۲. مؤمنان گوش به فرمان الهی و مطیع او هستند؛ از این رو (در زندگی)

پیروز و رستگارانند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی نور به سه صفت پیروزمندان رستگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۲. وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کند، و از (نافرمانی) خدا بهراسد و خودش را از (عذاب) او حفظ کند، پس تنها آنان کامیابند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «فائزون» به معنای پیروزی و رسیدن به کار خیر، همراه با سلامت است. «۱» آری؛ مؤمنان مطیع و با تقوا که از نافرمانی خدا هراس دارند، با سلامت و پیروزی به مقصد می‌رسند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۶. ۲. در این آیه سه صفت اساسی برای پیروزمندان رستگار بیان شده است: الف) اطاعت از خدا و پیامبرش؛ ب) هراس از مخالفت و عذاب الهی؛ ج) تقوا و خود نگه‌داری و پارسایی. برخی از مفسران گفته‌اند اطاعت یک معنای کلی است که ترس شاخه‌ی درونی آن و تقوا شاخه‌ی بیرونی آن است. ۳. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: مقصود این آیه امام علی علیه السلام است. «۱» البته این گونه احادیث مصداق بارز و کامل پیروزمندان رستگار را بیان می‌کند، ولی مطلب آیه عمومیت دارد و منحصر در یک مصداق نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید پیروز و رستگار شوید، مطیع خدا و رسول باشید و پارسا و خدا ترس شوید. ۲. اطاعت از برنامه‌های الهی و هراس از نافرمانی و پارسایی، زمینه‌ساز سعادت شماست. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی نور به سوگندهای دروغ منافقان و پاسخ خدا به آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۳. وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ تُعَذِّبَهُمْ وَيَكْفُرُونَ بِهِمْ فَأَبْهتُوا بِاللَّهِ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۷ و با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم خوردند، که اگر به آنان فرمان دهی، قطعاً (از خانه و زندگی خود به سوی جهاد) بیرون می‌روند. بگو: «سوگند یاد نکنید؛ اطاعتی پسندیده (بهتر است) که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» شأن نزول: حکایت کرده‌اند که بعد از ملامت شدید منافقان در آیات قبل، گروهی از آنان ناراحت شدند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و سوگند شدید یاد کردند که ما تسلیم فرمان تو هستیم. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان سوگند یاد می‌کردند که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان دستور خروج بدهد، حتماً خارج می‌شوند. مقصود منافقان از خروج، خارج شدن به سوی میدان جهاد یا خارج شدن از میان اموال و زندگی بوده است. ۲. سوگند اگر دروغ باشد، گناهی بزرگ است و اگر راست باشد در موارد ضروری، مفید، و گرنه مکروه است. از این آیه استفاده می‌شود که سوگندهای شدید (و زیاد) از نشانه‌های منافقان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از کارهای شما آگاه است (پس مواظب رفتار خود باشید). ۲. منافقان را از سوگندهای دروغ و عدم اطاعت آنان بشناسید. ۳. لازم نیست سوگندهای زیاد یاد کنید بلکه اهل عمل باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۸ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی نور با جداسازی وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم، به ثمره‌ی اطاعت او و وظیفه‌ی پیام‌رسانی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۴. قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوا تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ بگو: «خدا را اطاعت کنید، و فرستاده [خدا] را اطاعت کنید؛ و اگر روی برتایید، پس فقط آنچه (از تکلیف بر او) نهاده شده بر عهده اوست، و آنچه (از تکلیف) بر شما نهاده شده بر عهده شماست؛ و اگر از او اطاعت کنید، رهنمون خواهید شد؛ و بر فرستاده [خدا] وظیفه‌ای جز رساندن [پیام روشنگر و] آشکار نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً روشن شده است: وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله رساندن پیام الهی آشکار و روشنگر به مردم است، خواه مردم بپذیرند، خواه نپذیرند. او وظیفه ندارد کسی را مجبور به پذیرش دعوت کند؛ «۱» پس او به خوبی وظیفه‌ی خود را انجام داده و کوتاهی نکرده است. ۲. در این آیه وظیفه‌ی مردم و واکنش‌های احتمالی آنان نیز بیان شده است: وظیفه‌ی مردم در برابر فرمان الهی اطاعت است و اگر به وظیفه‌ی خود عمل کردند، نتیجه‌اش را می‌بینند و هدایت می‌شوند و اگر روی گرداندند و به وظیفه‌ی خویش عمل نکردند، به کسی جز خودشان ضرر نمی‌رسانند و هر کس بار مسئولیت خویش را به دوش می‌کشد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۱۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس مطیع خدا و پیامبر باشد (به راه سعادت) ره‌نمون می‌شود. ۲. از پیامبر صلی

الله علیه و آله گفتن و از شما شنیدن و عمل کردن. ۳. هر که بار مسئولیت خویش را به دوش می‌کشد. ***

پیروزی نهایی شایستگان

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی نور به مؤمنان نوید حکومت جهانی، پیروزی اسلام، آرامش و توحید می‌دهد و می‌فرماید: ۵۵. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد؛ و مسلماً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد، و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می‌کند، در حالی که مرا می‌پرستند] و هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمان‌بردارند. شأن نزول: حکایت شده که وقتی مسلمانان به مدینه مهاجرت کردند، قبایل جزیره‌ی العرب و مکه بر ضد آنان شوریدند و آنان با مخالفت‌ها و تهدیدهای فراوانی روبه‌رو شدند و زندگی ناامنی داشتند، به طوری که همواره در حالت آماده باش نظامی بودند و شب و روز اسلحه را با خود داشتند. این حالت بر مسلمانان سخت آمد و برخی گفتند: تا کی این حالت ادامه دارد؟ آیا زمانی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۰ فرا می‌رسد که ما با آرامش زندگی کنیم؟ آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به آنان مژده داد که زمان پیروزی و آرامش فرا خواهد رسید.

«۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا در این آیه به مؤمنان شایسته کردار، چهار وعده داده است: الف) آنان صاحب حکومت جهانی می‌شوند؛ ب) دین حق در همه جا امکانات نشر می‌یابد؛ ج) نگرانی‌های آنان به آرامش و امنیت تبدیل می‌شود؛ د) در نهایت توحید خالص و خداپرستی تحقق می‌یابد. ۲. در این آیه بیان شده که گروهی از مردم قبل از مسلمانان بر زمین حکومت و خلافت کردند. مقصود از این گروه، یا افرادی هم‌چون آدم، داود و سلیمان و بنی اسرائیل هستند که قرآن به خلافت و حکومت آنان اشاره کرده است و یا گروهی از اقوام مؤمن و صالح که بر زمین یا بخشی از آن حکومت کردند. «۳» البته مانعی ندارد که حکومت همه‌ی این افراد و گروه‌ها مقصود آیه باشد. ۳. مقصود از «ارض» در این آیه یا کل جهان و حکومت جهانی است و یا بخشی از زمین؛ البته با توجه به این که حکومت‌های پیشینیان که در این آیه به آنها اشاره شد، شامل بخشی از زمین می‌شد، مانعی ندارد که مقصود از «ارض» بخشی از زمین باشد. ۴. وعده‌ی الهی در مورد حکومت و خلافت که در این آیه داده شده تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۱ است، مخصوص چه کسانی است؟ برخی از مفسران آن را مخصوص صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند که در عصر رسول خدا به حکومت بخشی از زمین دست یافتند. برخی آن را اشاره به همه‌ی مسلمانانی می‌دانند که مؤمن و شایسته گردارند و به حکومت الهی دست می‌یابند. و برخی دیگر از مفسران این آیه را اشاره به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام می‌دانند. «۱» البته مانعی ندارد که این آیه اشاره به همه‌ی این موارد باشد و هر کدام مصداقی از آیه باشند و مصداق کامل آن در زمان حضرت مهدی (عج) تحقق یابد که جهانی‌سازی مثبت انجام می‌گیرد. ۵. در احادیث اسلامی روایت شده که این آیه اشاره به مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است و در حدیثی از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمودند: به خدا سوگند مقصود از این افراد شیعیان ما هستند. خدا این کار را به دست مردی از ما انجام می‌دهد که او مهدی این امت است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد؛ «۲» و اوست که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد او فرمود: «اگر از عمر دنیا، جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۲. ۶. هدف نهایی توحید، نفی شرک و عبادت خالص خداست؛ یعنی حکومت جهانی، آرامش و استقرار آیین حق، همه مقدمه‌ی آن است که

توحید در جامعه پیاده شود و مردم به پرستش خدا روی آورند که مایه‌ی تکامل و رشد آنهاست. ۷. اگر حکومت جهانی الهی نیز تشکیل شود، بازهم برخی افراد نافرمان‌بردار و فاسق هستند که به کثر راه می‌روند و راه کفر می‌پیمایند. آری؛ تا انسان دارای آزادی و اختیار است، در هر جامعه‌ای افراد مؤمن و منحرف پیدا خواهند شد. این لازمه‌ی حرکت تکاملی و آزادانه‌ی انسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به آینده امیدوار باشید که آینده‌ی بشریت روشن و نویدبخش است. ۲. سرانجام خلافت و حکومت از آن مؤمنان شایسته‌کردار است. ۳. در نهایت دین اسلام بر جهان حاکم می‌شود و جهانی‌سازی مثبت تحقق می‌یابد. ۴. در آینده، آرامش و امنیت در انتظار مؤمنان است. ۵. نتیجه‌ی حکومت مؤمنان صالح، پیاده شدن توحید در جامعه است. ۶. حتی در حکومت عدل الهی، افراد منحرفی پیدا می‌شوند. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم سوره‌ی نور با اشاره به زمینه‌های رحمت الهی و فرجام عذاب آلود کافران، به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۵۶ و ۵۷. وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۳ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ* لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ و نماز را برپا دارید، و [مالیات زکات را پردازید، و فرستاده (خدا) را اطاعت کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید.* هرگز مپندار، کسانی که کفر ورزیدند، عاجز کننده (خدا) در زمین هستند؛ و مقصدشان آتش است، و البته بدفرجامی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از حکومت جهانی مؤمنان شایسته‌کردار بود و اینک در این آیات به مقدمات تشکیل این حکومت و زمینه‌سازی‌های آن اشاره کرده که عبارت‌اند از: الف) ارتباط با خدا از طریق نماز؛ ب) تامین بودجه برای تشکیل حکومت از طریق زکات؛ ج) اطاعت از رهبری الهی (پیامبر صلی الله علیه و آله) که مؤمنان را به سوی دین اسلام، حکومت عدل الهی و آرامش می‌برد. ۲. در این آیات به کافران به عنوان موانع تشکیل حکومت عدل الهی اشاره کرده و به آنان هشدار می‌دهد که تلاش‌های مذبحخانه‌ی آنان نمی‌تواند مانع تحقق اراده‌ی الهی و تشکیل حکومت صالحان گردد. «۱» یعنی خدا به کافران هشدار می‌دهد که شما نمی‌توانید از قلمرو قدرت الهی خارج شوید و فرار نمایید و او را عاجز کنید. ۳. در این آیات سرنوشت مؤمنان شایسته‌کردار با سرنوشت کافران، مقابل یک‌دیگر قرار گرفته است تا خواننده با مقایسه‌ی آنها بتواند راه رحمت و سعادت را برگزیند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام مؤمنان شایسته‌کردار، رحمت، و فرجام کافران آتش است. ۲. اگر رحمت الهی را می‌طلبید، نماز، زکات و اطاعت رهبران الهی را سرلوحه‌ی برنامه‌ی خود قرار دهید. ۳. کافران نمی‌توانند مانع تحقق اراده‌ی الهی شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی نور به آداب ورود به اتاق مخصوص پدر و مادر و مواردی که باید کودکان و خدمت‌گزاران اجازه‌ی ورود بگیرند، اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَدِينَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يُلْغُوا إِلَيْكُمْ الْحَلْمُ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ای کسانی که ایمان آوردید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس‌های (رسمی) خود را فرو می‌نهد، و بعد از نماز عشاء، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست؛ که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون رخصت وارد شوند، چراکه) برخی از شما بر (گرد) برخی (دیگر) از شما می‌چرخید؛ اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانای فرزانه است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی نور، سوره‌ی عفت و پاکی است و قوانین این سوره جامعه را به سوی پاکی سوق می‌دهد و از آلودگی‌ها دور می‌سازد. در همین راستاست که این سوره به مسائل ریز عفت عمومی و خانوادگی پرداخته و حدود آنها را مشخص ساخته است. این آیه روابط فرزندان و پدر و مادر را تنظیم می‌کند، تا زمینه‌های آلودگی را از درون خانه‌ها بزدايد. ۲. «حلم» به معنای مهار نفس و نشانه‌ی عقل است و گاهی به معنای «عقل» نیز می‌آید و در این جا کنایه از بلوغ است؛ چراکه معمولاً بلوغ انسان همراه با یک جهش عقلی و فکری است «۱» و در این هنگام است که

کودکان در ردیف بزرگسالان قرار می‌گیرند و تکالیفی را که آنان قبلاً داشتند بر عهده‌ی آنان نیز می‌آید. ۳. «عورات» در اصل به معنای «عیب و عار» است و از آن جا که مردم در هنگام ظهر، شام و قبل از نماز صبح، لباس‌های معمولی خود را کنار می‌گذارند و کاملاً خود را نمی‌پوشانند و حالتی خصوصی دارند و معمولاً این اوقات مخصوص امور جنسی است، به این مواقع نیز عورات گفته شده است. ۴. «۲». در این آیه به پدر و مادرها دستور داده شده که به فرزندان خود آموزش دهند که در سه موقع ظهر، شام و قبل از نماز صبح، هرگاه خواستند وارد اتاق خواب آنها شوند، قبلاً اجازه بگیرند؛ یعنی خطاب اصلی آیه متوجه پدر و مادر است که باید این امور را آموزش دهند و به اجرا در آورند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۶. ۵. این آیه شامل کودکان نابالغ، اعم از پسر و دختر می‌شود. «۱» البته کودکانی که به حدّ تمیز رسیده‌اند و مسائل جنسی را تشخیص می‌دهند؛ و ظاهر آیه حکم و جوب است اگرچه برخی آن را مستحب دانسته‌اند. «۲». ۶. کودکان از حدود پنج‌سالگی مسائل جنسی را به طور مبهم متوجه می‌شوند؛ از این رو ورود بدون اجازه‌ی آنها به اتاق خصوصی پدر و مادر باعث می‌شود که کم‌کم از نظر جنسی تحریک شوند و تحریک زودرس آنان، عامل انحراف و یا عقده‌ی روانی و گاهی منجر به دشمنی با پدر و مادر می‌شود. «۳». ۷. اسلام برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی یک نظام هماهنگ بین جامعه و خانواده ایجاد کرده است؛ یعنی از طرفی با اعمال منافی عفت در جامعه به شدت برخورد می‌کند تا محیط اجتماع سالم باشد و از طرف دیگر به خانواده‌ها آموزش می‌دهد که از تحریک جنسی نوجوانان پرهیز کنند تا زمینه‌های فساد در خانواده‌ها برطرف شود و به جامعه کشیده نشود. «۴». ۸. «طّوافون» صیغه‌ی مبالغه و در اصل به معنای گردش دور چیزی است؛ یعنی این آیه اشاره می‌کند که در مواقعی غیر از سه وقت ظهر، شام و قبل از نماز صبح، کودکان شما مجازند که بسیار به دور شما بچرخند و با محبت رفت و آمد کنند و به هم‌دیگر خدمت نمایند؛ چراکه در این موارد پدر و مادر در حالت خصوصی نیستند و مشکلی پیش نخواهد آمد و اگر بخواهند در تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۷ همه‌ی این موارد اجازه بگیرند زندگی سخت خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عفت عمومی را از داخل خانه‌ی خویش پایه‌گذاری کنید و کودکان خود را تحریک جنسی نکنید. ۲. به کودکان نابالغ خود آداب اسلامی را بیاموزید. ۳. به کودکان و خدمت‌گزاران خود آموزش دهید که به حریم خصوصی و جنسی خانواده احترام بگذارند. ۴. اوقات خود را تقسیم کنید، زمانی را برای ملاقات آزاد و دوستانه با خانواده و زمانی را برای ملاقات خصوصی با همسر خود قرار دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۸ آداب تربیت فرزند فرزند مایه‌ی آزمایش شماس: ۱. بدانید که اموال و فرزندان شما مایه‌ی آزمایش شمایند (انفال، ۲۸). ۲. ای مومنان، اموال و فرزندان شما را سرگرم نسازد و از یاد خدا باز ندارد (منافقون، ۹). ۳. ای مومنان، برخی همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند پس بر حذر باشید (تغابن، ۱۴). الف) چگونه فرزندی؟ ۱. زکریا از خدا نسل پاک خواست (آل عمران، ۳۸). ۲. فرزند شایسته و صالح از خدا بخواهیم (صافات، ۱۰۰). ۳. فرزندی بخواهیم که مایه‌ی روشنی چشم ما باشد (فرقان، ۷۴). ۴. «فرزند شایسته و صالح، گلی از گل‌های بهشت است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۱». ۵. «فرزند بد، شرف را نابود می‌کند و موجب سرافکنندگی و سرزنش گذشتگان می‌شود.» (علی علیه السلام) «۲». ب) فرزند دوستی: ۱. «بچه‌ها را دوست بدارید و با رحمت با آنان رفتار کنید.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۳». ۲. «خدا بنده را مورد رحمت قرار می‌دهد، به خاطر شدت محبت او به فرزندش.» (امام صادق علیه السلام) «۴». تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۰۹ ج) بازی با کودکان: ۱. «هر کس بچه‌ای نزد اوست با او بازی کند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۱». ۲. روایت شده که حسن و حسین علیهما السلام (در کودکی) بر پشت پیامبر صلی الله علیه و آله سوار می‌شدند. «۲» د) عدالت بین فرزندان: ۱. «حق فرزندان بر تو آن است که بین آنان به عدالت رفتار کنی.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۳». ۲. «خدا دوست دارد که بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید حتی در بوسیدن.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۴». ۳. «در هدیه دادن به فرزندانان، تساوی را رعایت کنید و اگر بر فرض خواستید به کسی بیش تر بدهید، به دختران بیش تر بدهید.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۵». ه) بزرگ‌داشت فرزند و روز تولد او: ۱. «فرزندانان را بزرگ دارید و آداب آنان را

نیکو گردانید.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۶». تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۰. «بزرگ‌ترین چیز انسان، روزی است که از مادر متولد شده است.» (امام سجاد علیه السلام) «۱». (و حقوق فرزندان: ۱. «حق فرزند بر پدرش آن است که به او سواد و شنا و تیراندازی بیاموزد و فقط رزق حلال به او برساند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۲». ۲. «حق فرزند بر پدر و مادر آن است که نام نیکو بر او گذارند و ادبش را نیکو گردانند و به او قرآن بیاموزند.» (امام علی علیه السلام) «۳». ۳. «از حقوق فرزندان بر پدر سه چیز است: نام نیکو، آموزش قرآن و ازدواج هنگامی که به سن بلوغ می‌رسد.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۴». ۴. «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکوکاری یاری رساند، و آن این که از بدی‌هایش درگذرد و برای او دعا کند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۵». ۵. (ز) آموزه‌های تربیتی فرزندان: ۱. «بر سه چیز فرزندان را تربیت کنید: محبت پیامبر صلی الله علیه و آله، محبت اهل بیت علیهم السلام و قرائت قرآن.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۶». ۲. «پدر، هیچ ارثی بهتر از ادب برای فرزند نمی‌گذارد.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۷». ۳. «فرزندانتان را به علم آموزی دستور دهید.» (امام علی علیه السلام) «۸». تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۱ ح) تقسیم دوره‌های تربیتی: ۱. «نوجوان هفت سال بازی کند و هفت سال قرآن بیاموزد و هفت سال احکام حلال و حرام بیاموزد.» (امام صادق علیه السلام) «۱». ۲. «در هفت سالگی فرزندانتان را به نماز رهنمون شوید و در چهارده سالگی بر نماز سخت‌گیری کنید و رختخواب آنان را از هم جدا سازید.» (امام صادق علیه السلام) «۲». ۳. «نماز را به فرزندانتان آموزش دهید و هنگامی که به بلوغ رسیدند از آنان بخواهید.» ۴. «فرزند تا هفت سال آقایی می‌کند و تا هفت سال خدمت می‌کند و تا هفت سال وزارت و کمک می‌کند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۴». تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۲ قرآن کریم در آیهی پنجاه و نهم سوره‌ی نور به آداب ورود بزرگ‌سالان و نوجوانان به اتاق مخصوص پدر و مادر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹. وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ و هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان‌گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می‌گرفتند؛ اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیهی قبل بیان شد که کودکان نابالغ در رفت و آمد به اتاق مخصوص پدر و مادر آزادند، مگر در سه موقع ظهر، بعد از نماز عشا و قبل از نماز صبح. اما در این آیه بیان شده که بزرگ‌سالان و کودکانی که به سن بلوغ می‌رسند، حق رفت و آمد آزادانه به اتاق مخصوص پدر و مادر را ندارند و واجب است قبل از ورود اجازه بگیرند. البته مقصود از اتاق پدر و مادر، محل استراحت خاص آنهاست، و گرنه رفت و آمد افراد به اتاق عمومی و به ویژه با حضور دیگران مانعی ندارد و در این مورد نیاز به اجازه گرفتن نیست. ۲. تفاوت کودکان نابالغ و بالغ در آن است که در گروه اول هنوز غریزه‌ی جنسی به طور کامل بیدار نشده و رفت و آمد آنان (در غیر سه وقت مذکور) مفاسدی به دنبال ندارد، اما افراد بالغ بر عکس آنها هستند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با جوانان نوبلوغ هم‌چون بزرگ‌سالان برخورد کنید. ۲. بزرگ‌سالان و جوانان نوبلوغ حریم خصوصی پدر و مادر را محترم بشمارند و قبل از ورود اجازه بگیرند. ۳. خدا بر اساس علم و حکمتش این آیات و وظایف را برای شما کاملاً روشن ساخت (تا سعادت‌مند شوند، پس از آنها استفاده کنید). *** قرآن کریم در آیهی شصتم سوره‌ی نور احکام حجاب زنان کهن سال را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند، پس هیچ گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رسمی) خود را فرو نهند، در حالی که با زیور خود آرایی نکنند؛ و خویشتن‌داری آنان برایشان بهتر است؛ و خدا شنوای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برای زنان کهن‌سالی که سن ازدواج آنان گذشته است، مانعی ندارد که حجاب کامل خود را رعایت نکنند و چادر یا روسری خود را کنار بگذارند و سر و گردن خود را نپوشانند؛ چرا که بر این مورد مفسده‌ای مترتب نمی‌شود. ۲. مقصود از کنار گذاشتن لباس‌ها، برهنه شدن و بیرون آوردن همه‌ی

لباس‌ها نیست، بلکه کنار گذاشتن چادر و روسری مراد است، همان طور که در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است.

«۱» البته در برخی احادیث و کلمات فقها میج دستان این زنان نیز استثنا شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۴. ۳.

در این آیه دو شرط برای کشف حجاب زنان کهن سال بیان شده است: نخست آن که آنان به سنی برسند که امید ازدواج ندارند، یعنی جاذبه‌های جنسی را از دست داده باشند. و دوم آن که خودآرایی و زینت نکنند و لباس‌های زینتی بر تن ننمایند. ۴. مقصود از زنان بازنشسته، یا زنان مُسن و سال خورده و یا زنانی هستند که از ازدواج بازنشسته شده‌اند و یا زنانی که به پایان دوران قاعدگی و به حد نازایی رسیده‌اند. البته این تعبیرات مختلف روایات و فقهاست که همه به یک واقعیت اشاره می‌کند که این زنان کهن سال به دوره‌ای رسیده‌اند که کسی با آنان ازدواج نمی‌کند «۱» و از این رو کسی نگاه شهوت‌آلود و حرام به آنها نخواهد کرد. ۵. این حکم الزامی نیست؛ یعنی لازم نیست که حتماً زنان کهن سال بدون چادر و روسری بیرون آیند، بلکه اگر حجاب خویش را حفظ کنند برای عفت آنان (و حفظ سلامت جامعه) بهتر است. ۶. زنان کهن سال باید خود را بسنجند. اگر به دوره‌ای رسیده‌اند که کسی مایل به ازدواج با آنان نیست و خودشان نیز اهل زیور و آرایش و لباس‌های زینتی نیستند، حق دارند چادر و روسری خود را بردارند، اما اگر وضعیت آنها موجب تحریک گرایش جنسی دیگران می‌شود، باید حجاب کامل خود را حفظ کنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد حجاب زنان کهن سال سخت‌گیری نکنید. ۲. حفظ حجاب، برای زنان کهن سال نیز نیکوست. ۳. اگر وضعیت زنان کهن سال تحریک‌آمیز است، باید حجاب کامل خود را حفظ کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی نور به آداب غذا خوردن و ورود به خانه‌های خویشاوندان اشاره می‌کند و با تاکید بر سلام کردن می‌فرماید: ۶۱. لَيْسَ عَلَى الْمَاعَمِيِّ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُخُولِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَلَتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَاسْلُمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ هیچ تنگی (و تکلیفی) بر نایینا نیست و (نیز) هیچ تنگی (و تکلیفی) بر لنگ نیست، و (نیز) بر بیمار و بر خودتان هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست که (بدون اجازه غذا) بخورید از خانه‌های (فرزندان و همسران) تان یا خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های دایی‌هایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا آن (خانه‌هایی) که کلیدهایش در اختیار شماست، یا (از خانه‌های) دوستانتان، بر شما هیچ گناهی نیست که جمعی یا جداگانه (غذا) بخورید؛ و هنگامی که وارد خانه‌ها شدید، پس بر خودتان سلام کنید، زنده بادی خجسته (و) پاکیزه از نزد خدا. اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، باشد که شما خردورزی کنید.

تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۶ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که قبل از اسلام مردم مدینه افراد نایینا، لنگ و بیمار را از سفره‌ی غذا دور می‌کردند و با آنان هم‌غذا نمی‌شدند و غذای آنان را جدا می‌دادند. این مطلب یا به خاطر تنفر از آنان و یا به خاطر رعایت حال آنها در غذا خوردن و جبران کمبود آنان بود. برخی افراد این موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند، و آیه‌ی فوق در پاسخ آنان فرود آمد و اشاره کرد که هم‌غذا شدن با این افراد مانعی ندارد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد حکم نایینان و افراد لنگ و بیمار که در این آیه بیان شده است، سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود آن است که این افراد چون توانایی کافی ندارند و ممکن است بدون غذا بمانند، جایز است که از غذاهای خانه‌های شما و خویشان و دوستان استفاده کنند. «۲» ب) این آیه برای برطرف کردن عادت مردم مدینه بود که با این سه گروه هم‌غذا نمی‌شدند و بیان کرد که مانعی ندارد مردم با این افراد هم‌غذا شوند. ج) این سه گروه در حکم جهاد مستثنا هستند و جهاد بر آنان واجب نیست. «۳» البته تفسیر اول و دوم با هم منافاتی ندارد، هر چند ظاهر آیه با تفسیر تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۷ اول سازگارتر است و تفسیر دوم با شأن نزول تناسب بیش‌تری دارد، ولی تفسیر سوم با ظاهر آیه سازگار نیست. ۲. در اسلام مالکیت افراد محترم است و کسی حق ندارد بدون

اجازه‌ی قبلی، از غذای خانگی کسی بخورد، ولی در آیه‌ی فوق پیوند خویشاوندی و دوستی مقدم شمرده شده است؛ یعنی در جامعه‌ی اسلامی باید بین خویشاوندان و دوستان چنان صفا و صمیمیتی حاکم باشد که بتوانند از خانه‌های هم‌دیگر بدون اجازه‌ی قبلی غذا بخورند. از این رو در این آیه اجازه داده شد که هر کس بتواند از یازده خانه، بدون اجازه‌ی قبلی غذا بخورد. ۳. استفاده از غذای خانه‌های خویشاوندان و دوستان چند شرط دارد: الف) به اندازه‌ی نیاز مصرف کنند؛ ب) مرتکب اسراف و تبذیر نشوند؛ ج) یقین به عدم رضایت صاحب‌خانه نداشته باشند. یعنی در هنگام استفاده از غذای خانگی خویشان و دوستان، احتمال رضایت آنان کافی است. ۴. مقصود از دوستانی که غذا خوردن از خانه‌ی آنان جایز است، همان دوستان خاص و نزدیک انسان هستند که با آنان رفت و آمد دارد. اگر کسی تا این اندازه نسبت به دوست خود گذشت نداشته باشد، در حقیقت دوست او نیست. ۵. مفسران در مورد خانه‌هایی که کلید آن به دست انسان است و او مجاز است از غذای موجود در آن خانه استفاده کند، چند احتمال داده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۸ الف) مقصود خانه‌های کسانی باشد که در هنگام جهاد، کلید خانه‌ی خود را به افراد پشت جبهه می‌دادند. ب) مقصود وکیل و نماینده‌ی مالک است که کلید اموالش به دست اوست. ج) منظور انباردار است که کلید خانه و اموال به دست اوست. د) مقصود دوستان نزدیک هستند که کلید خانه‌ی خود را به دست هم‌دیگر می‌سپارند. البته مانعی ندارد که آیه شامل همه‌ی این موارد باشد و هر کدام مصداقی از آیه باشند. ۶. روایت شده که گروهی از مسلمانان در صدر اسلام از تنها غذا خوردن دوری می‌جستند، به طوری که گاهی ساعت‌ها گرسنه می‌ماندند تا هم غذایی پیدا کنند و یا این که برخی افراد مقتید بودند که غذای مهمان را جداگانه به او بدهند (تا مبادا خجالت بکشد) و یا این که برخی افراد ثروتمند با فقرا غذا نمی‌خوردند. آیه‌ی فوق با عنایت به این موارد یا برخی از آنها فرود آمد و بیان کرد که «بر شما گناهی نیست که به طور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید». ۷. وقتی در خانه‌ها وارد می‌شوید سلام کنید. مقصود از این خانه‌ها، منزل‌های خالی یا مساجد و یا منزل‌های یازده‌گانه‌ای است که در این آیه از آنها نام برده شد و یا همه خانه‌های مردم، خویشان و دوستان. البته آیه‌ی فوق مطلق است و شامل همه‌ی خانه‌ها می‌شود. ۸. سلام، تحیت و زنده باد اسلام است که در این آیه با عنوان زنده بادی خجسته و پاک از طرف خدا، از آن یاد شده است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۱۹ مقصود از سلام کردن در هنگام ورود به خانه‌ها، سلام کردن بر همسر و فرزندان و یا سلام کردن برخی بر برخی دیگر است؛ البته اگر مقصود از خانه‌ها، منزل‌های خالی باشد، سلام بر خویشان مقصود است؛ یعنی کسی که داخل خانه می‌شود بگوید: «سلام پروردگار بر ما باد»، یا «سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا» ۱؛ البته منافاتی بین این تفسیرها نیست و همه‌ی آنها می‌توانند مصداق‌های آیه باشند همان طور که در احادیث نیز به این سلام‌ها اشاره شده است. ۹. «تحیت» در اصل از ماده‌ی حیات و به معنای دعا کردن برای سلامتی و حیات دیگران است که در فارسی به «زنده باد» ترجمه می‌شود. البته هر نوع اظهار محبت و سلام که در آغاز ملاقات بین افراد رد و بدل می‌شود تحیت است. ۱۰. در این آیه اشاره شده که تحیت را به نوعی به خدا ارتباط دهید؛ یعنی مقصود از «سلام علیکم» آن باشد که «سلام خدا بر تو باد» یا «سلامتی تو را از خدا می‌خواهم». چرا که از نظر فرد موحد هر گونه دعایی در نهایت به خدا بازمی‌گردد و از او تقاضا می‌شود و از این روست که این تحیت پربرکت و پاکیزه است. ۲. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در غذا خوردن رعایت حال نایبانیان، ناتوانان و بیماران را بنمایید. ۲. خدا برای شما یازده رستوران رایگان در میان مردم قرار داده است، تا گرسنه نمانید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۰. ۳. سلام و زنده باد از آداب ورود به خانه‌هاست. ۴. در مورد آیات (و قوانین) روشن الهی مطالعه و تفکر کنید (تا حقایق دینی و عظمت قانون‌گذاری خدا را دریابید). ***

مؤمنان و رهبر اسلام

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی نور به نشانه‌های مؤمنان واقعی و رابطه‌ی نظام‌مند آنان با رهبر الهی جامعه اشاره می‌کند

و می‌فرماید: ۶۲. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيُغْضِ شَأْنَهُمْ فَأَذَنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ مؤمنان تنها کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند، و هنگامی که در کار اجتماعی همراه او باشند، تا از او رخصت نگیرند (از نزدش) نمی‌روند. در واقع کسانی که از تو رخصت می‌گیرند، آنان کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان می‌آورند. پس هر گاه برای بعضی کار (های مهم زندگی) خود از تو رخصت می‌طلبند، پس به هر کس از آنان که (صلاح می‌دانی و) می‌خواهی رخصت ده، و برای آنان از خدا آمرزش بخواه که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که یک شب قبل از جنگ احد «حظله» خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از ایشان اجازه خواست که آن شب را برای ازدواج در مدینه بماند. پیامبر به او اجازه داد و حظله فردا صبح به سرعت حرکت کرد و خود را به سپاه اسلام رساند. او که هنوز غسل نکرده بود، در میدان نبرد شهید شد و پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد او فرمود: «فرشتگان را دیدم که حظله را در میان آسمان و تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۱ زمین غسل می‌دهند.» و از این رو او را «حظله غسیل الملائکه» نامیدند. «۱» آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و کار حظله را ستایش کرد. البته شأن نزول دیگری نیز برای این آیه روایت شده است. در جنگ خندق، گروهی از منافقان به ظاهر مسلمان، بدون اجازه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و مخفیانه به خانه‌های خود می‌رفتند ولی مسلمانان راستین هنگامی که مشکلی پیدا می‌کردند از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه می‌گرفتند و پس از انجام کار سریعاً برای حفر خندق بازمی‌گشتند. آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد «۲» و گروه اول را مذمت و گروه دوم را ستایش کرد. «۳» البته مانعی ندارد که هر دو شأن نزول صحیح باشد، بدین معنا که آیات فوق هم به مناسبت جنگ احد نازل شده باشند (به ویژه آن که در جنگ احد گروهی از منافقان بدون اجازه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله از میان راه بازگشتند) و هم در مورد جنگ خندق (یعنی رفتار مسلمانان و منافقان در جریان حفر خندق مصداق دیگری از آیه باشد). سپس آیه در ادامه به ستایش این گونه مؤمنان می‌پردازد و می‌فرماید: «کسانی که (در کارها) از تو رخصت می‌طلبند، آنان به راستی به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند.» و در ادامه در مورد روابط نظام‌مند رهبر و مردم سفارش می‌کند و می‌فرماید: «هنگامی که از تو برای برخی کارهای مهم رخصت می‌طلبند، به هر کدام از آنان که (صلاح می‌بینی و) می‌خواهی، رخصت ده، و برای (ادب آنها و بخشش ترک اولای) آنان از خدا طلب آمرزش کن.» و در پایان یادآور می‌شود: «که خدا بسیار آمرزنده و مهرورز است.» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «امر جامع» در این آیه، هر کار مهمی است که اجتماع مردم در آن جا لازم است؛ هم چون جهاد، نماز جمعه، نماز عید، یا مشورت عمومی. «۱» در این گونه موارد هنگامی که رهبر الهی جامعه مردم را به صحنه فرا می‌خواند، باید مؤمنان همگی حاضر شوند و پیامبر صلی الله علیه و آله یا رهبر الهی را تنها نگذارند. ۲. این آیه به یک اصل انضباطی در جامعه‌ی اسلامی اشاره می‌کند؛ یعنی از ما می‌خواهد که جامعه‌ی اسلامی و رابطه‌ی رهبری جامعه با مردم، نظام‌مند باشد و مردم در هنگام ضرورت در صحنه حاضر باشند و بدون اجازه‌ی رهبری صحنه را ترک نکنند. ۳. در این آیه تاکید شده که مؤمنان واقعی وقتی در صحنه‌های عمومی حاضر می‌شوند، صحنه را ترک نمی‌کنند «۲» مگر آن که از رهبری رخصت بگیرند؛ یعنی کار عمومی را فدای کار خصوصی خود نمی‌کنند؛ زیرا ممکن است غیبت یک فرد زیان‌آور باشد و حرکت عمومی جامعه را با شکست مواجه سازد. ۴. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش شده که اگر مؤمنان برای کارهای مهم اجازه گرفتند، به آنان اجازه بدهد؛ البته تصمیم‌گیری و مصلحت‌سنجی در این موارد به عهده‌ی رهبری است که تشخیص دهد آیا غیبت این فرد در این صحنه زیان‌آور است یا نه؟ یعنی دست رهبری برای تصمیم‌گیری باز است. ۵. این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده است که برای افرادی که مرخصی می‌طلبند، از خدا طلب آمرزش کن. این دستور یا برای تشکر از آنان است که رعایت ادب کردند و از تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۳ پیامبر صلی الله علیه و آله رخصت طلبیدند و یا به خاطر آن است که ترک صحنه‌ی عمومی، نوعی ترک اولی است و نیاز به استغفار دارد.

۶. این آیه در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران او فرود آمده است، اما در حقیقت وظیفه‌ی تمام رهبران الهی و امت آنان را در طول تاریخ مشخص می‌سازد و نوعی ارشاد به حکم عقل است؛ چرا که انضباط اجتماعی و رعایت تشکیلات نظام‌مند، یک اصل مدیریت و کاری عقلایی است که مدیریت صحیح بدون آن امکان‌پذیر نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان واقعی را از حضور در صحنه‌های اجتماعی بشناسید. ۲. رابطه‌ی نظام‌مند خود را با رهبر الهی جامعه حفظ کنید و بدون رخصت او صحنه را ترک نکنید. ۳. ادب در برابر رهبر (و اجازه گرفتن از پیامبر صلی الله علیه و آله) زمینه‌ساز ایمان حقیقی است. ۴. رهبران الهی و مدیران ارشد در مورد مرخصی ضروری افراد سخت‌گیری نکنند و با بخشش با آنان برخورد کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی نور با هشدار به مخالفان دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله به کوتاهی و مخفی کاری منافقان در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳. لَمَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۴ فراخوان فرستاده (خدا) را در میان خودتان همانند فراخوان برخی شما برخی [دیگر] را قرار ندهید؛ که یقیناً خدا می‌داند کسانی را که از میان شما مخفیانه بیرون می‌روند. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید بر حذر باشند که (بلا و) فتنه‌ای به آنان در رسد، یا عذاب دردناکی به آنان برسد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد جمله‌ی اول این آیه سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود دعوت و فراخوان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که نباید هم‌چون سخنان دیگران کم‌اهمیت تلقی شود، بلکه باید به طور جدی پی‌گیری و عمل شود چرا که فرمان او فرمان خداست. ب) مقصود صدا زدن پیامبر صلی الله علیه و آله است که نباید کسی او را هم‌چون مردم عادی با اسم صدا بزنند، یا نام او را به صورت غیرمؤدبانه بخواند. چرا که برخی افراد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با لفظ «یا محمد» صدا می‌زدند، در حالی که شایسته بود با عبارتی مؤدبانه هم‌چون یا رسول الله صلی الله علیه و آله صدا بزنند. «ج» مقصود آیه آن است که دعا و نفرین پیامبر را هم‌چون نفرین خودتان درباره‌ی هم‌دیگر ساده نگیرید؛ چرا که نفرین و دعای او حتماً مستجاب می‌شود. البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر سه معنا باشد و این سه تفسیر با هم منافاتی ندارد؛ «د» ولی تفسیر اول با سیاق آیه‌ی قبل و ادامه‌ی آیه‌ی ۶۳ سازگارتر است، که در مورد تسلیم و اطاعت مؤمنان از پیامبر صلی الله علیه و آله و عدم اطاعت منافقان است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۵. ۲. برخی از منافقان مخفیانه از صحنه‌ها می‌گریزند؛ «ا» یعنی همان طور که در شأن نزول آیه‌ی قبل بیان شد، در هنگام جنگ احد یا احزاب برخی از منافقان از سپاه و جمعیت مسلمانان جدا می‌شدند و بدون اجازه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله صحنه را ترک می‌کردند. این آیه به این افراد هشدار می‌دهد که خدا از این گریز مخفیانه‌ی آنان آگاه است. ۳. در این آیه دو پیامد مهم برای مخالفت فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است: نخست فتنه و دوم عذاب دردناک. ۴. مقصود از «فتنه» در این جا، حوادث سخت اجتماعی و نابه‌سامانی و هرج و مرج و شکست با سایر آفت‌ها هم‌چون قتل، گمراهی، نفاق و تسلط سلطان ستمکار است که این حوادث و آفت‌ها بر اثر تخلف مردم از دستورات رهبران الهی، دامن گیر آنان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان بدانند که خدا از مخفی کاری و گریز پا بودن آنان آگاه است (و به موقع کیفرشان می‌دهد). ۲. مخالفان رهبران حق منتظر فتنه و عذاب باشند. ۳. برخورد شما با پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگران متفاوت باشد و جایگاه او و عظمت فرمانش را پاس دارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۶ قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی نور بر مالکیت و آگاهی خدا تأکید می‌ورزد و با هشدار در این مورد می‌فرماید: ۶۴. أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُزْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آگاه باشید که در حقیقت آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آن خداست؛ بی‌یقین می‌داند، آنچنان (حالاتی) را که شما بر آن هستید، و روزی را که به سوی او بازگردانده می‌شوند؛ و (در آن روز) آنان را از آنچه انجام داده‌اند خبر می‌دهد و خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه سه بار بر آگاهی و علم خدا تأکید شده است، تا انسان‌ها بدانند و احساس کنند که در همه‌ی حالات کسی مراقب و ناظر اعمال آنهاست. این مطلب از

نظر تربیتی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر انسان دارد و عامل کنترل اعمال اوست. ۲. تأکید بر علم و آگاهی خدا، در آخرین آیه‌ی سوره‌ی نور از طرفی هشدار به منافقان مخفی‌کار است که در آیه‌ی قبل به آنها اشاره شد و از طرف دیگر ضامن اجرای تمام احکام و قوانینی است که در سوره‌ی نور بیان شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از اعمال دنیوی شما آگاه است و در آخرت این علم خود را ظاهر می‌سازد (پس مراقب اعمال خویش باشید). ۲. خدا را مالک و ناظر همه چیز بدانید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص:

۲۲۷

بخش سوم: سوره‌ی فرقان

اشاره

توحید محوری معادباوری و ویژگی‌های بندگان خاص خدا شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله از مهجوریت قرآن سرگذشت برخی از پیامبران تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۲۹

اول: سیمای سوره‌ی فرقان

اشاره

سیمای سوره‌ی فرقان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی مبارک فرقان دارای ۷۷ آیه، ۸۹۲ کلمه و ۳۷۳۳ حرف است.

نزول

این سوره در مکه فرود آمده و چهل و یکمین سوره در ترتیب نزول است (پس از سوره‌ی «یس» و قبل از سوره‌ی «فاطر») و طبق محاسبه‌ی مفسران سوره‌ی فرقان در سال دهم بعثت نازل شده است «۱». این سوره در چینش کنونی قرآن بیست و پنجمین سوره به شمار می‌رود. نام‌ها: نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «فرقان» به معنای جدا کننده و فرق گذارنده (حق و باطل) و یکی از نام‌های قرآن کریم نیز «فرقان» است. سبب نام‌گذاری این سوره آن است که واژه‌ی فرقان در آیه‌ی اول آن آمده است. نام دیگر این سوره «تَبَارَكَ» است که به معنای «بزرگ و خجسته» می‌آید و این واژه کلمه‌ی آغاز سوره است که سه بار نیز در سوره‌ی فرقان تکرار شده است.

فضایل

در مورد فضیلت سوره‌ی فرقان از امام موسی کاظم علیه السلام حکایت شده که هر کس این سوره را در هر شب بخواند، خدا او را هرگز عذاب نمی‌کند و از او حساب‌رسی نمی‌نماید و جایگاهش بهشت است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۰ تذکر: این آثار و ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و به محتوای آن عمل کنند. در این سوره صفات بندگان خالص خدا آن گونه تشریح شده که چنانچه کسی آنها را از جان و دل بخواند و خود را با آنها منطبق سازد، جایگاهش بهشت است. ویژگی‌ها: «فرقان» یکی از نام‌های قرآن کریم نیز هست و در آیه‌ی ۶۰ این سوره یک سجده‌ی مستحب مقرر شده است و نکته‌ی

جالب آن است که تمام آیات این سوره به تنوین نصب ختم می‌شوند.

اهداف

هدف‌های اساسی سوره‌ی فرقان عبارت‌اند از: ۱. توجه به توحید؛ ۲. یادآوری قیامت؛ ۳. تقویت روحی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در برابر فشارها و سخت‌گیری‌های مشرکین مکه؛ ۴. بیان صفات بندگان خاص خدا و انسان‌های کمال یافته.

مطالب

مطالب عمده‌ای که در این سوره به چشم می‌خورد عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان نشانه‌های عظمت خدا در جهان آفرینش و دلایل توحید (در آیات ۲، ۳ و ۴۵ به بعد)؛ ۲. بیان رستاخیز و حسرت‌های مردم در آن روز (در آیات ۱۱، ۱۴ و ۲۸)؛ تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۱. ۳. درهم کوبیدن منطق مشرکان (در آیات ۷، ۵ و ۲۰). ب) اخلاق: بیان صفات مؤمنان راستین یا «عبادُ الرحمان» که به صورت جالب و سازنده‌ای در آیه‌ی ۶۳ به بعد آمده است و مجموعه‌ای از مطالب اخلاقی را در بردارد. ج) احکام: ۱. ممنوعیت قتل (در آیه‌ی ۶۸)؛ ۲. ممنوعیت زنا (در آیه‌ی ۶۸). د) داستان‌ها: ۱. بیان سرگذشت اقوام پیشین که در اثر مخالفت با پیامبران گرفتار عذاب الهی شدند (در آیات ۳۵-۴۲)؛ ۲. داستان اصحاب «رس» (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۳. اشاره‌ای به داستان موسی و هارون (در آیات ۳۵-۳۶)؛ ۴. اشاره‌ای به داستان قوم نوح (در آیه‌ی ۳۷)؛ ۵. اشاره‌ای به داستان عاد و ثمود (در آیه‌ی ۳۸). ه) مطالب فرعی: ۱. مقایسه‌ی مؤمنان با کافران و بیان مواضع آنها؛ ۲. طرح بهانه‌جویی‌های مشرکان و پاسخ به آنها (در آیات ۴-۲۱)؛ ۳. یاد قرآن با عنوان فرقان و پاسخ‌گویی به تهمت‌های مشرکان درباره‌ی قرآن (در آیات ۱، ۵، ۶ و ۳۲)؛ ۴. طرح شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم که قرآن را مهجور گذاشته‌اند (در آیه‌ی ۳۰)؛ ۵. تذکر پشیمانی ستمگران و تبری از دوستان گمراه کننده (در آیات ۲۷-۲۹)؛ ۶. خلقت انسان از آب (در آیه‌ی ۵۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۳

دوم: محتوای سوره‌ی فرقان

قرآن جداکننده حق از باطل

قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی فرقان به نزول قرآن و هدف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَلَمِينَ نَذِيرًا خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که جدا کننده [حق از باطل]: قرآن را بر بنده‌اش فرو فرستاد، تا هشدارگری برای جهانیان باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «تَبَارَكَ» از ماده‌ی «برکت» و به معنای خجسته و پربرکت است و به چیزی و کسی گفته می‌شود که دارای دوام، خیر و سود کامل باشد؛ و خدای متعال این گونه پربرکت و خجسته است. ۲. در این آیه، پربرکت بودن خدا با مسأله‌ی نزول قرآن همراه شده است، تا نشان دهد که نزول قرآن از جلوه‌های برکت الهی است و فرقان داشتن، از بهترین برکت‌هاست؛ چراکه انسان را به شناخت و جداسازی حق از باطل رهنمون می‌شود. ۳. «فرقان» به معنای جدا کننده (ی حق از باطل) است. این واژه در قرآن، گاهی به معنای قرآن و گاه به معنای معجزات روشنگر و گاه به معنای تورات به کار رفته است و در این آیه به معنای قرآن است. «۱» ۴. قرآن وسیله‌ای برای شناخت بهتر جهان، انسان، اجتماع و سنت‌های حاکم بر آن، مؤمنان و کافران و منافقان است و با بیان صفات، آنها را از هم‌دیگر جدا می‌سازد. قرآن وسیله‌ی شناخت عقاید، قوانین، احکام، آداب و اخلاق صحیح است و آنها را از مطالب باطل و خرافات جدا می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۴. ۵. بین فرقان و بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله رابطه‌ای است؛ یعنی مقام عبودیت خالص زمینه‌ساز نزول فرقان است که انسان را به

معیارهای جداسازی حق از باطل می‌رساند. ۶. هدف نهایی نزول فرقان بر پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار به جهانیان است؛ یعنی اولاً آیین اسلام و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله جهانی است و محدود به مکان و زمان خاصی نیست و ثانیاً، وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و هدف قرآن، هشدارگری است که نتیجه‌اش انگیزش احساس مسئولیت در برابر تکالیف الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن برکت خدا و جداکننده‌ی حق از باطل است. ۲. یکی از اهداف قرآن هشدارگری است. ۳. رسالت قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله جهانی است. ۴. از برکت قرآن و هشدارهای آن و جداسازی حق و باطل به وسیله‌ی آن استفاده کنید. ***

قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی فرقان با اشاره به صفات الهی، هم‌چون توحید، به اندازه‌ی دقیق موجودات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲. الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (همان کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آن اوست؛ و هیچ فرزندی برنگزیده، و برایش هیچ همتایی در فرمانروایی او نبوده است؛ و هر چیزی را آفریده و به طور کامل اندازه آن را معین کرده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرمان‌روایی و حکومت جهان فقط به دست خداست و حکومت او بر سراسر گیتی سایه انداخته و جاودانی است. ۲. برخی از مسیحیان، عیسی را، و برخی از یهودیان، عزیر را فرزند خدا دانسته‌اند و مشرکان عرب بت‌ها را شریک خدا و فرشتگان را دختران او می‌دانستند و تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۵ دو گانه پرستان، بخشی از مخلوقات را آفریده‌ی اهریمن می‌دانند، ولی قرآن در آیه‌ی فوق همه‌ی این خرافات موهوم را نفی و محکوم کرد. ۳. خدا فرزند و شریکی ندارد؛ زیرا فرزند و شریک برای کمک گرفتن از آنها در کارها و یا برای انس با آنها در هنگام تنهایی است؛ در حالی که خدا فرمان‌روا و آفریدگار کل جهان است، پس ناتوان نیست تا شریک بخواهد و احساس تنهایی نمی‌کند و نیازی ندارد تا فرزند بخواهد. ۴. در این آیه بیان شده که خدا هر چیزی را با اندازه‌ی دقیق آفریده است. اگر در نظام هستی و حساب دقیق اجزای اتم‌ها، ملکول‌ها، گیاهان، حیوانات، بدن انسان، منظومه‌ی شمسی و کهکشان‌ها دقت کنیم و نسبت بین این اجزا را بسنجیم، متوجه می‌شویم که نظمی شگفت بر آنها حاکم است، به طوری که اگر مقدار عناصر تشکیل دهنده‌ی زمین، هوا و موجودات و فاصله‌ی خورشید با زمین، کم‌تر یا زیادتر می‌شد، هرگز انسانی به وجود نمی‌آمد و یا امکان ادامه‌ی حیات نبود. این مطلبی است که در علوم تجربی به ویژه فیزیک نوین مورد توجه قرار گرفته است. آری؛ این همه نظم و حساب، از حسابگری دقیق است که جهان را این گونه آفریده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را از طریق صفات او و نظم دقیق مخلوقاتش بشناسید. ۲. خدا فرمان‌روای مطلق و بی‌شریک و آفریدگار همه‌ی هستی است (پس به دنبال غیر او نگردید). ۳. همه چیز در جهان به اندازه است. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۶

دلایل بطلان شرک

قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی فرقان پرستش معبودهای ناتوان را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۳. وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَمَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَمَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَمَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا (مشرکان) معبودانی جز او برگزیدند، که هیچ چیزی را نمی‌آفرینند، در حالی که آنان آفریده شده‌اند، و برای خودشان، مالک هیچ زیان و سودی نیستند، و (نیز) مالک هیچ مرگ و زندگانی، و زنده کردن (مردگان) نیستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه همه‌ی مشرکان و بت پرستان تاریخ را به محاکمه می‌کشد و با منطقی روشن و کوبنده شرک را نفی می‌کند؛ یعنی اشاره می‌کند که - خدا باید خالق باشد، ولی بت‌ها مخلوق‌اند - خدا باید رساننده‌ی سود و دفع کننده‌ی ضرر باشد ولی بت‌ها این گونه نیستند؛ - مرگ و زندگی و رستاخیز انسان به دست خدای اوست، ولی معبودهای مشرکان هیچ اختیاری در این زمینه ندارند؛ پس چگونه این معبودها شایسته‌ی عبادت‌اند و برای چه آنها را می‌پرستید؟! ۲. از این آیه استفاده می‌شود که مشرکان مخاطب این آیه به نوعی به معاد اعتقاد داشتند و یا این که قرآن مسأله‌ی اعتقاد به معاد را مسلم انگاشته و بر فرض قبول آن دلیل آورده است. ۳. در این آیه، ضرر، قبل از نفع ذکر شده است. شاید

این اشاره به آن باشد که «دفع ضرر اولی از جلب منفعت» است؛ یعنی انسان در درجه‌ی اول به دفع زیان‌ها و سپس به سود خود می‌اندیشد. ۴. بت‌ها و معبودهای مشرکان حتی در یک مورد هم صاحب اختیار نفع یا ضرر یا مرگ و حیات و رستاخیز کسی نشده‌اند، تا چه رسد که بخواهند تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۷ همه‌ی این امور را برای مردم رقم بزنند. «۱» ۵. مقصود از معبودهای مشرکان در این آیه، یا بت‌های چوبی و سنگی بی‌شعور است و یا گروهی از فرشتگان و مسیح علیه السلام که برخی مشرکان آنها را عبادت می‌کردند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معبود شما باید خالق، مالک سود و زیان و صاحب اختیار مرگ و حیات و رستاخیز شما باشد. ۲. مشرکان به دنبال معبودان بی‌خاصیت می‌روند. *** قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی فرقان به بهانه‌جویی‌های کافران و تهمت‌های آنان نسبت به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴ و ۵. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن هَذَا إِلَّا لِهَازِ إِبْرَاهِيمَ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا* وَقَالُوا أُسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «این [کتاب نیست جز دروغی بزرگ که آن را بر بافته است؛ و گروهی دیگر او را بر این (کار) یاری داده‌اند.» و یقین (با این سخن)، ستم و باطلی را آوردند.* و گفتند: «(این‌ها) افسانه‌های پیشینیان است در حالی که آنها را نوشته است، و آن (افسانه‌ها) صبحگاهان و عصرگاهان [و شب هنگام بر او دیکته می‌شود.]. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی کافران مخالف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمی‌توانستند در برابر منطق او ایستادگی کنند، به تهمت و بهانه‌جویی روی می‌آوردند و او را متهم به دروغ‌گویی و رونویسی مطالب قرآن از افسانه‌های پیشین می‌کردند. ۲. کافران نسبت به قرآن چند تهمت زدند: الف) قرآن دروغی بافته شده است. ب) دیگران در مورد جمع‌آوری قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله کمک می‌کنند و هر صبح و عصر بر او املا می‌کنند. ج) مطالب قرآن افسانه‌های قدیمی است. ۳. قرآن کریم بارها مخالفان اسلام را به تحدی و مبارزه طلبید که مثل یک سوره‌ی قرآن را بیاورند، ولی کسی قادر به این کار نبود؛ زیرا قرآن معجزه‌ای الهی بود که مثل آن را نمی‌توانستند بیاورند. و با این حال به راحتی قرآن را دروغ و بافته شده و رونویسی شده می‌پنداشتند. ۴. کافران، برای تحقیر قرآن، برای اشاره به آن از واژه‌ی «هذا» (این) استفاده می‌کردند و نام قرآن را نمی‌بردند. و برای تحقیر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گفتند که او با کمک دیگران قرآن را بر بافته است و آن افراد صبح و عصر این مطالب را بر او املا می‌کنند؛ یعنی پیامبر به تنهایی قدرت چنین کاری را ندارد، بلکه این یک توطئه‌ی جمعی است که باید در برابر آن ایستاد. ۵. مقصود کافران از گروهی که به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد قرآن کمک می‌کردند، جماعتی از اهل کتاب بوده‌اند. «۱» در حالی که اگر قرآن از اهل کتاب گرفته شده بود، مطالب آن مشابه تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۳۹ تورات و انجیل می‌بود؛ حال آن که قرآن در موارد متعددی با عقاید یهود و مسیحیت و مطالب تورات و انجیل تحریف شده مخالفت کرده است. ۶. کافران به طور ضمنی به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دادند که او خواندن و نوشتن می‌داند و دیگران مطالب قرآن را بر او املا می‌کنند و این تهمتی دیگر نسبت به آن حضرت بود؛ چراکه مردم عصر پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی می‌دانستند و شواهد تاریخی و آیات دیگر قرآن همه شاهد آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله خط ننوشت. «۱» و این یکی از حکمت‌ها و مصلحت‌های الهی در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود که چیزی ننویسد تا این تهمت‌ها در مورد وی کارگر نیفتد. ۷. تهمت‌های کافران نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن، نوعی ظلم و دروغ بود؛ «۲» چراکه آنان مردی امین، پاک و راست‌گو را بدون دلیل متهم می‌کردند و قرآنی را دروغ می‌انگاشتند که در برابر اعجاز آن درمانده شده بودند؛ پس آنان آگاهانه دروغ می‌گفتند و این ستمی آشکار بود. ۸. آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند که صبح و عصر (و شام) قرآن را بر او املا می‌کنند؛ در حالی که قرآن در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت و گاه در سفر یا در میان مردم بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شد و اگر کسی بر او املا می‌کرد، این جریان مخفی نمی‌ماند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر و قرآن در معرض تهمت‌های دشمنان اسلام هستند (و وظیفه‌ی مسلمانان آن است که پاسخ آنها را بدهند). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۰. ۲. کسانی نسبت دروغ به

قرآن می‌دهند که خود باطل گو هستند. ۳. سخنان تهمت‌آمیز دشمنان اسلام را بشناسید و با توجه به روحیات (ستمکارانه و باطل‌گرایانه‌ی) آنان تحلیل کنید. *** خدای متعال در آیه‌ی ششم سوره‌ی فرقان با دفاع از قرآن، پاسخی منطقی و مهربانانه به کافران تهمت‌زن می‌دهد و می‌فرماید: ۶. قُلْ أَتَزَلُّهُ الَّذِي يَلْعَلُ السَّرِّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا بگو: «کسی آن (قرآن) را فرو فرستاده که راز [ها] را در آسمان‌ها و زمین می‌داند؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده [و] مهربور است.» نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. بعضی از مطالب قرآن اسرار جهان را بیان کرده است؛ یعنی گاهی اشاراتی به اسرار طبیعت و کیهان و علوم پزشکی و سایر دانش‌های بشری دارد که انسان‌ها قرن‌ها بعد از آنها اطلاع یافتند. «۱» و گاهی از گذشته‌ها مطالبی مخفی را بیان کرده و گاهی حوادث آینده را پیش‌بینی می‌کند. «۲» این قرآن قوانینی مطابق با نیازهای بشری آورده است که نمی‌تواند ساخته‌ی فکر بشر باشد؛ چون انسان از اسرار آفرینش و جهان آگاهی کامل ندارد تا چنین مطالبی را بنویسد و یا به دیگران املا کند. پس قرآن مولود علم کسی است که از اسرار آسمان‌ها و زمین آگاه است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۱. قرآن بر اساس رحمت و آمرزش الهی فرود آمده و راه توبه و بازگشت را به سوی انسان‌ها گشوده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن جلوه‌ی رحمت و آمرزش الهی است. ۲. رازگویی‌های قرآن الهی است (آن را بشری ندانید). *** قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی فرقان به بهانه‌جویی‌های کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷ و ۸. وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا* أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَبَعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَشِيحُورًا و (مشرکان) گفتند: «این فرستاده را چه شده که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! چرا هیچ فرشته‌ای به سوی او فرود نیامده تا همراه وی هشدارگری باشد؟! یا هیچ گنجی به سوی او افکنده نمی‌شود؛ یا برای او هیچ بوستانی نیست که از (میوه‌ی) آن بخورد؟!» و ستمکاران گفتند: «(شما) جز از مردی جادو زده پیروی نمی‌کنید!» شأن نزول: حکایت شده که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار کعبه نشسته بود که یکی از مشرکان نزد او آمد و گفت: ای محمد! تو ادعای بزرگی کرده‌ای. تو چنین می‌پنداری که رسول پروردگار جهانیان هستی، در حالی که تو غذا می‌خوری و در بازار راه می‌روی؛ چنین رسولی شایسته‌ی پروردگار و خالق همه‌ی موجودات نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه الهی نیایش کرد که: بارالها! تو همه‌ی سخنان را تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۲ می‌شنوی و به همه چیز آگاهی (خودت پاسخ آنان را بیان فرما). در این هنگام آیات فوق فرود آمد و با اشاره به بهانه‌گیری کافران به آنها پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران چند ایراد به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گرفتند: الف) چرا او فرشته نیست و غذا می‌خورد و در بازار راه می‌رود. ب) حال که فرشته نیست، چرا لا اقل فرشته‌ای همراه او فرود نمی‌آید که به او کمک کند. ج) حال که فرشته‌ای به سوی او نمی‌آید، لا اقل گنجی از آسمان برای او بفرستند که بفهمیم او مورد توجه خداست. د) اگر گنج ندارد، لا اقل در سرزمین خشک و سنگلاخ مکه باغی داشته باشد که از آن امرار معاش کند. ۲. اشتباه بزرگ کافران این بود که توجه نداشتند که اولاً هدف پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت انسان‌هاست؛ پس او نمی‌تواند فرشته باشد، بلکه باید از جنس مردم و الگوی آنان باشد و با آنان غذا بخورد و راه برود. و ثانیاً، شخصیت انسان‌ها به گنج و باغ نیست، بلکه به علم و عمل آنهاست و پیامبر صلی الله علیه و آله قرآنی آورده بود که معجزه و نشانه‌ی صدق او بود و اگر کسی می‌خواست ایمان بیاورد، بدون بهانه ایمان می‌آورد و دیگر نیازی نبود که معجزات دیگری بطلبد. ۳. کافران گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله را ساحر و جادوگر می‌نامیدند و گاهی مسحور، یعنی جادو زده و کسی که در عقل او تصرف کرده‌اند و مجنون شده است؛ در حالی که آنان هیچ دلیلی برای این سخنان نداشتند و قرآن با مضامین عالی‌اش، دلیل کمال عقل و شعور پیامبر صلی الله علیه و آله بود. او را جادوگر تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۳ می‌خواندند، چون سخنان آن حضرت نفوذ فوق‌العاده‌ای داشت و اگر او را مجنون و جادو زده می‌خواندند، چون با خرافات و موهومات جاهلی مشرکان مخالفت می‌کرد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در معرض تهمت‌های مخالفان قرار می‌گیرند (پس آماده‌ی پاسخ‌گویی باشند). ۲. کافران منطقی روشن در برابر پیامبر اسلام نداشتند و فقط

بها نه جویی می کردند و به او تهمت های ناروا می زدند. *** قرآن کریم در آیات نهم و دهم سوره ی فرقان به بهانه جویی های کافران پاسخ می دهد و می فرماید: ۹ و ۱۰. انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَبِيحُونَ سَبِيلًا * تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا بَنَاجِرًا كَمَا كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (در نتیجه)، قدرت (پیدا کردن) هیچ راهی را ندارند! * خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که اگر بخواهد برای تو بهتر از این [ها] قرار می دهد: بوستان هایی که نهرها از زیر [درختان]ش روان است، و (نیز اگر بخواهد) قصرهایی برای تو قرار می دهد. نکته ها و اشاره ها: ۱. «امثال» در اصل به معنای مثل و تشبیه است، اما در این جا به معنای وصف کردن آمده است؛ یعنی کافران در برابر دعوت حق پیامبر صلی الله علیه و آله، تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۴ توصیف های بی اساس و بهانه جویی می کنند و مطالب بیهوده می گویند، تا چهره ی حقیقت را پوشانند. «۱» ۲. کافران گمراه شده اند و نمی توانند به راه راست دست یابند؛ چرا که آنان با پیش داوری های غلط و جهل و عناد راه فهم خود را بسته اند و نمی توانند حقایق را درک کنند و راه راست را بیابند. ۳. کافران بهانه جویی می کردند و از پیامبر صلی الله علیه و آله باغ و گنج می خواستند. در این آیات به آنان پاسخ داده شده که اگر خدا می خواست بهتر از آنها را به وی عطا می کرد. ولی اولاً، شخصیت پیامبر به پول و باغ و قصر نیست. ثانیاً، مصلحت آن است که پیامبر هم چون مردم عادی زندگی کند، تا دردهای اجتماع را درک و به درمان آنها اقدام کند. و ثالثاً، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله قدرتمند و ثروتمند بود، گروهی جرأت نمی کردند با او مخالفت کنند و در نتیجه راه امتحان مردم بسته می شد و گروهی نیز به خاطر ثروت او به طرفش می آمدند و ایمان واقعی نمی آوردند. ۴. برخی مفسران بر آن اند که مقصود از باغ و قصرهایی که در این آیات از آنها یاد شده، باغ و قصرهای دنیوی است و برخی دیگر نیز بر آن اند که منظور باغ و قصرهای بهشتی است. و یا مقصود باغ های دنیوی و قصرهای بهشتی است «۲» که آفریدگار همه ی این ها خداست و اگر بخواهد می تواند آنها را به پیامبرش بدهد. البته مانعی ندارد که مقصود، باغ ها و قصرهای عالی دنیوی و بهشتی باشد که همه ی آنها از آنچه کافران می خواستند بهتر است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۵ آموزه ها و پیام ها: ۱. بهانه جویی های بی اساس نسبت به رهبران الهی، باعث گمراهی بهانه جویان می شود. ۲. خدا قادر است باغ (و ثروت) در اختیار پیامبر قرار دهد (ولی این کار به مصلحت او و مردم نیست). ۳. به بهانه جویی های کافران در برابر رهبران الهی، پاسخ مناسب دهید. *** قرآن کریم در آیه ی یازدهم سوره ی فرقان به فرجام عذاب آلود تکذیب کنندگان رستاخیز اشاره می کند و می فرماید: ۱۱. بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (این ها بهانه است). بلکه آن [کافر] ان ساعت (رستاخیز) را دروغ انگاشتند، در حالی که برای کسی که ساعت (رستاخیز) را دروغ انگارد، شعله فروزان (آتش) ی را فراهم کرده ایم! نکته ها و اشاره ها: ۱. در آیات پیشین به انحرافات کافران در مورد توحید و نبوت و بهانه جویی های آنان در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن و در این آیه به سرچشمه ی این انحرافات اشاره شده که همان انکار معاد است. اگر کسی به رستاخیز اعتقاد داشته باشد، در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله و کتاب او بهانه جویی نمی کند و در برابر معبودهای دروغین سر تعظیم فرود نمی آورد؛ چرا که از فرجام خود در قیامت می هراسد. ۲. قرآن در بسیاری از موارد برای مسأله ی معاد دلیل می آورد، ولی در این جا فقط به مخالفان معاد هشدار و وعده ی عذاب می دهد؛ چرا که اینان افرادی بهانه جو بودند و به استدلال توجه نمی کردند. ۳. «سَعِير» به معنای شعله ور شدن آتش است؛ یعنی جهنمی سوزان و شعله ور برای کافران منکر معاد آماده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۶ آموزه ها و پیام ها: ۱. انکار معاد فرجام عذاب آلودی دارد. ۲. معاد را انکار نکنید که گرفتار دوزخ سوزان می شوید. *** قرآن کریم در آیات دوازدهم تا چهاردهم سوره ی فرقان به حالات دوزخ و دوزخیان اشاره می کند و می فرماید: ۱۲-۱۴. إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا * وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَعِيقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ كَيْفَ لَنُورًا * لَأَتَدْعُوا الْيَوْمَ نُورًا وَحِدًا وَادْعُوا نُورًا كَثِيرًا هُنَالِكَ كَيْفَ لَنُورًا (دوزخ) آنان را از مکانی دور ببیند، خشم و خروشی از آن می شنوند! * و هنگامی که در جای تنگی از آن افکنده شوند، در حالی که نزدیک به همدیگر (بسته شده) اند، در آن جا (واویلا

می گویند و) هلاکت می خواهند!*(به آنان گفته می شود: امروز یک بار (واویلا- مگوئید و) هلاکت نخواهید، بسیار (واویلا بگوئید و) هلاکت نخواهید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات حالات دوزخ و دوزخیان را به تصویر می کشد، تا برای همه‌ی منحرفان و کژاندیشان درس عبرتی باشد و دست از مخالفت با قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله بردارند. ۲. در این آیات دوزخ را به صورت موجودی تصویر کرده که گویی کافران را می بیند و منتظر آنهاست و وقتی طعمه‌اش را می بیند به هیجان می آید و فریاد می کشد و به خشم می آید. «۱» ۳. لازم نیست کافران نزدیک شوند و دوزخ را ببینند، بلکه دوزخ از راه دور آنان را می بیند و فریاد خشم برمی آورد (و طبق برخی احادیث بین آنها تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۷ یک سال راه است). «۱» ۴. در این آیات به مکان تنگ دوزخیان اشاره شده است. تنگ بودن دوزخ به معنای کوچک بودن آن نیست، چراکه دوزخ آن قدر وسیع است که هر چه به او می گویند پر شده‌ای باز هم طعمه‌ی بیش تری می طلبد. «۲» پس تنگی مکان دوزخیان به خاطر محدودیت‌های اعمال شده علیه آنهاست. ۵. «تُبور» در اصل به معنای «هلاک و فساد» است و انسان هنگامی که در برابر چیز وحشتناکی قرار می گیرد این واژه را به کار می برد، که به معنای «وای بر من!»، «واویلا!» و «مرگ بر من» است. «۳» ۶. چرا به دوزخیان گفته می شود که یک بار واویلا نگوئید بلکه زیاد بگوئید؟ شاید به خاطر آن که عذاب دوزخ موقتی نیست که با یک بار واویلا پایان گیرد، بلکه عذابی مستمر و دایمی است که گویی دوزخیان در آن هر لحظه می میرند و زنده می شوند و عذاب می کشند و واویلا می گویند. ۷. در این آیه، گوینده‌ی این سخنان به دوزخیان، مشخص نشده است، اما با توجه به قراین، فرشتگان عذاب با آنان سخن می گویند. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آتش خشم آلود دوزخ در انتظار منکران معاد است. ۲. به حالات دوزخ و دوزخیان بنگرید و درس عبرت بگیرید. ۳. در رستاخیز، هیجان دوزخ شنیدنی است و ناله‌های دوزخیان تمام شدنی نیست. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۸

مقایسه با دوزخ با بهشت

قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی فرقان به مقایسه‌ی دوزخ و دوزخیان با بهشت و بهشتیان می پردازد و می فرماید: ۱۵ و ۱۶. قُلْ أَذَلِكُمْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَ مَصِيرًا * لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْمُوعًا (ای پیامبر) بگو: «آیا این (دوزخ) بهتر است یا بهشت ماندگاری که به پارسایان (خود نگه‌دار) وعده داده شده، در حالی که پاداش و فرجامی برای آنان است؟» * تنها برای آنان آنچه را که بخواهند در آن جا هست، در حالی که ماندگارند؛ وعده‌ای مورد درخواست که بر عهده پروردگار توست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن کریم، روش مقایسه است؛ یعنی قرآن وجدان انسان‌ها را به داوری می طلبد که آیا دوزخ و آتش سوزان بهتر است یا بهشتی که همه‌ی نعمت‌ها در آن جا مهیاست؟! شما کدام یک را برمی گزینید؟ این گونه پرسش‌ها برای بیدار کردن وجدان‌های خفته و بر سر دو راهی قرار دادن انسان‌هاست تا با تفکر و انتخاب راه صحیح، تربیت و هدایت شوند. ۲. هم بهشت جاودان است و هم بهشتیان در آن جاوید می مانند. «۱» ۳. هر چه بهشتیان درخواست کنند برای آنان فراهم می شود، اما این بدان معنا نیست که آنان درخواست‌های غیر منطقی می کنند؛ چون بهشتیان حقایق را مشاهده و تناسب‌ها را درک می کنند و درخواست‌های آنها در راستای رضای الهی است. ۴. در این آیات اشاره شده که بهشت «مسئول» (درخواست شده) است. این تعبیر یا بدان معناست که مؤمنان قبلاً بهشت را از خدا درخواست کرده تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۴۹ بودند و اینک به آن رسیدند و یا بدان معناست که بهشت وعده‌ی حتمی خداست که مؤمنان می توانند از او مطالبه و درخواست کنند. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مقایسه‌ی عذاب‌های دوزخ و نعمت‌های بهشت، راه صحیح را انتخاب کنید. ۲. بهشت پاداش و مقصد پارسایان خودنگه‌دار است. ۳. وعده‌ی بهشت، جاویدان، حتمی و قابل مطالبه است. ۴. همان طور که بهشتیان در دنیا باتقوا بودند و خواست خدا را اجرا می کردند، در آخرت نیز خدا خواست بهشتیان را اجابت می کند. *** قرآن کریم در آیات هفدهم و هیجدهم سوره‌ی فرقان به محاکمه‌ی

معبودان دروغین در رستاخیز و عوامل گمراهی مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. **وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ * قَالُوا شَيْبْحَنَكَ مَا كَانَ يُتَّبَعِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا** و (یاد کن) روزی را که آنان و آنچه را جز خدا می‌پرستند گردآوری می‌کند، و (به معبودانشان) می‌گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود، راه را گم کردند؟!»* (در پاسخ) می‌گویند: «منزهی تو! هرگز برای ما شایسته نبود که جز تو سرپرستانی برگزینیم، ولیکن آنان و پدرانشان را (از نعمت‌ها) برخوردار نمودی تا این که یاد (تو) را فراموش کردند، و گروهی هلاک شده گشتند.» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. معبودهای مشرکان که در این آیات مخاطب خدا شده‌اند، یا افرادی هم‌چون عیسی علیه السلام و فرشتگان هستند که موجوداتی با عقل و شعورند و مورد پرستش گروهی از مشرکان قرار گرفتند و در رستاخیز حقایق را بیان می‌کنند. یا همان بت‌ها هستند که خدا به آنها نوعی حیات و شعور می‌دهد تا بتوانند پاسخ خدا را بدهند. و یا همه‌ی معبودان با عقل و بی‌عقل هستند که گروهی با زبان قال و گروهی با زبان حال حقایق را بیان می‌کنند. البته ظاهر آیه با همان تفسیر اول سازگارتر است. «۱» ۲. در این آیه به روشنی نشان داده شده که «غرق شدن در نعمت‌های دنیوی» عامل فراموشی یاد خدا، و فراموشی حق عامل فساد و هلاکت انسان است. زیرا از طرفی زندگی اشرافی، غرورآفرین است و انسان را از یاد خدا دور می‌سازد تا آن جا که فرعون‌وار خود را خدا می‌پندارد. و از طرف دیگر اشراف ثروتمند، مایل‌اند در کام‌جویی‌های خود آزاد باشند و از این رو دین و قوانین آن را کنار می‌گذارند و از یاد خدا فاصله می‌گیرند. البته برخی ثروتمندان نیز به یاد خدا و قیامت هستند، اما تعداد آنها اندک است و غالباً ثروت زیاد موجب فساد، انحراف و هلاکت انسان می‌شود. ۳. مقصود از فراموشی ذکر در این آیه، فراموشی یاد خدا یا فراموشی رستاخیز و یا فراموشی همه‌ی برنامه‌های الهی است که موجب انحراف، فساد و هلاکت می‌شود. ۴. «بُور» در اصل به معنای «کساد شدید» است. این واژه به فساد و هلاکت نیز گفته شده است. به زمین خالی از گیاه و مرده نیز «بایر» می‌گویند. این تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۱ تعبیر اشاره به آن است که اشراف ثروتمند سرزمین دلشان هم‌چون بیابانی خشک و بایر است که از حیات معنوی خالی گشته و فساد اخلاقی و عقیدتی آنان را به سوی هلاکت سوق می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منحرفان، عامل گمراهی خود را در رفتار خودشان جست‌وجو کنند. ۲. معبودان مشرکان، گناه گمراهی آنان را به عهده نمی‌گیرند (پس مشرکان فرافکنی نکنند). ۳. معبودان مشرکان اهل توحیدند، چگونه مشرکان راه شرک می‌پویند. ۴. غرق شدن در مادیات عامل فراموشی یاد خدا، فساد و هلاکت است. ۵. هنگام برخوردار شدن از نعمت‌ها (سپاس‌گزار خدا باشید و) او را فراموش نکنید که گرفتار فساد می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی فرقان با سرزنش مشرکان و ردّ ادعاهای آنان، به آنها هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۹. **فَقَدْ كَذَّبُواكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسِيءُ تَطِيئُونَ صِرَافًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمُ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا** و یقین (معبودانتان) شما را در مورد آنچه می‌گویید تکذیب کردند؛ و (در نتیجه) قدرت هیچ‌گونه برگرداندن (عذاب) و یاری کردن (خود) را ندارید. و هر کس از شما ستم کند، عذابی بزرگ به او می‌چشانیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان ادعا می‌کنند که عامل گمراهی آنان، معبودان هستند، ولی معبودان این ادعا را تکذیب می‌کنند. از آیات پیشین روشن شد که عامل اصلی گمراهی مشرکان، زندگی اشرافی و غرق شدن در ثروت است که باعث فراموشی یاد خدا و فساد آنان می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۲ «ظلم» در این آیه مفهوم وسیعی دارد که شامل ظلم به خویشتن و دیگران می‌شود؛ و شرک یکی از موارد ظلم به خویشتن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان، دروغ‌گو و فرافکن هستند و گناه خود را به دوش دیگران می‌اندازند. ۲. ستمکاری نکنید که ستمکاران نمی‌توانند عذاب بزرگ خود را دفع کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی فرقان به زندگی انسانی پیامبران و آزمایش انسان‌ها و لزوم شکیبایی در برابر آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. **وَمِآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا** و پیش از تو (کسی) از فرستادگان را نفرستادیم، مگر این که قطعاً آنان غذا می‌خورند و در

بازارها راه می‌رفتند؛ و برخی شما را [وسیله آزمایشی برای برخی [دیگر] قرار دادیم، آیا شکیبایی می‌کنید؟ در حالی که پروردگار تو بیناست. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از سران مشرکان، به پیامبر صلی الله علیه و آله ایراد می‌گرفتند که اگر تو فرستاده‌ی خدا هستی، پس چرا غذا می‌خوری و در بازارها توقف می‌کنی؟ «۱» (یعنی انتظار داشتند که او هم چون فرشتگان باشد). و نیز می‌گفتند: او می‌خواهد فرمانروای ما شود ولی روش او هم چون سیره‌ی پادشاهان نیست (یعنی هم‌چون قیصرها و کسرها، از مردم کناره تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۳ نمی‌گیرد و با تکبر رفتار نمی‌کند) «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که بشر بودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و زندگی عادی او و غذا خوردن و راه رفتنش در بازارها، نه تنها عیب نیست، بلکه همه‌ی پیامبران الهی این گونه بوده‌اند. هر پیامبری، چون الگوی جامعه‌ی بشری است، باید از جنس خود مردم باشد تا دردهای آنان را درک و درمان نماید و رفتار و گفتار او سرمشق دیگران باشد. ۲. مقصود از «فتنه و آزمایش» در این آیه ممکن است آزمایش انسان‌ها به وسیله‌ی انتخاب پیامبرانی از جنس بشر باشد که معمولاً از توده‌های فقیر جامعه بودند و مستکبران زیر بار آنها نمی‌رفتند و یا مقصود آزمایش همه‌ی انسان‌ها به وسیله‌ی یک‌دیگر باشد. دردمندان، یتیمان و ناتوانان وسیله‌ی آزمایش افراد قوی و ثروتمند هستند که آیا وظیفه‌ی انسانی و الهی خود را انجام می‌دهند؟! و بر عکس، آیا افراد ناتوان راضی به رضای خدا هستند و سپاس‌گزاری می‌کنند یا نه؟! البته ممکن است هر دو تفسیر مقصود آیه باشد. ۳. در این آیه از همه‌ی انسان‌ها می‌پرسد که: آیا (در برابر آزمایش الهی) صبر می‌کنید؟! آری؛ صبر، شکیبایی و استقامت، رکن پیروزی در تمام آزمایش‌های الهی است که شامل صبر در برابر هوس‌های سرکش و گناهان، شکیبایی در انجام وظایف و واجبات و استقامت در برابر مشکلات و مصیبت‌ها می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از رهبر اسلام دفاع کنید و به ایرادهایی که از او می‌گیرند، پاسخ دهید. ۲. بشر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله مانع رسالت او نیست بلکه وسیله‌ی آزمایش شماست. ۳. خدا مردم را به وسیله‌ی هم‌دیگر امتحان می‌کند. ۴. در برابر آزمایش‌ها و فتنه‌ها شکیبایی کنید که خدا شما را زیر نظر دارد. *** قرآن کریم در آیه بیست و یکم سوره‌ی فرقان به بهانه‌جویی‌های دیگر مشرکان و ریشه‌های این بهانه‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَمْ أَنْزَلْ عَلَيْْنَا الْمَلِئِكَةَ أَوْ نُرِي رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا وَ كَسَانِي كِه بَه مَلَاقَات كِه (و روز رستاخیز) امید ندارند، گفتند: «چرا فرشتگان بر ما فرو فرستاده نشده‌اند یا پروردگاران ما را نمی‌بینیم؟!» بیقین در دل‌هایشان تکبر ورزیدند و با طغیان بزرگی سرپیچی کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دو بهانه‌ی مشرکان اشاره شده است: نخست آن که می‌گفتند: چرا فرشتگان بر ما فرو فرستاده نشده‌اند تا وحی را در حضور ما بیاورند و ما به نبوت پیامبر یقین کنیم. و دوم آن که، چرا ما خدا را با چشم خود نمی‌بینیم تا شاهد و دلیل ما باشد. این بهانه‌ها در حالی بود که اولاً، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دارای دلایل معجزه‌آمیزی هم‌چون قرآن بود و نیازی به معجزه‌ی فرود آمدن فرشتگان نبود. ثانیاً، اگر طبق دل‌خواه مشرکان فرشته‌ای فرود می‌آمد، ممکن بود بازهم بهانه‌ی دیگری بتراشند. و ثالثاً، دیدن خدا محال بود، زیرا او جسم نیست تا قابل دیدن باشد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۵ بنابراین این درخواست‌های مشرکان بهانه‌ای بیش نبود. ۲. در این آیه به ریشه‌های بهانه‌جویی مشرکان اشاره کرده است که عبارت‌اند از: الف) آنان منکر رستاخیزند و امیدی به ملاقات پروردگار ندارند «۱» (و یا امید نیکویی به این ملاقات ندارند) و از این رو در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله بهانه‌جویی و مخالفت می‌کنند. ب) مشرکان در درون خویش گرفتار خودبرتربینی و تکبر هستند و از این رو در برابر پیامبر می‌ایستند بهانه‌جویی می‌کنند. ج) آنان گرفتار سرکشی و طغیان بزرگی شده‌اند و از این رو در برابر راه خدا ایستادگی می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان شبهه‌انگیزی و بهانه‌جویی می‌کنند (پس سخنان آنان را تحلیل کنید و پاسخی در خور آماده سازید). ۲. بهانه‌جویی مشرکان ریشه‌ای روان‌شناختی و عقیدتی دارد؛ یعنی روحیه‌ی خودبرتربینی، سرکشی و عدم اعتقاد به معاد، از عوامل بهانه‌جویی آنهاست. ۳. از خودبرتربینی و سرکشی دوری گزینید که شما را به انحراف می‌کشد. *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم و بیست و سوم سوره‌ی فرقان، حالات و اعمال

مشرکان در رستاخیز را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۲۲ و ۲۳. *يَوْمَ يَرُونَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا* وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا* تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۶ روزی که فرشتگان را می‌بینند، در آن روز هیچ مژده‌ای برای خلافکاران نخواهد بود؛ و می‌گویند: «(منطقه‌ای) ممنوع حفاظت شده (به ما بدهید تا در امان باشیم).»* و به سراغ کار (هایی) که انجام داده‌اند می‌رویم، و آن [ها] را (هم‌چون) غباری پراکنده قرار می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مشرکان به طور مکرر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهانه می‌گرفتند که فرشته‌ای فرود آید تا آنها او را ببینند و اینک این آیه به طور کنایه آمیز به مشرکان هشدار داده و گوش‌زد کرده است که عجله نکنید به زودی در روز رستاخیز فرشتگان عذاب را خواهید دید. ۲. مقصود از روزی که در این آیات از آن سخن گفته شده، یا روز مرگ است که انسان‌ها فرشته‌ی مرگ را می‌بینند، یا روز رستاخیز که فرشتگان عذاب را مشاهده می‌کنند. «۱» البته تفسیر دوم با ظاهر و سیاق آیه سازگارتر است. ۳. «حِجْر» در اصل به معنای منع است و از این رو به منطقه‌ی ممنوعه نیز حجر گفته می‌شود و در این جا اشاره به اصطلاحی عربی است که افراد در هنگام برخورد با کسی که از او می‌ترسند می‌گویند: «حِجْرًا مَّحْجُورًا» یعنی «امان می‌خواهم؛ امانی برگشت‌ناپذیر.» «۲» (به عبارت دیگر منطقه‌ای ممنوع و کاملاً محفوظ و در امان می‌خواهم). ۴. «هَبَاءً» به معنای ذرات بسیار ریز غبار است که در برابر نور آفتاب دیده تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۷ می‌شود. این تعبیر اشاره به آن است که اعمال مشرکان آن‌قدر بی‌ارزش و بی‌اثر است که اصلاً گویی عملی وجود ندارد. «۱» ۵. در اسلام ارزش اعمال به نیت و هدف کننده‌ی کار بستگی دارد و انگیزه‌های الهی، توحیدی، ایمان افراد، هدف‌های مقدس و برنامه‌ی صحیح و سالم به کار ارزش می‌دهد، اما ریاکاری، تکبر، تقلب، منت و گناهان بزرگ سبب می‌شود که ارزش کارها کم شود و آثار آنها از بین برود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان به فکر روز رستاخیز باشند که به التماس می‌افتند. ۲. شرک نوزید که عاقبت خوشی ندارد. ۳. خلافکاری، مانع مژدگانی‌های رستاخیز است. ۴. شرک عامل نابودی اعمال انسان در رستاخیز است. ۵. فقط به انجام عمل نیندیشید، بلکه به فکر حفظ عمل از آفات نابودگر نیز باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی فرقان به سرنوشت نیکوی بهشتیان در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴. *أَضْحَبَ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِّسِيَةً تَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا* در آن روز اهل بهشت، در بهترین قرارگاه و نیکوترین استراحتگاهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه است؛ یعنی فرجام شوم مشرکان را در آیات قبل بیان کرد و فرجام نیکوی بهشتیان مؤمن را در این تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۸ آیه بیان می‌کند، تا مردم با مقایسه‌ی این دو سرنوشت راه بهتر را انتخاب کنند و هدایت شوند. ۲. در این آیه از وضعیت بهشتیان با تعبیر «بهتر و نیکوتر» یاد شده است؛ این به معنای خوب بودن دوزخ نیست؛ مثل این تعبیر که گفته شود آزادی بهتر از زندان است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مقایسه‌ی وضع مؤمنان بهشتی با مشرکان، راه صحیح و بهتر را انتخاب کنید. ۲. فرجام نیکویی در انتظار مؤمنان بهشتی است. *** قرآن کریم در آیات بیست و پنجم و بیست و ششم سوره‌ی فرقان به ویژگی‌های رستاخیز و حالات سخت کافران در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵ و ۲۶. *وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا* الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا* و (یاد کن) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می‌شود، و فرشتگان به طور کامل فرو فرستاده می‌شوند.* در آن روز فرمانروایی حق از آن (خدای) گسترده مهر است؛ و روز دشواری برای کافران خواهد بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد شکافته شدن آسمان با ابرها در رستاخیز چند تفسیر ارائه کرده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۵۹ (الف) مقصود شکافته شدن آسمان شهود و کنار رفتن حجاب جهل و نمایان شدن عالم غیب است؛ یعنی در رستاخیز پرده‌ها کنار می‌رود و انسان می‌تواند نزول فرشتگان را درک کند. «۱» (ب) منظور شکافته و متلاشی شدن کرات آسمانی است؛ یعنی در آستانه‌ی رستاخیز بر اثر انفجارات، کوه‌ها و کرات متلاشی می‌شود و ابری از غبار پدید می‌آید که صفحه‌ی آسمان را می‌پوشاند. «۲» (ج) مقصود آن است که ابرهای غبار باعث می‌شود که آسمان یک‌پارچه به صورت قطعه‌های جدا از هم دیده شود. «۳» البته این سه تفسیر با هم منافاتی ندارد و ممکن است هر سه

مقصود آیه باشد. ۲. در آیه بیست و یکم سوره‌ی فرقان بیان شد که یکی از بهانه‌های مشرکان آن بود که چرا فرشتگان به طرف ما فرو فرستاده نمی‌شوند. و اینک در این آیه به آنها پاسخ می‌دهد که فرشتگان به سراغ شما خواهند آمد، اما در روز رستاخیز که آسمان‌ها و کرات شکافته می‌شوند و آن روز برای شما بسیار سخت است. ۳. روز رستاخیز حکومت‌های مجازی و محدود دنیوی کنار می‌رود و حکومت حق الهی ظهور می‌یابد و حاکمیت از هر نظر مخصوص خدای رحمان است. ۴. روز رستاخیز بر کافران سخت است؛ چون حکومت‌های جبارانه‌ی آنان فرو می‌ریزد و اموال و فرزندانشان بی‌فایده می‌شوند و هیچ کس به آنها کمک نمی‌کند و شفاعت‌گری برای آنان وجود ندارد. ۵. در این آیات از خدا با عنوان «رحمان» یاد شده است؛ یعنی آن روز رحمت خدا حاکم می‌شود، ولی آن روز بر کافران سخت است؛ زیرا کافران تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۰ آن قدر لجاجت کرده و در گمراهی فرو رفته‌اند که حتی خود را از رحمت رحمان نیز محروم کرده‌اند. ۶. روز رستاخیز برای کافران سخت است و برای مؤمنان آسان؛ همان طور که در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: سوگند به کسی که جانم به دست اوست، آن روز برای مؤمن سبک می‌شود، به طوری که از زمان یک نماز واجب در دنیا سبک‌تر و کوتاه‌تر می‌گردد. (۱) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز رستاخیز، روز شکافتن آسمان‌ها و نزول فرشتگان و فرمان‌روایی حق خداست. ۲. کفر نورزید که کفر عامل مشکلات رستاخیز است. *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم تا بیست و نهم سوره‌ی فرقان با تصویر صحنه‌هایی از قیامت، به نقش دوست و شیطان در زندگی انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷-۲۹. وَيَوْمَ يَعْزُضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعِيدٍ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (یاد کن) روزی را که ستمکار دستانش را [به دندان می‌گردد در حالی که می‌گوید: «ای کاش من با فرستاده (خدا) راهی بر گزیده بودم! ای وای بر من، کاش من فلانی را به دوستی برنگزیده بودم! بی‌یقین پس از آن که (قرآن و پیامبر) به من رسید، مرا از یاد (آنها) گمراه ساخت.» و شیطان انسان را بی‌یاور می‌گذارد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۱ شأن نزول: حکایت شده که در میان مشرکان دو دوست به نام «عُقبه» و «ابی» بودند که عقبه به پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه داشت و در مهمانی‌ها او را دعوت می‌کرد و در یکی از این مهمانی‌ها مسلمان شد، ولی دوستش ابی از این جریان ناراحت شد و به طوری او را تحریک کرد که عقبه مرتد شد و در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد، سپس او در جنگ بدر و دوستش ابی نیز در جنگ احد کشته شدند. آیات فوق نازل شد و به سرنوشت این دو نفر (و هر کس که به واسطه‌ی دوستش گمراه شود) اشاره کرد. (۱) نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. درست است که طبق شأن نزول، این آیات در مورد اشخاص خاصی نازل شده است، اما مطالب آیات عمومیت دارد و شامل همه‌ی کسانی می‌شود که بر اثر دوستی با افراد منحرف، به گمراهی کشیده شده‌اند و در رستاخیز از شدت حسرت و پشیمانی دست به دندان می‌گزند. (۲) ۲. عبارت «آنان دو دست خود را به دندان می‌گزند.» نشان‌دهنده‌ی شدت تأسف و حسرت ستمکاران است. آری؛ یکی از نام‌های رستاخیز نیز روز حسرت است (۳). ۳. در روز قیامت، ستمکاران گمراه شده، به خاطر دوستی با برخی افراد تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۲ ناراحت‌اند و می‌گویند: ای کاش با فلانی دوست نبودم. مقصود از این دوست بد، همان مشرکان، شیطان یا شیطان‌صفتان هستند که افراد را به گمراهی می‌کشند. نخست موعظه‌ی پیر صحبت این حرف است که از مصاحب ناجنس احتراز کنید (حافظ) ۴. در این آیات اشاره شده که دوستی با پیامبر صلی الله علیه و آله و ارتباط با او مطلوب است؛ یعنی کسانی که با رهبران الهی ارتباط دارند بهتر هدایت می‌شوند و کم‌تر به طرف گناه می‌روند. همان طور که ارتباط انسان با مجالس مذهبی و رهبران دینی، عامل رشد و هدایت اوست. ۵. «خلیل» به معنای دوست خاص و صمیمی است که مشاور انسان قرار می‌گیرد. نقش این گونه دوستان در زندگی انسان بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است؛ به طوری که بعد از اراده‌ی انسان، هیچ عاملی مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از دوست، در افکار، اخلاق و کردار انسان نیست و انسان به ویژه در دوران جوانی که شخصیت او شکل نگرفته و خواهان الگوست، خواه، ناخواه، تحت تأثیر دوستان صمیمی قرار می‌گیرد. نیک‌نامی خواهی ای دل با بدان صحبت

مدار خودپسندی جان من برهان نادانی بود (حافظ) ۶. در احادیث اسلامی در مورد دوست از سلیمان نبی علیه السلام روایت شده که فرمودند: در باره‌ی کسی داوری نکنید تا دوستانش را ببینید؛ زیرا انسان به وسیله‌ی دوستانش شناخته می‌شود و به یاران نزدیکش تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۳ نسبت داده می‌شود. «۱» و نیز از امام جواد علیه السلام روایت شده که فرمودند: از هم‌نشینی با افراد شرور پرهیز، که هم‌چون شمشیر برهنه‌اند که ظاهری زیبا و تأثیری زشت دارند. «۲» و نیز در برخی احادیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه السلام از حضرت عیسی علیه السلام روایت نموده‌اند که دوست خوب آن است که دیدنش انسان را به یاد خدا بیندازد و سخنانش به علم انسان بیفزاید. «۳» ۷. مقصود از «ذکر» در این آیه چیست؟ منظور از ذکر، هر برنامه‌ی بیدار کننده و آگاهی بخش است که انسان را به یاد خدا، قرآن و رهبران الهی می‌اندازد و دوستان بد، انسان را از این برنامه‌ها دور می‌سازند. در برخی احادیث روایت شده که مقصود از ذکر در این آیه امام علی علیه السلام و قرآن و دین و راه راست است. «۴» این گونه احادیث مصادیق ذکر را بیان می‌کنند، و گرنه ذکر معنای گسترده‌ای دارد. ۸. جمله‌ی پایانی این آیات که فرمود: «شیطان (و شیطان‌صفتان) انسان را خوار می‌کنند»، یا سخن خداست و یا ادامه‌ی گفتار ستمکاران گمراه. و مقصود آن است که ابلیس یا انسان‌های شیطان‌صفت، به دوستانشان تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۴ وعده‌ی یاری و هدایت می‌دهند و وقتی به آنان دل می‌بندند، در لحظات حساس آنها را تنها می‌گذارند و از این رو آنان را بسیار خوار می‌سازند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نقش دوست در زندگی غافل نشوید. ۲. دوستی انتخاب کنید که در رستخیز پشیمان نشوید. ۳. دوستی با رهبران الهی مطلوب است. ۴. دوست خوب آن است که انسان را به یاد (خدا و قرآن و رهبران الهی) بیندازد. ۵. دوست آگاهی‌بخش و هدایتگر نیکوست نه دوست گمراه‌گر و تنها گذار. ۶. از دوستی با شیطان (و شیطان‌صفتان) پرهیزید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۵ دوستان خوب و بد الف) دوست خوب: ۱. مؤمنان برادران (و دوستان) یکدیگرند (حجرات، ۱۰). ۲. «در آخر الزمان دوست مورد اعتماد و پول حلال کم‌تر پیدا می‌شود.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۱». ۳. «بهترین دوست تو کسی است که دوستی او به خاطر خدا باشد.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۲». ۴. «بهترین دوست تو کسی است که تو را بر اطاعت خدا یاری کند و از گناه بازدارد و به رضایت الهی رهنمون شود.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۳». ۵. «بهترین دوست شما کسی است که نقایص شما را به شما هدیه دهد (و یادآوری کند).» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۴». ۶. «دوستی با پارسایان را طلب کن، اگر چه عمرت را در طلب آنان صرف کنی (ارزش دارد).» (امام صادق علیه السلام) «۵». ۷. «از هر چیزی جدیدش را انتخاب کن، مگر از دوستان که قدیمی آنان را انتخاب کن. (علی علیه السلام) «۶». ب) عوامل پایداری و ناپایداری دوستی‌ها: ۱. پارسایی عامل تداوم دوستی است: در رستخیز برخی دوستان دشمن برخی دیگر هستند، مگر پارسایان (زخرف، ۶۷). تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۶ ۲. دوستی برای خدا: مردم دوست و برادر یکدیگرند، هر کس دوستی‌اش به خاطر غیر خدا باشد، آن دشمنی است (در نهایت به دشمنی می‌انجامد). (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۱». ۳. «دوستی و برادری دینی پایدارتر است.» (امام علی علیه السلام). «۲». ۴. «جفاکاری موجب نابودی دوستی است.» (امام علی علیه السلام). «۳». ۵. «اعلام دوستی به کسی که او را دوست دارید، موجب پایداری دوستی و الفت بیش‌تر است.» «۴». ۶. «بدترین دوست کسی است که زحمت درست کند.» (امام علی علیه السلام) «۵». ج) با چه کسانی دوست نشویم: ۱. کسانی که انسان را از یاد (قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله) دور و گمراه سازند (فرقان، ۲۸-۲۹). ۲. «قبل از شناخت افراد با آنان دوستی نکنید.» (امام حسین علیه السلام). «۶». ۳. «کسی که به خاطر طمع یا ترس یا هوس یا خوردن تو را می‌خواهد، با او طرح دوستی نینداز.» (امام صادق علیه السلام) «۷». ۴. «کسی که در توانگری با تو دوست است و در نیازمندی تو را تنها می‌گذارد، بد دوستی است.» (امام باقر علیه السلام) «۸». ۵. «با چهار گروه دوستی مکن: احمق، بخیل، ترسو، دروغ‌گو.» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۷ (امام باقر علیه السلام) «۱». د) وظایف دوستان نسبت به هم‌دیگر: ۱. «هنگامی که با کسی دوست شدید، نام و نام پدر و قبیله و منزلش را بپرسید.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲». ۲. «دوست

خود را با صورت گشاده و خندان ملاقات کن.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۳». «۳». «با دوستان قطع رابطه نکنید.» (امام علی علیه السلام) «۴». «۴». «لغزش‌های دوستان را تحمل کنید (و ببخشید).» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۵». «۵». «دوست خود را نصیحت کن.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۶». «۶». «مؤمن آینه‌ی برادر مؤمن خویش است.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۷». «۷». «کسی که دوست مؤمن خود را اکرام کند و بزرگ بدارد، خدا را بزرگ داشته است.» (امام صادق علیه السلام) «۸». «۸». «کسی که حاجت برادر مؤمن را برآورد، خدا روز رستاخیز صد هزار حاجت او را برآورد.» (امام صادق علیه السلام) «۹». (و شناخت دوستان صادق: ۱. «اگر کسی را در دل دوست دارید، بدانید او هم شما را دوست دارد.» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۸ (امام صادق علیه السلام) «۱». احادیث متعددی با مضمون فوق برای امتحان گفتار دوستان حکایت شده است (ر. ک: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۲-۴۳). «۲». «دوستان را قبل از دوستی امتحان کنید که به وسیله‌ی امتحان نیک و بد جدا می‌شود.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۲». «۲». «۳». «دوستان خود را با دو ویژگی انتخاب کنید، محافظت بر وقت نماز و نیکی به دوستان در مشکلات و آسانی‌ها.» (امام صادق علیه السلام) «۳». تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۶۹

شکوه پیامبر (ص) از امت خویش در مورد قرآن

خدای متعال در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی فرقان به شکوه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله از برخورد مردم با قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا و فرستاده (خدا) گفت: «ای پروردگار! من! درحقیقت قوم من از این قرآن دوری گزیده‌اند!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دست امت خود به پیشگاه خدا شکایت می‌کند، که مردم قرآن را که رمز حیات و نجات و عامل پیروزی و حرکت و پیشرفت آنهاست، ترک گفته‌اند. شاید این مهم‌ترین شکایت تاریخ بشر باشد که بزرگ‌ترین پیامبر الهی نزد بالاترین مقام جهان، یعنی خدای متعال، از دست بهترین امت، یعنی امت اسلام، در مورد بزرگ‌ترین معجزه، یعنی قرآن شکایت کرده است. ۲. مهجوریت و دوری از قرآن به صورت‌های مختلفی رخ می‌دهد: الف) گاهی کل قرآن، اعم از لفظ و محتوا، از جامعه کنار گذاشته می‌شود و کتابی تشریفاتی می‌شود. ب) گاهی به قرائت و حفظ قرآن اهمیت داده می‌شود، ولی در محتوای قرآن تفکر و تدبّر نمی‌شود. ج) گاهی به قرائت، حفظ، تفسیر و نشر قرآن اهمیت داده می‌شود، ولی قوانین حیات‌بخش و شفابخش آن در جامعه عمل نمی‌شود و دردهای جامعه هم‌چنان باقی می‌ماند. د) گاهی معانی و مطالب عالی قرآن مهجور است؛ یعنی افرادی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۰ سطحی‌نگر یا منحرف به سراغ قرآن می‌روند و از آن برداشت‌های نادرست می‌کنند، ولی به مفسران حقیقی قرآن، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و رهروان آنها رجوع نمی‌شود و از این رو مطالب شفابخش قرآن درک و فهم نمی‌شود و در پرده‌ی ابهام باقی می‌ماند. ۳. نتیجه‌ی جدایی از قرآن آن است که مسلمانان به سراغ دیگران می‌روند و قوانین و برنامه‌ی زندگی خود را از آنها می‌گیرند و از این رو در مسابقه‌ی میان ملت‌ها عقب می‌مانند. همان‌گونه که در عصر ما این وضعیت در برخی کشورهای اسلامی اتفاق افتاده است؛ یعنی شکوه و ناراحتی پیامبر در مورد مهجوریت قرآن، در حقیقت برای خود مسلمانان و از عقب‌ماندگی و علاج نشدن دردهای جامعه‌ی اسلامی است. ۴. شکوه‌ای که در این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده، سخن ایشان در دنیا یا رستاخیز است «۱» ولی مانعی ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله این سخن را در دنیا گفته باشد و در رستاخیز هم تکرار شود؛ چراکه قیامت پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق دنیا روشن می‌شود. ۵. راه‌های مهجوریت زدایی از قرآن: الف) انس با نگار قرآن؛ در طی مراحل نگاه به آن، روخوانی، قرائت، ترتیل، تلاوت و حفظ قرآن. ب) انس با محتوای قرآن؛ در طی مراحل ترجمه، تفسیر، تأویل، راه‌یابی به بطون قرآن. ج) انس عملی با قرآن؛ یعنی پیاده کردن دستورات قرآن در زندگی. د) انس علمی با قرآن؛ یعنی استفاده از آموزه‌های قرآن در علوم بشری از تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۱ جمله در جهت‌دهی به علوم انسانی؛ مثل

اقتصاد، سیاست، مدیریت، حقوق و ... و موضوع‌دهی برای پژوهش و نظریه‌پردازی در علوم انسانی و طبیعی، و گسترش مباحث میان‌رشته‌ای. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظیفه‌ی امت اسلام آن است که قرآن را از مهوریت به در آورند. ۲. پیامبر اسلام از شما شکایت کرده‌اند، پس با روی آوردن به قرآن، رضایت او را جلب کنید. *** قرآن کریم در آیات سی و یکم و سی و دوم سوره فرقان با دل‌داری به پیامبر اسلام در مورد دشمنانش، به بهانه‌جویی کافران در مورد نزول تدریجی قرآن پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا* وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَأُنزِلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا این گونه برای هر پیامبری دشمنی از خلفاکاران قرار دادیم؛ و [لی راه‌نمایی و یآوری پروردگارت کافی است.* و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «چرا قرآن جملگی یک (باره) بر او فرو فرستاده نشده است؟!» این گونه (قرآن را بتدریج فرو فرستادیم) تا دل [سوزان تو را بدان استوار گردانیم، در حالی که آن را کاملاً مرتب و آرام (بر تو) خواندیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات اعلام شده که همه‌ی پیامبران مخالف داشته و مخالفان آنها انسان‌های خلفاکار بوده‌اند؛ پس مخالفت مشرکان با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چیز تازه‌ای نیست و نباید از این مطلب زیاد ناراحت باشد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۲. ۲. چرا خدا برای پیامبران الهی مخالفانی قرار می‌دهد؟ پاسخ آن است که این مطلب، یا برای آزمایش آنهاست و یا مقصود آن است که برنامه‌های سازنده‌ی پیامبران خود به خود موجب دشمنی افراد می‌شود و یا منظور آن است که خدا به دل برخی افراد لجوج، در اثر اعمالشان، مهر می‌نهد و دشمن پیامبران می‌شوند. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مراد آیه باشد. ۳. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری و وعده داده شده که خدا توطئه‌های دشمنان را خنثی می‌سازد؛ یعنی اگر با وسوسه‌های خود بخواهند گمراهی ایجاد کنند، خدا راه‌نمای توست و اگر مخالفان بخواهند بر تو پیروز شوند، خدا یاور توست که بالاترین قدرت‌ها را دارد و هدایت و یاری خدا برای تو کافی است. هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک (حافظ) ۴. در این آیه این پرسشی مطرح شده که چرا قرآن به صورت یک‌باره نازل نشده بلکه در طی بیست و سه سال به صورت متفرق و در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت فرو فرستاده شده است؟! «۱» آیات فوق پاسخی به این پرسش داده است. نزول تدریجی قرآن و ارتباط دایم پیامبر صلی الله علیه و آله با وحی، عامل استقامت تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۳ روحی او می‌شد؛ چون در هر واقعه، جنگ و مناسبتی آیتی از قرآن فرود می‌آمد و تکلیف پیامبر و مسلمانان را روشن می‌ساخت و به آنان آرامش و اطمینان می‌داد. ۵. برای تدریجی بودن نزول قرآن دلایل دیگری نیز می‌توان بیان کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) قرآن یک کتاب تربیتی است که برنامه‌ی زندگی مسلمانان و هدایت‌گر یک ملت در حال رشد بوده است؛ از این رو هم چون برنامه‌های تربیتی و تحصیلی، باید مرحله به مرحله ابلاغ و اجرا گردد و به نتیجه‌ی مطلوب برسد. اصولاً اگر آیات مربوط به شکست‌ها و پیروزی‌های مسلمانان در جنگ‌ها زودتر ابلاغ می‌شد، نظم امور در هم می‌ریخت و برخی مردم به جهاد نمی‌رفتند. ب) اگر قرآن یک‌باره نازل می‌شد، لازم بود که یک‌باره هم همه‌ی قوانین آن اجرا شود. درحالی که بسیاری از مردم تحمیل همه‌ی برنامه‌های عبادت، جهاد، زکات، خمس و واجبات دیگر را نداشتند و این مطلب عامل فرار گروهی از مردم می‌شد. ج) ارتباط مستمر پیامبر صلی الله علیه و آله با وحی، عامل جلوگیری از سخنان بیهوده‌ی دشمنان اسلام بود که گاهی می‌گفتند: خدا پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کرده است. د) نزول تدریجی قرآن در طی بیست و سه سال و عدم اختلاف در آیات آن نشان دهنده‌ی اعجاز این کتاب مقدس است. ۶. «ترتیل» به معنای هماهنگی و نظام یافتن چیزی بر طریق مستقیم است و خروج کلمه از دهان به راحتی و به طور صحیح را نیز ترتیل می‌گویند. «۱» این آیه اشاره دارد که قرآن به صورت ترتیل، یعنی با نظام بر طریق تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۴ مستقیم و با حساب و برنامه‌ی پی‌درپی نازل شده است. ۷. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام روایت شده که مقصود از ترتیل در قرائت قرآن، آن است که حروف و کلمات آن را کاملاً روشن ادا کنید و هم‌چون دانه‌های خرما خشکیده یا ریگ‌های پراکنده نکنید و نیز مثل شعر، آن را با سرعت نخوانید و به هنگام برخورد

با (آیات) جالب و عجیب آن توقف کنید و دل را با آن به حرکت در آورید و هرگز قصد شما این نباشد که به پایان سوره برسید (بلکه اصل تدبّر و تفکر در آیات باشد). «۱» و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده که ترتیل آن است که آیات را با تأنی و با صدای زیبا بخوانید و هنگامی که به آیه‌ای برخورد کردید که در آن سخن از آتش است، به خدا پناه ببرید و هنگامی که به آیه‌ای برخورد کردید که در مورد بهشت است، از خدا بهشت بخواهید. «۲» ۸. از بررسی آیات قرآن، احادیث و لغت در مورد «ترتیل» استفاده می‌شود که ترتیل به دو صورت است: الف) ترتیل لفظی که همان ادای حروف و حفظ وقوف و پرهیز از شتاب در قرائت و پیوستگی در آن است. ب) ترتیل معنایی که همان تفکر و تأنی در آیات قرآن و خود را مخاطب آیه دانستن است. البته آنچه در عصر ما به عنوان روش ترتیل در جلسات قرائت مطرح است، تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۵ یک اصطلاح جدید، غیر از معنای لغوی و اصطلاح قرآنی ترتیل است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی منتظر نباشند که دشمنی‌ها با اسلام و آنان پایان پذیرد. ۲. رهبران الهی از مخالفت‌ها نهراسند که خدا رهنما و یاری‌گرشان است. ۳. کافران در برابر قرآن شبهه‌افکنی می‌کنند (که باید پاسخ آنان را بدهید). ۴. نزول تدریجی قرآن به خاطر تثبیت وضعیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی فرقان به مثال‌های حق و تفسیرهای زیبایی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳. وَلَا يَأْتُوكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا و هیچ مثالی برای تو نمی‌آورند جز آن که با (جواب) حق و بهترین تفسیر [به سوی تو آیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از آثار و فواید نزول تدریجی قرآن آن است که در مواقع حساس، پاسخ مخالفان را می‌دهد؛ یعنی هر گاه آنان مثالی زدند و یا مطلبی در مخالفت پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کردند، آیات قرآن که به تدریج و بر اساس مناسبت‌ها فرود می‌آید، پاسخ آنان را می‌دهد و مثالی حق و تفسیری زیباتر ارائه می‌کند. «۲» ۲. واژه‌ی «تفسیر» فقط یک بار در قرآن، آن هم در این آیه به کار رفته است. این واژه در اصل به معنای «پرده برداشتن و کشف» است و تفسیر قرآن تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۶ به معنای آن است که انسان پرده از روی الفاظ مشکل و مجمل قرآن بردارد و مقاصد خدا را در آیه روشن سازد و بیان کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آموزه‌های قرآن، مطالب حق و بهترین تفسیر است. ۲. هر گاه مخالفان اسلام اشکال کردند، با مطلب حق و تفسیری زیبا به آنان پاسخ دهید. ۳. خدا و قرآن مدافع رهبر اسلام بودند، شما نیز این گونه باشید. ***

سرگذشت‌های عبرت آموز

قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی فرقان، حالات و فرجام کافران را در رستاخیز به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۳۴. الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا کسانی که بر صورت‌هایشان به سوی جهنم گردآوری می‌شوند، آنان بدترین مکان را دارند، و از نظر راه (یابی) گمراه‌ترند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز پاسخ و تهدیدی برای کافران است؛ یعنی کافرانی که در دنیا لجاجت می‌کردند و در مورد قرآن بهانه‌جویی می‌نمودند، اگر دست برندارند پاسخ آنان در آخرت عذاب سخت الهی است. «۲» ۲. مقصود از کشیده شدن کافران بر صورت‌هایشان چیست؟! برخی مفسران بر آن‌اند که حقیقتاً فرشتگان عذاب، کافران را در حالی که با صورت روی زمین افتاده‌اند، کشان کشان به طرف دوزخ می‌برند و این نشانه‌ی خواری و ذلت آنها و تجسم گمراهی آنان در دنیا است که متکبرانه راه تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۷ می‌رفتند و آینده‌ی خود را نمی‌دیدند. اما برخی از مفسران بر آن‌اند که مقصود از این مطلب معنای کنایی آن است؛ یعنی قلب کافران به دنیا تعلق دارد و هنوز صورت قلبشان به طرف دنیا است و در همان حال به سوی جهنم کشیده می‌شوند. و یا منظور آن است که کافران نمی‌دانند به کجا برده می‌شوند. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد، ولی ظاهر آیه همان معنای اول است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران بهانه‌جو بدانند که فرجام بدی در انتظار آنان است. ۲. با قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت نورزید که بدترین

مکان‌ها و گمراه‌ترین راه‌ها و عذابی خفت‌بار در انتظار مخالفان است. *** قرآن کریم در آیات سی و پنجم و سی و ششم سوره‌ی فرقان به رسالت موسی و هارون و مخالفت فرعونیان و نابودی عبرت‌آموز آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵ و ۳۶. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا * فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمْزَلُهُمْ تَدْمِيرًا و بی‌یقین به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و برادرش هارون را همراه او وزیر قرار دادیم؛* و گفتیم: «به سوی قوم (فرعون) که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، بروید.» و (آنان رفتند ولی فرعونیان سرکشی کردند از این رو) آنان را کاملاً درهم کوبیدیم! تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به سؤالات و بهانه‌جویی‌های مشرکان مخالف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پاسخ داده شد، ولی آنان لجاجت کردند؛ از این رو آنان را با عذاب تهدید کرد و اکنون در این آیات سرنوشت اقوام سرکش گذشته هم‌چون فرعونیان را بیان می‌کند، تا از طرفی مخالفان اسلام از سرنوشت عذاب‌آلود آنان درس عبرت بگیرند و از طرف دیگر، به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد که از مخالفت آنان اندوهگین نباشد. ۲. در این آیه به همکاری موسی و هارون در مبارزه با فرعونیان اشاره می‌کند تا آموزه‌ای برای همه‌ی رهبران الهی باشد که در هدایت مردم و مبارزه با دشمنان راه خدا، برای خود وزیر و همکار انتخاب کنند تا تنها نباشند و در مواقع خطر هم‌دیگر را یاری رسانند. ۳. فرعونیان از طرفی نشانه‌های الهی را در پهنه‌ی هستی عملاً تکذیب کردند، به طوری که فرعون خود را پروردگار بزرگ خواند. و از طرف دیگر آیات کتاب‌های آسمانی را تکذیب کردند و راه شرک در پیش گرفتند. ۴. «تدمیر» از ماده‌ی «دمار» به معنای هلاکت اعجاب‌انگیز است و به راستی که نابودی فرعونیان در میان امواج خروشان از عجایب تاریخ بشر است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در رهبری مردم و مبارزه با دشمنان، براساس کتاب خدا رفتار کنند و برای خود وزیر و همکار انتخاب نمایند. ۲. از سرنوشت عذاب‌آلود فرعونیان عبرت بیاموزید و نشانه‌ها و آیات الهی را تکذیب نکنید. ۳. دروغ‌انگاری آیات الهی، عامل هلاکت ملت‌هاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۷۹ قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی فرقان به مخالفت‌های قوم نوح و سرنوشت عبرت‌آموز او اشاره می‌کند و با هشدار به ستمکاران می‌فرماید: ۳۷. وَقَوْمٌ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَعْرَضُوا عَنْهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا و هنگامی که قوم نوح فرستادگان (خدا) را دروغگو شمردند، غرقشان ساختیم، و آنان را نشانه‌ای (عبرت‌آموز) برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمکاران عذاب دردناکی فراهم کرده‌ایم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که «قوم نوح» فرستادگان الهی را تکذیب کردند، در حالی که پیامبر آنان نوح بود. این مطلب اشاره به آن دارد که در اصول دعوت پیامبران تفاوتی نیست و تکذیب یکی، تکذیب همه‌ی آنهاست. برای مثال، اگر کسی توحید یا معاد را منکر شد، در حقیقت همه‌ی پیامبران را تکذیب کرده است. ۲. در مورد قوم نوح و سرنوشت آنان، در سوره‌های مختلف قرآن مطالب مفصلی بیان شده است «۱» که نوح سالیان درازی به هدایت مردم پرداخت ولی تعداد اندکی ایمان آوردند و در نهایت عذاب الهی به صورت سیلابی فرا رسید و قوم او را غرق ساخت، مگر تعدادی که همراه نوح بر کشتی نشستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا در برابر تکذیب رسولان خویش واکنش سختی نشان می‌دهد، پس ستمکاران مراقب رفتار خود باشند. ۲. از سرنوشت عذاب‌آلود قوم نوح عبرت بگیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۰ قرآن کریم در آیات سی و هشتم و سی و نهم سوره‌ی فرقان به سرنوشت عذاب‌آلود اقوام سرکش عاد، ثمود و اصحاب رسّ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸ و ۳۹. وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرِّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا * وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَلَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا و قوم عاد و ثمود و اصحاب الرِّسّ (: یاران چاه و پرستندگان صنوبر)، و گروه‌های زیادی را که بین آنان بودند، (هلاک کردیم).* و هر یک را (پند دادیم و) برای وی مثل‌ها زدیم، و (چون سودی نداد) همگی را کاملاً نابود کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرنوشت عاد یعنی قوم هود پیامبر علیه السلام اشاره شده است. هود علیه السلام در سرزمین احقاف (یا یمن) مبعوث شد و قومش سرکشی کردند و او را تکذیب نمودند و در نهایت هلاک گشتند. ۲. در این آیات به سرنوشت ثمود یعنی قوم صالح پیامبر علیه السلام اشاره شده است که در سرزمین میان مدینه و شام زندگی می‌کردند و در اثر

سرکشی و مخالفت نبود شدند. ۳. «رَس» در اصل به معنای اثر مختصر و یا به معنای چاه است و در این آیات به سرنوشت «اصحاب الرَس» نیز اشاره شده است. مفسران در مورد هویت این قوم اختلاف نظر دارند: الف) برخی می‌گویند آنها قومی بودند که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حَنْظَلَه داشتند که او را تکذیب نمودند و در چاه انداختند تا شهید شد. «ب) برخی مفسران بر آنند که آنان مردمی بودند که در انطاکیه (شام) زندگی می‌کردند و پیامبرشان حبیب نجار بود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۱ ج) برخی دیگر آنها را از بقایای قوم ثمود یا عاد می‌دانند. د) برخی از مفسران گفته‌اند که «رَس» همان «ارس» است که در شمال آذربایجان ایران است. ه) در حدیثی از امام رضا علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت شده که آنان قومی بودند که درخت صنوبری را می‌پرستیدند که به آن شاه درخت می‌گفتند. و دوازده شهر آباد به نام‌های: آبان، آذر، دی، بهمن، اسفندار، فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور و مهر داشتند «۱» که در هر ماه جشنی می‌گرفتند و در کنار درخت صنوبر قربانی می‌کردند و به سجده می‌افتادند. سرانجام خدا پیامبری به سوی آنان فرستاد که آنها را به یکتاپرستی فرا خواند، ولی او را تکذیب کردند و در چاه عمیقی افکندند تا جان سپرد و خدا به خاطر این ستم بزرگ آنان را گرفتار عذابی ساخت و نابود کرد. «۲» و در برخی احادیث نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که: زنان این قوم گرفتار انحراف هم‌جنس‌گرایی بودند. «۳» و در مورد مجازات زنان هم‌جنس‌گرا به سرنوشت آنان استدلال شده است. «۴» البته برخی از این تفسیرها و احتمالات با هم‌دیگر قابل جمع است. برخی از مفسران بر آنند که بعید است مقصود از اصحاب الرَس بقایای قوم عاد و ثمود باشد، همان‌طور که وجود این قوم در عربستان و شامات بعید است. «۵» «۴» خدا نخست با مخالفان اتمام حجت می‌کند و برای آنها مثال‌ها می‌زند و به بهانه‌جویی‌ها و ایرادهای آنان پاسخ می‌دهد و اگر تأثیر نداشت، آنان را عذاب می‌نماید. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام از سرنوشت عذاب‌آلود اقوام پیشین درس عبرت بگیرند (و دست از مخالفت بردارند). ۲. خدا نخست اتمام حجت می‌کند و مطالب و داستان‌های اقوام پیشین را برای مخالفان بیان می‌کند، سپس (اگر تأثیر نکرد) آنان را نابود می‌سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی فرقان به سرنوشت عذاب‌آلود و عبرت‌آموز قوم لوط اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا السَّوْءَ أَلَمُمْ يَكُونُوا يَرُودُهَا بِلْ كَانُوا لَّا يُؤْخِرُونَ نُشُورًا و بیقین (مشرکان) به آبادی (قوم لوط) که باران بد (سنگ‌ها بر آن) باریده شده بود، رسیدند؛ پس آیا هرگز آن را ندیده‌اند؟! (دیدند) لیکن هیچ امیدى به زنده کردن (مردگان) ندارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به شهر قوم لوط، یعنی شهر «سَدُوم» اشاره شده که در کنار راه شام (: سوریه) قرار گرفته است که عرب‌های مکه و حجاز در هنگام سفرهای تجارتنی به شام، از کنار ویرانه‌های شهر سدوم می‌گذشتند و صحنه‌های عبرت‌انگیز آن را مشاهده می‌کردند. «۱» «۲» مشاهده‌ی آثار باستانی باقیمانده از اقوام سرکش، انسان را به فکر و تأمل وامی‌دارد که مثلاً قوم لوط چگونه در دام گناه هم‌جنس‌بازی افتادند و سرکشی نمودند و فرجام عذاب‌آلود آنان چه بود؟ و اکنون در برزخ گرفتار چه عذاب‌هایی هستند و در رستخیز چگونه عذاب خواهند شد و ما چگونه تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۳ زندگی کنیم که دچار این عذاب‌ها نشویم. «۱» «۳» در این آیه اشاره شده که ریشه‌ی انحرافات، لجاجت‌ها و بهانه‌جویی‌های مشرکان آن است که به رستخیز اعتقاد ندارند و یا با توجه به اعمالشان، امیدى به پاداش‌های آخرت ندارند و از این روست که همه چیز را بازیچه می‌گیرند و جز به هوس‌های زودگذر دنیوی نمی‌اندیشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به آثار باستانی اقوام سرکش نظر کنید و درس عبرت بگیرید. ۲. اگر کسی به رستخیز ایمان و امید نداشته باشد، از سرنوشت دیگران درس عبرت نمی‌گیرد و برای عاقبت خویش فکری نمی‌کند. ۳. مخالفان اسلام از سرنوشت عذاب‌آلود (قوم لوط) درس عبرت بگیرند (و دست از لجاجت بردارند). *** قرآن کریم در آیات چهل و یکم و چهل و دوم سوره‌ی فرقان به استهزا و سخنان ناروای مشرکان نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پاسخ آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱ و ۴۲. وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَخِدُوكَ بِأَلْسِنِهِمْ أَلَّا هُمْ رُسُلُ اللَّهِ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْ لَمَّا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرُونَ الْعَذَابَ مَن أَضَلُّ سَبِيلًا و هنگامی که تو را می‌بینند، جز به

ریشخندت نمی گیرند؛ (و می گویند:) آیا این کسی است که خدا (او را بعنوان) فرستاده برانگیخته است؟! قطعاً تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۴ نزدیک بود ما را از معبودانمان گمراه سازد، اگر بر (پرستش) آن (معبودان) شکیبایی نمی کردیم (حتماً ما را بر می گرداند). و [لی در آینده هنگامی که عذاب را ببینند، خواهند دانست که چه کسی از نظر راه (یابی) گمراه تر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در برابر دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله منطبق و دلیلی نداشتند و فقط آن حضرت را ریشخند می کردند تا از تأثیر سخنان او بکاهند. ۲. مشرکان در برابر دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله به تناقض گویی افتاده بودند؛ یعنی از طرفی ادعای نبوت و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را بی اساس معرفی می کردند و آن را به ریشخند می گرفتند. و از طرف دیگر، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را جدی تلقی می کردند و می گفتند: اگر ما در برابر او صبر و استقامت نکنیم، ممکن است سخنانش مؤثر واقع شود و ما را از عقایدمان برگرداند. ۳. در این آیات به مشرکان وعده‌ی عذاب داده شده است. مقصود از این عذاب، یا مجازات دنیوی مشرکان هم چون شکست بدر است و یا مجازات اخروی و عذاب رستاخیز. «۱» البته مانعی ندارد که هر دو عذاب مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان لجوج اسلام منتظر عذاب الهی و روشن شدن حقایق باشند. ۲. رهبران الهی را ریشخند نکنید که این شیوه‌ی مشرکان بی منطبق است. ۳. مخالفان اسلام گرفتار ریشخندهای بی منطبق و تناقض گویی شده‌اند (ولی در واقع از پیشرفت اسلام نگران هستند). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۵ قرآن کریم در آیات چهل و سوم و چهل و چهارم سوره‌ی فرقان به هواپرستی، خردگریزی و حیوان‌صفتی مشرکان اشاره می کند و می فرماید: ۴۳ و ۴۴. «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا» * «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَتَّبِعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ يَلْمِزُوكَ إِذْ لَمْ يَكُن لَكَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ مِنْ شَيْءٍ عَدُوٌّ» * کسی که هوسش را معبود خود گرفت؟! و آیا تو حمایتگر او خواهی بود؟! یا مگر می پنداری که بیش تر آنان می شنوند یا خردورزی می کنند؟! آنان جز همانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان از نظر راه (یابی) گمراه ترند. شأن نزول: حکایت شده که سالی بر قریش سخت بود و در صحراهای اطراف مکه پراکنده شدند و هر کجا درخت زیبا یا سنگ جالبی می دیدند، آن را می پرستیدند و نام آن سنگ را صخره‌ی سعادت می گذاشتند و برای آن قربانی می کردند و درمان بیماری‌های حیوانات خود را از آنها می خواستند. این آیه بدین مناسبت نازل شد و آنها را سرزنش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ریشه‌ی انحراف مشرکان آن است که آنان از عقل خود استفاده نمی کنند و به سخنان حق دیگران نیز گوش نمی دهند؛ بنابراین راه عقل و نقل را بر خود بسته‌اند و دست‌رسی به علم و دانش بیرونی ندارند؛ از این روست که هم چون حیوانات شده‌اند. ۲. تعبیر «اکثرهم» در این آیات اشاره دارد که شاید در میان مشرکان فریب خوردگانی وجود دارند که اهل تعقل و شنیدن هستند و ممکن است تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۶ تدریجاً بیدار شوند و حق را بپذیرند. البته مقصود از «شنیدن» در این آیه شنیدن معمولی مطالب با گوش نیست، بلکه شنیدن و فهم مطالب حق و عمل بر طبق آن است. ۳. در این آیات بیان شده که «مشرکان، هوی و هوس خویش را معبود خود قرار داده‌اند.» مقصود از این جمله یا آن است که مشرکان از بت‌های خود پیروی می کنند و تمام انحرافات آنها از همین جا ریشه می گیرد؛ چون هوس‌های زودگذر مانع دیدن و شنیدن و تفکر حقایق می شود و زمینه‌ی انحراف بیش تر را فراهم می سازد. حقیقت سرابی است آراسته هوا و هوس گرد برخاسته تبیین که جایی که برخاست گرد نبیند نظر گر چه بیناست مرد (سعدی) و یا منظور آن است که مشرکان در انتخاب بت‌ها هیچ گونه منطقی ندارند بلکه هر گاه چشمشان به سنگ و درختی بیفتد و هوس کنند آن را به عنوان معبود برمی گیرند. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد؛ زیرا بت پرستی زائیده‌ی خرافه پرستی بی منطبق است که خود نوعی هواپرستی است. «۱» ۴. در احادیث اسلامی بارها خطر هواپرستی گوش زد شده است. از جمله از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: در زیر آسمان هیچ بتی بزرگ‌تر، در نزد خدا، از هوی و هوس که از آن پیروی می کنند، وجود ندارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۷ و در احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که هواپرستی دشمن عقل است. «۱» هواپرستی اساس تمام رنج‌هاست. «۲» دین‌داری و هواپرستی جمع نمی شود. «۳» آری؛ این هواپرستی و پیروی هوس است که انسان

را به شرک، انحرافات اخلاقی و جنسی و اعتیاد می‌کشاند و او را به فردی بی‌ارزش و زبون تبدیل می‌کند. و این هواپرستی است که انسان را به قدرت پرستی، پول پرستی و قتل و جنایت می‌کشاند و او را به فردی حیوان صفت تبدیل می‌کند. از این روست که امام علی علیه السلام فرمودند: شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند. «۴» ۵. هر کس می‌تواند در یکی از این مراحل باشد: الف) واقعاً انسان باشد، هم در صورت و هم در سیرت. ب) در ظاهر انسان باشد، اما در صفات هم چون حیوان باشد. ج) در ظاهر انسان باشد، اما در واقع و سیرت و باطن حیوانی درنده شود. د) در ظاهر انسان باشد، اما در حقیقت از حیوانات بدتر شده باشد و اگر حیوان یک نفر را می‌درد او هزاران نفر را بکشد. آیه‌ی فوق به مرحله‌ی دوم و چهارم اشاره کرده است. ۶. در این آیه بیان شده که گاهی انسان‌ها از حیوان پست‌تر و گمراه‌تر می‌شوند؛ چراکه: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۸ الف) گمراهی حیوان به خاطر نداشتن عقل است، اما انسان دارای عقل است و از آن استفاده نمی‌کند و گمراه می‌شود. ب) حیوانات در همان حال گمراهی خدمت‌گزار انسان‌ها هستند، اما انسان‌های گمراه سرکش، عامل مصیبت و بدبختی خود و دیگران می‌شوند. ج) خطر حیوانات وحشی محدود است و یک گرگ ممکن است یک انسان را بکشد، اما انسان‌های درنده‌خو، قدرت طلب و جنگ‌آفرین، گاهی میلیون‌ها نفر را به خاک و خون می‌کشند. د) حیوانات طبق غرایز طبیعی خود عمل می‌کنند، اما انسان‌های هواپرست همه‌ی قوانین تکوین و تشریح را زیر پا می‌گذارند تا به هوس‌های خود دست یابند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ناآگاهی، هواپرستی و حیوان‌صفتی ریشه‌ی اصلی انحرافات بزرگ است. ۲. ریشه‌های شرک و بت پرستی را در هواپرستی جست‌وجو کنید. ۳. تا وقتی که کسی هواپرست است، دفاع و کارسازی رهبران الهی نیز برای او سودبخش نیست. ۴. راه عقل و نقل را بر خود نبندید که از حیوانات گمراه‌تر می‌شوید. ۵. انسان دور از توحید، وحی و عقل، از حیوانات پست‌تر می‌شود. ۶. قلمرو پرواز انسان (بین دو قوس خلیفه‌اللهی) «۱» تا حیوان‌صفتی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۸۹

نشانه‌های خدا

قرآن کریم در آیات چهل و پنجم تا چهل و هفتم سوره‌ی فرقان به نشانه‌های خدا در تغییرات سایه‌ها و پوشیدگی شب و آرامش خواب و زندگی آفرینی روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵-۴۷. أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا * ثُمَّ قَبَضْنَا نَافَهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَبِيرًا * وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنُّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا آیا نظر نکرده‌ای که چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر (بر فرض) می‌خواست آن را حتماً ساکن قرار می‌داد؛ سپس خورشید را راه‌نمایی بر آن قرار دادیم. * سپس آن (سایه) را با فروگرفتنی آسان (و آهسته) به سوی خود باز می‌گیریم. * و او کسی است که شب را پوششی برای شما قرار داد؛ و خواب را (مایه) استراحتی؛ و روز را (مایه) زندگی (و پراکنده شدن در زمین) قرار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات گذشته سخن از مشرکان لجوجی بود که اکثر آنان نه خردورزی می‌کردند و نه حاضر بودند که مطالب حق را بشنوند و اینک در این آیات، نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت بیان شده تا شاید گروه اقلیت غافل‌ی که در میان آنان هستند، این سخنان را بشنوند و بیدار شوند و به سوی خدای یکتا رو آورند. ۲. در این آیات به سایه‌ها به عنوان یکی از نعمت‌های الهی اشاره شده است. سایه عبارت است از تاریکی کم رنگی که برای اجسامی پیدا می‌شود که نور از آنها عبور نمی‌کند. سایه یکی از لذت‌بخش‌ترین و مفیدترین نعمت‌های الهی است که انسان را در برابر تابش سوزان خورشید حفظ می‌کند و نور زندگی انسان را تعدیل می‌نماید. تابش یکسان نور همه چیز را می‌سوزاند و نبودن یکنواخت و تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۰ دایمی نور نیز همه چیز را منجمد می‌سازد؛ بنابراین، تغییرات نور و سایه زندگی انسان را معتدل و گوارا می‌سازد. ۳. مقصود از گسترش سایه در این آیات همان سایه‌ی قبل از صبحگاه است که پس از طلوع آفتاب کم کم برطرف می‌شود «۱» تا به هنگام ظهر، که سایه‌های معمولی به کلی معدوم می‌شود، یا به حداقل خود می‌رسد. ۴. خدا سایه‌ها را به تدریج جمع می‌کند، یعنی سایه‌ها در صبحگاه

یک مرتبه برچیده نمی‌شود تا تابش ناگهانی و شدید خورشید، برای موجودات زیان آور باشد، بلکه خدا با قدرت و به تدریج سایه‌ها را جمع می‌کند (۲). ۵. در این آیات اشاره شده که شب هم‌چون «لباسی» برای انسان است؛ یعنی پرده‌ی تاریک شب، همانند لباس، زشتی‌ها و اسرار بشر را می‌پوشاند و به او فرصت می‌دهد تا در فضای تاریک شب به استراحت و کارهای دیگر بپردازد که در نور روز انجام آنها مشکل است. این نیز یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خداست. ۶. «سُیَّات» در اصل به معنای قطع کردن است، سپس به تعطیل کردن کار گفته شده است. این واژه اشاره دارد که خواب انسان عامل تعطیلی بسیاری از فعالیت‌های جسمی و فکری اوست؛ یعنی در خواب فقط برخی از دستگاه‌های بدن، هم‌چون تنفس و قلب کار می‌کند و بقیه به استراحت و تجدید قوا می‌پردازند تا با نشاط به فعالیت‌های بعدی بپردازند. اگر خواب انسان قطع و نامنظم شود، نیرو و مقاومت انسان را درهم تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۱ می‌شکند و گاهی مرگ آفرین است. آری؛ آرامش خواب نیز یکی از نعمت‌های الهی و نشانه‌های اوست. ۷. «نُشُور» به معنای گستردن است و به زنده شدن پس از مرگ نیز نشور می‌گویند. وقتی موجودات در شب می‌خوابند، هم‌چون مردگان در سکوت خواب فرو می‌روند و هنگامی که روشنی روز گسترده می‌شود، گویی موجودات دوباره زنده می‌شوند و به جنب و جوش درمی‌آیند و زندگی نوینی را آغاز می‌کنند. ۸. هر چند نظام سایه‌سازی و پیدایش شب و روز و آرامش خواب، همگی عواملی طبیعی دارد؛ اما در حقیقت همه‌ی طبیعت و عوامل آن مخلوق خداست و علت نهایی همه چیز اوست؛ پس همه‌ی این‌ها نعمت‌ها و نشانه‌های قدرت و عظمت خدایند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نظام سایه‌سازی طبیعت بنگرید و درس خداشناسی بیاموزید. ۲. در فواید شب و آرامش خواب و زندگی آفرینی روز دقت کنید تا خدا را بهتر بشناسید (و سپاس او گوید). «۱» ***

قرآن کریم در آیات چهل و هشتم و چهل و نهم سوره‌ی فرقان به نشانه‌های خدا در نظام باد و باران و فواید آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۸ و ۴۹. وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا * لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا و او کسی است که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش مژده رسان فرستاد؛ و از آسمان آبی پاک و پاک‌کننده فرو فرستادیم؛* تا بوسیله‌ی آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم؛ و آن را به چهارپایان و انسان‌های بسیار، از آفریده‌هایمان، بنوشانیم.

تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به ارتباط بادها با نزول باران اشاره شده است که بادها نقش پیش‌قراولان نزول رحمت الهی را دارند؛ یعنی این بادها هستند که ابرها را از اقیانوس‌ها به سوی سرزمین‌های خشک می‌رانند، تا باران خود را بر مردم فرو ریزند و آنان را سیراب سازند. این بادها که معمولاً با رطوبت ملایمی همراه هستند، بوی باران می‌دهند و مژده‌رسان ابرهای باران‌زا هستند. ۲. تعبیر «ریاح» به معنای «بادها» که به صورت جمع آمده است، شاید اشاره به انواع مختلف بادها، هم‌چون شمالی، جنوبی، غربی و شرقی باشد که سبب گسترش ابرها بر کل کره‌ی زمین می‌شوند. «۱» ۳. در این آیات از آب با صفت «طَهُور» یاد شده است که به معنای چیز بسیار پاک و پاک‌کننده است؛ یعنی آب باران هم خود پاک است و هم چیزهای دیگر را از آلودگی پاک می‌کند. آب باران هوا را پاک و لطیف می‌سازد، شهرها، روستاها، صحراها و جاده‌ها را شست‌وشو می‌دهد و میکرب‌ها را در خود حل کرده، از بین می‌برد و بدین‌وسیله بیماری‌ها را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، آب باران ذخیره می‌شود، و آن را به خانه‌ها منتقل می‌کنند و وسیله‌ی شست‌وشو، وضو و غسل می‌شود و روح انسان را نیز پاک می‌سازد. ۴. «بَلْدَةٌ» در این آیه به معنای سرزمین و صحراست و مقصود سرزمین‌های مرده‌ای است که به وسیله‌ی آب حیات‌بخش باران زنده و سرسبز می‌شوند و غذای حیوانات را فراهم می‌سازند و انسان‌ها نیز از گوشت حیوانات می‌خورند و به زندگی ادامه می‌دهند. ۵. چرا این آیه نگفته که همه‌ی مردم و حیوانات از آب باران استفاده می‌کنند بلکه گفته بیش‌تر آنان؟! تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۳ تعبیر «کثیر» به خاطر آن است که برخی هم‌چون صحرانشینان، مستقیم از آب باران استفاده می‌کنند، ولی برخی دیگر غیر مستقیم. «۱» ۶. خدا آب باران را آماده می‌سازد و در اختیار بشر می‌گذارد تا هر وقت که اراده کرد از آن بنوشد، نه این که فقط آب را به آنان بنوشاند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در نظام وزش بادها مطالعه کنید و درس خداشناسی بیاموزید. ۲. در

نظام بارش باران و پاک‌کنندگی، زنده‌سازی و سیراب‌کنندگی آن بنگرید تا خدا را بهتر بشناسید (و سپاس او گوید). «۳» ***

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی فرقان به بیدارگری خدا و ناسپاسی مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۰. وَلَقَدْ صَبَّرْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذْكُرُوا فَبَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا و بی‌یقین این (حقایق قرآن) را، بین آنان به گونه‌های مختلف بیان کردیم تا متذکر شوند، و [لی] بیش‌تر مردم (از هر کاری) جز انکار سرباز زدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این آیه دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود آن است که خدا باران را به صورت‌های گوناگون و در جهات و مناطق مختلف فرستاد تا متذکر این نعمت بزرگ شوند و سپاس‌گزاری کنند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۴ ب) مقصود آیه آن است که خدا این آیات را به صورت‌های مختلف در میان مردم بیان کرد تا یادآور نشانه‌های الهی شوند و سپاس‌گزاری کنند. «۱» البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد، اما ظاهر آیه با توجه به آیات مشابه موافق تفسیر دوم است. «۲» ۲. در این آیه خدا بار دیگر اکثریت مردم را سرزنش کرده است؛ زیرا در برابر نشانه‌ها و آیات الهی ناسپاسی می‌کنند و از آنها در جهت هدایت و سعادت خویش استفاده نمی‌کنند، بلکه آیات و نشانه‌های او را انکار می‌کنند. مقصود از اکثریت در این آیه (با توجه به سیاق آیات) همان مشرکان و مخالفان اسلام هستند که در صدر اسلام اکثریت مردم مکه را تشکیل می‌دادند و اکنون نیز اکثریت مردم جهان راه شرک و کفر می‌پیمایند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیان آیات (قرآن و نشانه‌های) خدا برای بیدارسازی (و سپاس‌گزاری) مردم است. ۲. اکثر مردم به جای شکر نعمت‌های الهی ناسپاسی می‌کنند. ۳. از گونه‌های بیان آیات قرآن درس بیداری بگیرید و ناسپاسی نکنید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و یکم و پنجاه و دوم سوره‌ی فرقان با اشاره به جهاد بزرگ فرهنگی اسلام، وظایف رهبر اسلام در برابر کافران را بیان کرده، می‌فرماید: ۵۱ و ۵۲. وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا* فَلَا تُطِيعُ الْكُفْرِينَ وَجِهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۵ و اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً در هر شهری هشدارگری بر می‌انگیختیم.* پس از کافران اطاعت مکن، و بوسیله‌ی آن (قرآن) با جهاد بزرگ (فرهنگی) ی با آنان مبارزه کن. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به وحدت رسالت و رهبری جهان اشاره شده است که یکی از اصول مدیریت است؛ یعنی اگر خدا می‌خواست، می‌توانست در هر شهری یک پیامبر برانگیزد، اما تمرکز نبوت در وجود یک نفر، باعث وحدت و انسجام انسان‌ها و جلوگیری از تفرقه و تضعیف امت و عامل قدرت مؤمنان در سطح جهان می‌شود. ۲. در برخی از آیات قرآن آمده است که «هیچ امتی نبوده مگر آن که هشدارگری در میان آنان وجود داشته است.» «۱» و اینک در این آیه آمده است که اگر خدا می‌خواست، در هر شهری یک هشدارگر می‌فرستاد. این دو آیه با هم منافات ندارد؛ در یکی سخن از هر امت و در دیگری سخن از هر شهر است. ۳. در این آیات به اصل عدم سازش و عدم پیروی از کافران اشاره شده است. سازش با کافران سرکش و پیروی از خرافات و هوس‌های آنان آفت دعوت به سوی خداست. ۴. کافران دو گونه‌اند: الف) گروهی که با اسلام در حال ستیز و مبارزه‌اند، که سازش و تسلیم در برابر آنان ذلت‌آور و آفت‌زاست. ب) گروهی که سرستیز با مسلمانان ندارند و مایل‌اند در پناه اسلام زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، و قوانین جامعه‌ی اسلامی را محترم می‌شمارند. سازش و صلح با این گروه مانعی ندارد و به این گروه کافران «اهل ذمه» گفته می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۶ ۵. مقصود از «جهاد کبیر» در این آیه چیست؟ مسلماً، مقصود جهاد مسلحانه نیست؛ زیرا سوره‌ی فرقان مکی است و در مکه جهاد مسلحانه بر مسلمانان واجب نشده بود. پس مقصود جهاد فرهنگی، فکری و تبلیغاتی علیه کافران است که با کمک قرآن صورت می‌گیرد و مخالفان اسلام را در صحنه‌ی فرهنگی به شکست می‌کشاند. آری؛ اسلام از مسلمانان می‌خواهد که در برابر کافران دست به تهاجم فرهنگی بزنند. ۶. در این آیات، قرآن، اسلحه‌ی جهاد کبیر معرفی شده است؛ زیرا: - قرآن اسلحه‌ای فکری است که در صحنه‌ی جهاد فرهنگی کاملاً موثر است. - قرآن دارای قدرت بیان، استدلال، جاذبه و تأثیر عمیق است. - قرآن روشنی‌بخش، آرام‌بخش و حرکت‌آفرین است. ۷. در اسلام از سه جهاد سخن گفته شده است: الف) جهاد اصغر که همان مبارزه‌ی مسلحانه در میدان جنگ است. ب) جهاد کبیر که همین مبارزه‌ی فرهنگی در برابر کافران است. ج) جهاد اکبر که همان مبارزه با

هوس‌ها و هواهای نفسانی و خودسازی است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسالت پیامبر اسلام برای همه‌ی شهرها و تمام جهانیان است.

۲. خدا وحدت مدیریت و رهبری دینی را می‌پسندد. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۷. ۳. رهبر اسلام حق ندارد در برابر کافران (اسلام ستیز) به سازش و تسلیم تن دهد. ۴. در مرحله‌ی نخست در برابر کافران دست به تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی بزنید. ۵. قرآن را محور اصلی برای تهاجم فرهنگی به کافران قرار دهید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم و پنجاه و چهارم سوره‌ی فرقان به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی تلاقی آب‌های شور و شیرین و آفرینش انسان از آب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۳ و ۵۴. وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا* وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا و او کسی است که دو دریا را در آمیخت، این (یکی)، خوشی گوارا، و آن (دیگری) شور تلخ است؛ و بین آن دو مانعی و (منطقه‌ای) ممنوع حفاظت شده قرار داد.* و او کسی است که از آب، بشری را آفرید؛ و او را (دارای خویشاوندی) نسبی و دامادی قرار داد؛ و پروردگار تو توانا است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از دریاهای آب شور و شیرین، تمام مناطقی است که آب شور دریا و آب شیرین رودخانه‌ها به هم دیگر می‌رسند و در کنار هم دیگر قرار می‌گیرند، اما با هم مخلوط نمی‌شوند؛ چرا که درجه‌ی غلظت این دو آب با هم دیگر متفاوت است. این رودخانه‌های شیرین گاهی در دهانه‌های خلیج‌ها دریاچه‌ای از آب شیرین تشکیل می‌دهند و گاهی به صورت رودخانه‌ای در درون دریاها ادامه می‌یابند و صحنه‌ای شگفت‌انگیز از قدرت الهی را به نمایش می‌گذارند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۸. ۲. مقصود از فاصله و پرده‌ی نامرئی که بین دو دریای شور و شیرین کشیده شده است، همان تفاوت درجه‌ی غلظت آب شور و شیرین و اختلاف وزن مخصوص آن‌هاست که تا مدت‌ها مانع مخلوط شدن این دو آب می‌شود. «۱» ۳. مقصود این آیه از آفرینش بشر از آب چیست؟ در این جا حد اقل سه احتمال وجود دارد: الف) منظور آفرینش انسان نخستین از معجون خاک و آب است. ب) منظور آن است که قسمت عمده‌ی بدن انسان را آب تشکیل می‌دهد؛ پس ماده‌ی اصلی خلقت انسان آب است. ج) مقصود آیه خلقت انسان‌ها از آب مرد و زن است. یعنی هر انسانی از آب نطفه‌ی مرد (یعنی اسپرم) و زن (یعنی اوول) به وجود می‌آید. البته ممکن است که هر سه احتمال مقصود آیه باشد، اما تفسیر سوم با ظاهر آیه سازگارتر است. ۴. مقصود از «نسب» در این آیات، پیوند خویشاوندی است که از طریق تولد بین انسان و پدر و مادر، خواهران، برادران و فرزندان‌شان به وجود می‌آید. اما واژه‌ی «صِهْر» به معنای داماد است و مقصود پیوند خویشاوندی است که از طریق ازدواج با فامیل دیگران حاصل می‌شود که به آن پیوند سَبَبی نیز گفته می‌شود. «۲» ۵. تأثیر علل طبیعی در پیدایش انسان و دریاهای شور و شیرین، مانع آن نیست که این امور را به خدا نسبت دهیم و نشانه‌ای از قدرت خدا بدانیم؛ تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۲۹۹. چرا که همه‌ی این عوامل مخلوق او هستند. ۶. در حدیثی روایت شده که این آیه در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است؛ چرا که علی علیه السلام هم پسرعموی پیامبر و هم داماد ایشان است؛ بنابراین خویشاوند نسبی و سببی اوست. «۱» البته این گونه احادیث مصادیق روشن آیه را بیان می‌کنند و مانع عمومیت مفهوم آیه نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دریاشناسی و انسان‌شناسی اهمیت دهید. ۲. با مطالعه در دریاهای شور و شیرین خدا را بهتر بشناسید. ۳. در آفرینش انسان از آب و پیوندهای انسان‌ها دقت کنید و به قدرت خدا پی ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی فرقان به راه غیر معقول شرک و مخالفت کافران با پروردگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵. وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكُفْرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا و (مشرکان) غیر از خدا چیزی را می‌پرستند که به آنان سودی نمی‌بخشد و به ایشان زیان نمی‌رساند. و کافران بر ضد (فرمان) پروردگارشان (همواره) پشتیبان [یکدیگر] ند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شرک و بت پرستی باطل است؛ زیرا انسان عاقل به دنبال پرستش معبودی می‌رود که سود و زیانی برای او داشته باشد، پس بت‌ها و همتایانی که برای خدا قرار می‌دهند هیچ قدرتی ندارند و شایسته‌ی پرستش نیستند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۰. ۲. کافران در برابر راه خدا همکار و یاری‌گر هم‌دیگرند و نیروهای یک‌دیگر را تقویت و پشتیبانی می‌کنند اما تلاش آنان نافرجام است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران اقدام به

پرستش غیر مفید و غیر عاقلانه می‌کنند (ولی شما پرستشی سودمند و عاقلانه دارید). ۲. کافران بر ضد خدا متحد شده‌اند (پس شما مؤمنان نیز در راه خدا متحد شوید و پشتیبان یکدیگر باشید). ۳. چیزی را که سود و یا ضرری ندارد (هیچ کاری از او سر نمی‌زند) پرستش نکنید. ***

اهداف رسالت پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم سوره‌ی فرقان به وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله و پاداش رسالت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶ و ۵۷. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۵۷﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبًّا سَبِيلًا وَتَوَّابًا ﴿۵۸﴾

مژده آور و هشدارگر نفرستادیم. * بگو: «از شما هیچ پاداشی بر این (قرآن و رسالت) نمی‌طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وظایف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حول دو محور اساسی است: اول محور بشارت دادن و تشویق کردن مردم به سوی ایمان، کار شایسته و در نهایت وارد شدن به بهشت و رضوان الهی. دوم هشدار دادن به کافران و مشرکان که دست از مخالفت بردارند و راه جهنم را نپویند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۱. ۲. آیه‌ی اول نوعی تسلی خاطر و دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله و هشدار به مخالفان اسلام است. پیامبر وظیفه بشارت‌گری و هشدارگری خود را انجام می‌دهد، و مردم چه سخنان او را بپذیرند و چه نپذیرند، ایرادی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ چون وظیفه‌ی خود را انجام داده است (و مخالفان و موافقان دعوت او نیز مسئول اعمال و وظایف خویش هستند). ۳. در مورد استثنای آیه‌ی دوم چند تفسیر و احتمال وجود دارد: الف) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: من هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم و تنها پاداش من آن است که گروهی بخواهند راهی به سوی پروردگارش برگزینند. این تعبیر نهایت لطف و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به مردم نشان می‌دهد که او پاداشی جز خوش‌بختی مردم نمی‌خواهد. ب) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: من هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر این که کسانی بخواهند به میل خود اموالی را در راه خدا (و از طریق من به نیازمندان) برسانند. ج) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: من هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم، جز از کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگار پیدا کنند (که از این افراد محبت خویشاوندان و دوستی در راه خدا را به عنوان پاداش مطالبه می‌کنم؛ چرا که این محبت و دوستی ادامه‌ی رسالت و راهی به سوی خداست). «۱» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. ۴. در این آیه و آیات دیگر قرآن «۲» بر مجانی بودن رسالت پیامبر و ابلاغ قرآن و آیین اسلام تأکید شده است، تا برای مخالفان اسلام روشن سازد که تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۲ پذیرش اسلام و قرآن بسیار آسان است و هیچ هزینه‌ای در بر ندارد. و همین گواه صدق و پاکی پیامبر صلی الله علیه و آله است که هر گونه اتهامی را از پیامبر اسلام دفع می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظیفه‌ی رهبران الهی و مبلغان دینی بشارت‌گری و هشدارگری است (و مسئول نتیجه‌ی کار و کفر و ایمان مردم نیستند). ۲. تلاش رهبران و مبلغان الهی برای سود مادی نباشد. ۳. قرآن و رسالت هدیه‌ای الهی و مجانی است (پس قدر آنها را بیش‌تر بدانید). ۴. آرزوی رهبر اسلام خوش‌بختی مردم است و اگر چیزی از مردم طلب می‌کند در همین راستاست. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی فرقان در مورد توکل و تسبیح سفارش می‌کند و با هشدار به گناهکاران می‌فرماید: ۵۸. وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ﴿۵۸﴾

(خدای) زنده‌ای که نمی‌میرد، توکل کن، و با ستایش او تسبیح گوی؛ و آگاهی او به پیامدهای (گناهان) بندگانش کافی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کسی شایسته‌ی تکیه و اعتماد و توکل است که همیشه زنده باشد؛ یعنی موجودات فانی و موقت، قابل اعتماد و تکیه نیستند. ۲. مقصود از توکل آن است که انسان همه‌ی تلاش را به کار بندد و از اسباب طبیعی استفاده کند، ولی به علت اصلی و سرچشمه‌ی هستی توجه داشته باشد و بر او تکیه و اعتماد کند. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۳. ۳. خدا از گناهان بندگان آگاه است و همین برای شرمساری گناهکاران و پرهیز از گناه کافی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از توکل و تکیه بر خدا

غافل نشوید. ۲. از تسبیح و حمد الهی غافل نشوید. ۳. خدا از گناهان شما آگاه است (پس از او شرم کنید و گناه ننمایید). ***

قرآن کریم در آیه پنجاه و نهم سوره فرقان به نشانه‌های خدا در آفرینش شش مرحله‌ای جهان و تدبیر هستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹. الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَتَبَيَّنَ لَهُ خَيْرٌ آتَانِ (خدایی) که آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است را در شش روز (و دوره) آفرید. سپس بر تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) تسلط یافت؛ (او خدای) گسترده‌مهر است؛ پس درباره او از (خدا پرس که داناست و نیز از افراد) آگاه پرس. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در هفت آیه از قرآن آمده است «۱» که: «خدا جهان را در شش روز و دوره آفرید.» واژه «یوم» در لغت به معنای روز معمولی، یعنی از طلوع آفتاب تا غروب آن و گاهی نیز به معنای «مدتی از زمان» می‌آید «۲» و در قرآن بارها واژه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۴ یوم به معنای دوره یا مدتی طولانی از زمان آمده است، همان طور که در تعبیر «یوم القیامة» (روز قیامت) می‌گوییم و در برخی احادیث نیز اشاره شده که مقصود از «یوم» در آیه‌ی فوق مدتی از زمان است. «۱» پس مقصود از «یوم» در این گونه آیات، همان دوره‌های خلق آسمان‌ها و زمین است؛ بلکه از تعبیر برخی آیات که کلمه‌ی «بینهما» را اضافه دارد، استفاده می‌شود که مقصود آفرینش کل جهان در شش دوره است. ۲. در علم زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی نیز به دوران‌های خلقت زمین و جهان اشاره می‌کنند و بر اساس مطالعات علمی، حدس‌هایی بیان می‌کنند، اما آنچه مسلم است، مجموعه‌ی آسمان و زمین بلکه کل هستی، در چند دوره آفریده شده است که در آیات ۸-۱۱ سوره‌ی فضیلت به محتوای این دوره‌ها اشاره‌ای اجمالی شده است (در همان‌جا بیان خواهیم کرد). ۳. با آن که خدا می‌توانست جهان را در یک لحظه بیافریند، اما آن را در چند دوره آفرید؛ چرا که این گونه، عظمت، قدرت و علم آفریدگار بیش‌تر روشن می‌شود و حجت بر مردم تمام می‌گردد. در برخی احادیث نیز بدین مطلب اشاره شده است. «۲» ۴. «عَرْش» در اصل به معنای چیزی است که دارای سقف باشد، و گاهی به خود سقف «۳»، تخت‌های بلند، «۴» هم‌چون تخت پادشاهان و داربست‌های درختان «۵» نیز عرش گفته می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۵ اما وقتی این واژه در مورد خدا به کار می‌رود، به معنای مجموعه‌ی جهان هستی است که در حقیقت هم‌چون تخت حکومت پروردگار است و تعبیر: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» کنایه از تسلط زمامدار بر امور کشور خویش است؛ همان طور که در فارسی نیز تعبیر «بر تخت نشستن» کنایه از دست گرفتن قدرت و حاکمیت است. پس آیه‌ی فوق هیچ ربطی به «تجسم خدا» ندارد، بلکه کنایه از احاطه‌ی کامل و تسلط و تدبیر او در جهان هستی است و در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۱» ۵. در این آیه به نام «رحمان» اشاره شده است؛ یعنی گسترده‌مهری که رحمتش همه‌ی موجودات، اعم از مؤمن و کافر را در بر گرفته است. معرفی خدا با نام رحمان زمینه‌ای است برای دعوت مردم به پرستش رحمان که در آیه‌ی بعد خواهد آمد. ۶. مفسران قرآن در مورد واژه‌ی «سؤال» که در این آیه بدان اشاره شده است چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور از «سؤال» معنای پرسش باشد؛ یعنی هر چه می‌خواهی در باره‌ی خدا پرس از افراد آگاه پرس. «۲» ب) مقصود همان معنای پرسش باشد و بگوید هر چه می‌خواهی از آن خدایی که آگاه است پرس. «۳» ج) منظور معنای درخواست است؛ یعنی بر خدایی زنده که آفریدگار همه‌ی جهان و مدبّر آن است تکیه کن و هر چه می‌خواهی از او درخواست نما. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۶ البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد ولی معنای اول و دوم با واژه‌ی «خبیر» سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در آفرینش جهان و دوره‌های خلقت، درس خداشناسی بیاموزید. ۲. خدا در کار آفرینش عجله نکرده و آن را مرحله به مرحله انجام داده است. ۳. از آفریدگار آگاه و مدبّر هستی پرسش (و درخواست) کنید (نه از هر کس). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی فرقان به انکار و سرکشی مشرکان در برابر نام رحمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا و هنگامی که به آن (مشرک) ان گفته شود: «برای (خدای) گسترده‌مهر سجده کنید.» می‌گویند: «(خدای) گسترده‌مهر چیست؟! آیا برای چیزی سجده کنیم که [تو] به ما فرمان می‌دهی؟!» و (این سخن) بر نفرتشان افزود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «رحمان»

(گسترده‌مهر) از ریشه‌ی رحمت، یکی از نام‌های پرجاذبه‌ی خداست که مشرکان در برابر این نام خدا حساسیت نشان می‌دادند و آن را ناشناخته دانسته، انکار می‌کردند. ۲. در مورد انکار مشرکان نسبت به «رحمان» دو تفسیر وجود دارد: الف) آنان به خاطر تکبر و از روی استهزا رحمان را انکار می‌کردند. ب) نام «رحمان» برای عرب‌های آن عصر واقعاً ناشناخته بود. «۱» ۳. مشرکان با زیرکی خاصی، فرمان سجده بر خدای رحمان را به تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۷ پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دادند. در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله پیام‌رسان الهی بود و فرمان خدا را ابلاغ می‌کرد. و نیز به جای این که بگویند: «رحمان کیست؟» می‌گفتند: «رحمان چیست؟» تا بدین وسیله بگویند که ما هیچ اطلاعی از خدای رحمان نداریم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام، در مورد نام‌های خدا هم بر شما خرده می‌گیرند (پس آماده‌ی پاسخ گویی به آنان باشید). ۲. بهانه‌جویی در برابر خدا و پیامبر، عامل ازدیاد دوری و نفرت است. *** قرآن کریم در آیات شصت و یکم و شصت و دوم سوره‌ی فرقان به نشانه‌های بیدارگر و شکرآفرین خدای رحمان در صحنه‌ی آسمان و گردش شب و روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱ و ۶۲. تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا * وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا خجسته (و بیدار) است آن (خدایی) که در آسمان برج‌هایی قرار داد؛ و در آن، چراغ (خورشید) و ماهی روشنی بخش قرار داد. * و او کسی است که شب و روز را جانشین [یکدیگر] قرار داد، برای کسی که بخواهد متذکر شود یا بخواهد سپاس‌گزاری کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بروج» در اصل به معنای ظهور و در این جا اشاره به برج‌های آسمانی، یعنی صورت‌های فلکی ستارگان است که ماه و خورشید در هر موقعی در برابر یکی از آنان قرار می‌گیرند و از این روست که گاهی گفته می‌شود خورشید در برج حمل است یا قمر در عقرب است؛ یعنی ماه در برابر مجموعه‌ی ستارگانی است تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۸ که صورت فلکی عقرب شکل را تشکیل می‌دهند. «۱» ۲. در این آیات از خورشید با عنوان «سراج» (چراغ) یاد شده است؛ خورشید هم چون چراغی است که سوخت آن از داخل خودش تأمین می‌شود و نورش از خود اوست. به خلاف ماه که نور آن انعکاس نور خورشید است؛ از این رو از ماه با صفت «منیر» یاد شده است که به معنای روشنی بخش است و این یکی از شگفتی‌های علمی قرآن است. ۳. در این آیات به نظام دقیق جهان اشاره شده است. نظمی که بر ستارگان، سیارات، برج‌های آسمان و رفت و آمد شب و روز حاکم است، همگی حاکی از خدای پررحمت است که آفریدگار و ناظم جهان است. ۴. مطالعه در نظم شبانه روز، فطرت انسان را بیدار و روح سپاس‌گزاری را در او زنده می‌سازد؛ البته اگر کسی خود را به غفلت نزند و عمداً راه ناسپاسی را در پیش نگیرد. ۵. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده که جانشینی شبانه‌روز به جای هم‌دیگر برای آن است که اگر عبادتی از دست انسان رفت بتواند قضا کند «۲» (یعنی وظایف شب را در روز و بالعکس انجام دهد). البته این گونه احادیث بیان یکی از فواید و اهداف رفت و آمد شب و روز است، و گرنه رفت و آمد شب و روز فواید، آثار و اهداف دیگری نیز دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناسی، درس خداشناسی بگیرید. ۲. دقت در گردش شب و روز، عامل بیداری و سپاس‌گزاری انسان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۰۹

(جدید ۸)

صفات بندگان خدا قرآن کریم در آیات شصت و سوم و شصت و چهارم سوره‌ی فرقان به صفات ویژه‌ی بندگان خاص خدا در زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی و عبادت شبانه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳ و ۶۴. وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا بندگان (خاص خدای) گسترده‌مهر، کسانی هستند که فروتنانه بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب سازند، به آنان سلام (خداحافظی) گویند؛ * و کسانی که سجده‌کنان و (به نماز) ایستاده برای پروردگارشان شب زنده داری می‌کنند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که مشرکان، نام

«رحمان» را انکار می‌کردند و از این رو در آیات پیشین نشانه‌های خدای رحمان بیان شد و اینکه در این آیات سیزده صفت بندگان خاص «۱» خدای رحمان بیان شده است، تا با معرفی و بیان جایگاه بلند و شخصیت عالی بندگان خاص او، عظمت خدای رحمان مشخص شود. ۲. در این آیات به یک ویژگی اخلاقی بندگان خاص خدا اشاره شده که همان فروتنی در راه رفتن است؛ «۲» یعنی بندگان خاص حق، خودبرترین و متکبر نیستند و با غرور و خودخواهی بر زمین گام نمی‌نهند. کسی کو فروتن‌تر و رادتر دل دوستانش از او شادتر (فردوسی) تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۰. ۳. از این آیه به این نکته‌ی روان‌شناختی اشاره شده که صفات اخلاقی درونی انسان‌ها در رفتار و کردار بیرونی آنها آشکار می‌شود و طرز راه رفتن افراد نشانه‌ای از صفات درونی آنهاست؛ یعنی با دقت در رفتار افراد می‌توان ویژگی‌های روحی آنان را شناسایی کرد. ۴. بیماری کبر و غرور مانع پذیرش ایمان و کلید کفر است؛ انسان‌های متکبر حقایق را مسخره می‌کنند و در برابر پیامبران الهی سرکشی می‌نمایند، اما تواضع کلید ایمان است؛ چراکه انسان‌های فروتن به شخصیت دیگران احترام می‌گذارند و به سخنان آنان گوش فرا می‌دهند و بدون تکبر حق را می‌پذیرند و ایمان می‌آورند. افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است (پوریای ولی) ۵. در حدیثی تاریخی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که از کوچه‌ای عبور می‌کرد مشاهده کرد که مردم گرد دیوانه‌ای جمع شده‌اند و از رفتار او می‌خندند. پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را فرا خواند و فرمود: این شخص بیمار است؛ و دیوانه‌ی واقعی کسی است که با تکبر و غرور راه می‌رود و پیوسته به دو طرف خود نگاه می‌کند و پهلوهای خود را با شانه‌هایش حرکت می‌دهد. کسی که مردم به خیر او امید ندارند و از شر او در امان نیستند. «۱» بزرگان نکردند در خود نگاه خدایی از خویشتن بین مخواه ۶. فروتنی عامل بزرگی است یا تکبر: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۱ امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: ای عزیز! همان دفاعی که تو داری، دیگران هم دارند، تو اگر فروتن شدی، قهراً مردم تو را احترام کنند و بزرگ شمارند، و اگر تکبر کنی پیشرفت ندارد. اگر توانستند تو را خوار و ذلیل می‌کنند و به تو اعتنا نمی‌کنند و اگر نتوانستند در دل آنها خواری و در چشم آنها ذللی و مکانت نداری. تو با تواضع دل مردم را فتح کن ... «۱» ۷. در این آیات اشاره شده که دومین ویژگی بندگان خاص خدا، تحمل و حوصله است. آنان در برخوردهای اجتماعی با افراد نابخرد، با نرمی برخورد می‌کنند و هرگاه فردی نادان با آنان به جدال پرداخت و سخنان زشت گفت، به او سلام خداحافظی می‌گویند؛ یعنی به افراد نادان پاسخ نمی‌دهند و به جدال نمی‌پردازند و به گفتمان خود پایان می‌دهند و با بردباری از کنار آنان می‌گذرند. البته این مطلب نشانه‌ی عظمت روحی و ظرفیت بالای بندگان خاص خداست. بلی مرد آن کس است از روی تحقیق که چون خشم آیدش باطل نگوید (سعدی) ۸. در این آیات اشاره شده که سومین ویژگی بندگان خاص خدا، عبادت شبانه‌ی آنان است؛ یعنی آنها پاسی از شب را بیدار می‌مانند و به عبادت می‌پردازند. مناجات با خدا در دل شب که همه‌ی چشم‌ها به خواب رفته و ریاکاری در آن وجود ندارد، پرستشی عاشقانه است که جان انسان را با یاد خدا نورانی می‌سازد. دعای صبح و آه شب، کلید گنج مقصود است بدین راه و روش می‌رو که با دل‌دار پیوندی (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۲. ۹. واژه‌های «قیام» و «سجود» اشاره به اهمیت این دو عمل در عبادت و نماز است. البته شاید بتوان از این آیه استفاده کرد که نماز شب ایستاده، بهتر از نماز شب نشسته است؛ چراکه خدا قیام در شب را ستوده است. ۱۰. مقصود از بیتوته در شب، قسمتی از آن یا برخی شب‌هاست. «۱» از این آیه استفاده می‌شود که عبادت شبانه‌ی بندگان خاص خدا استمرار دارد. «۲» شب آمد شب که نالد عاشق زار گهی از دست دل‌گاهی ز دل‌دار آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از بندگان خاص رحمان باشید، فروتن، باحوصله و اهل نماز شب باشید. ۲. صفات اخلاقی افراد را از رفتار آنان بشناسید. ۳. در برابر تندی نادانان، نرم‌خو و باحوصله باشید. ۴. اهل شب‌زنده‌داری و عبادت در دل شب باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۳ نماز شب و فواید و موانع آن الف) اهمیت نماز شب: ۱. خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور شب‌زنده‌داری و نماز شب می‌دهد (اسراء، ۷۹؛ دهر، ۲۶ و طور، ۴۹). ۲. استغفار کنندگان در سحرگاهان مورد ستایش قرآن هستند (آل‌عمران، ۱۷ و ذاریات، ۱۸). ۳. حکایت شده

که پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار در مورد نماز شب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام سفارش کرد. «۱» ۴. «نماز شب شرف مؤمن است.» (امام صادق علیه السلام). «۲» ۵. «نماز شب را رها مکن که هر کس از نماز شب محروم شود زیان دیده و فریب خورده است.» (امام صادق علیه السلام) «۳» ب. فواید و آثار نماز شب: ۱. نماز شب انسان را به مقام محمود (: پسندیده) می‌رساند (اسراء، ۷۹). ۲. نماز شب ثواب و چشم روشنی‌ای دارد که کسی اندازه آن را نمی‌داند (سجده، ۱۶). ۳. «نماز شب روش شایستگان و موجب نزدیکی به خدا و مانع گناهان است (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۴» ۴. «نماز شب موجب سلامت بدن است.» (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) «۵». تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۴. ۵. «نماز شب بیماری‌ها را از بدن‌های شما دور می‌سازد.» (امام صادق علیه السلام) «۱» ۶. «نماز شب صورت را سفید و رزق را جذب می‌کند.» (امام صادق علیه السلام) «۲» ۷. «نماز شب مؤمن، گناهان روز او را از میان می‌برد.» (امام صادق علیه السلام) «۳» ۸. «نماز شب نور است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۴» ج. عوامل محرومیت از نماز شب: ۱. گناه (امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام). «۵» ۲. دروغ‌گویی (امام صادق علیه السلام). «۶» ۳. گاهی خدا انسان را از نماز شب محروم می‌سازد تا خودبینی و غرور پیدا نکند (امام باقر علیه السلام). «۷» د. شیوه‌ی نماز شب: نماز شب یازده رکعت است: - چهار نماز دو رکعتی به نیت نافله‌ی شب؛ - یک نماز دو رکعتی به نیت نماز شفع؛ - یک نماز یک رکعتی به نیت نماز وتر. یادآوری: نمازهای مستحبی را می‌توان در حال ایستاده، نشسته و حتی در حال حرکت (و رکوع و سجود با اشاره) انجام داد و نیز نمازهای مستحبی را می‌توان بدون سوره (بعد از حمد) خواند. در قنوت نماز «وتر» استغفار و دعاهای زیادی وارد شده که همه مستحب است. «۸» تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۵ قرآن کریم در آیات شصت و پنجم و شصت و ششم سوره‌ی فرقان به ویژگی دیگر بندگان خاص رحمان، یعنی پناه بردن به خدا از عذاب جهنم اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۵ و ۶۶. وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا و کسانی که می‌گویند: «ای پروردگار ما! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش ملازم دایمی است.» در حقیقت آن (جهنم)، بد قرارگاه و منزلگاهی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «غرام» به معنای مصیبت و ناراحتی شدید است که دست از سر انسان برنمی‌دارد، و به عذاب جهنم غرام گفته می‌شود، چراکه عذاب آن شدید و مستمر است. ۲. واژه‌های «مستقر» و «مقام»، به معنای جایگاه است و تأکید بر این مطلب است که دوزخ منزلگاه بدی است. و یا مقام به معنای جایگاه همیشگی برای کافران و مستقر به معنای جایگاه موقت برخی مؤمنان است؛ یعنی کافران و مؤمنان هر دو وارد جهنم می‌شوند، ولی گروه اول به صورت دایم و گروه دوم به صورت موقت در آن جا هستند. «۱» ۳. این آیات اشاره به ویژگی چهارم بندگان خاص خدا دارد، که همان تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۶ هراس از آتش جهنم است، به طوری که آنان مرتب به خدا پناه می‌برند و از او درخواست می‌کنند که عذاب را از آنان برطرف سازد. آری؛ بندگان خاص خدا از دوزخ می‌هراسند و همین ترس عامل مسئولیت‌پذیری بیش‌تر آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دوزخی شدن کوتاه مدت یا بلندمدت، هر دو عذاب بدی است. ۲. اگر می‌خواهید از بندگان خاص خدا شوید، از عذاب الهی بهراسید و به خدا پناه ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی فرقان به میانه‌روی بندگان خاص خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۷. وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا و کسانی که هرگاه (اموال خود را در راه خدا) مصرف می‌کنند، زیاده روی نمی‌کنند، و تنگ نمی‌گیرند، و (انفاق آنان روشی) معتدل بین آن [دو] است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طبق این آیه اصل انفاق و بخشش بندگان خاص خدا مسلم است، به طوری که نیاز به بیان و توضیح ندارد؛ یعنی بندگان خاص رحمان اهل بخشش هستند و این آیه فقط کمیت و کیفیت آن را مشخص می‌سازد. ۲. مقصود از «اسراف و سخت‌گیری» چیست؟ اسراف آن است که انسان چیزی را بیش از حد و در غیر موردش مصرف کند. و سخت‌گیری نقطه‌ی مقابل آن است؛ یعنی انسان چیزی را کم‌تر از حق و مقدار لازم مصرف کند. اسلام با هر دو پدیده‌ی اسراف و بخل مخالف است و به راه میانه سفارش می‌کند. آری: چو دخلت نیست خرج آهسته‌تر کن (سعدی) ۳. اسراف پدیده‌ی زشتی است که اسلام با آن مبارزه

کرده و در قرآن تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۷ وعده‌ی آتش به اسراف کنندگان داده شده است. «۱» اسراف عامل نابودی سرمایه‌های بشر است. در جهانی که منابع محدود دارد و جمعیت آن رو به رشد است، اسراف عامل محرومیت بیش‌تر مستمندان می‌شود. ۴. اسلام با بخل و تنگ نظری و سخت‌گیری در بخشش‌ها مخالف است؛ چراکه اگر راه انفاق بسته شود، مردم فقیر، فقیرتر می‌شوند و این با بینش توحیدی در تضاد است؛ اگر کسی بینش توحیدی داشته باشد و خدا را مالک همه چیز و رازق همگان و خود را امانت‌دار اموال خدا بداند، در هنگام بخشش کوتاهی نمی‌نماید. ۵. «قوام» در اصل به معنای استقامت و حد وسط دو چیز و عدالت است. «۲» و مقصود آن است که انسان در هنگام بخشش و مصرف اموال، راه میانه در پیش گیرد، نه راه اسراف یا سخت‌گیری و بخل؛ یعنی نه چنان بخشش کند که خانواده‌اش گرسنه بمانند و نه چنان سخت‌گیری کند که دیگران را از مواهب خود بی‌بهره سازد. مرا دخل و خوردار برابر بدی زمانه مرا چون برادر بدی (فردوسی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بندگان خاص خدا، در امور اقتصادی میانه‌رو هستند. ۲. در بخشش و مصرف اموال خویش راه اعتدال را در پیش گیرید. ۳. طوری عمل کنید که خانواده‌ی خود و دیگران را از مواهب اقتصادی محروم نسازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۸ قرآن کریم در آیات شصت و هشتم و شصت و نهم سوره‌ی فرقان به توحید گرای، قتل‌گریزی و پاکی بندگان خاص خدا و مجازات متخلفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۸ و ۶۹. وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَعَّفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا و کسانی که معبود دیگری را با خدا (بعنوان پرستش) نمی‌خوانند؛ و شخصی را که خدا (کشتن او را) حرام کرده است جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفر] گناه را خواهد دید. * در روز رستاخیز عذاب برای او دو (یا چند) برابر می‌شود، و در آن (عذاب) به خواری ماندگار خواهد شد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خون‌همی انسان‌ها محترم است مگر در موارد استثنایی که کسی بر اساس قوانین حق محکوم شده باشد؛ مثل این که کسی قتل عمد انجام دهد و قصاص شود. ۲. «اثاماً» در اصل به معنای اعمالی است که انسان را از ثواب دور می‌سازد، سپس به هر گونه گناهی گفته می‌شود و در این جا به معنای جزای گناه آمده است. «۱» ۳. مقصود از دو برابر شدن عذاب مشرکان، قاتلان و زناکاران چیست؟ پاسخ برخی مفسران آن است که این گناهان سرچشمه‌ی گناهان دیگر می‌شوند و از این رو عذاب دو چندان در پی دارند، برای مثال، شرک، زمینه‌ساز ترک واجبات الهی و انجام کارهای حرام دیگر می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۱۹ پاسخ دیگر آن است که مقصود از دو چندان شدن عذاب این افراد آن است که برای هر کدام از این گناهان عذاب جداگانه‌ای می‌شود، که مجموعاً عذاب چند برابر می‌شود. و پاسخ سوم آن است که عذاب این افراد جسمی و روانی است، چراکه در پایان آیه به خوار شدن آنان در آتش اشاره شده که عذابی روانی و روحی است. «۱» ۴. می‌دانیم که جاودانگی در آتش مخصوص کافران است؛ پس مقصود از خلود قاتلان و زناکاران در آتش چیست؟ پاسخ آن است که اولاً، «خلود» به معنای ماندگاری است نه به معنای جاودانگی. «۲» ثانیاً، ممکن است در این جا عذاب کسانی مورد نظر باشد که هر سه گناه (شرک، قتل و زنا) را با هم انجام می‌دهند که مستحق جاودانگی در آتش هستند. «۳» و ثالثاً، برخی از گناهان، مثل قتل نفس، سبب می‌شود که در نهایت انسان بی‌ایمان از دنیا برود. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک و قتل و زنا، عذابی دو چندان و خوار کننده دارد. ۲. اگر خواستید از بندگان خاص خدای رحمان شوید، توحید گرا، قتل‌گریز و باعفت باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۰ قرآن کریم در آیات هفتادم و هفتاد و یکم سوره‌ی فرقان به توبه‌کاران شایسته کردار و تبدیل بدی‌های آنان به نیکی‌ها و بخشش الهی نسبت به آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۰ و ۷۱. إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا * وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، پس آنان، خدا بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. * و هر کسی که توبه کند و [کار] شایسته انجام دهد، پس در حقیقت او به سوی خدا کاملاً باز می‌گردد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین،

سه گناه بزرگ شرک، قتل و زنا و کیفرهای آنها بیان شد و اینک در این آیه راه بازگشت را به سوی کسانی می‌گشاید که احیاناً مرتکب این گناهان شده‌اند تا بتوانند با توبه و کار شایسته به جبران گذشته بپردازند و این نهایت لطف و محبت خدا را نسبت به بندگان خویش نشان می‌دهد. ۲. در این آیات بر کردار شایسته در کنار توبه تأکید شده است تا نشان دهد که توبه‌ی حقیقی و مفید توبه‌ای است که با کردار شایسته همراه باشد و گذشته را جبران نماید، و گرنه مجرد استغفار با زبان و پشیمانی زودگذر دلیل توبه‌ی حقیقی نیست. ۳. مقصود از تبدیل شدن بدی‌های توبه‌کاران به نیکی‌ها چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) خدا بر اساس لطف و کرمش، گناهان توبه‌کاران را نابود می‌کند و به جای آنها کارهای نیک ثبت می‌کند، به طوری که در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که برخی بندگان خدا در رستاخیز با تعجب می‌پرسند که: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۱ «ما گناهان مهمی داشتیم ولی در نامه‌ی اعمال خود آنها را نمی‌بینیم.» (۱) ب) انسان توبه کار انقلابی روحی پیدا می‌کند و همین تحوّل سبب می‌شود که اعمالش در آینده به اعمال نیکی تبدیل شود؛ یعنی اگر در گذشته مشرک بود و بت می‌پرستید، اکنون اهل توحید می‌شود و خدای یکتا را می‌پرستد و این گذشته‌ی او را جبران می‌کند. ج) مقصود تغییر آثار گناهان انسان است؛ یعنی پس از ایمان و توبه، آثار سوء گناه از جان و روح انسان شسته می‌شود و آثار نیک جای آنها را می‌گیرد. البته این سه تفسیر آیه با هم دیگر منافاتی ندارد و ممکن است که هر سه مقصود آیه باشد. (۲) ۴. مفسران قرآن در مورد آیه‌ی اخیر نیز چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) هر کس توبه‌ی حقیقی کند و کردار شایسته انجام دهد، در واقع با اخلاص به سوی خدا باز گشته است؛ یعنی ارزش توبه به نیت خالص توبه کار بستگی دارد. ب) هر کس از گناه توبه‌ی حقیقی کند و کردار شایسته انجام دهد، در واقع به سوی پادشاه‌های الهی باز می‌گردد؛ بنابراین تعجبی ندارد که کارهای بد او به کارهای نیک تبدیل شود. البته مانعی ندارد که هر دو تفسیر آیه‌ی اخیر باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه بازگشت و توبه‌ی گناهکاران به سوی خدا باز است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۲ ۲. توبه‌ی حقیقی را با کردار شایسته (و جبران گذشته) همراه کنید. ۳. توبه کاران از گذشته‌ی خود نهراسند که سابقه‌ی بد آنان محو می‌شود. ۴. توبه‌ی حقیقی جان و نامه‌ی عمل انسان را پاک و نیک می‌گرداند. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و دوم و هفتاد و سوم سوره‌ی فرقان به سه ویژگی بندگان خاص خدا یعنی باطل‌گریزی، برخورد بزرگوارانه با بیهوده‌گرایان و توجه به آیات الهی، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲ و ۷۳. وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا* وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِبِئَاتٍ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُوْا عَلَيْهَا ضِعْمًا وَعُمِّيًّا* وَكَسَانِي كِه بِه بَاطِلِ گَوَاهِي نَمِي دِهِنْد (و در مجالس باطل حاضر نمی‌شوند). و هنگامی که بر بیهوده بگذرند، بزرگوارانه بگذرند؛* و کسانی که هرگاه به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، بر آنها (هم‌چون) ناشنویان و نابینایان در نمی‌افتند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «زور» به معنای تمایل و انحراف است و به دروغ، باطل و ستم نیز زور گفته می‌شود؛ چراکه این‌ها اموری انحرافی است و در این آیه مقصود گواهی باطل یا مجالس باطل است. ۲. واژه‌ی «یشهدون» در اصل یا به معنای «گواهی» است که در این صورت معنای آیه این گونه می‌شود: «بندگان خاص خدا به باطل گواهی نمی‌دهند؛ (چراکه آنان بندگان خدای حق هستند، پس به باطل سخن نمی‌گویند).» و یا اصل این واژه به معنای حضور است که در این صورت معنای آیه این گونه می‌شود: «بندگان خاص خدا در مجالس باطل حضور پیدا نمی‌کنند؛ (۱)» (چراکه حضور در این مجالس زمینه‌ساز آلودگی و امضای گناه دیگران است). ۳. در احادیث اسلامی از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از «زور» مجالس «غنا» (یعنی مجالس لهو و لعب) است. البته این گونه احادیث مصداق روشن آیه را بیان می‌کند، و گرنه مجالس تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۳ زور شامل هر گونه مجلس باطلی هم‌چون مجالس شراب‌خواری، غیبت و گناهکاری نیز می‌شود. ۴. «لغو» به معنای هر کار بیهوده‌ای است که هدف معقول، مفید و سازنده ندارد و بندگان خاص خدا از مجالس بیهوده و بیهوده‌گرایان دوری می‌گزینند؛ چراکه از کارهای بی‌هدف متنفرند. ۵. در این آیات بیان شده که بندگان خاص خدا از کنار کارها و مجالس بیهوده با بزرگواری عبور می‌کنند. این مطلب شاید به دو نکته اشاره دارد: الف) مجالس بیهوده‌گرایان بر بندگان خاص

خدا تأثیری ندارد و آنان نسبت به این مجالس بی‌اعتنا هستند. ب) بندگان خاص خدا وقتی می‌بینند برخورد مستقیم با منکرات تأثیری ندارد، به مبارزه‌ی منفی روی می‌آورند و به آنها بی‌اعتنایی می‌کنند. ۶. بندگان خاص خدا نسبت به آیات (قرآن) بی‌اعتنا نیستند، بلکه چشمی ژرف‌نگر و گوش‌شنوا دارند و در آیات الهی تفکر و تدبیر و آنها را در صحنه‌ی زندگی خود پیاده می‌کنند. در حالی که کافران و منافقان نسبت به آیات الهی بی‌توجه هستند و از این رو از آنها بهره نمی‌برند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از بندگان خاص خدا باشید، باطل‌گریز شوید. ۲. اگر می‌خواهید از بندگان خاص خدا باشید، از مجالس بیهوده و افراد بی‌هدف بزرگوارانه بگذرید. ۳. نسبت به آیات الهی گوش‌شنوا و چشمی بینا داشته باشید و درک آگاهانه‌ای از قرآن پیدا کنید. ۴. بندگان خاص خدا، باطل‌گریز و بزرگوارند و به آیات الهی توجه می‌کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۴ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و چهارم سوره‌ی فرقان به ویژگی دیگر بندگان خاص خدا، یعنی دعاها و آرزوهای بلند آنان برای خانواده و رهبری جامعه‌ی خویش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۴. وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا وَ كَسَانِي كَمَا مِي كويند: «ای پروردگار ما! از همسران ما و نسل ما به ما روشنی چشمان ببخش، و ما را پیشوای پارسایان (خود نگه‌دار) قرار ده.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بندگان خاص خدا، دارای آرزوهای بلند و هم‌تنی عالی هستند. آنان در مورد خانواده و رهبری جامعه‌ی خویش نقشه‌های عالی مطرح می‌کنند و نه تنها خود در این راه می‌کوشند، بلکه در دعاها و خود از خدا می‌خواهند که آنان را در این موارد یاری رساند. ۲. بدیهی است که مقدمه‌ی درخواست همسران و فرزندان نیکویی که نور چشم انسان و مایه‌ی افتخار جامعه باشند، آن است که افراد در تربیت خانواده‌ی خویش هم‌ت گمارند و آنها را با معارف عالی اسلام و قرآن آشنا سازند تا زمینه‌ی استجاب دعا و خود را فراهم آورند. ۳. «قُرَّةُ أَعْيُنٍ» در اصل به معنای سردی و خنکی چشم است و در این جا کنایه از کسی است که مایه‌ی سرور انسان شود. معادل فارسی این عبارت نور چشم یا چشم روشنی است. ۴. بندگان خاص خدا در مورد رهبری جامعه‌ی اسلامی طرح‌های بلندی دارند و از خدا می‌خواهند که آنان را پیشوای پارسایان قرار دهد. بدیهی است که مقدمه‌ی این درخواست آن است که اسباب و لوازم تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۵ پیشوایی را در خود فراهم و خود را الگوی جامعه سازند تا بتوانند هم خود هدایت شوند و هم دیگران را راه‌نمایی کنند. ۵. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که این آیه (و امامت مطرح شده در آن) در مورد امام علی علیه السلام یا امامان بعد از اوست. ۱) «البته مقصود این گونه احادیث بیان مصداق کامل آیه است، و گرنه بندگان خاص خدا و امامت آنها منحصر در امامان اهل بیت علیهم السلام نیست، و شامل هر انسان شایسته‌ای که به مقام بندگی خاص خدا برسد می‌شود. البته روشن است که هر کس به اندازه‌ی شعاع وجودی خود می‌تواند پیشوایی برخی از مردم را در جهت‌ی خاص به عهده گیرد. ۶. پیشوایی مردم برای خدمت به آنان مطلوب است، اما این پیشوایی هنگامی نیکوست که منصبی الهی باشد و مردم افرادی باتقوا و خودنگه‌دار باشند، چراکه رهبری غیر الهی غالباً قدرت‌طلبی و فساد به دنبال دارد و مردم بی‌تقوا برای رهبر خود مشکل‌آفرین و پرزحمت هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد خانواده، نسل آینده و رهبری جامعه‌ی اسلامی دعا کنید. ۲. در مورد خانواده، آیندگان و رهبری مردم، طرح‌ها و آرزوهای بلند داشته باشید. ۳. تقاضای ریاست معنوی و امامت الهی بر پارسایان، مذموم نیست، بلکه مطلوب است (چراکه این عشق به خدمت است نه تشنگی قدرت). *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۶ قرآن کریم در آیات هفتاد و پنجم و هفتاد و ششم سوره‌ی فرقان به صبر بندگان خاص خدا و پاداش آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵ و ۷۶. أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعَرْشَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا * خَلِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا آنان به خاطر شکیبایی‌شان، جایگاه‌های (بلند بهشتی) پاداش داده می‌شوند؛ و در آن جا، با زنده باد، و سلام رو به رو شوند؛* در حالی که در آن جا ماندگارند، (و آن جا) نیکو قرارگاه و منزلگاهی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «عَرْشَةَ» در اصل به معنای چیزی است که برمی‌دارند و می‌خورند و به قسمت‌های فوقانی ساختمان و طبقات بالای منزل‌ها نیز عَرَفَه گفته می‌شود. و در این جا کنایه از برترین منزلگاه‌های بهشت است و بندگان خاص خدای رحمان در آن منزلگاه‌ها و

درجات عالی بهشتی هستند. ۲. یکی از ویژگی‌های بندگان خاص خدا، همان صبر و استقامت آنان در تمام برنامه‌هاست و از این روست که منزلگاه‌های عالی بهشت به آنان داده می‌شود. ۳. صبر و استقامت در برابر مشکلات راه و مبارزه با هوس‌های سرکش و ایستادگی در برابر عوامل گناه و تحمّل محرومیت‌ها، همه از مصادیق صبر است که مردان الهی در برابر آنها شکمیا هستند. آری؛ پیمودن راه خدا بدون صبر و استقامت ممکن نیست و از این روست که در احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که صبر و استقامت نسبت به ایمان هم چون سر است نسبت به تن. «۱» ۴. «تَحِيَّت» در اصل به معنای «دعا کردن برای زنده بودن دیگران»، و «سلام» به معنای «دعا کردن برای سلامت دیگران» است. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۷ پس هنگامی که مردان الهی وارد بهشت می‌شوند، برای زندگی همراه با سلامت آنان دعا می‌کنند؛ همان طور که در برخی آیات قرآن آمده است که خدا و فرشتگان به بهشتیان سلام می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بندگان خاص خدای رحمان، منتظر مهمان‌نوازی در بهشت باشند. ۲. اگر بهشت جاویدان و نعمت‌های آن را می‌خواهید صفات سیزدهگانه‌ی بندگان خاص خدا را در خود پیاده کنید. ۳. بهشت را به بها می‌دهند، نه به بهانه. ۴. صبر و استقامت مردان خدا، پاداشی ویژه در بهشت دارد. ۵. بهشت مکانی نیکوست که در آن جا با سلام و زنده باد از مردان الهی استقبال می‌کنند. *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی فرقان با هشدار به مخالفان اسلام به ارزش دعا و دعوت آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷. قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْ لَدَعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (ای پیامبر) بگو: «اگر فراهخوان شما (به سوی ایمان) نباشد، پروردگارتان برای شما ارزشی قایل نمی‌شد؛ چرا که یقیناً (قرآن و پیامبر را) دروغ انگاشتید، پس در آینده (عذاب بر شما) لازم خواهد شد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «دعا» در این آیه چیست؟ مفسران چند پاسخ به این پرسش داده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۸ برخی بر آن‌اند که «دعا» به همان معنای مصطلح «دعا کردن» است؛ یعنی اگر دعاهای شما نبود، خدا به شما توجهی نمی‌کرد؛ و برخی دیگر آن را به معنای ایمان، عبادت، توحید، شکر و خواندن خدا در سختی‌ها دانسته‌اند. یعنی آنچه به شما ارزش می‌دهد، ایمان و توجه به خدا و شکر اوست. «۱» اما ممکن است «دعا» در این جا به معنای لغوی یعنی فراهخوان به سوی توحید و برنامه‌های دینی باشد؛ یعنی اگر این نکته نبود که خدا می‌خواهد شما را به سوی ایمان فراخواند، به شما توجهی نمی‌کرد. «۲» البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو معنای «دعا» (یعنی دعای مصطلح و لغوی) باشد که توحید، ایمان و عبادت و شکر از مصادیق و لوازم این معانی است، اما از آن جا که مخاطب آیه مشرکان هستند و آنان اهل دعا برای خدای یکتا نبودند، معنای اخیر با ظاهر آیه سازگارتر است. ۲. در احادیث بر اهمیت دعا تأکید فراوان شده است، به طوری که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: دعا اسلحه‌ی مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است. «۳» و در حدیث دیگر آمده که از امام باقر علیه السلام پرسیدند دعای فراوان بهتر است یا تلاوت زیاد قرآن، حضرت فرمود: «دعای فراوان (بهتر است) و به همین آیه استناد کردند.» «۴» یا ربّ از ابر هدایت برسان بارانی پیش‌تر زآن که چو گردی ز میان برخیزیم (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۲۹. ۳. استجاب دعا شرایطی دارد؛ هم‌چون شناخت بهتر خدا، پاکی قلب، آماده ساختن روح، جلب رضایت خدا قبل از دعا و کوشش طبیعی در مورد کارها همراه با دعا، که در احادیث اسلامی آمده است. اگر انسان می‌تواند کاری انجام دهد ولی کوتاهی کند و به دعا متوسل شود، دعایش مستجاب نمی‌شود. «۱» حافظ وصال می‌طلبد از ره دعا یا رب دعای خسته‌دلان مستجاب کن آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به تبلیغ و فراهخوان مخالفان به سوی خدا اهمیت دهید. ۲. انسان‌های تکذیب‌گر در نزد خدا ارزشی ندارند. ۳. مخالفان اسلام سرانجام، کیفر تکذیب‌گری، دامانشان را خواهد گرفت. ۴. دعا به انسان ارزش می‌دهد و عامل توجه خدا به انسان می‌شود. «۲» *** تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۱

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی

با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا.

۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحیدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبة‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۲ مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات علمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، موسسه التمهید، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر والمفسرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۳ اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبة النینوی الحدیثه، تهران، بی نو، بی تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدر المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفة السجادیة، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی،

۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقى التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۴. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البيت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسيله، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۵. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبري، ابو عبدالله الکوفی الحسین بن حکم بن مسلم الحبري، (م ۲۸۶) بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۶. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر

شیر) سید عبدالله شیر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفة، الطبعة الثانية. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۷ ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجّه بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۸ تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث

العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفة، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الايات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۳۹-۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیة، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی‌نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۴۰-۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیة، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی‌تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر

همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، قم، دانشگاه (انتشارات تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۴۱ اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید الله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المكتبة العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبئه الله، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیدالله قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمه للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدۀ الداعی، ابن فهد حلّی، جمال‌الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، انتشارات دارد کتاب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه‌الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۴۲. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع‌الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیکی نوین، دکتر اریک اوبلا-کر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامی به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۴۳ بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنز الفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید‌الدین محمد،

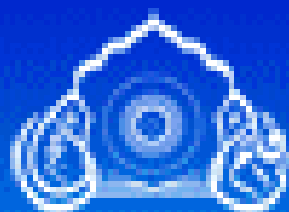
انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت: قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد چهاردهم، ص: ۳۴۴. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از

حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر

که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

